

بسمه تعالی

جزوه درس حسابرسی پیشرفته

استاد ارجمند: آقای دکتر شماخی

دانشگاه آزاد اسلامی – واحد اسلامشهر

مقطع کارشناسی ارشد

فهرست موضوعات

۳	حسابرسی عملیاتی	۱
۹	حسابرسی داخلی و استقلال حسابرس داخلی	۲
۱۸	سیستم های کنترل داخلی	۳
۲۵	گزارش حسابرسی	۴
۳۱	تأثیر گزارش حسابرسی بر قیمت و بازده سهام	۵
۳۹	تقلب در حسابرسی صورتهای مالی	۶
۴۴	مسئولیت های قانونی حسابرسان	۷
۵۱	حاکمیت شرکتی	۸
۵۷	حسابرسی سیستم های کامپیوتری	۹
۶۸	مدلهای پیش بینی ورشکستگی	۱۰
۸۴	استاندارد اول اجرای عملیات: برنامه ریزی کار و سرپرستی کارکنان	۱۱
۸۹	بررسی عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی	۱۲
۹۸	قانع کننده بودن شواهد حسابرسی	۱۳
۱۰۴	تأییدیه مدیران	۱۴
۱۰۹	حسابرسی مبتنی بر ریسک	۱۵
۱۱۸	هزینه یابی کیفیت	۱۶
۱۲۸	نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک یکپارچه	۱۷
۱۳۷	موارد اختلاف بین دستورالعملهای و قوانین حسابرسی مالیاتی و استاندارد های حسابداری	۱۸

حسابرسی عملیاتی

تهیه مطالب توسط : غیائی - نقدینه

تعریف حسابرسی عملیاتی :

عبارت است از فرایند منظم و روشمند برای ارزیابی اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی عملیات سازمان و گزارش نتایج ارزیابی، همراه با پیشنهادهای عملی به اشخاص ذیصلاح برای بهبود عملیات. علاوه بر تعریف ارائه شده به وسیله کمیته حسابرسی عملیاتی که بیان شد، در کتابها، نشریه‌ها و مقاله‌های موجود، تعریفهای متعددی از کارایی ارائه شده است. طبق این تعریفها، کارایی عبارت است از:

- دستیابی به هدفها با حداقل هزینه ممکن،
- چگونگی رسیدن به هدفها از طریق به کارگرفتن شیوه‌هایی که از حداقل امکانات، حداکثر بازده را به دست آورد،
- انجام دادن کارها بخوبی و بنحو مناسب و شایسته،
- حداکثر بازده برای داده معین، و
- افزایش تولید محصول با داده‌هایی ثابت.

در تمام این تعریفها، چهار موضوع مشترک زیر وجود دارد:

هدفها: آنچه سازمان می‌کوشد بدان دست یابد،

داده‌ها: منابع مادی، انسانی و مالی که واحد تجاری به کار می‌برد یا مصرف می‌کند،

ستاندها: محصول فعالیتها مانند کالاها، خدمات و یا سایر نتایج

فعالیتها: عملیاتی که از طریق آن واحد تجاری منابع خود (داده‌ها) را تبدیل به محصول (ستاندها) می‌کند

هدف حسابرسی عملیاتی

- ارزیابی عملکرد در مقایسه با هدفهای تعیین شده به وسیله مدیریت.

- شناسایی فرصت‌های بهبود عملیات از نظر صرفه اقتصادی و کارایی و اثر بخشی.
- ارائه پیشنهاد برای بهبود عملیات یا انجام اقدامات و رسیدگی های بیشتر.

مفاهیم اساسی حسابرسی عملیاتی

حسابرسی عملیاتی دارای سه مولفه کارایی، اثر بخشی و صرفه اقتصادی است که از اهمیت زیادی برخوردار است. امروزه ارزیابی کارایی، اثر بخشی و صرفه اقتصادی باید بخشی از فرایند عادی مدیریت هر واحد تجاری در بخش عمومی و خصوصی باشد و مدیران بررسی عملیات را به عنوان یکی از مسئولیت های خود برای کنترل فعالیتها تلقی کنند و ارزیابی مستقل عملکرد مدیران از طریق واحد حسابرسی داخلی یا حسابرسان مستقل صورت گیرد. صرفه اقتصادی: تلاش در جهت حداقل کردن هزینه تحصیل و استفاده از منابع سازمان با حفظ کیفیت مناسب. کارایی: نسبت نتایج به دست آمده از عملیات به منابع مصرف شده. عملیات کارا عملیاتی است که با استفاده از روشهای بهینه، حداکثر بازده را با صرف حداقل منابع تامین کند. اثر بخشی: میزان دستیابی به هدف.

رابطه بین صرفه اقتصادی و کارایی

بر اساس استانداردهای حسابداری دولتی ایالات متحد، صرفه اقتصادی و کارایی واژه‌هایی مرتبط با یکدیگرند و اظهارنظر حرفه‌ای جداگانه در مورد هر یک از این دو مفهوم غیرممکن است.

معمولاً حسابرسی عملیاتی به اظهارنظر حرفه‌ای در مورد عملکرد کلی سازمان منجر نمی‌شود و در نتیجه، این استانداردها نیز حسابرسی عملیاتی را ملزم به چنین اظهارنظری نمی‌کند، بلکه حسابرسی عملیاتی یافته‌ها و نتایج بررسیهای خود را در مورد حدود و کفایت عملکرد گزارش می‌کند. این گزارش همچنین شامل روشهای خاص، روشها و کنترل‌های داخلی است که می‌توان آنها را به صورت کارا تر یا موثر تر به کار برد.

ارتباط بین صرفه اقتصادی و کارایی و تاثیر آن بر نتایج حاصل را می‌توان به یک حرکت الاکلنگی تشبیه کرد، به این معنی که باید موازنه‌ای برای دستیابی به مقدارهای لازم از هر کدام ایجاد شود. موازنه مطلوب زمانی برقرار می‌شود که هزینه عملیات بدون کاهش کارایی (یا روشهای عملیات) و اثربخشی (یا نتایج عملیات) در حداقل سطح ممکن نگهداری شود که این همان تحقق صرفه اقتصادی عملیات است. در همان زمان، روشهای عملیات را باید با حداقل هزینه و بدون فداکردن نتایج انجام داد و این به معنی تحقق کارایی است. از این رو، می‌توان دریافت چرا صرفه اقتصادی و کارایی به طور معمول با همدیگر و به عنوان بخشی از روشهای حسابرسی عملیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نکات مهم برای تکمیل یافته‌های حسابرسی عملیاتی

حسابرس عملیاتی برای تکمیل یک یافته خاص حسابرسی عملیاتی باید از ویژگی‌های مختلف شامل وضعیت واقعی، معیار، علت‌ها، آثار و پیشنهاد‌های عملی آگاهی داشته باشد. به هر حال، اقدامات مورد نیاز برای تکمیل یافته‌های حسابرسی به هدف حسابرسی بستگی بسیار دارد. بنابراین، یافته حسابرسی وقتی کامل تلقی می‌شود که هدف حسابرسی را تأمین کند و گزارش حسابرسی به وضوح آن هدفها را به ویژگی‌های مزبور مرتبط سازد (قوامی، استانداردهای حسابرسی دولتی، ۱۳۷۸).

الف. وضعیت واقعی

وضعیت واقعی به موقعیتی گفته می‌شود که در عمل وجود دارد. وضعیت واقعی در جریان عملیات حسابرسی، مشخص و مستند می‌شود. حسابرس در تعیین وضعیت موجود یک یافته حسابرسی عملیاتی، باید به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهد: چه چیزی را یافته‌اید؟ چه چیزی را مشاهده کرده‌اید؟ چه چیزی معیوب، ناقص یا اشتباه است؟ و آیا نارسایی مشاهده شده، محدود به واحد عملیاتی مورد بررسی و یا گسترده‌تر از این حد است؟ (رایدر، راهنمای جامع حسابرسی عملیاتی، ۱۳۸۰).

مقدار، مبلغ و کیفیت خرید و فروش، وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌ها، تعداد و بهای تمام‌شده محصولات تولید شده، تعداد و دفعات حمل مسافر و بار، میزان و مبلغ ضمانت‌نامه و بیمه نامه‌های صادره، میزان و نوع تسهیلات اعطایی، تعداد پرونده های رسیدگی شده، تعداد گزارش‌های صادره، ساختار سازمانی، تعداد کارکنان صف و ستاد و هم‌چنین فرایندها و سیستم های به‌کار گرفته شده، نمونه‌هایی از وضعیت واقعی در واحد اقتصادی است.

حسابرس هنگام شناخت وضعیت واقعی، عملیات و اطلاعات مربوط را در دامنه رسیدگی بررسی می‌کند، سپس با انجام مصاحبه های اثر بخش، مشاهده عملیات، بررسی اسناد و مدارک خاص و نیز مستندسازی آنها، می‌کوشد حقایق را آشکار سازد.

ب. معیار

حسابرس عملیاتی در تجزیه و تحلیل وضعیت موجود، باید از شرایطی آگاه باشد که انتظار دارد در آن به مقصدها و هدف های عملیاتی دست یابد. در واقع این تجزیه و تحلیل شامل مطالعه و اندازه گیری عملکرد واقعی در مقایسه با معیارهای گوناگونی است که میزان دستیابی سازمان به هدف‌های مربوط را تعیین می‌کند.

حسابرس عملیاتی باید موضوع‌هایی از قبیل قوانین و مقررات مربوط، قرارداد و سیاست‌های موجود، سیستم‌ها و روش‌ها، استانداردها، جدول‌های زمانی، طرح‌ها و بودجه‌ها را مورد بررسی قرار دهد و به‌منظور تعیین معیار مناسب برای هر یافته حسابرسی خاص، با در نظر گرفتن وضعیت موجود، به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهد که: عملیات باید چگونه باشد؟ معیار ارزیابی و روش استاندارد چیست؟ در واقع در این مرحله، «چیزی که هست با چیزی که باید باشد» مقایسه می‌شود. (رایدر، راهنمای جامع حسابرسی عملیاتی، ۱۳۸۰).

۷- علت‌ها

ارزش یافته‌های حسابرسی عملیاتی زمانی بیشتر می‌شود که حسابرس علت‌های انحراف از معیارها را شناسایی کند. حسابرس عملیاتی به‌منظور تجزیه و تحلیل این علت‌ها باید به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهد: چرا این اتفاق افتاد؟ و دلایل وجود نارسایی‌های عملیاتی چیست؟ (رایدر، راهنمای جامع حسابرسی عملیاتی، ۱۳۸۰).

یکی از مهم‌ترین عوامل در تکمیل یافته حسابرسی عملیاتی، مشخص کردن علت‌های نارسایی‌ها است. این علت‌ها، موجب کاهش اثربخشی و از دست رفتن کارایی و صرفه اقتصادی می‌شود. حسابرس باید در شناسایی علت‌ها، دقت بسیاری را به کار برد. در برخی موارد، اشخاصی خاص عامل ایجاد نارسایی هستند. باید توجه داشت که مسئولیت حسابرس، شناسایی این اشخاص نیست، بلکه موضوع مورد نظر، شناسایی دلایل مهم انحراف از معیارهای مورد انتظار است.

علت‌ها ممکن است از موارد زیر ناشی شود:

ضعف مدیریت و وجود سیستم‌های عملیاتی نامناسب؛

نبود کنترل‌های مناسب در رابطه با ریسک‌های عدم دستیابی به هدف‌های فعالیت‌ها؛
موثر نبودن یا عدم رعایت کنترل‌های موجود؛
برنامه ریزی نامناسب یا نبود سیستم‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی؛
ساختار سازمانی نامناسب و مشخص نبودن شرح وظایف کارکنان؛
ناتوانی یا بی‌علاقگی کارکنان؛
سیاست‌ها، روش‌ها، دستورالعمل‌ها و استانداردهای ناکافی، مبهم و قدیمی؛
ضعف یا کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر؛
کمبود منابع مالی؛
موثر نبودن روش‌های اداری و داده‌پردازی؛
نبود ارتباطات موثر؛ و
نبود سیستم‌های اطلاعاتی مناسب.

ت. آثار

یکی از هدف‌های اساسی اجرای حسابرسی عملیاتی، متقاعد ساختن مدیریت واحد مورد رسیدگی به انجام مجموعه‌ای از اقدام‌های لازم به‌منظور اصلاح نارسایی‌های شناسایی شده است. حسابرس برای کمک به مدیریت در تجزیه و تحلیل وضعیت موجود، باید تا حد امکان آثار نارسایی‌ها را در قالب واژه‌های کمی مثل ریال، زمان، محصول، تعداد اقلام یا معاملات بیان کند. او در تعیین آثار یاد شده، باید بتواند به پرسش‌هایی از این قبیل، پاسخ دهد: یافته‌ها چه آثاری دارند؟ و نتایج نهایی شرایط موجود چیست؟ (رایدر، راهنمای جامع حسابرسی عملیاتی، ۱۳۸۰).

طولانی شدن زمان تحویل کالا و ارائه خدمات، از دست دادن بخشی عمده از سهم بازار، کاهش تولید و عدم ایفای به‌موقع تعهدات، کاهش کیفیت کالا و خدمات، نارضایتی کارکنان، مردم و مسئولان از عملکرد مدیریت، بازده نامناسب دارایی‌ها و زیان‌های عمده عملیاتی، نمونه‌هایی از آثار بی‌توجهی به شناسایی نقاط ضعف و عوامل ایجاد نارسایی‌ها و اصلاح آنها است.

ث. پیشنهادها

عامل اصلی تکمیل موفقیت آمیز یافته‌های حسابرسی عملیاتی، ارائه پیشنهادهایی برای انجام اقدامات اصلاحی جهت بهبود وضعیت نامساعد جاری است. پیشنهادها باید به‌طور منطقی به‌شرح وضعیت نامساعد کنونی، علت‌های مهم و اقداماتی بپردازد که برای جلوگیری از تکرار آن باید صورت گیرد.

پیشنهاد حسابرس باید اجرashدنی و منطقی باشد تا مدیریت به آسانی مزایای به‌کارگیری آنها را دریابد. حسابرس در مورد ارائه پیشنهادها باید به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهد: برای اصلاح وضعیت چه پیشنهادهایی می‌توان ارائه کرد؟ آیا این پیشنهادها، با وضعیت کنونی، معیارها، علت‌ها و آثار، رابطه منطقی دارند؟ و این‌که آیا پیشنهادها اجرashدنی و منطقی هستند؟ (رایدر، راهنمای جامع حسابرسی عملیاتی، ۱۳۸۰).

برون‌سپاری برخی از فعالیت‌ها، افزایش و کاهش تعداد کارکنان و اصلاح ساختار سازمانی، ایجاد شعبه‌های جدید، توقف خطوط تولید زیانده، تغییر در ترکیب فروش، خرید به‌صورت متمرکز، تغییر در پذیرش و نحوه عمل سفارش‌های دریافتی، تدوین سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های مورد نیاز، استقرار سیستم بهای تمام شده و اصلاح روش‌های اعطای تسهیلات و وصول مطالبات، نمونه‌هایی از پیشنهادهای حسابرسان عملیاتی است.

حسابرسی عملیاتی در سه سطح شامل ارزیابی عملکرد، شناسایی فرصت‌های بهبود و پیشنهاد برای بهبود عملیات انجام می‌شود ولی برخی از قراردادهای حسابرسی عملیاتی، از جمله قراردادهایی که از سوی شخص ثالث مثل وزیر مربوط و یا امور مجامع شرکت‌ها پشتیبانی می‌شوند، ممکن است شامل ارائه پیشنهاد نباشد. در چنین مواردی، یافته‌ها ممکن است تنها شامل ارزیابی عملکرد باشند و دربرگیرنده پیشنهادهایی مبتنی بر اصل هزینه / منفعت برای بهبود عملیات نباشند. در مواردی که هدف حسابرسی عملیاتی شامل ارائه پیشنهاد نیز باشد، بخش پیشنهاد گزارش در بیشتر موارد از اهمیت چشم‌گیری برخوردار است. اگرچه یافته‌ها، اغلب شکلاتی را تبیین می‌کنند که مدیریت به وجود آنها اعتقاد داشته است، اما راه‌حل‌های پیشنهادی، افکار و ایده‌های جدیدی را ارائه می‌کنند (صفار، حسابرسی عملیاتی، کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی، ۱۳۷۶).

بسط و تکمیل یافته‌های حسابرسی عملیاتی

حسابرس عملیاتی به‌منظور بسط و تکمیل یافته‌های حسابرسی باید به حد کافی عملیات مربوط را تجزیه و تحلیل و به موازات آن، کلیه اطلاعات مناسب و شفاف را گردآوری کند.

حسابرس با انجام این مرحله از فعالیت حسابرسی باید بتواند شواهدی را فراهم آورد تا مدیریت را قانع سازد که نارسایی‌هایی با اهمیت در عملیات مورد ارزیابی وجود داشته است و علل و آثار نارسایی‌های مربوط را مشخص کند. در واقع، مهم‌ترین مرحله انجام حسابرسی عملیاتی، بسط و تکمیل یافته‌های حسابرسی است.

برای انجام حسابرسی عملیاتی می‌توان از روش‌های متفاوت و متعدد استفاده کرد. از این‌رو، یک راهکار ثابت برای بسط و تکمیل وجود ندارد. به‌هر حال، مراحل زیر را می‌توان به‌عنوان راهکار پایه تلقی کرد:

۱. بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست‌ها، سیستم‌ها و روش‌های موجود، با این دیدگاه که در صورت اجرای کامل و صحیح، نتایج آن مطلوب خواهد بود. اگر نتایج این موارد مطلوب نباشد، حسابرس عملیاتی به‌طور مستقیم به کمی‌سازی آثار و مشخص کردن علل آن می‌پردازد (رایدر، راهنمای جامع حسابرسی عملیاتی، ۱۳۸۰)؛

۲. تعیین وضعیت واقعی، نتایج فعالیت‌ها و گردآوری شواهد معتبر در ارتباط با حوزه‌های عملیاتی تحت بررسی و معاملات مربوط؛

۳. تعیین معیارهای مناسب، مقایسه نتایج فعالیت‌ها و روش‌های انجام معاملات واقعی با معیارهای ارزیابی و روش‌های مصوب، جهت شناسایی نارسایی‌ها و بررسی این موضوع که نتایج به‌دست آمده و روش‌ها به‌درستی اجرا شده یا خیر؛

۴. رایزنی با مدیریت واحد مورد رسیدگی در رابطه با نتایج یافته‌ها و تفسیر شرایط موجود؛

۵. علت دست نیافتن به نتایج مطلوب، افزون بر علل پیشگفته ممکن است نبود کنترل‌های مناسب برای کاهش ریسک‌های عدم دستیابی به اهداف فعالیت‌ها یا نبود رعایت کنترل‌های مدیریت باشد، در نتیجه این موضوع باید به همراه مدارک و شواهد مناسب و کافی مشخص شود؛

۶. آثار را می‌توان بر حسب مبالغ از دست رفته و به‌صورت کمی بیان کرد. اگر آثار درخور توجه نباشد حسابرس از صرف وقت اضافی در تکمیل بیش از حد یافته‌های حسابرسی اجتناب می‌کند؛ و

۷. گردآوری اطلاعات برای ارائه پیشنهادها عملی جهت بهبود وضعیت از جنبه‌های اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی عملیات.

اگر در زمان ارائه پیشنهاد به واحدهای تجاری، هزینه پیشنهاد مطرح شده بیش از صرفه جویی برآوردی باشد، حسابرس و مدیریت هر دو ممکن است به این نتیجه برسند که این پیشنهادها توجیه اقتصادی ندارد. اما باید توجه داشت که پیشنهادها

حسابرس عملیاتی، به‌خصوص در مواردی که موضوع مورد حسابرسی «ارزیابی عملکرد» است، لزوماً به صورت اقتصادی ارزیابی نمی‌شود. این پیشنهادها، موجبات اثربخشی عملیاتی بیشتر، تصمیم‌گیری بهتر و افزایش کارایی می‌شود و روحیه کارکنان را بیش از پیش بالا می‌برد.

گزارشهای حسابرسی عملیاتی الزاماً دارای الگوی مشابه و یکنواختی نیستند. با این حال عموماً گزارشهای نهایی حسابرسی عملیاتی براساس عناوین زیر تدوین می‌شوند:

۱- مقدمه،

۲- هدف حسابرسی و دامنه عملیات،

۳- محدودیتهای حاکم بر رسیدگی،

۴- مراحل کلی انجام عملیات حسابرسی،

۵- روشهای انجام کار (روشهای رسیدگی)،

۶- یافته‌های مهم (مشمول بر شرح وضعیت واقعی، معیار، علل و آثار نارساییها)،

۷- پیشنهادها.

مقایسه با حسابرسی صورتهای مالی

علاوه بر اختلافات اشاره شده در بخشهای قبلی، حسابرسی عملکرد برخلاف حسابرسی صورت های مالی دارای اهداف و رویکردهای کلی تری است. حسابرسی عملکرد حرفه ای مستلزم انواع مهارتهاست و دارای یک ارتباط اثربخش با تمام سطوح سازمانی و ارزیابی تمام جوانب یک سازمان است. بخشهای مالی و حسابداری، تولید، مهندسی و کنترل موجودی، خدمات مشتریان، اعتبارات، خرید، پرسنلی و اداری، پردازش اطلاعات و بازاریابی و فروش از قسمتهایی هستند که می‌توانند مشمول حسابرسی عملکرد قرار گیرند. حسابرسی عملکرد حدود بیشتری از مسئولیتهای مدیریت را شامل می‌شود و هدف آن تعیین فرصتهایی برای کارایی و صرفه اقتصادی بیشتر و بهبود اثربخشی در اجرای روشها و عملیات است. حسابرسی عملکرد به عنوان یک شکل مدرن حسابرسی در مقایسه با حسابرسی صورتهای مالی و حسابرسی رعایت، است. تفاوت اصلی بین حسابرسی عملکرد و حسابرسی سنتی در نقش حسابرس است که در حسابرسی عملکرد نقش حسابرس بیشتر ارزیابی فعالیتها است.

از تفاوتهای حسابرسی مالی و حسابرسی عملکرد می‌توان به نحوه مدیریت آن نیز اشاره کرد که حسابرسی مالی طی یک چرخه سالانه تکراری انجام می‌شود در صورتی که حسابرسی عملکرد به صورت پروژه مجزا انجام می‌شود. یکی دیگر از تفاوتهای موجود بین این دو نوع حسابرسی در سطح استاندارد بودن آنهاست که در آن طرح ریزی حسابرسی عملکرد در قالب یک شکل استاندارد ثابت بسیار مشکل است.

حسابرسی داخلی و استقلال حسابرس داخلی

تهیه مطالب توسط : شادکام

تعریف سنتی حسابرسی داخلی

حسابرسی داخلی در مرحله اولیه صرفاً در خدمت مدیر مالی بود و وظیفه اش چیزی بیش از کنترل کیفیت عملیات حسابداری نبود. به عبارت دیگر محصول کار حسابرس داخلی، کنترل کیفیت کار حسابداری و مشتری آنان، یا مدیران مالی بود.

در تعریف سنتی حسابرسی داخلی، وظایف عمده زیر بر عهده حسابرسی داخلی قرار داشت:

- ❖ انعکاس رویدادهای مالی
- ❖ ارزیابی و تحکیم کنترل های داخلی
- ❖ اطمینان از حفظ منابع دارایی ها

تعریف مزبور در قیاس با تحولات پدید آمده که بر کارکرد حسابرسی داخلی اثر گذار است، نگاه محدودی به این حوزه از کار و فعالیت سازمان ها دارد.

همچنین حسابرسی داخلی را به مثابه چشم و گوش مدیریت می داند که عمدتاً وظیفه اطمینان دهی به مدیریت نسبت به رعایت قوانین، مقررات و دستورالعمل ها را بر عهده دارد.

تعریف جدید حسابرسی داخلی

انجمن بین المللی حسابرسان داخلی حسابرسی داخلی را این گونه توصیف می نماید:

" فعالیتی اطمینان بخش و مشاوره ای مستقل و واقع بینانه که با هدف ارزش افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می شود. حسابرسی داخلی با اتخاذ رویکردی نظام مند به سازمان کمک می کند تا به اهداف خود دست یابد و فرایندهای اثربخش مدیریت ریسک، کنترل ها و حاکمیت شرکتی را بهبود بخشد."

در این تعریف واژه های کلیدی وجود دارد که بیانگر وجه امتیاز و عمق وسعتی است که حسابرسی داخلی نوین نسبت به حسابرسی داخلی سنتی دارد.

این ها عبارتند از: اطمینان بخشی، مشاوره، مدیریت ریسک، حاکمیت شرکتی و ارزش افزایی.

با توجه به تعریف جدید، حسابرسی داخلی از جهات زیر تحول و ارتقاء یافته است:

۱. اهمیت یافتن نقش های اطمینان بخشی و مشاوره ای
۲. وسعت یابی وظیفه ارزش افزایی و بهبود فرایندها
۳. یافتن زبان مشترک با مدیریت در جهت حل مسائل سازمان
۴. تغییر دیدگاه خرد به دیدگاه کلان و تمرکز بر تحقق اهداف راهبردی سازمان
۵. توسعه مفهوم و دامنه و عمق کنترل نسبت به ریسک بنگاه
۶. تاکید بر آنچه باید انجام یابد به جای نگاه محدود به آنچه انجام یافته است.

حسابرسی داخلی کیست و چگونه تعیین می شود و فرایند گزارش دهی آن چگونه است؟

حسابرس داخلی شخص حقیقی یا حقوقی است که از طرف هیئت مدیره شرکت به منظور اجرای وظایف حسابرسی داخلی استخدام یا منصوب می شود. در واقع "حسابرسی داخلی" نوعی حسابرسی است که توسط کارشناسان حرفه ای که در استخدام سازمان مورد حسابرسی قرار دارند، انجام می شود.

فعالیت های حسابرسی داخلی در صورت انجام درست و اصولی کمک موثری در امر حسابرسی صورت های مالی پایان دوره بوده و قاعدتا باید هزینه حسابرسی مستقل را کاهش دهد. حسابرس داخلی به عنوان بخشی از سیستم کنترل داخلی بوده که در دهه اخیر به عنوان زیرمجموعه کمیته حسابرسی تلقی و توسط همین کمیته منصوب می شود.

گزارش حسابرسان داخلی به کمیته حسابرسی و در غیاب آن به مدیریت عالی (هیئت مدیره) شرکت ارائه می شود.

بدیهی است نخست پیش نویس گزارش حسابرسی داخلی همچون گزارشات حسابرسی خارجی باید در اختیار واحدهای مورد حسابرسی قرار گیرد تا پس از ارائه پاسخ های رسیده تکمیل و به شکل گزارش نهایی به مراجع درون شرکتی مربوط تسلیم شود.

اختیارات حسابرس داخلی

واحد حسابرسی داخلی اختیارات لازم را از هیات مدیره دریافت می کند. هیات مدیره به منظور انجام شدن حسابرسی داخلی، از لحاظ دسترسی نا محدود به اسناد و مدارک، کارکنان و فعالیتهای شرکت، به واحد حسابرسی داخلی اختیار تام می دهد و آن واحد را مسئول حفاظت از اسناد، مدارک، اطلاعات و اسرار شرکت می داند.

اهم وظایف حسابرسی داخلی

اهم وظایف حسابرسی داخلی به شرح ذیل می باشد:

- حسابرسی داخلی باید مدیریت ریسک ، سیستمهای کنترل و راهبری را ارزیابی و به بهبود آنها کمک کند .
- حسابرسی داخلی باید از طریق شناسایی و ارزیابی موقعیتهای با اهمیت ریسک به شرکت کمک کند و در بهبود مدیریت ریسک و سیستم های کنترل مشارکت نماید.
- حسابرسی داخلی باید اثربخشی سیستم مدیریت ریسک را بررسی و ارزیابی نماید.
- حسابرسی داخلی باید موقعیتهای ریسک مرتبط با راهبری شرکت ، عملیات و سیستمهای اطلاعاتی شرکت را از نظر قابلیت اطمینان و صحت اطلاعات مالی و عملیاتی ، اثربخشی و کارایی عملیات ، حفاظت از داراییها و رعایت قوانین ، مقررات و قراردادهای ارزیابی کند .
- حسابرسی داخلی باید شرکت را در حفظ کنترل های کارآمد از طریق ارزیابی اثر بخشی و کارایی کنترلها و بهبود مستمر آنها کمک کند.
- حسابرسی داخلی باید بر مبنای نتایج حاصل از ارزیابی ریسک، کفایت و اثربخشی کنترلها ، شامل راهبری شرکت ، عملیات و سیستمهای اطلاعات را ارزیابی کند.
- حسابرسی داخلی باید به فرآیند راهبری شرکت از طریق ارزیابی و بهبود فرآیند مزبور با تاکید بر اینکه هدف ها و ارزشها تهیه و تدوین شده و ابلاغ گردیده اند، دستیابی به هدفها مورد توجه بوده و بررسی می شود ، پاسخگویی وجود دارد و ارزشها رعایت می شود ، کمک کند.

شرح وظایف و حدود رسیدگی های حسابرسی داخلی

رسیدگیهایی که حسابرس داخلی در مورد فعالیتهای همه واحد های شرکت انجام می دهد بشرح زیر است:

۱. مطالعه و بررسی فعالیتهای واحد های مختلف شرکت و اسناد و گزارشهای تهیه شده به منظور آگاهی از تطابق آنها با قوانین ، اساسنامه ، آیین نامه ها و دستورالعمل ها.
۲. بررسی گزارشهای مالی و میزان رعایت استاندارد های حسابداری و میزان قابلیت اعتماد و اتکای اطلاعات صورتهای مالی.
۳. بررسی اجرای مطلوب مصوبات هیات مدیره شرکت در زمان تعیین شده.
۴. بررسی رعایت و اجرای صحیح آیین نامه های شرکت اعم از مالی ، معاملات ، استخدامی و ... و در صورت لزوم پیشنهاد بازنگری و اصلاح آنها.
۵. بررسی چگونگی اجرای آیین نامه نظام راهبری شرکتی.
۶. بررسی میزان کارایی و اثربخشی نظام کنترلهای داخلی شرکت.
۷. بررسی فرآیندهای عملیاتی با رویکرد مهندسی ارزش و در صورت لزوم پیشنهاد بازنگری و اصلاح آنها به تناسب توسعه فعالیت شرکت.
۸. بررسی شاخصهای عملکردی از جمله بهره وری ، کارایی و اثربخشی بر اساس شاخصهای مربوط.
۹. بررسی عملکرد و بودجه شرکت و ارایه گزارش های ادواری.

۱۰. بررسی قراردادهای و معاملات عمده شرکت.

۱۱. بررسی مسئولیتهای اجتماعی شرکت.

۱۲. بررسی گزارشهای مالی مورد درخواست سازمان بورس و اوراق بهادار.

۱۳. بررسی میزان تحقق برنامه ها و اهداف راهبردی شرکت.

ضرورت وجود حسابرسان داخلی چیست؟ با وجود حسابرسان رسمی چه نیازی به آنها است.

حسابرسی مستقل معمولاً یک ضرورت قانونی است و مدیریت سازمان مکلف به انجام آن است در حالی

که حسابرسی داخلی ارزیابی مستقلی است که توسط مدیران سازمان بوجود می آید. هدف اصلی حسابرسی مستقل، اظهارنظر در مورد صورت های مالی شرکت بوده به طریقی که به نحو درستی تنظیم و وضعیت شرکت را به شکلی مطلوب نشان داده که دارای اشتباه و تحریف با اهمیت نباشد.

اما هدف اصلی حسابرسی داخلی، بررسی همه سیستم کنترل داخلی است.

حسابرسی مستقل ممکن است در مورد سیستم کنترل داخلی نیز اظهارنظر کند، اما این اظهارنظر به کنترل هایی محدود می شود که حسابرسان آن را به عنوان بخشی از کار خود مورد ارزیابی قرار داده اند، ولی حسابرسی جامع کنترل های داخلی از وظایف حسابرسان داخلی است.

از آنجا که حسابرس داخلی در استخدام شرکت است، به طور پیوسته با مدیریت و شرکت همکاری داشته و می تواند سیستم های کنترلی و کارایی آن را بررسی کرده و زودتر از حسابرسان مستقل به نواقص موجود پی برده و مدیریت را در جریان بگذارد. ماهیت حسابرسی داخلی، نظارت قبل از خرج بوده در حالی که ماهیت حسابرسی مستقل، نظارت بعد از خرج است.

نحوه رسیدگی حسابرسان مستقل به عملیات شرکت های بزرگ به خصوص با توجه به زمان محدود متکی بر نمونه گیری، تست و چک بوده و عملاً نمی توانند آنچنان که حسابرسان داخلی به آزمایش و بررسی حساب ها و مدارک و اطلاعات می پردازند در جزئیات وارد شوند.

حسابرسان داخلی به چه مرجعی پاسخگو هستند؟

حسابرس داخلی در برابر دستگاه مدیریت جوابگو است و براساس مقررات جدید و مقررات حاکمیت شرکتی، حسابرس داخلی تحت نظر کمیته حسابرسی فعالیت کرده و باید در مقابل این کمیته پاسخگو باشد.

کمیته حسابرسی، کمیته ای است شامل سه تا هفت نفر که زیر نظر یکی از اعضای غیرموظف هیئت مدیره قرار دارد و مسئولیت نهایی نظارت بر کلیه فعالیت های مالی شرکت را بر عهده دارد. منظور از اعضاء غیرموظف کمیته حسابرسی، اشخاصی است که باوجود عضویت در هیئت مدیره شرکت، مسئولیت اجرایی یا عملیاتی در آن شرکت ندارند. یکی از اعضاء این کمیته الزاما باید مسلط به امور مالی باشد.

حسابرسان داخلی چگونه کارآیی، شفافیت و قابلیت اتکای اطلاعات در شرکت را ارزیابی می کنند؟

از طریق رسیدگی به گزارش های مالی و عملیاتی واحدهای تحت بررسی این کار را انجام می دهند. این رسیدگی می تواند بررسی مبانی به کار گرفته شده برای شناسایی، اندازه گیری، طبقه بندی و گزارش اطلاعات و همچنین انجام رسیدگی ویژه (شامل آزمون گسترده معاملات و مانده حساب ها و روش) در باره هر یک از عملیات شرکت باشد.

همچنین بررسی صرفه اقتصادی، کارآیی و اثربخشی عملیات واحد اقتصادی و بررسی رعایت قوانین، مقررات و سایر الزامات برون سازمانی و دستورالعمل های مدیریت از دیگر راهبردهای حسابرس داخلی محسوب می شوند. چنانچه این وظایف به درستی انجام شوند، حسابرسی داخلی نقش بازدارنده را در برابر سوءاستفاده کنندگان احتمالی و نقش کنترلی در جهت پیشگیری یا آشکار کردن تقلب داشته، همچنین با شناسایی موارد اتلاف منابع و فقدان کارآیی سبب صرفه جویی بنگاه در هزینه ها می شود.

رابطه سازمانی مدیران و حسابرسان داخلی

جایگاه حسابرسی داخلی باید به گونه ای باشد که بتواند بطور اثربخش عمل کند. از این رو، پشتیبانی مدیریت سازمان از حسابرسی داخلی، یک ضرورت است. حسابرسی داخلی باید با مشورت با مدیریت، ضرورت ها و اولویت های کار خود را تعیین کند. بنابراین، رئیس حسابرسی داخلی باید آزادانه به مدیران ارشد، دسترسی داشته باشد و به آنها گزارش کند. نتایج یک تحقیق نشان می دهد که عملکرد حسابرسی داخلی بیشتر به جایگاه مستقل آن بستگی دارد. با تامین جایگاه مناسب حسابرسی داخلی در ساختار سازمانی، می توان نسبت به استقلال واحد حسابرسی داخلی اطمینان لازم را به دست آورد.

موقعیت سازمانی حسابرسی داخلی به توانایی و اثربخشی آن بستگی دارد. در بیشتر سازمانها وظایف حسابرسی داخلی در بخش مالی و زیر نظر مدیر اجرایی است. این موقعیت تا حدی قابل قبول و رضایت بخش است، زیرا حسابرسی داخلی باید به کسی گزارش دهد که کل بخش عملیاتی را بررسی می کند.

معمولا حسابرس داخلی به حمایت مدیرعامل نیاز دارد. در سازمان های پیشرو معمولا یک مدیر اجرایی قوی حامی نیروهایش است و آنها را هدایت می کند. در گام نخست حسابرس به حمایت او نیاز دارد. در نقطه مقابل نیز مدیر می تواند منافع قابل توجهی را از خدمات حسابرسی انتظار داشته باشد. مدیران معمولا یک زمینه تخصصی دارند. شایسته است حسابرس داخلی فعالیت خود را در زمینه ای شروع کند که مدیر با آن آشنا باشد و این بهترین فرصتی است که می تواند توانایی خود را نشان دهد.

در مرحله ی اجرا نیز رئیس واحد حسابرسی داخلی باید طرح حسابرسی داخلی را با مشورت و نظر مدیریت ارشد سازمان تهیه کند. حسابرس داخلی باید زمان بندی اجرای حسابرسی داخلی را با هماهنگی و مشورت مدیریت واحدهای مورد رسیدگی، تنظیم کند، مگر در موارد نادری که رسیدگی بدون اعلام قبلی، از ضروریات حسابرسی است. مشورت با مدیریت سازمان می تواند زمینه هایی را برای حسابرسان داخلی روشن کند که مورد توجه خاص مدیریت است. یافته های حسابرسی داخلی باید محرمانه تلقی و تنها با مدیرانی در میان گذاشته شود که مسئول مستقیم واحد مورد رسیدگی هستند، مگر اینکه آنان، با طرح کردن گسترده تر موضوع، به روشنی موافقت کرده باشند. همچنین گزارش حسابرس باید پس از مذاکره با مدیریت تهیه شود. این گونه مذاکرات برای برقراری رابطه خوب و صمیمانه بین حسابرس داخلی و مدیریت، ضروری است.

دامنه حسابرسی داخلی

دامنه حسابرسی داخلی اغلب به اشتباه منحصر به موضوعات مالی تصور میشود. اما با توجه به هدف حسابرسی داخلی دامنه حسابرسی داخلی همه ی جنبه های کنترل داخلی را اعم از مالی و غیر مالی در بر میگیرد.

تاکید حسابرسی داخلی بر هر کنترل خاص نشانه ی میزان خطر و زبانی است که متوجه سازمان میشود. زیان های مالی میتوانند از ضایعات – سهل انگاری – کلاه برداری یا موارد دیگر ناشی شود. با اینکه خطر زیان مالی بسیار با اهمیت است اما این تنها خطری نیست که حسابرسی داخلی به آن توجه دارد برای مثال خطر تبلیغات منفی میتواند خسارت های جبران ناپذیری به سازمان وارد کند.

برخی از سیستم های اصلی که زیر پوشش حسابرسی داخلی قرار میگیرد به شرح زیر است:

سیستم های مالی:

- حسابداری مالی
- حسابداری مدیریت و بودجه
- پیش بینی ها و برنامه ریزی تجاری
- حقوق و دستمزد
- روش های پرداخت های نقدی

سیستم های مدیریت:

- برنامه ریزی استراتژیک

- کنترل عملیات
- ارزیابی سرمایه گذاری ها
- مدیریت سیستم های اطلاعاتی
- کارکنان و سیستم های منابع انسانی

سیستم های عملیاتی:

- استخدام کارکنان
- اجاره محل
- مدیریت برگزاری سخنرانی ها و سمینارها

استقلال حسابرسی داخلی

عامل اصلی برای توانمند بودن حسابرسی داخلی استقلال آن است . مدیریت باید این عامل را به رسمیت بشناسد و با تامین جایگاه مناسب حسابرسی داخلی در ساختار سازمانی نسبت به استقلال واحد حسابرسی داخلی اطمینان دهد.

عملکرد حسابرسی داخلی باید چنان باشد که به روشنی نشان دهد حسابرسی داخلی تحت تاثیر هیچگونه اعمال نفوذ غیر مسئولانه نیست که بتواند دامنه رسیدگی یا کار آن را محدود یا تغییر دهد یا بتواند در تصمیم گیری آن درباره ی محتوای گزارشهایی که به مدیریت ارائه میشود بطور قابل ملاحظه ای اثر گذارد.

استقلال حسابرسی داخلی به شکل های زیر محقق می شود:

استقلال از لحاظ دسترسی

رئیس حسابرسی داخلی باید به مدیریت ارشد سازمان شامل مدیر عامل و هیئت مدیره و بررسی کنندگان غیراجرایی سازمان دسترسی مستقیم داشته باشد و بتواند آزادانه به آنان گزارش دهد.

استقلال از لحاظ گزارشگری

رئیس حسابرسی داخلی باید بتواند گزارش های خود را بدون حذف مطالبی و با نام و امضاء خود ارائه دهد.

استقلال از لحاظ فعالیت های سازمانی

حسابرسی داخلی باید نسبت به کلیه سیستم های مالی و اداری سازمان استقلال کامل داشته باشد.

درگیر شدن حسابرسی داخلی در سیستم های اجرایی و برنامه های سازمان باید به موارد زیر محدود شود:

ارائه پیشنهاد در ارتباط با ایجاد کنترل های داخلی برای موارد تجدید نظر در سیستم ها با پروژه های موجود یا طراحی سیستم های جدید یا ایجاد پروژه های جدید.

ارزیابی کنترل های پیشنهادی برای پروژه های خاص.

ارزیابی کنترل های موجود سیستم ها و فرایند تصمیم گیری.

واحد حسابرسی داخلی نباید مسئول استقرار سیستم های جدید باشد یا درگیر کارهایی شود که معمولاً ملزم به بررسی آنهاست.

استقلال از لحاظ رای

حسابرسی داخلی باید بدون هرگونه جانبداری با مسائل برخورد کند و از چنان جایگاه سازمانی برخوردار باشد که بتواند بیطرفانه تصمیم گیری و نظر و پیشنهادهای خود را ارائه کند.

رابطه، بین کمیته ی حسابرسی و حسابرسی داخلی

کمیته حسابرسی به منظور انجام موثر وظایف خود در اصول راهبری شرکت ها، بر دستورالعمل حسابرسی داخلی اتکا می کند (McHugh & Raghunadan ۱۹۹۴, IIA ۲۰۰۳, gramling & hermanson ۲۰۰۶).

احتمال دارد مدیریت، دستورالعمل حسابرسی داخلی را به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف عملیاتی و ایجاد صرفه جویی در هزینه ها در نظر گیرد. در مقابل ممکن است نگرانی های اعتباری و قضایی کمیته ی حسابرسی این تقاضا را از دستورالعمل حسابرسی داخلی مطرح نماید که بر تلاش های خود به منظور ارزیابی کنترل های داخلی مربوط به صورت های مالی تمرکز بیشتری اعمال نماید. به هر حال توانایی دستورالعمل حسابرسی داخلی برای رفع نگرانی های کمیته ی حسابرسی داخلی ممکن است به دلیل محدودیت های بودجه ای و رقابت با مدیریت بر سر اداره منابع کمیاب، محدود شود. از مهمترین مواردی که حسابرسی داخلی باید مستقیماً با کمیته ی حسابرسی ارتباط برقرار نماید عبارتند از:

- خط مشی و حوزه کاری حسابرسی داخلی
- ارائه پیشنهادهای مدیریت
- رعایت قواعد رفتاری
- رعایت قوانین کاربردی و مقررات
- اختلافات با مدیریت

دستورالعمل حسابرسی داخلی سازمان، معمولاً روشی سیستماتیک را برای ارزیابی سیستم کنترل داخلی سازمان و همچنین پردازش فرایندها، رویه ها، و فعالیت ها استفاده می کند. هدف مهم دستورالعمل حسابرسی داخلی، برجسته نمودن نقاط ضعف بالقوه سازمانی است، پیش از آنکه تبدیل به بحرانی گزاف یا عمومی شود. حسابرسان داخلی راه حل هایی را به مدیریت ارائه می کنند که مدیریت می تواند آنها را برای ناکارآمدی هایی به کار برد که علاج پذیرند. حسابرسان داخلی به دنبال این هستند که ناکارآمدی های عملیاتی و طراحی کنترل ها را ارزیابی کنند و حدود و میزانی را تعیین نمایند که

مدیران می توانند اطمینان معقول از دست یابی به اهداف سازمان داشته باشند. دستورالعمل های موثر حسابرسی، عموماً گزارش های خود را به مدیریت ارشد ارائه می کنند و عموماً با کمیته ی حسابرسی و هیئت مدیره ارتباط مستقیمی دارند.

کمیته حسابرسی ملزم است که درکی کلی و جامع از انتظاراتی به دست آورد که می تواند از حسابرسی داشته باشد. برخی از زمینه هایی که حسابرس داخلی می تواند در کسب این شناخت به کمیته حسابرسی کمک نماید شامل این موارد می شود:

۱. چگونگی ارزیابی سیستم های کنترل داخلی توسط حسابرسی داخلی
۲. کفایت کنترل های داخلی شرکت
۳. میزان همکاری حسابرس داخلی و حسابرس داخلی
۴. زمینه هایی که حسابرسی بر آنها تاکید عمده دارد
۵. چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات توسط حسابرس داخلی
۶. آثار تغییرات عمده شرکت بر حسابرسی
۷. آثار "رو به رو شدن شرکت با مشکلات مالی و عملیاتی" بر حسابرسی
۸. جدول زمانی برای انجام الزامات گزارشگری مالی شرکت

در ابتدای کار کمیته حسابرسی باید نوع کنترل های مورد نیاز و چگونگی عملکرد آنها را مشخص کند. به این منظور جلسه هایی با مدیریت و حسابرسان داخلی برگزار می شود.

واحد حسابرسی داخلی با گزارش مستقیم به هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی، مستقل از مدیریت سازمان عمل می نماید و این امر به بهبود کارایی و اثربخشی و متعاقب آن بهبود عملکرد واحد حسابرسی داخلی کمک می کند. بنابراین ارتباط مناسب واحد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی دارای اهمیت فراوان است. گرچه ممکن است اعضای واحد حسابرسی داخلی، مهارت های ارزشمندی داشته باشند، اما گاهی نحوه استفاده از این مهارت و دانش را نمی دانند و بنابراین ارتباط بین واحد حسابرسی داخلی و کمیته ی حسابرسی، اهمیت فراوانی پیدا می کند. سودمندی حسابرسی داخلی مبتنی بر صلاحیت، تعهد و ارتباط اعضای آن می باشد و لازم است که اعضای حسابرسی دارای این شرایط باشند.

تاثیرات کمیته ی حسابرسی بر عملکرد حسابرسی داخلی

حسابرسان داخلی، از کارکنان شرکت هستند، پس نمی توانند استقلال واقعی و ظاهری حسابرسان مستقل را داشته باشند، اما اگر حسابرسان داخلی به طور مستقیم زیر نظر کمیته ی حسابرسی باشند نسبت به زمانی که به مسئول دیگری گزارش می دهند از آزادی عمل بیشتری برخوردار می شوند، کمیته ی حسابرسی بر خلاف مدیریت، استقلال دستورالعمل حسابرسی داخلی را بسیار مهم می شمارد.

وجود کمیته ی حسابرسی و دسترسی به آن، لازمه ی گزارش مستقیم دستورالعمل حسابرسی به کمیته ی حسابرسی به منظور حفظ استقلال است. قرار دادن دستورالعمل حسابرسی داخلی در جایگاهی منجر به بهبود محیط کنترلی و کاهش اشتباهات گزارشگری می گردد که از لحاظ سطح گزارشگری مستقل باشد.

سیستم های کنترل داخلی

تهیه مطالب توسط: باغبان - اسفندیار - هادی مهر

تعریف کنترل داخلی

فرایندی است که به منظور کسب اطمینان معقول از تحقق اهدافی که در سه گروه اصلی زیر دسته بندی می شوند توسط هیأت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان یک واحد اقتصادی برقرار می شوند:

۱. اثربخشی و کارایی عملیات
۲. قابلیت اعتماد گزارش دهی مالی
۳. رعایت قوانین و مقررات مربوط

ضرورت وجود کنترل های داخلی

فرایند تبدیل شرکت ها به سازمان های تجاری بزرگ مانع از نظارت شخصی و مستقیم مدیران بر عملیات شرکت شده است و همچنین مدیران اجرایی دیگر نمی توانند جهت ارزیابی عملکرد و وضعیت شرکت بر مشاهدات شخصی اتکا کنند لذا بر گزارش های مالی و آماری متکی می شوند و ضرورت وجود سیستم کنترل داخلی به عنوان یک فن حساس و حیاتی برای مدیریت در این جا احساس می شود.

انواع کنترل های داخلی

۱. کنترل های داخلی حسابداری یا مالی: کنترل هایی هستند که مستقیماً بر قابلیت اتکای مدارک حسابداری و صورت های مالی اثر دارند و به منظور دستیابی به اهدافی چون حفاظت داراییها و قابلیت اتکای مدارک حسابداری و تهیه صورت های مالی قابل اطمینان استقرار می یابند.
۲. کنترل های داخلی اداری یا عملیاتی: کنترل هایی هستند که بر صورت های مالی تاثیر اندکی دارند یا تاثیری ندارند و بطور مستقیم مورد توجه حسابرسان مستقل قرار نمی گیرند این کنترل ها به منظور دستیابی به اهدافی چون کارایی و سودمندی عملیات و رعایت رویه های مورد نظر مدیریت در تمام قسمت ها و دوایر واحد تجاری استقرار می یابند.

امروزه استاندارد های حسابرسی بین کنترل های داخلی حسابداری و کنترل های داخلی اداری تفاوتی قائل نیست به موجب این استانداردها حسابرسان تنها باید به آن گروه از کنترل های داخلی توجه کنند که برای پیشگیری یا کشف موارد ارایه نادرست صورت های مالی طراحی شده است.

ساختار کنترل داخلی

ساختار کنترلی به معنای بکارگیری سیاست و روش هایی جهت اطمینان نسبی از دستیابی به هدف های سازمانی و اقداماتی که اعمال می شود تا مدیریت اطمینان یابد هر چیز بگونه ای که باید عمل می کند. کنترل داخلی از پنج جزء مرتبط به هم تشکیل می شود که عبارتند از:

۱. محیط کنترلی: فضایی است که شرکت ها در آن فعالیت خود را انجام می دهند و به مسوولیت های خود عمل می کنند. محیط کنترلی زیربنای سایر اجزای سیستم کنترلی است.
۲. ارزیابی ریسک: فرآیند شناسایی، تجزیه و تحلیلی و مدیریت ریسکی است که تحقق اهداف یک شرکت را با مشکل مواجه می سازد. در ارزیابی ریسک انجام چند مرحله به شرح زیر ضروری است:
 - مرحله اول: مشخص کردن اهداف
 - مرحله دوم: شناسایی ریسک
 - مرحله سوم: تجزیه و تحلیل ریسک

۳. فعالیت های کنترلی: اقداماتی می باشند که تعیین کننده آن سیاست های سازمان است و در صورتی که بطور صحیح و به موقع انجام شوند در کنترل و کاهش ریسک موثر خواهند بود.

۴. ارتباطات و اطلاعات: یکی از اجزای سیستم کنترل داخلی ارتباطات و اطلاعات است. اطلاعات از طریق سیستم حسابداری یک سازمان در راستای حسابخواهی در خصوص داراییها و بدهیها بدست می آید. ارتباطات موثر مستلزم گردش صحیح اطلاعات است. بنابراین جهت ارزیابی کنترل های داخلی لازم است از لحاظ کیفی اطلاعات مرتبط و سیستم های ارتباطی بررسی گردند.

۵. نظارت: نظارت بر ارزیابی مستمر عملکرد کنترل داخلی طی زمان دلالت دارد. هدف اصلی نظارت مشخص کردن این است که کنترل های داخلی به نحو مناسبی طرح ریزی شده و به طور صحیح و موثری اجرا شده باشد. نظارت به دو شکل انجام می شود:

۱. فعالیت های نظارتی مستمر: رویه های نظارتی مستمر در بطن فعالیت های عادی و مستمر واحد اقتصادی قرار می گیرند. نظارت مستمر در مقایسه با ارزیابی های موردی به دلیل همزمانی با اجرای فعالیت ها، واکنش پویا در مقابل شرایط رو به تغییر و درآمیختن با فعالیت های عادی واحد اقتصادی بسیار اثربخش تر عمل می کند.
۲. ارزیابی های موردی: از آن جا که ارزیابی های موردی پس از وقوع فعالیت ها اعمال می شوند اغلب مشکلات موجود دیرتر شناسایی می شوند در هر صورت واحدهای اقتصادی که فعالیت نظارتی مستمرشان از کیفیت خوبی

برخوردار است هر چند سال یکبار تمام، و یا بخش از سیستم کنترل داخلی خود را ارزیابی موردی نیز می کنند. اگر واحد اقتصادی و ارزیابی های موردی نیاز فراوان داشته باشد باید کانون توجه خود را به افزایش کیفیت فعالیت های نظارتی مستمر معطوف کند یا بجای اضافه کردن کنترل ها به درون ساخت کردن آنها بپردازد.

محدودیت های کنترل داخلی

حتی اگر سیستم کنترل داخلی به بهترین وجه طراحی و اجرا شود مدیریت و هیأت مدیره تنها به کمک آن می توانند اطمینانی نسبی از تحقق اهداف واحد اقتصادی بدست آورند. محدودیت های ذاتی سیستم کنترل داخلی تحقق اهداف واحد اقتصادی را تهدید می کند احتمال قضاوت های نادرست انسان بهنگام تصمیم گیری و از کار افتادن کنترل داخلی به دلیل نقص ها و ضعف های انسانی (خطا و اشتباه) نمونه هایی از محدودیت ها هستند بعلاوه تبانی دو یا چند نفر و تخطی مدیریت از سیستم کنترل داخلی اثر کنترل ها را خنثی می کند و دیگر عامل محدود کننده لزوم توجه و مخارج کنترل ها است.

اینجا دو سوال مطرح است: ۱. آیا مدیریت به سیستم کنترل داخلی اثربخش توجه دارد؟ ۲. آیا سیستم کنترل داخلی موجود در شرکت های سرمایه گذاری تا چه حد از سوء جریانات، تغلبات و اشتباهات با اهمیت جلوگیری می کند؟

از دیدگاه مدیریت در شرکت های سرمایه گذاری سیستم کنترل داخلی سنتی نمی تواند از بروز اشتباهات، تخلفات و اعمال غیرقانونی چنانکه باید جلوگیری کند و در نهایت برای اداره مطلوب و کارآمد فعالیت های سرمایه گذاری قابل اعتماد و اتکا باشد. امروزه مدیریت برای ایفای وظایف و مسوولیت های خود در زمینه کنترل و بهبود سیستم کنترل داخلی که نهایتاً امکان تصمیم گیری صحیح و برنامه ریزی دقیق را فراهم می سازد. به بیان دیگر کنترل های داخلی ضعیف نه تنها احتمال وقوع سوء جریان، سوء استفاده و تقلب را در سازمان ها بالا می برد بلکه بر گزارش حسابرس مستقل نیز اثر می گذارد و حسابرس قادر نخواهد بود در نبود توجه به نقاط ضعف موجود در سیستم های کنترل داخلی گزارش مطلوبی ارائه نماید. از اینرو برای اینکه مدیران هم بتوانند وظایف خود را به نحو احسن و در جهت جلب رضایت اشخاص ذینفع و ذیحق در شرکت به انجام برسانند و هم حسابرسان بتوانند گزارش حسابرسی مطلوب مطابق با استانداردهای حسابرسی ارائه نمایند سیستم کنترل داخلی باید به شکلی اثربخش طراحی پیاده سازی، اجرا و توسط حسابرسان نیز مورد ارزیابی قرار گیرند و نقاط ضعف احتمالی موجود در آن به اطلاع مدیریت رسانده شود بر همین اساس ضرورت دارد جهت رسیدن به این اهداف روش جدیدی جایگزین گردد این روش مدل کوزو می باشد که به ارزیابی اثربخشی سیستم کنترل داخلی می پردازد.

مدل کوزو: کمیته سازمان های حمایت کننده کمیسیون تردوی که به نام کوزو معروف است در سال ۱۹۹۲م. چهارچوبی به عنوان «کنترل های داخلی، چارچوب یکپارچه» که خود بر چهار بخش استوار است که عبارتند از: ۱. خلاصه ۲. چهارچوب ۳. گزارش دهی به افراد برون سازمانی ۴. ابزارهای ارزیابی، ارائه داد.

اهداف مدل کوزو:

۱. ارائه تعریف مشترک از مدل داخلی که بسیاری از گروههای علاقمند به کنترل های داخلی را بهره مند می سازند.

۲. فراهم کردن معیار (استاندار) که شرکت سرمایه گذاری بتواند در مقایسه با آن سیستم های کنترل داخلی خود را ارزیابی و در مورد بهبود آن تصمیم گیری کند.

بررسی اثربخشی کنترل داخلی

کنترل داخلی نمی تواند موفقیت یک واحد اقتصادی یا حتی تداوم حیات آن را تضمین کند حتی اثربخش ترین سیستم کنترل داخلی تنها می تواند به واحد اقتصادی کمک کند تا به اهداف تجاری اساسی دست یابد. کنترل داخلی اثربخش می تواند مدیریت را به اطلاعاتی درباره پیشرفت یا عدم پیشرفت در راستای تحقق اهداف مجهز کند اما نمی تواند رویدادها یا پدیده های غیرقابل کنترل مانند سیاست ها یا برنامه های دولت، اقدامات رقبا یا شرایط اقتصادی را تغییر دهد. اثربخشی جزء حیاتی سیستم کنترل داخلی مناسب است. هیأت مدیره باید به طور پیوسته گزارش های کنترل داخلی را دریافت و بررسی کند. علاوه بر این هیأت مدیره باید مسوولیت اجرای این هدف را تقبل کند که سیستم کنترل داخلی به طور کامل و مناسب در شرکت اعمال و در صورت های مالی افشاء شده است.

عناصر تشکیل دهنده سیستم کنترل داخلی اثربخش کدام است؟

۱. بررسی موثر و کارآمد توسط مدیریت غیراجرایی مانند کمیته حسابرسی
۲. وجود سیستم های کنترل مدیریتی شامل تعیین و تدوین هدف ها و برنامه ها، نظارت یا سرپرستی یا کنترل مسائل مالی، وجود ساختارهای مناسب سازمانی، نقش اصلی این سیستم ها تعیین وظایف و مسوولیت ها است.
۳. وجود سیستم ها و روش های کنترل مالی و عملیاتی
۴. وجود حسابرس داخلی

حسابرسی کنترل داخلی

حسابرسی کنترل داخلی با حسابرسی صورت های مالی متفاوت است. حسابرسی کنترل داخلی شامل ارزیابی فرایندها است اما حسابرسی صورت های مالی خروجی این فرایند است. برای حسابرسی کنترل داخلی حسابرسان مجبور نیستند که آزمون های محتوا را در مورد مانده حساب ها یا گروهی از معاملات اجرا نمایند. بنابراین حسابرسان آزمون کنترل ها را در حسابرسی کنترل داخلی به اجرا در می آورند. هدف حسابرسان در کنترل داخلی عبارت است از دستیابی به سطح اطمینان بالا در مورد این که ضعف های با اهمیت کشف نشده ای در طراحی اجرا یا اثربخشی عملیات کنترل های داخلی وجود ندارند. حسابرسان تلاش می کنند تا ضعف های با اهمیت در طراحی و اجرای کنترل ها را با استفاده از ارزیابی کافی و مناسب طراحی کنترل ها و انجام آزمون هایی در مورد اجرا یا عدم اجرای کنترل ها کشف کنند.

حسابرسی داخلی

عوامل مختلفی روی حسابرسی داخلی برای شرکت های مختلف تاثیر می گذارند که شامل عواملی نظیر مقیاس، نوع، پیچیدگی فعالیت های شرکت و تعداد کارکنان می شود البته با در نظر گرفتن محدودیت هزینه - منفعت.

مدیریت ارشد و هیئت مدیره ممکن است بخواهند از رسیدن به اهداف مطمئن شوند و از ریسک و اجزای کنترل کسب اطلاع کنند که حسابرسی داخلی این اطمینان و اطلاع رسانی را به بهترین صورت ممکن انجام می دهد. برنامه حسابرسی داخلی بطور کامل متناسب با اندازه دارایی ها و پیچیدگی های عملیات شرکت است حسابرسان داخلی بعنوان حسابداران مستقل و مشاورین شرکت در بررسی های کنترل های داخلی نظارت و دخالت مستمر دارند که شامل بررسی های مالی هم می شود. حسابرسان داخلی با ارزیابی ریسک تدوین برنامه حسابرسی داخلی را تسهیل می کنند. حسابرسان داخلی برای ارزیابی صحت و کفایت شاخه های کنترل های حسابداری عملیاتی و اجرایی مسوولیت دارند و مسوولیت های اضافی حسابرسان داخلی شامل تعیین اجرای درست قوانین و مقررات، ارزیابی اثربخشی کنترل های کاربردی و ارزیابی اثربخشی عملیات است. البته عملکرد حسابرسان داخلی مورد آزمون قرار می گیرد. بعضی از عوامل باید توسط آزمون کننده در ارزیابی و بررسی حسابرسی داخلی مورد توجه قرار گیرد. برنامه حسابرسی بطور شایسته ای ارزیابی شود. علاوه بر این آزمون کننده باید گزارش های داخلی را بطور کامل بررسی کند تا واکنش های مدیریت و آزمون های گذشته مشخص شود. عملکرد حسابرسان داخلی در نیل به اهداف حسابرسی تا حد زیادی به استقلال شخص حسابرس وابسته است.

ارزیابی کنترل داخلی در محیط رایانه ای

بررسی و ارزیابی کنترل های داخلی مرحله ای حساس در حسابرسی صورت های مالی است و حوزه ای است که حسابرسان می توانند مهارت خود را نشان دهند. کسب شناخت کافی از سیستم کنترل داخلی صاحبکار در برآورد احتمال خطر کنترل امری ضروری است به منظور تعیین نوع آزمون های کنترل و محتوا و پیشنهاد به مدیریت جهت برقراری سیاست ها و رویه های جدید کنترل داخلی صورت می گیرد. استفاده از فناوری اطلاعات در فرایند حسابرسی تا حدودی ناشی از ضرورت های محیطی است. بدین ترتیب که صاحبکاران برای پردازش اطلاعات به گونه ای فزاینده استفاده از رایانه روی می آورند و حسابرسان نیز جز با بکارگیری فناوری های مشابه قادر به حسابرسی اثربخش و کارآمد از سیستم ها نیستند به علاوه فشارهای موجود در خصوص کاهش هزینه حسابرس انگیزه لازم را جهت یافتن راههای جدید به منظور افزایش کارایی بدون کاهش اثربخشی عملیات حسابرسی ایجاد می کند. بدلیل استفاده گسترده از فناوری اطلاعات در بیانیه شماره ۱۹۴ استانداردهای حسابرسی ایالات متحده ضرورت شناخت اثرات فناوری اطلاعات بر هر کدام از پنج جزء کنترل داخلی خصوصا فعالیت های کنترلی و اطلاعات و ارتباطات تصریح شده است. در ایالات متحده مسوولیت اصلی ارزیابی کنترل های داخلی و گزارش نقاط ضعف عمده به عهده مدیریت واگذار شده است. حسابرسان مستقل باید نتیجه گیری های مدیریت را در مورد موثر بودن کنترل های داخلی بررسی و نظرات خود را اعلام کنند.

اهمیت فناوری اطلاعات در ارزیابی کنترل های داخلی

فناوری اطلاعات بطور اساسی، نحوه اجرا، ثبت، پردازش و گزارش اطلاعات را تغییر داده به دلیل شتاب بالای این تغییرات برای بسیاری از این سازمان ها دشوار خواهد بود که خود را با این تغییرات تطبیق دهند و همزمان مهارت فنی لازم را در خصوص بکارگیری سیستم های جدید کسب کنند و اثرات فناوری اطلاعات را بر رویه های کنترل داخلی درک کنند. در محیط های رایانه ای جلوگیری از نارسایی های کنترل داخلی مستلزم درک صحیحی از ریسک ایمنی داده ها، کامل بودن و حساسیت اطلاعات است. بعلاوه مراحل پردازش اطلاعات نیز قابل رویت نیست بنابراین رویه های کنترل داخلی موجود در مواجهه با این چالش ها ممکن است کارایی لازم را نداشته باشد بنابراین در تمام مراحل کنترل های داخلی سیستم های اطلاعاتی باید مدنظر قرار گیرد. در اوایل شکل گیری پردازش اطلاعات رایانه ای بسیاری از سازمان ها در مفهوم ایمنی تصور اشتباهی داشتند آن ها بر این باور بودند که رایانه ها تقلب نپذیرند و در نتیجه تهدید هایی که در خصوص سیستم های اطلاعاتی سازمان ها وجود داشت کمتر از واقع برآورد می شد. طبق نظرسنجی دیویس از ۳۵۵ حسابدار رسمی در سال ۱۹۹۷م. مهم ترین تهدید های موجود در انواع محیط رایانه ای به شرح زیر است:

۱. نابودی تصادفی اطلاعات به وسیله کارکنان
 ۲. ورود ویروس رایانه ای به سیستم
 ۳. کنترل ناکافی بر رسانه های ذخیره ای
 ۴. ثبت اطلاعات نادرست بصورت تصادفی توسط کارمندان
 ۵. سوانح سیاسی و طبیعی مانند آتش سوزی، سیل و جنگ
 ۶. سرعت پیشرفت های فناوری قبل ایجاد کنترل های مناسب
 ۷. جداسازی اندک وظایف حسابداری از سیستم های اطلاعاتی
 ۸. دسترسی نداشتن به اطلاعات سیستم ها
- علاوه بر این اشتباهات نرم افزاری و درست عمل نکردن تجهیزات مانند کشف نکردن اشتباهات، انتقال اطلاعات و... برای سیستم های اطلاعاتی حسابداری تهدیدات جدی به حساب می آید. این نوع تهدیدات به این دلیل اهمیت دارند که انسجام، کیفیت و قابلیت دسترسی اطلاعات را در معرض خطر قرار می دهند و همچنین قابلیت سودآوری و شرایط رقابتی سازمان ها را به طور قابل توجهی آسیب می زنند.
- زمانی که در اثر عملی اشتباه و غیرقابل جبران، اطلاعات ضروری از پرونده ای پاک شود در آن صورت قابلیت دسترسی به اطلاعات به خطر می افتد. اگر بتوان
۱. زیان های بالقوه مالی را افشا کرد
 ۲. خطراتی را تبیین کرد که بطور خاص از اهمیت ویژه ای برخوردارند

در آن صورت می توان از آن ها برای تعیین خطرات مرتبط با کنترل های داخلی شرکت ها به شکل کمی استفاده کرد. به عبارت دیگر از نظر مادی می توان میزان خطرات را مشخص کرد. بنابراین اگرچه فناوری اطلاعات موقعیت منحصر به

فردی را برای حل مشکلات تاکتیکی و راهبردی شرکت ها به وجود آورده لیکن تهدیدی جدی در خصوص موضوع کنترل های داخلی بشمار می رود و اعتبار سیستم های اطلاعاتی حسابداری را در معرض خطر قرار می دهد. مدیران باید مترصد شناسایی خطرات بالقوه ناشی از تهدیدات کنترل داخلی موجود در سیستم های حسابداری مبتنی بر رایانه باشند و با استفاده از انواع مدل ها آثار این مخاطرات را ارزیابی کنند.

گزارش حسابرسی

تهیه مطالب توسط: محمودی - رضائی

گزارش حسابرسی محصول نهایی و اصلی فرآیند حسابرسی و وسیله بیان قضاوت و نظر حسابرس درباره کیفیت و محتوای صورتهای مالی صاحبکار است و در ایجاد اطمینان و آسودگی خاطر در استفاده کنندگان از صورتهای مالی و در رأس آن ها سهامداران نقش بزرگی دارند.

نیازها و انتظارات گروههای مختلف استفاده کننده از اطلاعات صورتهای مالی با گزارشگری مالی مناسب برآورده می شود و این اطلاعات زمانی برای استفاده کنندگان مفید و مؤثر می باشد که از ویژگی های کیفی لازم برخوردار باشد ، (ویژگی های کیفی شامل قابل اتکاء بودن ، مربوط بودن) یکی از مشخصه های بارز ویژگی های کیفی که در موضوع گزارشگری حسابرسی مورد تأکید می باشد **قابلیت اتکاء بودن** صورتهای مالی است و زمانی قابلیت اتکاء دارد که آثار مالی معاملات و سایر رویدادهای مالی به **گونه ای بیطرفانه اندازه گیری شده** و نتایج آنها **معتبر و قابل تأیید مجدد** باشد . حسابرسان برای ایفای چنین نقشی نیاز به رهنمودها و یا استانداردهایی دارند که **نه تنها اعتباردهی** کند بلکه **قابلیت تأیید مجدد** نیز داشته باشد .

برای این منظور از سال ۱۳۷۵ تدوین استانداردهای حسابرسی در ایران بعهده کمیته تدوین رهنمودهای حسابرسی قرار داده شد که در اولین نشریه (شماره ۱۱۴) منتشر و از ۱۳۸۷/۱/۱ لازم الاجرا شده در سال ۱۳۸۱ کمیته فوق به کمیته **تدوین استانداردهای حسابرسی تغییر نام داد و از ۱۳۸۱/۱۲/۲۱ تهیه استانداردهای جدید و تجدید نظر استانداردهای قبلی** را در دستور کار قرارداد .

حسابرس مستقل : شخص یا مؤسسه منتخب مجمع صاحبان سهام یا اشخاص حقوقی یا حقیقی ذینفع و یا به حکم قانون که حسابها را رسیدگی و نتایج را به دعوت کننده در قالب گزارش ارائه می دهد .
بازرس قانونی : شخص یا مؤسسه ای که طبق قانون تجارت (مفاد ماده ۱۴۴) و توسط مجمع صاحبان سهام تحت شرایطی تعیین می شود . بازرس قانونی علاوه بر صورتهای مالی ، نسبت به گزارش فعالیت هیأت مدیره نیز اظهار نظر می کند .

نکته: بر اساس قوانین موضوعه ایران ، مجامع شرکتها می توانند هر دو وظیفه حسابرس مستقل و بازرس قانونی را به یک شخص (حسابدار رسمی) و یا مؤسسه حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران یا سازمان حسابرسی واگذار نمایند .

دلایل وجود حرفه ی حسابرسی :

وظیفه اعتبار دهی به صورتهای مالی دلیل اصلی وجود حرفه حسابرسی می باشد .
یعنی ایجاد اطمینان از مطلوبیت ارائه و قابلیت اتکاء بودن آن که در دو مرحله انجام می شود :

- (۱) جمع آوری شواهد (حسابرسی) شامل:
- ۱-۳ بررسی کنترلهای داخلی شرکت / سازمان
 - ۲-۳ پرس و جو از مدیران و کارکنان
 - ۳-۳ بررسی مدارک و مستندات واحد مورد رسیدگی به صورت محتوایی
 - ۴-۳ مشاهده عینی
- (۲) ارائه یافته ها (گزارش حسابرسی)

- مراحل تکامل حسابرسی

در حال حاضر	قبل از قرن بیستم
هدف تعیین مطلوبیت ارائه صورتهای مالی	هدف حسابرسی مچ گیری و کشف تقلب بود
افزایش مسئولیت حسابرسان در قبال اشخاص ثالث از جمله (بانکها).....	بی مسئولیتی یا کم مسئولیتی حسابرسان در مقابل اشخاص ثالث (از جمله بانکها ، اعتبار دهندگان ، سرمایه گذاران و جامعه)
استفاده از رسیدگی نمونه ای.	بررسی کامل معاملات واحد مورد رسیدگی
ارزیابی سیستم های کنترل داخلی برای تعیین میزان آزمونها و نمونه گیری.	عدم اتکاء به کنترلهای داخلی
استفاده از روشهای جدید حسابرسی برای استفاده در سیستم های کامپیوتری	استفاده از حسابرسی سنتی و دستی
تشخیص به ضرورت حفاظت خود در برابر دعاوی حقوقی از طریق توجه دقیق به قوانین و جمع آوری شواهد حسابرسی.	عدم توجه به ضرورت حفاظت خود در برابر دعاوی حقوقی

افزایش تقاضا برای افشای به موقع اطلاعات مطلوب و نامطلوب شرکت.	عدم توجه به نحوه افشاء اطلاعات
---	--------------------------------

ضمن اینکه دلایلی از جمله تضاد منافع بین تهیه کنندگان و استفاده کنندگان اطلاعات مالی، توسعه دامنه مبادلات اقتصادی، پیچیدگی صورتهای مالی و عدم تخصص افراد در اظهار نظر حرفه ای و سایر الزامات قانونی باعث افزایش تقاضا برای حسابرسی شده است.

– انواع استانداردهای گزارشگری حسابرسی در ایران

استانداردهای گزارشگری که حسابرسان با استفاده از آنها می توانند گزارش حسابرسی صادر نمایند شامل:

موضوع	شماره استاندارد	ردیف
استاندارد گزارشگری نسبت به صورتهای مالی (گزارش حسابرس مستقل)	۷۰۰	۱
استاندارد بررسی اجمالی نسبت به صورتهای مالی (میان دوره ای – کمتر از یکسال) عمدتاً از طریق پرس و جو – الزام برای شرکتهای بورسی	۲۴۰۰	۲
استاندارد رسیدگی به اطلاعات مالی (گزارشات بودجه ای یا افزایش سرمایه) (الزامات قانون تجارت)	۳۴۰۰	۳
استاندارد اجرای روشهای توافقی رسیدگی به اطلاعات مالی (خدمات مرتبط با بخشی از صورتهای مالی)	۴۴۰۰	۴
استاندارد حسابرسی در حسابرسی موارد خاص (صورتهای مالی تهیه شده بر اساس سایر مبانی جامع حسابداری، غیر از استانداردهای حسابداری)	۸۰۰	۵
استاندارد برآوردهای حسابداری (بررسی ذخایر حسابها و ...) (با توجه به درجه اهمیت تحریف اقلام برآوردی در صورتهای مالی، ممکن است فقط این بخش از صورتهای مالی بطور جداگانه بررسی شود)	۵۴۰	۶

اجزاء گزارش حسابرسی

(الف) عنوان و مخاطب

ب) بند مقدمه

پ) بند دامنه رسیدگی

ت) بند توضیحی

ث) بند اظهار نظر درباره صورتهای خالی

ج) بند تأکید بر مطلب خاص

چ) موارد عدم رعایت مفاد قانون تجارت و اصلاحیه آن

ح) موارد عدم رعایت مفاد قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین و مقررات مربوط

خ) موارد عدم رعایت مفاد اساسنامه واحد مورد رسیدگی

د) موارد عدم رعایت مصوبات مجمع عمومی

ذ) موارد تقلب (مشروط بر آنکه در بندهای فوق مطرح نشده باشد)

ر) مواردی که اظهار نظر درباره آن ها در قوانین تصریح شده است مثل گزارش تطبیق عملیاتی شرکت های دولتی یا مؤسسات انتفاعی دولتی با بودجه مصوب.

ز) تاریخ

ژ) امضاء

قضاوت حسابرس درباره فراگیر بودن آثار یا آثار احتمالی بر صورتهای مالی		ماهیت موضوعی که منجر به تعدیل شده است
با اهمیت ولی غیر فراگیر	با اهمیت و فراگیر (اساسی)	
اظهار نظر مشروط	اظهار نظر مردود	تحریف با اهمیت صورتهای مالی
اظهار نظر مشروط	عدم اظهار نظر	محدودیت در کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب
—	عدم اظهار نظر	ابهام

تحریف با اهمیت صورتهای مالی همان موارد انحراف از استانداردهای حسابداری است . (عدم رعایت استانداردهای حسابداری و یا عدم توافق با شرکت در مورد اعمال اصلاحات

نحوه برخورد حسابرس با تدام فعالیت

- در صورت وجود ابهام با اهمیت درباره تداوم فعالیت و افشای کافی در صورت های مالی:

حسابرس باید نظر مقبول اظهار را با افزون یک بند توضیحی حاوی وجود ابهام با اهمیت درباره رویدادها یا شرایطی که ممکن است به تردیدی عمده در مورد توانایی واحد به ادامه فعالیت بینجامد و با اشاره به یادداشت توضیحی صورتهای مالی، گزارش خود را تعدیل کند.

- در موارد وجود ابهام اساسی درباره تداوم فعالیت یا وجود موارد متعدد ابهام با اهمیت شامل ابهام درباره تداوم فعالیت که آثار بالقوه آن در مجموع اساسی باشد، حسابرس باید صرف نظر از افشا یا عدم افشای آن ها در صورتهای مالی نسبت به آن صورت ها عدم اظهار نظر ارائه کند.

- در صورت وجود ابهام با اهمیت و عدم افشای کافی در صورتهای مالی، حسابرس باید نظر مشروط ارائه کند.

گزارش باید به روشنی بیانگر این واقعیت باشد که ابهامی با اهمیت وجود دارد که ممکن است درباره توانایی واحد در مورد رسیدگی به ادامه فعالیت تردیدی عمده ایجاد می کند.

- چنانچه به نظر حسابرس واحد مورد رسیدگی قادر به ادامه فعالیت نباشد اما صورتهای مالی بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شده باشد:

حسابرس باید با توجه به میزان اهمیت و حسب مورد نظر مشروط یا مردود ارائه کند.

تفاوت در میزان ابهام در توانایی تداوم فعالیت مهم است. اگر ابهام قابل ملاحظه ارزیابی شود تمام جوانب تأثیر گذار در آن زیان دهی شرکت طی سال های اخیر، عدم امکان تولید در حد ظرفیت کارخانه، مانده زیان انباشته، فزونی بدهی های جاری بر دارایی های جاری و نبود شواهد مستند دال بر انجام اقدامات و عملیاتی مؤثری که نشان دهنده خروج شرکت از وضعیت بحرانی باشد را در گزارش خود لحاظ می کند

بطور کلی از دیدگاه حسابرسان موارد زیر تهدید جدی فرض تداوم فعالیت محسوب می شوند:

- جریان منفی وجوه نقد عملیاتی

- نقض مفاد قراردادهای وام

- نا مساعد بودن نسبت های مالی

- تعطیلی فعالیت ها

علل عم تأثیر گزارش حسابرسی

بررسی های به عمل آمده در ایران حاکی از عدم تأثیر و یا تأثیر کم رنگ گزارشهای (حسابرسان مستقل) و به ویژه بندهای مشروط مندرج در آن ها برای تصمیم گیری مجامع عمومی شرکت ها، سازمان بورس اوراق بهادار، مؤسسات دولتی مالی و

اعتباری و بانک هاست. مؤسسات دولتی و بانکها با توجه به قوانین و مقررات رآسا و براساس اطلاعات دیگر تصمیم می گیرند .

(۱) عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت

(۲) نبود یا ضعیف بودن تضاد منافع بین مالک و مدیر

(۳) دور نبودن مالک به اطلاعات مالی

(۴) فقدان قوانین و مقررات

تاریخ گذاری گزارش

تاریخ گذاری گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی ، تاریخ آخرین روز اجرای عملیات حسابرسی است که باید به ترتیب زیر در گزارش درج شود :

الف – تاریخ گزارش باید به طور کامل و با ذکر روز ، ماه و سال در خاتمه آخرین بند گزارش و در سمت راست ، هم سطر با عبارت « مؤسسه حسابرسی » درج شود .

ب – روز و سال به عدد و ماه به حروف نوشته شود .

در هر حال تاریخ گزارش نباید پیش از تاریخ باشد که صورتهای مالی توسط مدیریت واحد مورد رسیدگی تأیید و امضاء می شود .

اظهار نظر متفاوت – چنانچه اهمیت آثار موارد انحراف از استانداردهای حسابداری ، محدودیت در کسب شواهد حسابرسی و ابهام بر هر یک از صورتهای مالی متفاوت باشد ، در این صورت ممکن است اظهار نظر متفاوت نسبت به یک از صورتهای مالی ضرورت یابد .

تاریخ گذاری دوگانه – گاه اتفاق می افتد که پس از خاتمه اجرای عملیات حسابرسی اما قبل از صدور گزارش ، رویدادی واقع شود که بر صورتهای مالی به نحوی عمده اثر گذارد . حسابرس مستقل مسئولیت دارد که در صورت آگاهی از وقوع چنین رویدادی ، با آن به نحوی مناسب برخورد کند . یکی از روشهای برخورد با موضوع ، رسیدگی به آن رویداد خاص و انعکاس این نحوه عمل از طریق تاریخ گذاری دوگانه توسط حسابرس است .

تأثیر گزارش حسابرسی بر قیمت و بازده سهام

تهیه مطالب توسط: تقی زاده

مقدمه :

بحران ۱۹۲۹ که به موجب آن حسابداران به دلیل ارائه نکردن استانداردهای حسابداری به خصوص در زمینه همسانی رویه، مورد انتقاد شدید قرار گرفتند، سبب شد تا صورتهای مالی حسابرسی شده به وسیله شرکت های سهامی، در بورس نیویورک ضرورت یابد. پس از این بحران، سازمان بورس نیویورک در سال ۱۹۳۳ برای اولین بار از همه ی شرکتهایی که در خواست پذیرش در بورس نیویورک را داشتند، خواست تا صورتهای مالی حسابرسی شده ارائه کنند. در این حسابرسی، حسابرسان بایستی در مورد منصفانه بودن و رعایت اصل اثبات رویه اظهار نظری کردند، و برای نخستین بار اعلام می داشتند که صورتهای مالی طبق رویه های پذیرفته شده حسابداری تهیه شده اند. حسابرسی مستقل که به موجب بحران ۱۹۲۹ الزامی شد، به نظر قوش (۲۰۰۷)، اخیراً به طور شایانی به عنوان یک مکانیسم نظارت شرکتی مورد توجه قرار گرفته است. وی معتقد است، سیستم نظارت داخلی و برون سازمانی مکمل یا جانشین یکدیگرند و هر دو ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار می دهد. قوش، همچنین بر وجود یک رابطه جانشینی بین این دو سیستم نظارتی تأکید کرد و بر وجود یک رابطه معنی دار بین سیستم نظارتی داخلی و ارزش شرکت نیز اشاره داشت. در واقع حسابرسی یا نظارت مستقل، به دلیل تأثیری که می تواند بر ارزش شرکتها داشته باشد از اهمیت بالایی برخوردار است. وجود اطلاعات مالی قابل اتکا، یکی از لازمه های بشر جهت پیشرفت و تولید علم است. فرد سرمایه گذاری که تصمیم به خرید یا فروش سهام می گیرد، بانکداری که در مورد تأیید یک تقاضای وام تصمیم می گیرد، و دولتی که برای وصول درآمد مالیاتی به اظهارنامه های مالیاتی اتکا می کند، همگی بر اطلاعاتی تکیه می کنند که توسط دیگران تهیه شده است.

هدف تحقیق:

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر گزارش حسابرسی بر روی قیمت و بازده سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. در واقع هدف، پاسخگویی به این سؤال است که آیا گزارش حسابرس برای استفاده کنندگان دارای محتوای اطلاعاتی است یا خیر؟ با استناد به نتایج این تحقیق می توان ادعا کرد که گزارش مشروط حسابرسی نسبت به گزارش مقبول برای استفاده کنندگان دارای محتوای اطلاعاتی افزون بر سایر گزارشها نیست.

حسابرسان با اظهار نظر درباره نبود اشتباهات عمدی یا اصلاح اشتباهات غیر عمدی در صورتهای مالی ، کیفیت اطلاعات حسابداری به عنوان مبنای تصمیم گیری سرمایه گذاران را بالا می برد . ضمناً حسابرسان اظهارات ضدونقیض درباره حسابهای شرکتها را بررسی و با اظهار نظر خود صحت و سقم آنها را روشن می سازند. برای نمونه ، زمانیکه در مورد ادامه فعالیت یک شرکت ، تردیدی وجود دارد حسابرس با بررسی تخمین ها و پیش بینی های ارائه شده درباره آینده شرکت ، احتمال وجود یا عدم وجود خطر را اعلام می کند. این اعلام نظر برای سهامدارانی که اطلاعات جانبی از وجود مشکلات در وضعیت شرکت دریافت کرده اند، ارزش بسیار زیادی دارد و در تصمیم گیری های آن موثر واقع گردد. نتایج یافته های حسابرسان مستقل در گزارشی به نام ((گزارش حسابرسی)) به شکل های ((مقبول))، ((مشروط))، ((مردود)) و ((عدم اظهار نظر)) ارائه می شود. تجربه نشان داده است که شکل گزارشهای حسابرسی ، عمدتاً به شکل مقبول و یا مشروط تنظیم می شود و از شکلهای مردود عدم اظهار نظر کمتر استفاده می گردد.

اهمیت اظهار نظر مشروط:

حسابرسی هنگامی اظهار نظر مشروط ارائه می کند که حداقل در طی دوره مورد رسیدگی یک عدم قطعیت

با اهمیتی که مدیریت نمی تواند یا مایل نیست آن را تقویم و در صورتهای مالی منعکس کند ، وجود داشته باشد . این عدم قطعیت ها ممکن است که قبل یا در زمان انتشار گزارش مشروط حسابرسی به صورت بازده (منفی) غیر عادی ظاهر شوند. در صورتیکه بازده غیر عادی با انتشار گزارش مشروط حسابرسی همزمان شود، می توان چنین استدلال کرد که گزارش حسابرسی دارای محتوای اطلاعاتی است. وجود بازده غیر عادی حاصل شده حول انتشار گزارش مشروط ، بوجود محتوای اطلاعاتی اضافی ناشی از این گزارش دلالت خواهد کرد. بنابراین قدرت آزمون محتوای اطلاعاتی گزارش به تاریخ رویداد و تاثیر سایر متغیرها بر بازده غیر عادی ، بستگی خواهد داشت.

مشابه با پژوهش ایلویوت (۱۹۸۲)، در این پژوهش سه عامل عمده از عواملی که به عنوان سایر متغیرها بر روی بازده تاثیر می گذارند شامل ویژگی های صنعت ، درآمدهای غیر منتظره و متغیرهای کلان اقتصادی ، اعمال کنترل می شود. جهت کنترل ویژگی های صنعت و درآمدهای غیر منتظره، از نمونه گیری استفاده می شود. معیارهای مورد استفاده در این راستا عبارت اند از:

میزان فروش ، دارایی ها ، سود خالص ، سود انباشته و سود سهام. به همین منظور، دو گروه تجربی و کنترل که از بابت معیارهای پیش گفته از لحاظ آماری با هم تفاوت معنی داری نداشته باشند، از بین شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب خواهند شد . شایان ذکر است که گروه تجربی از میان شرکتهای دارای گزارش مشروط حسابرسی و گروه کنترل از میان شرکتهای دارای گزارش مقبول انتخاب می شوند . کینگ (۱۹۹۶) در پژوهشی نشان داد عامل بازار (متغیرهای کلان اقتصادی) تاثیر معنی دار بر روی قیمت سهام دارد. بنابراین ، جهت کنترل تاثیر این عامل بر بازده اوراق بهادار نیز از مدل بازار استفاده خواهیم کرد . در واقع با وارد کردن عامل بازار به عنوان یک متغیر پژوهش ، تاثیر آن کنترل خواهد شد. فرض اصلی در این مدل بر پایه این قرار می گیرد که تغییر در بازده اوراق بهادار به سبب تغییر در بازده کل بازار صورت می گیرد.

تاریخ رویداد:

جهت ارزیابی محتوای گزارش مشروط حسابرسی، نیاز است که ابتدا تاریخ وقوع این رویداد مشخص شود تا بتوان تاثیر آن را بر روی بازده اوراق بهادار حول همان تاریخ مورد بررسی قرار داد. تعیین زمان مناسب جهت ارزیابی تاثیر وقوع رویداد مذکور بر روی بازده اوراق بهادار به زمان آگاهی استفاده کنندگان از اطلاعات حاضر در بازار بستگی دارد. به طور کلی، نمی توان تاریخ دقیق وقوع رویداد مذکور را تعیین کرد. با توجه به دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکتهای ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار تهران تاریخ وقوع رویداد افشاء گزارش مشروط حسابرسی به شرح زیر تعیین می شود.

ناشر بورسی (ناشری که اوراق بهادار آن در بورس پذیرفته شده باشد) مکلف است گزارشها و صورتهای مالی را مطابق استانداردهای ملی و یا فرم هایی که توسط سازمان ارائه می شود، ظرف مهلت های مقررتهیه و افشاء نماید.

صورتهای مالی سالانه حسابرسی شده شرکت اصلی و تلفیقی گروه، حداقل ۱۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی و حداکثر ۴ ماه پس از پایان سال مالی، با توجه به این دستورالعمل و با توجه به این موضوع که تا صورتهای مالی در مجمع عمومی مورد بررسی قرار نگیرد برای عموم افشاء نخواهد شد. تاریخ افشای گزارش مشروط، تاریخ مجمع در نظر گرفته می شود. به طور کلی جهت ارزیابی محتوای گزارش مشروط، بایستی بعد از تاریخ مجمع، بازده غیر عادی منبعث از آن گزارش را برای دو گروه تجربی و کنترل محاسبه کرد و سپس در صورتیکه بین بازده غیرعادی آن دو گروه تفاوت معنی داری وجود داشته باشد، می توان نتیجه گرفت که گزارش مشروط حسابرسی دارای محتوای اطلاعاتی است. گزارش مشروط حسابرسی هنگامی دارای محتوای اطلاعاتی است که انتظارات سرمایه گذاران در مورد توزیع احتمال بازده (قیمت) آینده اوراق بهادار را تغییر دهد، به گونه ای باشد که باعث تغییر نقطه تعادل قیمت جاری بازار شود. همچنین بیور بیان می کند که نه تنها باید تغییر در انتظارات وجود داشته باشد بلکه باید این تغییر به اندازه کافی بزرگ باشد تا بتواند منجر به تغییر رفتار تصمیم گیرندگان شود. بنابراین گزارش مشروط حسابرسی زمانی دارای محتوای اطلاعاتی است که نه تنها انتظارات سرمایه گذاران بلکه عرضه و تقاضای سهام را نیز تغییر دهد.

پیشینه تحقیق:

طبق یافته های فیرت (۱۹۸۷) در بازار انگلستان، بندهای شرط (ارزش داراییها) منجر به کاهش شدید قیمت سهام شرکتهای دریافت کننده این نوع شرطهای حسابرسی می شود. به علاوه تحقیقات وی نشان می دهد که قیمت سهام شرکت هایی که برای اولین بار شرط عدم تداوم فعالیت پرداخت نموده اند نسبت به شرکتهایی که این شرط را برای بار دوم دریافت کرده اند، واکنش شدید تری نشان داده است. براساس یافته های بال و همکاران (۱۹۷۹) بند های شرط مربوط به استهلاک ساختمان ها منجر به تعدیلات مثبت قیمت سهام می شود. به عقیده آنها، اگر چه قیمت سهام تحت تاثیر هر گونه اطلاعات واقع می شود اما جهت این تاثیر گذاری نامعلوم است. دویچ و همکارانش (۱۹۸۶) تاثیر بندهای شرط ((باتوجه)) را بر قیمت سهام در نمونه ای متشکل از ۱۱۴ شرکت مطالعه کردند. تاریخ انتشار عمومی نیز، همان تاریخ گزارش حسابرسی در نشریات در نظر گرفته شد. نتیجه تحقیق نشان می دهد که سهام شرکتهای دریافت کننده بند های شرط ((باتوجه)) هم برای اولین وهم برای دومین بار در دوره مورد مطالعه، دارای بازده غیر عادی منفی می باشند. نتایج به دست آمده بیانگر تاثیر قابل ملاحظه بند های شرط حسابرسی بر قیمت سهام می باشد. پژوهشگران دلیل تفاوت این تحقیق و تحقیق پیشین سال

(۱۹۸۴) را در تفاوت زمان انتشار عمومی می دانند. در تحقیق بانکس و کینی (۱۹۸۲)، اثر بندهای شرط ((باتوجه به)) بر قیمت سهام شرکت‌هایی مورد بررسی قرار گرفت که خبر احتمال زیان ده بودن آنها، قبل از انتشار گزارش سالانه در بازار منعکس شده بود، طبق نتیجه بدست آمده قیمت سهام شرکت‌هایی که شرط ((باتوجه به)) دریافت کرده بودند نسبت به گروهی که اینگونه شرط هارا نداشتند، کاهش شدیدتری داشته است. مطالعات چو و رایس (۱۹۸۲) درباره دوگروه شرکت‌های دارای بندهای شرط ((باتوجه به)) و فاقد آن که از نظر نوع صنعت و اندازه فروش مشابه بودن نشان می دهد که قیمت سهام گروه اول به طور قابل ملاحظه ای کاهش یافته و میزان این کاهش به نوع بندهای شرط بستگی دارد. نتایج تحقیق لادر و همکاران (۱۹۹۲) نیز نشان می دهد در صورتیکه انتظارات بازار در جهت درستی شکل بگیرد، بندهای شرط ((باتوجه به)) محتوای اطلاعاتی سودمندی را فراهم می نماید. بررسیهای چن و چرچ (۱۹۹۶) در خصوص رابطه میان شرط‌های ((عدم تداوم فعالیت)) و واکنش بازار نسبت به شرکت‌های ورشکسته، به این نتیجه رسید که شرکت‌های دریافت کننده شرط ((عدم تداوم فعالیت)) نسبت به شرکت‌های دریافت کننده ((در نظر مقبول)) حسابرسی از بازده انباشته کمتری در دوره فعالیت، نسبت به شرکت‌های دریافت کننده ((نظر مقبول)) حسابرسی از بازده انباشته منفی کمتری در دوره فعالیت اطراف ورشکستگی برخوردار بودند، این نتایج نشان می دهد که شرط ((عدم تداوم فعالیت)) اطلاعات ارزشمندی را در بر دارد. چن و زائو (۲۰۰۰) در بورس اوراق بهادار شانگهای در دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۵ به ارزیابی تاثیر گزارش مشروط و غیر مشروط همراه با بند توضیحی حسابرسی بر روی قیمت سهام و بازده پرداختند. آنها جهت محاسبه بازده غیرعادی از مدل بازار استفاده کردند. نتیجه نشان داد که بین عکس العمل بازار نسبت به هر یک از این گزارشها تفاوت معنی داری وجود ندارد. پوچیتا و همکاران (۲۰۰۴) در اسپانیا، عکس العمل بازار سرمایه را در مقابل گزارش مشروط حسابرسی، با استفاده از روش مطالعه رویدادی مورد بررسی قرار دادند. آنان به این نتیجه رسیدند که گزارش مشروط حسابرسی برای استفاده کنندگان ارزش اطلاعاتی ندارد. الٹا نیبیت و همکاران (۲۰۰۸) با هدف ارزیابی محتوای اطلاعاتی گزارش مشروط حسابرسی در بورس اوراق بهادار اردن، تاثیر گزارش مشروط حسابرسی را بر قیمت سهام مورد بررسی قرار دادند. نتیجه پژوهش آنان نشان دهنده نبود تاثیر گزارش مشروط بر قیمت سهام بود.

تاثیر بندهای شرط حسابرسی بر قیمت سهام:

برخی از نتایجی که در پژوهشهای متفاوت مورد تایید قرار گرفته اند به شرح زیر است:

* برخی پژوهش ها نشان دادند که عکس العمل بازار در مورد اطلاعات منتشره در صورتهای مالی سالانه شرکت‌های کوچکتر بسیار شدیدتر از شرکت‌های بزرگتر است.

* تاثیر اظهار نظر حسابرسان بر قیمت سهام بستگی به هم جهت بودن نظریه حسابرس با نظر سهامداران و سرمایه گذاران دارد. در صورتیکه نظر حسابرس با نظر سهامداران و سرمایه گذاران متفاوت باشد، با توجه به این فرق که حسابرس دسترسی رسمی به اطلاعات درون سازمانی دارد نظر او اثر بیشتری بر قیمت سهام می گذارد و نشانه مهمی تلقی می شود.

* در خصوص اثر بندهای شرط در مجموع پژوهش ها به نتیجه متفاوتی دست یافته اند. بعضی از این تحقیقات نشان می دهند که انتشار گزارشهای مشروط حسابرسی باعث کاهش قابل ملاحظه قیمت سهام شده اند. در پژوهش های دیگر هیچ گونه عملکرد غیرعادی بر اثر انتشار گزارش بندهای شرط حسابرسی ثبت نشده است.

در هر صورت حسابرسان با گزارشهای خود صورتهای مالی را قابل اتکا می سازند. و تحلیل گران مالی و سرمایه گذاران در فرآیند ارزشیابی خود از بندهای شرط حسابرسی استفاده می کنند از این رو بند شرط حسابرسی بر قیمت سهام بی تاثیر نخواهد بود. بندهای شرط حسابرسی به عنوان ایرادهای شرکت مورد حسابرسی و در نهایت به اظهارنظر مشروط، مردود یا عدم اظهارنظر ختم می شود.

صورتهای مالی زمانی ملاک بررسی است که حسابرس اظهارنظر مطلوب روی گزارش ارائه کرده باشد. این جمله را یکی از حسابرسان بازار سرمایه گفت و تصریح کرد زمانی یک شرکت در تابلو معاملات بورس درج می شود که متکی به صورتهای مالی حسابرسی شده بوده و حاوی اظهارنظر مطلوب باشد به عبارت دیگر چنانچه حسابرس اظهارنظری متفاوت از مطلوب مطرح کرده باشد آن صورت مالی برای تصمیم گیری قابلیت اتکا ندارد. و چنانچه اظهارنظری منفی در گزارش لحاظ شود آن سهم قابلیت معامله نداشته و از فهرست معاملات حذف می شود تا اشکال موجود از نظر حسابرس رفع شود. به علاوه چنانچه گزارش شرکت مشروط باشد یعنی درستی صورتهای مالی به شرط یا شروطنی وابسته باشد همه بورس های دنیا به شرکت فرصت می دهند تا آن مشکل را برطرف کند.

دیوید سان، زای وزو در تحقیقی بازده سهام را پیرامون زمان انتصاب اعضای کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار دادند نتایج آنها نشان داد مادامیکه اعضای جدید کمیته ی حسابرسی دارای تخصص مالی باشند شاهد تاثیرگذاری قابل ملاحظه ای روی قیمت سهام هستیم.

هدف اصلی گزارشگری مالی فراهم کردن اطلاعات مربوط و قابل اتکا و در نهایت مفید برای تصمیمات اقتصادی و تجاری است. یکی از منابع اصلی اطلاعاتی برای سرمایه گذاران جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری، اطلاعات مندرج در گزارشهای حسابداری منتشر شده توسط شرکتهاست. اتخاذ تصمیمات بهینه توسط سرمایه گذاران در گرو دستیابی به اطلاعات مربوط از جمله اطلاعات حسابداری به عنوان یکی از منابع اطلاعاتی سرمایه گذاران می باشد. تصمیم گیری بر مبنای اطلاعات غیرمرتبط، بهینه و اثربخش نبوده و نتایج مالی ناگواری را در پی خواهد داشت که در نهایت منجر به بی میلی و دلسردی سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل از بازار سرمایه می شود. این دلسردی رکود بازار سرمایه و عدم کامیابی شرکتهای در تامین مالی از این بازار را به همراه دارد.

دو ویژگی کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات که به مدد آن می توان اطلاعات مفیدتر را از سایر اطلاعات تمیز داد، مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات است. مربوط بودن اطلاعات حسابداری به معنای موثر واقع شدن آن بر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان است و اطلاعاتی مربوط و قابل اتکا به سهامداران جهت ارزیابی شرکت ارائه کنند. بر این اساس مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را می توان به عنوان توانایی ارقام حسابداری در تبیین قیمت سهام یا بازده سهام تعریف نمود. به عبارت دیگر ارقام حسابداری دارای ارزشی مربوط هستند اگر رابطه پیش بینی کننده با ارزش بازار سهام داشته باشند.

اکثر تحقیقات در زمینه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، بر سود حسابداری به عنوان معیار سود و زینانی تاکید داشته اند. سود حسابداری به عنوان منبعی از اطلاعات مورد توجه قرار دارد و توسط بسیاری از سرمایه گذاران و تحلیل گران در بازارهای مالی مورد استفاده قرار می گیرد، زیرا به آنها اجازه می دهد تصویری از عملکرد واقعی شرکت بدست آورند و به

ارزش گذاری آنها کمک کند بر مبنای حسابداری تعهدی ارزش شرکتها تابعی از عملکرد آتی آنهاست که با سود حسابداری تحقق یافته رابطه نزدیکی دارد.

محققان از دو مدل بازده و قیمت در بررسی های خود استفاده کرده اند. مدل بازده به تشریح رابطه بازده سهام و سود حسابداری می پردازد. استیون وهریس نوع خاصی از مدل بازده سالیانه را ارائه نمودند که شامل سطوح سود و تغییرات سود بود. مدل بازده ارائه شده توسط استیون وهریس به صورت زیر می باشد:

$$RET_{jt} = a_0 + a_1 E_{jt} / P_{jt-1} + a_2 (E_{jt} - E_{jt-1}) / P_{jt-1} + e_{jt}$$

در RET_{jt} در این مدل بازده سالیانه شرکت E_{jt} ، سود سالیانه هر سهم $E_{jt} - E_{jt-1}$ تغییرات سالیانه سود هر سهم و P_{jt-1} قیمت سال گذشته سهام است.

مدل دیگر به مدل قیمت شهرت دارد که اولین بار توسط اولسن (۱۹۹۵) مطرح شد. این مدل در ارتباط با قیمت سهام، سود حسابداری و ارزش دفتری سهام است و در اکثر تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است. مدل قیمت سهام به صورت زیر است:

$$MV_{jt} = a_0 + a_1 BV_{jt} + a_2 E_{jt} + e_{jt}$$

در این مدل MV_{jt} ارزش بازار هر سهم از شرکت زدر پایان ماه ارائه صورتهای مالی، BV_{jt} ارزش دفتری هر سهم شرکت زدر سال t و E_{jt} سود حسابداری گزارش شده هر سهم شرکت زدر سال t است. مدل قیمت دارای دو برتری نسبت به مدل بازده است. اول آنکه اگر بازار سود حسابداری را پیش بینی کند و این پیش بینی را در قیمت اولیه سهام منظور نماید، در مدل بازده ضریب سود به سمت صفر متمایل می شود. برعکس در این وضعیت مدل قیمت، ضریب سود را بدون سوگیری به سمت صفر ارائه می کند زیرا قیمت سهام منعکس کننده آثار انباشته اطلاعات مربوط به سود است. به عبارت دیگر اطلاعات حسابداری می تواند در صورت منعکس شدن در قیمت سهام نیز دارای ارزش مربوط باشد حتی اگر اطلاعات جدیدی برای تاثیر بر بازده سهام ارائه نکند. دومین برتری مدل قیمت نسبت به مدل بازده آنست که مدل بازده تنها امکان ارزیابی مربوط بودن سود حسابداری را ایجاد می کند در حالیکه مدل قیمت ارزش بازار شرکت را در ارتباط با ارزش دفتری سهام و سود حسابداری بررسی می کند. از آنجائیکه این دو بخش از اطلاعات حسابداری (ارزش دفتری سهام و سود حسابداری) نقش متفاوت را در قیمت گذاری بازار ایفا می کنند، بخشی از سهام منتشر شده به وسیله شرکتهای موجود در بورس توسط دولت یا اشخاص حقوقی قانونی نگهداری می شود. این سهام به روشی مشابه با سهام نگهداری شده توسط سرمایه گذاران منفرد در بازار معامله نمی گردد. این سرمایه گذاران معمولاً دسترسی مستقیم به اطلاعات درون سازمانی دارند و به اطلاعات در دسترس عموم کمتر از سرمایه گذاران منفرد تکیه می کنند. بر همین اساس شرکتهایی با درصد بالایی از سهامداران دولتی ممکن است انگیزه کمتری برای بهبود کیفیت صورتهای مالی گزارش شده خود داشته باشند، این مسئله ممکن است مفید بودن اطلاعات حسابداری را کاهش دهد. چن و دیگران (۲۰۰۱) بر اساس مبانی نظری گزارشگری مالی در ایران هدف اصلی گزارشگری مالی ارائه اطلاعات مفید برای تصمیمات اقتصادی و تجاری است. مفید بودن اطلاعات در گرو مربوط بودن آن می باشد و هر نوع بی توجهی به مربوط بودن اطلاعات با هدف مفید بودن گزارشات مالی ناسازگاری دارد.

دلایل عدم استفاده مطلوب اظهارنامه حسابرسان در تصمیم گیریهای مالی و تاثیر آن بر بازده سهام:

- ۱) عدم آشنایی کامل سهامداران با اهمیت نقش حسابرسان و اظهار نظر حسابرسان
- ۲) نامشخص بودن جایگاه حسابرس از دیدگاه قانونی و حرفه ای و همچنین انتظارات جامعه از خدمات حسابرس
- ۳) عدم شفافیت کافی گزارش حسابرسی و اطلاعات آن و متکی بودن این گزارش به بهای تمام شده تاریخی.
- ۴) فقدان آگاهی های مالی و حسابداری در بسیاری از سهامداران و مدیران به منظور انجام تجزیه و تحلیل صورتهای مالی .
- ۵) عدم کارایی بورس اوراق بهادار تهران و وجود برخی نارساییهای اطلاعاتی در سیستم ازار سرمایه ایران.
- ۶) تاریخی بودن اطلاعات تهیه شده و عدم توجه به ارزش های جاری .
- ۷) ضعف فرهنگ پاسخگویی در جامعه .
- ۸) عدم پویایی فرایند اظهار نظر حسابرسی (سالی یک بار) متقابلا روند پویا در شاخص قیمت و نرخ سهام .
- ۹) فقدان سیستم اطلاعاتی بهنگام و کاملا شفاف از سوی شرکتها
- ۱۰) تاثیر ضعف اظهار نظر حسابرس در جهت عادلانه شدن قیمت بازده سهام در بورس .
- ۱۱) نبود سیستم مکانیزه و پیشرفته و مجهز در بورس اوراق بهادار تهران جهت انعکاس سریع اطلاعات شرکتها به سهامداران .
- ۱۲) تمرکز دولتی حسابرسی مالی در ایران و برخی نارسایی های ساختاری و قانونی در سیستم حسابرسی کشور .
- ۱۳) تاثیر گذاری شرایط سیاسی و اقتصادی در بازار سهام .
- ۱۴) توجه ناکافی مجامع عمومی به گزارش حسابرس بهنگام تصمیم گیری در مجمع عمومی .
- ۱۵) عدم برخورداری از همکاری مناسب کارگزاران بعنوان مشاور سرمایه گذاری .
- ۱۶) تعلق بیشترین سهم مبادلاتی سهام به سازمانها و نهادها و موسسات عمومی ، دولتی و نیمه دولتی و مبتنی بر تحلیل های غیر عملی و کارشناسی نشده.
- ۱۷) ضعف سیستم نظارتی در برخورد با انحراف شدید موارد پیش بینی و واقعی و بودجه شرکتها. EPS

- ۱۸) عدم قانونمندی و نامشخص بودن مسئولیت حسابرسان در مقابل اشخاص ثالث مشخص.
- ۱۹) عدم اطلاع و آگاهی استفاده کنندگان یا خریداران و فروشندگان سهام در بورس تهران از میزان اعتباردهی گزارش حسابرس بر صورت‌های مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران .
- ۲۰) عدم اطلاع سرمایه گذاران از انواع ابزارهای مهندسی مالی .
- ۲۱) تاکید بر نقش بازرسان در قانون تجارت و ضعف نقش حسابرسان در قوانین موجود.

تقلب در حسابرسی صورتهای مالی

تهیه مطالب توسط: امیری - پالیزیان - حاجوی

تعریف تقلب:

تقلب دامنه ای گسترده از اختلالات و اعمال غیر قانونی را در بر می گیرد که از طریق ارائه نادرست عمدی، مشخص و تعیین می شود.

تقلب از بسیاری از جهات از جمله مالی، شهرت و معروفیت سازمانی، کارکردهای روانی و اجتماعی، اثرات و پیامدهای منفی بر سازمان می گذارد.

بر اساس مطالعات مختلف، ضررهای پولی حاصل از تقلب بسیار با اهمیت هستند. مخارج و هزینه های کل تقلب از نظر زمان، بهره وری و شهرت مانند روابط با مشتری، بی حد و اندازه است. با توجه به شدت زیان وارده و تاثیر مالی حاصل از فعالیت های متقلبانه، سازمانها به طور جبران ناپذیری دچار آسیب می شوند. بنابراین داشتن برنامه قوی و توانمند برای تقلب بسیار با اهمیت است. این برنامه شامل هوشیاری و آگاهی، پیشگیری و برنامه های کشف تقلب است و فرایند ارزیابی خطر تقلب در داخل سازمان را نیز در بر می گیرد.

انجمن بازرسان رسمی تقلب آمریکا (ACFE) تعریفی فراگیر از تقلب را پذیرفته و می گوید: "تقلب در برگیرنده تمام ابزار گوناگونی است که ساخته انسان است و یک فرد با استفاده از آن مزیتی را نسبت به دیگری از طریق توصیه های دروغین یا کتمان حقیقت کسب می کند و شامل تمام رویدادهای ناگهانی، ترفندها، حيله گریها یا مخفی کاریها و دیگر راههای غیر منصفانه برای فریب دیگری است"

طبق بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی مربوط به تقلب، اشتباه عبارت است از هر گونه تحریف سهوی در صورتهای مالی (شامل حذف یک مبلغ یا مورد افشا) مانند:

- اشتباه در گردآوری یا پردازش اطلاعات مبنای تهیه صورت های مالی
- برآورد حسابداری نادرست ناشی از نادیده گرفتن یا برداشت نادرست از حقایق موجود، و
- اشتباه در به کارگیری استانداردهای حسابرسی مرتبط با اندازه گیری، شناسایی، طبقه بندی، ارائه یا افشا.

تقلب معمولاً در صورت بروز سه وضعیت زیر رخ می دهد:

- مدیریت یا سایر کارکنان در پی انگیزه ای یا تحت فشار خاصی مرتکب تقلب می شوند
- وضعیت موجود — مثلاً نبودن کنترل، نامناسب بودن کنترل‌های موجود، یا توانایی مدیریت برای زیر پا گذاشتن کنترل‌ها— فرصتی را برای ارتکاب تقلب فراهم می کند، و
- افرادی که مرتکب اعمال متقلبانه می شوند، قادر به توجیه عمل خود هستند و بعضی از این افراد دارای نگرش، ویژگی یا مجموعه ای از اصول اخلاقی هستند که به آنها اجازه می دهد تا آگاهانه و عمدتاً تخلفاتی را مرتکب شوند.

طبقه بندی انواع تقلب

به طور کلی، تقلب به سه شکل زیر انجام می شود:

- **فساد مالی:** به عنوان تقلبی تعریف می شود که در آن متقلبان از نفوذ خود در یک تراکنش مالی به منظور کاربرداری برای منافع شخصی خود یا شخصی دیگر، به غلط استفاده می کنند؛ مانند پذیرش پورسانت و درگیر شدن در تضاد منافع، رشوه خواری (مانند دستکاری قیمت‌ها در مزایده ها و مناقصه ها)، باجگیری و زورگیری اقتصادی (نوعی از رشوه خواری که به جای آنکه عاملش فروشنده باشد، شاغل سازمانی از فروشنده تقاضای پول می کند)
- **سوء استفاده از داراییها:** شامل دزدی یا استفاده نادرست از داراییهای یک سازمان است، مانند ترفندهای نقد دزدی، کالا دزدی، دزدی سایر داراییها و استفاده غیر قانونی از داراییها به عنوان دارایی شخصی.
- **تقلب گزارشگری مالی:** عبارت است از تحریف عمدی در نتایج صورتهای مالی برای ارائه تصویر نادرست از شرکت، مانند بیش نمایی داراییها و کم نمایی هزینه ها— بیش نمایی درآمدها و بیش نمایی داراییها— کم نمایی دارایی های دزدیده شده.

چگونه مدیران مرتکب تقلب می شوند؟

بیشتر تقلب‌های مربوط به صورتهای مالی، یکسری ویژگیهای مشترک دارند و معمولاً با یکی از روشهای زیر یا ترکیبی از آنها صورت می گیرند:

تقلب از طریق شناسایی نادرست درآمدها

- درآمدها و حسابهای دریافتنی از جمله حسابهای هستند که آسانتر و بیشتر در تقلب مربوط به صورتهای مالی مورد دستکاری قرار می گیرند. تقلب از طریق درآمدها بسیار عادی است، چرا که:
- در بسیاری از موارد، جایگزینها و گزینه های قابل قبولی برای شناسایی نادرست و جعلی درآمدها وجود دارد و به همین سبب؛ شرکتها علاقه بیشتری به استفاده از این روش برای ارتکاب تقلب دارند، و
 - دستکاری سود خالص با استفاده از حساب درآمد و حسابهای دریافتنی بسیار آسان است. مثلاً شرکت می تواند از طریق ایجاد حساب دریافتنی، درآمد نادرست و غیر واقعی شناسایی کند و از این طریق سبب افزایش سود خالص گردد.

روشهای کشف و پیشگیری تقلب

به طور کلی، تقلب دو نارسایی بنیادی دارد که در نهایت ممکن است به کشف بینجامد؛ ساختار و پیش بینی پذیری.

- **ساختار:** ماهیت چرخه ای تقلب، ساختاری از عناصر و مسیری به هم چسبیده را نشان می دهد. بدین سان که یک نفر مجرب و متخصص حتی با نگاهی گذرا به برخی جنبه های این چرخه می تواند با ارزیابیهای خود از تمام طرفهای متقلبان و نیتها و محرکهای آن پرده بردارد.

- **پیش بینی پذیری:** تقلب به عنوان یک رویداد در هر دو چارچوب کلان و خرد، پیش بینی پذیر است، زیرا هر معمولی باید شرایطی داشته باشد تا ایجاد شود. در سطح کلان، یک همبستگی بین وضع عمومی اقتصاد و صنعت و میل به تقلب وجود دارد. در سطح خرد، پیش بینی پذیری تقلب از این بینش بر می آید که بیشتر تقلبها دارای ویژگیهای مشترک هستند و یک حسابرس مجرب می تواند از قواعد یادگیری سر انگشتی و مراقبت حرفه ای و پیش بینی تقلب در زمانی که شرایط خاصی حاکم باشد، استفاده کند.

حسابرسی تقلب:

حسابرسی تقلب با حسابرسی صورت های مالی متفاوت است. حسابرسی مالی اصولا در پی جست و جو و کشف تقلب نیست، بلکه گواهی و شهادتی است بر این که آیا صورتهای مالی به طور منصفانه تهیه و ارائه شده اند یا خیر. اما حسابرسی تقلب، حسابرسی ویژه ای برای کشف تقلبات صورت های مالی است.

مفروضات زیربنایی حسابرسی تقلب شامل مورد زیر است:

- وقوع تقلب حتی در سیستم های حسابداری با کنترل های داخلی دقیق و سخت گیرانه هم امکان پذیر است.
 - ظاهر تقلب در یک معامله ممکن است نشان دهنده مبلغ بی اهمیتی باشد، ولی ممکن است مبلغ با اهمیتی در آن مستتر شده باشد.
 - اگر جست و جوگری حسابرسان تقلب، به قدر کافی طولانی و ژرف باشد، احتمالا می توان نشانه ای از تقلب را باز شناخت.
 - تقلبات ممکن است مربوط به هر سطحی از مراتب کارکنان، مدیریت و یا جامعه باشد.
- حسابرسان تقلب باید علاوه بر مهارت های لازم برای حسابرسی مالی، مهارت های ویژ دیگری نیز برای اجرای حسابرسی تقلب داشته باشد. از جمله این مهارتها می توان به کسب شناخت از روش های مناسب برای گردآوری و مستند سازی شواهد زبان های ناشی از تقلب، مهارت پرس و جو از اشخاص ثالث، مهارت در ادای شهادت دهی، شناخت ماهیت تقلب از دیدگاه حقوقی، قانونی و حسابرسی، داشتن مهارت و تجربه کافی در شناخت تقلبات مربوط به حرفه های مختلف مثل تقلبات بانکی، تقلبات در حرفه بیمه، تقلبات در صنایع تولیدی مختلف، تقلبات در خرده فروشی و ... اشاره کرد.

نظریه حسابرسی تقلبات رایانه ای

از سال ۱۹۵۰ استفاده از رایانه برای کاربردهای تجاری در ایالات متحده رواج یافت اما تا سال ۱۹۵۸ کاری جدی در زمینه جرم های رایانه ای صورت نگرفته بود تا اینکه موسسه بین المللی پژوهش استانفورد به طور رسمی شروع به گردآوری کاربردهای تقلب انگیز رایانه ای کرد که در صورت های مالی شرکت های سهامی بزرگ رخ می داد.

نظریه تقلبات رایانه ای، ترکیبی از سه مفهوم انگیزه ها، فرصت ها، وسایل و روش هاست که به صورت خلاصه آن را بیان می کنیم:

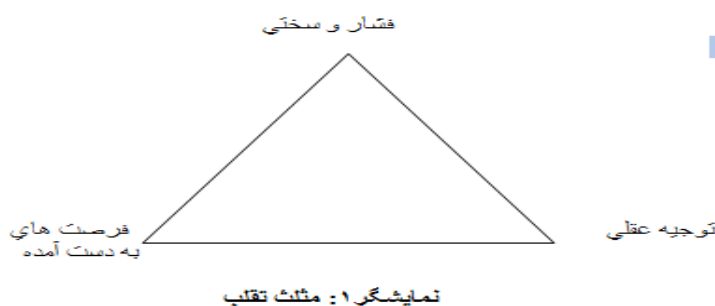
✓ **انگیزه ها:** انگیزه هایی که ممکن است شخصی به جرم رایانه ای مرتکب شود، شامل:

- ۱- انگیزه های مالی: مقصود اصلی شخص مصمم به انجام تقلب است که اشتیاق به کسب منفعت مالی دارد.
- ۲- انگیزه خودبینی: برانگیزاننده احساس نیاز به نشان دادن هوشمندی و زیرکی خود به دیگران است.
- ۳- انگیزه بینشی: شخص متقلب دست به اقدام انتقام جویانه علیه کسی یا چیزی می زند که به نظرش عامل ستم کاری به او بوده.

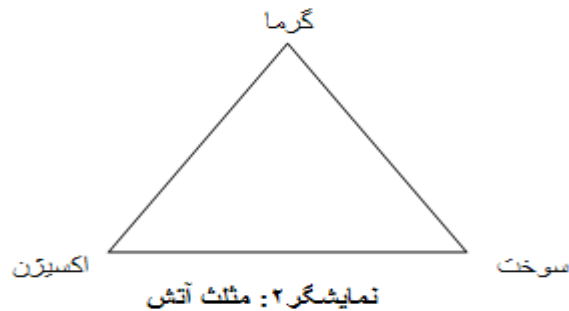
۳ - انگیزه روان پریشی: از کج فهمی واقعیت، یا داشتن تری و اضطراب از عوامل موهوم ناشی می گیرد. تعداد کمی از تقلبات صورت گرفته به اینگونه انگیزه نسبت داده شده است.

چرا افراد مرتکب تقلب می شوند

به طور کلی جهت شناسایی محرکها و انگیزه های ارتکاب تقلب، بهتر است اجزای مثلث تقلب را بررسی کنیم این اجزا که در نمایش گر ۱ نمایش داده شده است، عبارتند از فشار و سختی، فرصتهای به دست آمده و توجیه عقلی .



مثلث تقلب اغلب با مثلث آتش مقایسه می شود. برای اینکه آتش سوزی رخ دهد، به سه عنصر اساسی نیاز است، اکسیژن، سوخت، گرما. ترکیب این سه عنصر "مثلث آتش" در نمایشگر ۲ نمایش داده شده است. وقتی این سه عنصر با هم ترکیب شوند، آتش سوزی خواهد داد.



مامور آتش نشانی می داند که با حذف هر یک از این سه عنصر به راحتی میتواند آتش را مهار کند. اکسیژن را اغلب با خفه کردن یا با استفاده از مواد شیمیایی و یا با استفاده از سایر روشها میتوان حذف کرد. گرما اغلب با پاشیدن آب روی آتش حذف می شود و سوخت با درست کردن خط آتش یا با شکافتن آتش یا با مسدود کردن منبع سوخت، حذف شدنی است. همانند عناصر مثلث آتش، عناصر مثلث تقلب دارای ارتباط متقابل هستند. در ایجاد آتش، مقداری سوخت و اکسیژن و گرما باعث روشن آتش می شود. در تقلب نیز به فرصت برای ارتکاب تقلب یا مقدار زیادی سختی و فشار و مقداری توجیه عقلی نیاز است تا فرد انگیزه برای ارتکاب تقلب را پیدا کند. همچنین، مقدار کمی فرصت و یا فشار ممکن است در ایجاد انگیزه برای ارتکاب تقلب موثر باشد. آبراهام لینکلن گفته است، “ آن چیزی که باعث فنای شخص در خارج از محل کارش میشود، زمانی است که به او رشوه در خورتوجهی پیشنهاد میشود. همچنین در جایی دیگر آمده است که “ هر شخصی قیمت خاصی دارد که وقتی با معیارهایش مطابقت داشته باشد، راضی خواهد شد و مبلغ رشوه پیشنهادی را خواهد پذیرفت”. بسیاری از مشکلات و سختیها در مواجهه با مشکلات مالی ایجاد می شوند، اگر چه مشکلات غیرمالی مانند لزوم گزارش نتایج نسبت به عملکرد واقعی، پیش بینی های دآمدها، معروفیت یا طمع ورزی نیز می توانند به عنوان انگیزه هایی برای ارتکاب تقلب مطرح باشند. برای مسئولان اجرایی شرکتها، توجیه عقلی به عنوان یکی از اجزای مثلث تقلب ممکن است شامل موارد زیر باشد “ ما باید قیمت سهام را بالا نگه داریم” همه شرکتها اعمال حسابداری متهورانه و جسورانه

را به کار می گیرند ” ، “ برای اعتبار کارخانه مفید است ” یا “ مشکل موقتی است و با نتایج مثبت آینده جبران خواهد شد ”. به رغم نقش فشار و سختی در ارتکاب تقلب، در صورتی که افراد بدانند تقلب آنها کشف خواهد شد، هیچ گاه دست به ارتکاب تقلب نخواهند زد. از سویی دیگر، در صورتی که افراد بدانند با پنهان کاری می توانند مانع کشف تقلب شوند. حتی بدون شرایط فشار و سختی نیز از فرصتهای

بدست آمده برای ارتکاب تقلب استفاده خواهند کرد. فرصت یافتن برای ارتکاب تقلب در صورتهای مالی، شامل عواملی مانند هیئت مدیره ضعیف، کنترلهای داخلی ضعیف و ناکافی یا توانایی پنهانکاری تقلبها با ساختار ترکیبی یا معاملات با اشخاص وابسته است.

مسئولیت‌های قانونی حسابرسان

تهیه مطالب توسط: کوهی - مقبلی

مسئولیت قانونی را به طور خلاصه می‌توان چنین تعریف کرد:

مسئولیت‌های حرفه‌ای طبق قوانین و مقررات که سطح معقولی از مراقبت را در انجام کارهای حرفه‌ای ایجاب می‌کنند و عدم انجام این مسئولیت‌ها مستلزم جبران خسارت، تنبیه و مجازات‌هایی است که در قوانین و مقررات پیش‌بینی شده است.

تمایز بین قصور واحد اقتصادی، قصور حسابرس و خطر حسابرسی

بسیاری از افراد حرفه‌ای حسابداری و حقوقی معتقدند که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به دلیل عدم آشنایی با دو مفهوم زیر، ممکن است مسئولیت بسیاری از قصورها را بر گردن حسابرسان بیندازند:

۱- تفاوت بین قصور واحد اقتصادی و قصور حسابرس.

۲- تفاوت بین قصور حسابرس و خطر حسابرسی

قصور واحد اقتصادی، هنگامی که واحد اقتصادی قادر به انجام تعهداتش نسبت به بستانکاران یا برآورده ساختن انتظارات سرمایه‌گذارانش به لحاظ شرایط اقتصادی یا تجاری نباشد، رخ می‌دهد. نمونه‌ای از این شرایط اقتصادی یا تجاری، رکود اقتصادی، تصمیمات ضعیف مدیریت و رقابت‌های غیرمنتظره در صنعت است.

قصور حسابرس هنگامی اتفاق می‌افتد که حسابرس نظر غیرصحیحی را به دلیل قصور در پیروی از الزامات استانداردهای حسابرسی یا آیین رفتار حرفه‌ای، ارائه کند.

مثالی از این مورد، به کارگیری کارکنان بدون صلاحیت توسط یک موسسه حسابرسی جهت اجرای یک کار حسابرسی است؛ به نحوی که این کارکنان قادر به کشف تحریف‌های با اهمیت که به راحتی توسط یک حسابرس با صلاحیت کشف می‌شود، نباشند.

خطر حسابرسی نشان دهنده این احتمال است که حسابرس پس از انجام حسابرسی مناسب، به این نتیجه برسد که صورت‌های مالی به نحو مطلوب ارائه شده‌اند، در حالی که در واقع آنها به میزان با اهمیتی تحریف شده‌اند.

خطر حسابرسی اجتناب ناپذیر است؛ زیرا حسابرسان شواهد را فقط بر مبنای نمونه‌ای جمع‌آوری می‌کنند و همچنین تقلب‌هایی که به بهترین شکل پنهان می‌شوند، معمولاً به سختی کشف می‌شوند. لذا یک حسابرس ممکن است استانداردهای حسابرسی را به طور کامل رعایت کند لیکن قادر به کشف تحریف‌های ناشی از تقلب نباشد.

قاعدتا در هنگام قصور واحد اقتصادی، ممکن است مشکلاتی برای حسابرسان پیش آید. برای مثال، هنگامی که یک شرکت زیان‌ده می‌شود یا قادر به پرداخت بدهی‌هایش نیست، ممکن است استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ادعا کنند که در این مورد، حسابرس قصور کرده است؛ به خصوص در حالتی که حسابرس در سال‌های قبل، گزارش‌هایی که بیانگر ارائه مطلوب صورت‌های مالی بوده است، منتشر کرده باشد. حتی بدتر از این، اگر قصور توسط واحد اقتصادی اتفاق افتاده باشد و بعدها مشخص شود که صورت‌های مالی تحریف شده‌اند، استفاده‌کنندگان ممکن است ادعا کنند که حسابرس مسامحه کرده است؛ حتی اگر حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی انجام شده باشد.

این تضاد میان استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و حسابرسان، معمولاً به دلیل «فاصله انتظارات» پیش می‌آید.

بیشتر حسابرسان معتقدند انجام کار حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی، همه چیزی است که می‌توان از یک حسابرس انتظار داشت. با این حال، بسیاری از استفاده‌کنندگان معتقدند حسابرسان صحت صورت‌های مالی را تضمین می‌کنند و حتی بعضی از استفاده‌کنندگان این اعتقاد را دارند که حسابرسان، کارآیی مالی واحد اقتصادی را تضمین می‌کنند.

مفاهیم حقوقی تاثیرگذار بر مسوولیت حسابرسان

یک حسابدار رسمی برای تمامی جنبه‌های خدمات حرفه‌ای که ارائه می‌کند، شامل انواع حسابرسی، مالیات، خدمات مشاوره مدیریت و خدمات حسابداری و دفترداری، دارای مسوولیت است.

به موجب استانداردهای حسابرسی، واضح است که حسابرسان تضمین‌کنندگان یا بیمه‌کنندگان صورت‌های مالی نیستند. لذا از حسابرس انتظار می‌رود تا حسابرسی را با مراقبت لازم انجام دهد و از وی انتظار نمی‌رود که کاری کاملاً بدون نقص انجام دهد.

مسوولیت شرکای موسسات حسابرسی در مورد اعمال دیگران، در بند ۴ ماده ۲۴ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران چنین توضیح داده شده است:

شرکای موسسه حسابرسی در مقابل فعالیت‌های موسسه و اشخاص ثالث، مسوولیت تضامنی دارند. شرکای موسسات حسابرسی، همچنین در مورد کار سایرین نیز که در انجام حسابرسی بر روی آنها اتکا شده است، مسوولیت دارند.

سه گروهی که حسابرسان بیشترین اتکا را بر روی آنها می‌کنند، کارکنان موسسه، سایر موسسات حسابرسی که در انجام بخشی از کار حسابرسی درگیر بوده‌اند و کارشناسان یا متخصصین منتخب حسابرس که دارای اطلاعات فنی هستند، می‌باشند. اگر یکی از کارکنان حسابرس، حسابرسی را به طور غیرصحیح انجام دهد، شریک در قبال عملکرد وی مسوول است.

با توجه به قوانین و مقررات موضوعه و عرف حقوقی، مسوولیت‌های قانونی حسابرسان را می‌توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد:

۱- مسوولیت انتظامی ۲- مسوولیت مدنی ۳- مسوولیت قراردادی ۴- مسوولیت جزایی.

مسوولیت انتظامی حسابرسان

حسابرسان در صورت تخطی از نظام‌ها، اخلاق و شئون حرفه‌ای، دارای مسوولیت انتظامی خواهند بود. به موجب ماده ۲۹ اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران، «رعایت مقررات جامعه (حسابداران رسمی ایران) و پیروی از رهنمودها و تذکرات ابلاغ شده از سوی ارکان ذی‌صلاح جامعه در مورد رفع نارسایی‌های خدمات حرفه‌ای اعضا، توسط آنها الزامی است.

حسابدار رسمی که مقررات جامعه حسابداران رسمی ایران را رعایت نکند و از رهنمودها و تذکرات ابلاغ شده از سوی ارکان ذی‌صلاح آن پیروی نکند، متخلف انتظامی تلقی می‌شود. رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای جامعه از مقررات مربوط، طبق اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران به هیات بدوی انتظامی و هیات عالی انتظامی محول گردیده است.

تنبیه‌های انتظامی که در اساسنامه جامعه برای اعضا تعیین گردیده به شرح زیر است:

۱. اخطار بدون درج در پرونده
۲. توبیخ با درج در پرونده
۳. ممنوعیت از پذیرش کار جدید برای مدت معین
۴. تعلیق عضویت تا یک سال.
۵. تعلیق عضویت بیش از یک سال.
۶. لغو عنوان حسابدار رسمی.

مسوولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارت از: «لزوم و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی است که در نتیجه عمل وی به دیگری وارد شده است». منشأ این الزام و تعهد، قانون است. به عبارت دیگر، منظور از مسئولیت مدنی، التزام و تعهدی است که متعهد به مناسبت انجام فعلی زیان‌بار، به حکم قانون موظف به جبران آن است و به اراده او این تعهد انجام نشده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ضرر، رکن مهم این مسئولیت است. به طور خلاصه می‌توان گفت:

- در مسئولیت مدنی، شخص در مقابل دیگری (زیان دیده) مسؤول و پاسخگو است.
- عمل مسئولیت‌آور در مسئولیت مدنی، محدود به انجام یا عدم انجام کاری است که به دیگری ضرر وارد می‌کند.
- تحقق مسئولیت مدنی منوط به ایجاد ضرر ناشی از فعل یا ترک فعل شخص به دیگری است.
- هدف مسئولیت مدنی، احقاق حق ثالث و جبران ضرر وارده به دیگری است و این ضرر می‌تواند توسط افراد دیگر نیز جبران شود.
- جبران ضرر ناشی از مسئولیت مدنی، منوط به شکایت زیان دیده است.
- معیار داوری در مسئولیت مدنی، مقررات قانونی و عرف است.

مسئولیت مدنی در کشورمان تابع قانون مدنی و نیز قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ مجلس شورای ملی است.

با توجه به اهمیت این دو قانون، لازم است با برخی از مواد آنکه می‌تواند به نحوی با کار حساب‌برسان مرتبط باشد، آشنا شویم.

مسئولیت قراردادی

مسئولیت قراردادی به معنی التزام و تعهد قانونی متخلف، به جبران خسارتی است که در نتیجه تخلف او از انجام تعهد به متعهدله (طرف قرارداد) وارد شده است. تفاوت اساسی مسئولیت قراردادی با مسئولیت مدنی در این است که شخص در مسئولیت قراردادی دارای تعهد قراردادی است، در حالی که در مسئولیت مدنی فاقد چنین تعهدی است. به عبارت دیگر، در مسئولیت قراردادی، شخص به لحاظ تعهداتی که به موجب قرارداد پذیرفته است، ملزم به انجام مورد تعهد است و در صورت عدم انجام آن در موعد تعیین شده، باید خسارت ناشی از آن را که بر طرف قرارداد وارد شده است، به حکم مرجع قانونی ذیصلاح جبران کند. لازم به ذکر است که تفاوت اساسی بین مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی در این است که تحقق مسئولیت مدنی مستلزم اثبات تقصیر عامل فعل زیان‌بار است؛ در حالی که در تحقق مسئولیت قراردادی، صرف عدم انجام تعهد در سررسید، تقصیر محسوب می‌شود. علی‌رغم این که شرایط تحقق هر یک از این دو مسئولیت با دیگری متفاوت است؛ ولی هر دوی آن‌ها دارای هدف مشترک جبران خسارت زیان دیده هستند.

هنگامی که حسابرسان نتوانند تعهداتی را که در قراردادهای منعقد شده است، به موقع انجام دهند، صرف عدم انجام این تعهد در سررسید، تقصیر محسوب خواهد شد. یکی از این موارد به عنوان مثال، هنگامی که حسابرسان به موجب قرارداد خود، ملزم به صدور گزارش حسابرسی مالیاتی در موعد قانونی مقرر در ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم می‌شوند، قصور از این موضوع، نوعی مسوولیت قراردادی برای حسابرس به وجود خواهد آورد.

مسوولیت جزایی

چهارمین نوع مسوولیتی که بر حسابرسان متوجه می‌شود، مسوولیت جزایی است. مسوولیت جزایی، مسوولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون را گویند و شخص مسوول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید. درباره مسوولیت جزایی به طور خلاصه می‌توان گفت:

- هدف اصلی مسوولیت جزایی، برقراری نظم و حفظ آن در جامعه است.
- تحقق مسوولیت جزایی منوط به وجود نص خاص قانونی است که از آن به اصل قانونی بودن جرم و مجازات تعبیر می‌شود.
- در مسوولیت جزایی، تحمل مجازات توسط شخص مجرم صورت می‌پذیرد و نمی‌شود مجازات توسط دیگری تحمل شود که به این اصل، اصل شخصی بودن مجازات می‌گویند.
- مبنای محکومیت در مسوولیت جزایی، جرایم و مجازات‌هایی است که در قانون تصریح شده است. در برخی قوانین و مقررات، مسوولیت‌های جزایی به طور صریح و غیرصریح متوجه حسابرسان است. این قوانین عبارتند از قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت ایران، قانون بازار اوراق بهادار و قانون مجازات اسلامی.

پیشگیری از بروز مسوولیت‌های قانونی

حسابرسانی که در حرفه حسابرسی مشغول به کار هستند، می‌توانند برای به حداقل رساندن مسوولیت‌های خود، اقدامات زیر را انجام دهند:

- فقط با صاحبکارانی کار کنند که دارای صداقت هستند. هنگامی که یک صاحبکار فاقد صداقت است، احتمال وجود مشکلات قانونی بین آن با مشتریان، کارکنان واحدهای دولتی و دیگران وجود دارد. یک موسسه حسابرسی نیاز به رویه‌هایی دارد تا بتواند صداقت صاحبکاران را ارزیابی کند و اگر به نتیجه رسید که صاحبکاری فاقد صداقت است، رابطه خود را با آن قطع کند.

- نیروی با صلاحیت استخدام کنند و آن‌ها را به طور مناسب آموزش دهند و سرپرستی کنند. بخش عمده‌ای از بسیاری از کارهای حسابرسی توسط افراد حرفه‌ای جوان که به طور نسبی دارای تجربه اندکی هستند، انجام می‌شود. با توجه به درجه خطر بالایی که در کارهای حسابرسی وجود دارد، افراد حرفه‌ای جوان باید دارای صلاحیت بوده و به خوبی آموزش دیده باشند. سرپرستی بر کار آنان توسط افراد حرفه‌ای با تجربه و با صلاحیت، امری اساسی است.
- از استانداردهای حرفه پیروی کنند. یک موسسه حسابرسی باید روش‌هایی را برای حصول اطمینان از این که اعضای موسسه، استانداردهای حسابرسی ایران، آیین رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی ایران و مقررات، رهنمودها و تذکرات ابلاغ شده از سوی ارکان ذیصلاح جامعه را فهمیده و پیروی می‌کنند، به کار گیرد.
- استقلال خود را حفظ کنند. استقلال چیزی به مراتب بیشتر از جنبه‌های مالی آن است. استقلال در واقع، یک نگاه مسوولانه، جدای از منافع صاحبکار را لازم می‌دارد.
- کسب و کار صاحبکار را بشناسند. عدم اطلاع از روش‌های صنعت و عملیات صاحبکار، می‌تواند یکی از عوامل عمده در عدم کشف تحریف توسط حسابرسان باشد. اعضای تیم حسابرسی، باید در مورد روش‌های صنعت و عملیات صاحبکار، آشنایی کافی داشته باشد.
- حسابرسی را با کیفیت انجام دهند. حسابرسی با کیفیت، مستلزم آن است که حسابرسان شواهد مناسب و کافی به دست آورند و قضاوت صحیح را در مورد شواهد انجام دهند. برای این کار لازم است که حسابرسان کنترل‌های صاحبکار را بشناسند و میزان شواهد را براساس یافته‌ها تعدیل کنند. حسابرسی با کیفیت، منجر به کاهش احتمال تحریف و کاهش دعوی علیه حسابرس خواهد شد.
- کار را به‌گونه‌ای مناسب مستند کنند. تهیه مستندات حسابرسی به گونه‌ای خوب و مناسب به حسابرس کمک می‌کند تا حسابرسی را با کیفیت انجام دهد. مستندات حسابرسی با کیفیت خوب در دفاع از یک حسابرس در دادگاه، کمک فراوانی خواهد کرد.
- قرارداد حسابرسی را تنظیم کنند. تنظیم قرارداد حسابرسی پیش از شروع کار، هم به نفع صاحبکار و هم به نفع حسابرس است؛ زیرا از هرگونه برداشت نادرست از کار جلوگیری می‌کند. این مدرک در صورت اقامه دعوی علیه حسابرس چه توسط صاحبکار و چه توسط اشخاص ثالث، قطعاً به منظور تعیین وظایف و تعهدات قراردادی حسابرس، بسیار با اهمیت خواهد بود.
- اطلاعات صاحبکار را محرمانه نگه دارند. به موجب برخی قوانین و همچنین آیین رفتار حرفه‌ای، حسابرسان نباید اطلاعات صاحبکار را برای دیگران افشا کنند.
- از مشاوران حقوقی استفاده کنند. در هنگام وقوع مشکلات جدی در انجام حسابرسی، لازم است حسابرسان از مشاوران و حقوق‌دانان با تجربه استفاده کنند. در شرایط طرح یک دعوی حقوقی، حسابرسان باید بلافاصله به دنبال یک وکیل با تجربه باشند.

• تردید حرفه‌ای داشته باشند. حسابرسان معمولاً هنگامی که با اطلاعاتی مواجه می‌شوند که نشان‌دهنده مشکلی است که آن‌ها نتوانسته‌اند شناسایی کنند، مسوول خواهند بود. لذا حسابرسان همواره باید سطحی مناسب از بدبینی داشته باشند تا بتوانند در مقابل تحریف‌های بالقوه، هوشیار باشند. در این صورت، حسابرس قادر خواهد بود تا تحریف‌های با اهمیتی را که وجود دارند، شناسایی کند.

حاکمیت شرکتی

تهیه مطالب توسط: تشکری - نادری کیا - نصیری - امیری

حاکمیت شرکتی طی سال‌های گذشته باهدف ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری‌های پربازده، توجه به سهامداران و روابط آنها، پاسخگویی، بهبود عملکرد هیات‌مدیره، حسابرسان و سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی مطرح شده است.

تشکیل شرکت‌های بزرگ و به دنبال آن مسائل مربوط به تفکیک مالکیت از مدیریت و پس از آن در سال‌های اخیر بحران‌های مالی به‌وجود آمده برای بعضی از شرکت‌های بزرگ باعث توجه بیش از حد به حاکمیت شرکتی شده است. تغییرات به‌وجود آمده در حاکمیت شرکتی و محیط‌های تجاری باعث به‌وجود آمدن موج عظیم بازسازی شرکتی در سراسر جهان شده است.

تعریف حاکمیت شرکتی (راهبری شرکتی) :

تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند.

در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این، الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران)، بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می‌شود.

تعریف جامع و کامل از حاکمیت شرکتی (حساس یگانه) :

حاکمیت شرکتی، قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدفهای پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود.

حاکمیت شرکتی روشی است که در آن هیات مدیره و مدیریت اجرایی از طریق آن بر روابط و مسائل کاری نظارت داشته تا اهداف زیر محقق شوند:

- ۱- اهداف سازمان شامل کسب بازده اقتصادی برای صاحبان سهام محقق می شود.
- ۲- عملیات روزمره به درستی اجرا گردد.
- ۳- منافع طرف های ذینفع شناسایی شده و مورد توجه قرار گیرد.
- ۴- فعالیت ها و رفتار سازمان به گونه ای باشد که اطمینان حاصل شود، شرکت در شرایط مطمئن صحیح و طبق قوانین عمل می کند.
- ۵- از منافع سرمایه گذاران حمایت شود.

انواع سیستم های حاکمیت شرکتی :

بررسی ها نشان می دهد که هر کشور سیستم حاکمیت شرکتی منحصر به خود را دارد. به اندازه کشورهای دنیا سیستم حاکمیت شرکتی وجود دارد. تلاش هایی برای طبقه بندی سیستم های حاکمیت شرکتی صورت گرفته است که با مشکلاتی همراه بوده است. با این حال، یکی از بهترین طبقه بندی ها که از پذیرش بیشتری نزد صاحب نظران برخوردار است، طبقه بندی معروف به سیستم های درون سازمان و برون سازمانی است .

سیستم حاکمیت درون سازمانی:

سیستمی است که در آن شرکت های فهرست بندی شده یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده موسس یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانک های اعتباردهنده، شرکت های دیگر یا دولت باشند. به سیستم های درون سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج میان شرکت ها و سهامداران عمده آنها سیستم های رابطه ای نیز گفته می شود.

سیستم حاکمیت برون سازمانی:

سیستمی است که در آن شرکت های بزرگ توسط مدیران کنترل می شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا خصوصی قرار دارند؛ اگرچه در سیستم های برون سازمانی، شرکت ها مستقیماً توسط مدیران کنترل می شوند؛ اما به طور غیر مستقیم نیز تحت کنترل اعضای برون سازمانی قرار دارند. اعضای برون سازمانی شامل نهادهای مالی و همچنین سهامداران خصوصی هستند.

✓ شواهد موجود نشان می دهد با توجه به رقابتی شدن بخش زیادی از فعالیت های تولیدی و خدماتی پس از ورود ایران به سازمان تجارت جهانی (وتو) شرکت های ایران راهکاری جز برقراری یا اصلاح یا بهبود حاکمیت شرکتی برای ادامه حیات خود ندارند (آیین نامه نظام راهبری شرکتی سال ۱۳۸۶)

✓ ساختار مالکیت شرکتهای سهامی عام در وضعیت کنونی ایران تا حد زیادی بر موقعیت توان درونی تطبیق دارد .
 نفوذ سهامداران عمده دولتی و شبه دولتی بر شرکتهای سهامی عام ایران مشهود است . حتی با توجه به روند کنونی خصوصی سازی نیز به نظر نمی رسد در آینده نزدیک این وضعیت چندان تغییر کند . شرکتهای دولتی بزرگی که در سالهای اخیر سهام آنان عمدتاً از طریق بورس به مردم واگذار شده است ، کماکان مستقیم یا غیرمستقیم در کنترل دولت قرار دارد

ویژگیهای سیستمهای درون سازمانی (Insider)	ویژگیهای سیستمهای برون سازمانی (Outsider)
مدیریت شرکت عمدتاً " در اختیار سهامداران Inside بوده و آنها کنترل مدیریت را برعهده دارند.	شرکتهای بزرگ تحت کنترل مدیران بوده اما مالکیت سهام آن با سهامداران Outsider است
مرز روشنی بین مالکیت و کنترل مشاهده نمی شود و مسئله نمایندگی قابل ملاحظه ای وجود ندارد.	مرز مالکیت و مدیریت روشن است و مسئله نمایندگی اهمیت می یابد
تمرکز مالکیت در گروه های کوچک سهامداران (خانواده های موسس، دولت و شرکتهایی که ساختار هرمی دارند)	مالکیت گسترده است.
سهامداران عمده می خواهند نفوذ بیشتری در شرکتهای سرمایه پذیر داشته باشند.	از طریق سهامداری نمی توان اعمال نفوذ در شرکتهای سرمایه پذیر کرد.
انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت واقع می شود.	انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت واقع نمی شود.

حاکمیت شرکتی به دلایل زیر حائز اهمیت است:

- ۱ - چارچوبی را برای ایجاد اعتماد بلندمدت میان شرکت ها و تهیه کنندگان خارجی سرمایه فراهم میکند.
- ۲ - با منصوب کردن مدیرانی که بانک تجربیات و ایده های جدید هستند، تفکرات اثربخش را به صدر شرکت هدیه می کند.
- ۳- مدیریت و نظارت بر ریسک جهانی پیشروی شرکت را منطقی می سازد.
- ۴ - با تقسیم فرایند تصمیم گیری، اتکای به مدیران ارشد و مسئولیت آنان را محدود می سازد.

نوع مالکیت نهادی :

نقش نظارتی سرمایه گذاران نهادی مشابه با هم نبوده و انگیزه یکسانی برای نظارت فعالانه بر مدیریت ندارد؛ از این رو تاثیر آنها نیز بر عملکرد شرکتهای متفاوت است که به دو گروه منفعل (حساس به فشار یا موقت) و فعال (غیر حساس به فشار) تقسیم می شوند.

سرمایه گذاران نهادی منفعل دارای گردش پرتفوی بالایی بوده و استراتژی معاملات لحظه ای دارند. عملکرد جاری را به عملکرد بلند مدت ترجیح داده، انگیزه بالایی برای نظارت بر مدیریت ندارند؛ زیرا بعید است منافع در کوتاه مدت نصیبشان شود.

سرمایه گذاران فعال دیدگاه بلند مدت دارند و عملکرد بلند مدت شرکت را در نظر میگیرند و انگیزه زیادی برای داشتن نماینده در هیئت مدیره، نگهداری سهام و تشویق مدیران برای بهبود عملکرد و افزایش ثروت سهامداران دارند.

ویژگی های نظام های پیشرفته کنترل داخلی و حسابرسی در اروپا و آمریکا

پیشرفت نظام های کنترل داخلی و حسابرسی در غرب چون بر پایه اقتصاد رقابتی شکل گرفته دچار تحول فراوان هم در ماهیت وجودی و فلسفه و شرح وظایف شده و هم در بحث ابزارها متحول گردیده است.

پس از وقوع سوءاستفاده های مالی در شرکت های بزرگ آمریکایی، کمیته ای به نام «کوزو» شکل گرفت که کنگره آمریکا و نهادهای حسابداری بین المللی در آن نقش داشتند. آنها علت سوءاستفاده های مالی رخ داده را ریشه یابی و شرح وظایف سیستم ها را از نو تعریف کردند. بر این اساس وظایف جدید به ۲ دسته تقسیم شد:

دسته اول به سنجش عملکرد مدیریت بنگاه شامل کارایی و اثربخشی اقدامات و

دسته دوم به اتخاذ سیاست هایی برای به حداقل رسانیدن تقلب مالی می پردازد.

این تعاریف، وظایف سیستم کنترل داخلی و حسابرسی را بشدت گسترش داد. در نخستین قدم جایگاه حسابرسی و کنترل داخلی در چارت سازمان بسیار ارتقاء یافت به طوری که سیستمی به نام «حاکمیت شرکتی» متولد شد که مخصوص شرکت های متوسط و بزرگ است.

در فلسفه جدید وظیفه اول کنترل داخلی و حسابرسی از کشف فساد مالی و تقلب به سنجش کارایی مدیریت تغییر یافته است. یعنی کنترل داخلی مرتب مدیریت بنگاه در جهت افزایش بهره‌وری و حرکت به سوی افزایش سود را بررسی می‌کند، چرا که می‌گوید کاهش بهره‌وری، سود و تولید می‌تواند بزرگ‌ترین زیان باشد. زبانی که به مراتب بیشتر، بزرگ‌تر و همیشگی‌تر از زیان ناشی از تقلب و فساد مالی است. این فلسفه دقیقاً عکس فلسفه کنترل داخلی و حسابداری در کشور ماست که به بررسی صرف اسناد مالی هزینه می‌پردازد. می‌بینیم که نگاه سنتی و پیشرفته ۲ سیستم تا چه حد با هم فاصله دارد.

بنگاه‌های اقتصادی در فضای رقابتی به دنبال سود بیشتر هستند. راه سود بیشتر کاهش هزینه است و فساد مالی نیز نوعی هزینه سربار برای بنگاه محسوب می‌شود. نظام جدید کنترل و حسابرسی «حاکمیت شرکتی» می‌گوید من با کنترل شایستگی مدیریت در ارتقاء بهره‌وری به کاهش هزینه‌ها و رشد سود می‌رسم و در کنار این ابزارها کنترل تقلب را نیز فعال می‌کنم، اما کنترل تقلب در قالب کاهش هزینه که خود زیرمجموعه رشد بهره‌وری است، قرار می‌گیرد. نگاهی به واقعیت و منطق اقتصادی، درستی این فلسفه را ثابت می‌کند. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که ضرر ناشی از کاهش سود به خاطر ضعف مدیریت صدها برابر ضرر ناشی از فساد مالی و تقلب است. کاهش بهره‌وری میلیاردها تومان سود را از بین می‌برد که سوءاستفاده مالی به پای آن هم نمی‌رسد. این است که ما نیز باید به سوی تغییر نگاه مدیرانمان از اهداف کنترل داخلی و حسابرسی حرکت کنیم.

ساز و کارهای راهبری شرکتی طبق آیین نامه نظام راهبری شرکتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران

ساز و کارهای راهبری شرکتی را می‌توان به دو گروه داخلی و بیرونی طبقه بندی کرد.

ساز و کار داخلی راهبری شرکتی عبارتند از :

- ۱- تمرکز مالکیت : مالکیت نسبی هر یک از سهامداران حقیقی با حقوقی (سرمایه گذاری نهادی)
 - ۲- هیأت مدیره: افرادی که مسئول حفظ منافع ماکان می باشند و این مسئولیت را از طریق کنترل تصمیمات راهبردی (استراتژیک) مدیریت ارشد ایفا می کنند.
 - ۳- جبران خدمات مدیران : استفاده از سود، پاداش و محرکهای بلندمدت به منظور تطبیق و همسو مودن منافع مالکان و مدیران
 - ۴- ساختار سازمانی چندبخشی: جابجایی بخش های کسب و کار به منظور کنترل تصمیم های راهبری مدیریتی
- ساز و کارهای بیرونی به بازار از کنترل شرکتی (به دست گرفتن کنترل شرکتهای با عملکرد ضعیف به منظور بهبود مزیت های رقابتی) اشاره دارد که در ایران متداول نیست.

کمیته های هیأت مدیره

- ۱- کمیته حسابرسی: این کمیته مسئول اجرای نظارت بر کار حسابرسان داخلی و مستقل، تعیین حق الزحمه و عزل حسابرسان مستقل، بررسی تعداد دفعات حسابرسی، دریافت گزارش حسابرسی و نیز کسب اطمینان از انجام اقدامات اصلاحی به موقع و صحیح توسط مدیریت برای کنترل ضعف ها و کاستی ها، عدم تطابق با سیاست ها، قوانین و مقررات از سوی حسابرسان است.
- ۲- کمیته مدیریت ریسک: این کمیته مسئول نظارت بر اقدامات مدیریت در زمینه ریسک بازار، نقدینگی عملیاتی، رعایت، حسن شهرت و سایر ریسک های شرکت است. این کمیته سه عضو دارد که شامل یک عضو هیأت مدیره، یکی از مدیران اجرایی به انتخاب مدیر عامل و یک کارشناس خبره با تئید هیأت مدیره است.
- ۳- کمیته جبران خدمات یا حقوق و مزایا: این کمیته مسئول برنامه ریزی و نظارت بر شیوه های پرداخت حقوق و مزایا و پاداش مدیر عامل، مدیران و کارکنان شرکت در چارچوب آیین نامه مصوب هیأت مدیره می باشد. این کمیته مرکب از ۵ نفر شامل کمیته حسابرسی شامل سه عضو غیرموظف هیأت مدیره، مدیرعامل و معاون پشتیبانی یا کارشناس خبره منابع انسانی می باشد.

هیأت مدیره کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی از عوامل موثر در اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب می باشند. کمیته حسابرسی یکی از مهمترین کمیته های هیأت مدیره بوده و نقش عمده ای در مکانیزم حاکمیت شرکتی برای هدایت و نظارت بر فعالیتهای شرکت جهت نیل به اهداف شرکت دارد.

کمیته حسابرسی شامل پنج عضو است که حداقل دو عضو آن از اعضای غیرموظف هیأت مدیره و بقیه از خارج شرکت و به انتخاب هیأت مدیره می باشند. اعضای کمیته حسابرسی نمی توانند در بیش از سه کمیته حسابرسی شرکتهای سهامی با احتساب شرکت بورس فعالیت داشته باشند.

کمیته حسابرسی بایستی حداقل شش بار در سال جلسه تشکیل دهد. جلسات با حضور حداقل سه نفر رسمیت می یابد. مدیران و حسابرسان و سایر اشخاص دیگر به دعوت کمیته حسابرسی می توانند در آن حضور داشته باشند. حق حضور در جلسات برای اعضای خارج از شرکت نیز توسط هیأت مدیره تعیین می شود. در این جلسات اطلاعاتی در مورد عملکرد شرکت، سیاستها و طرحهای آن مطرح و به اشتراک گذاشته می شود.

حسابرسی سیستم های کامپیوتری

تهیه مطالب توسط :شرکاء-حضورى-قاسمى-شمس-عبادى

کامپیوتر از دو جنبه بر حسابرسی تأثیر داشته است :

۱- حسابرسی سیستم های کامپیوتری :

حسابرس در اجرای وظایف حسابرسی خود با مواردی مواجه می شود که صاحبکار برای پردازش اطلاعات مالی از سیستم های کامپیوتری استفاده نموده است.

در این گونه موارد حسابرس باید قادر باشد سیستم های کامپیوتری را مطالعه و ارزیابی و میزان اتکاء خود را به نتایج عملیات سیستم های مزبور مشخص نماید. اصول و هدف های رسیدگی در سیستم های کامپیوتری همان اصول و هدف های رسیدگی های متداول است اما در روش های رسیدگی تفاوت هائی وجود دارد.

۲- استفاده از کامپیوتر برای انجام حسابرسی

استفاده از کامپیوتر برای انجام حسابرسی، مانند استفاده از آن برای انجام سایر امور، به نوع و میزان استفاده بستگی دارد و به آشنائی و تخصص ویژه نیازمند است .

هدف حسابرسی سیستم های کامپیوتری :

هدف حسابرس از رسیدگی به سیستم های کامپیوتری حصول اطمینان از موارد زیر است :

۱- **اعتبار اطلاعات :** هدف اصلی از رسیدگی به سیستم های کامپیوتری تعیین میزان اعتبار اطلاعات است، تا براساس رسیدگی به صحت اطلاعات ورودی و روش پردازش، میزان اتکاء حسابرس بر نتایج عملیات مشخص گردد.

۲- **حفاظت دارائی ها :** مرکز خدمات کامپیوتری شامل دستگاه های کامپیوتری، برنامه ها، فایل های اطلاعاتی، مستندات سیستم ها، و کارکنان می باشد که باید مانند سایر دارائی ها کنترل و حفاظت شود.

۳- **کارائی سیستم:** سیستم‌های کاربردی به منظور رفع نیازهای استفاده کنندگان طرح و ایجاد می‌گیرد. بنابراین، هر سیستم کاربردی به منظور ارزیابی چگونگی و میزان تأمین نیازها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

۴- **اقتصادی بودن سیستم:** هزینه‌های طراحی، پیاده‌سازی و اجرای سیستم‌های کامپیوتری نباید بیشتر از هزینه انجام کار به روش‌های دیگر باشد. در این مقایسه باید مزایای سرعت و دقت پردازش کامپیوتری در نظر گرفته شود. در اغلب موارد، به علت هزینه اندک کاربرد کامپیوتر، به هر حال صرفه‌جویی‌های زیادی نصیب استفاده کننده می‌شود.

تفاوت‌های پردازش اطلاعات با کامپیوتر و روشهای دستی:

اولین تفاوت در امکان مشاهده مستندات و نحوه عمل حسابداری رویدادهاست.

ممکن است حسابرس قادر به مشاهده آنچه آغازگریک مبادله مالی که توسط کامپیوتر پردازش شده است نباشد.

همچنین ممکن است برای حسابرس دیدن اینکه کامپیوتر به هنگام پردازش اطلاعات چه کارهایی کرده دشوار باشد. بعضی از عملیات حسابداری نظیر محاسبات بهره و کارمزد بانکی ممکن است از ابتدا توسط کامپیوتر آغاز شده و بدون هیچگونه مدرک محاسباتی قابل رویت در کامپیوتر ثبت شده باشد.

تفاوت دیگر مربوط به تجهیزات سیستم‌های کامپیوتری است.

کامپیوترهای بزرگ نیاز به تجهیزات ویژه‌ای دارند و باید آنها را در اتاق‌های در بسته و حفاظت شده قرار داد و از دستیابی افراد غیرمجاز به اطلاعات جلوگیری کرد.

سومین تفاوت با اهمیت در نیروی انسانی موردنیاز آنهاست.

در سیستم‌های به نسبت بزرگتر باید واحد سازمانی خاصی به منظور به کارگیری و استفاده از کامپیوتر ایجاد شود که این واحدها برنامه نویسان، اوپراتورها، پانچ‌یست‌ها، بایگان، کارمندان کنترل داده‌ها و مدیران را در بر می‌گیرد.

تفاوت‌های بین حسابرسی سیستم‌های کامپیوتری و حسابرسی سنتی:

پیچیدگی مبادلات مالی

در کاربردهای خیلی پیچیده ممکن است استفاده از تعداد بیشماری عملیات یا مراحل پردازش دشوار و پیچیده را ایجاد کند، نظیر بروز کردن چند فقره سوابق اطلاعاتی و یا حسابهای مختلف. در بسیاری موارد ردیابی عینی مبادلات مالی مشکل و گاه غیرممکن می‌شود.

رد حسابرسی (پیگیری جریان حرکت اطلاعات) Audit Trail

در نخستین وهله حسابرس بایستی ارقام و اعداد صورتهای مالی را شناسایی کند.

حسابرس باید جریان مبادلات مالی را از صورتهای مالی آنها بدون توجه به نقطه حرکت آنها که سیستم دستی یا کامپیوتری بوده رو به عقب ردیابی کند.

انواع سوء استفاده های کامپیوتری :

۱. سرقت: (انتقال وجوه نقد، سخت افزار، نرم افزار، اطلاعات، مستندات، ملزومات)
۲. عملیات تخریبی: (سخت افزار، نرم افزار، اطلاعات، مستندات، ملزومات، فرمها و لوازم کار)
- ۳- اختلالات در عملیات
- ۴- تغییرات بدون مجوز
- ۵- دسترسی به اطلاعات محرمانه

زمان بندی حسابرسی سیستم های کامپیوتری

برای زمان بندی حسابرسی سیستم های کامپیوتری باید به موارد زیر توجه نمود:

- ۱- شناخت کلی مرکز خدمات کامپیوتری و روش های عملیاتی عمومی
- ۲- تهیه و آزمایش برنامه های کامپیوتری برای هدف های حسابرسی
- ۳- اخذ فایل های اطلاعاتی مورد نیاز برای رسیدگی
- ۴- استفاده از امکانات مرکز کامپیوتر برای اجراء برنامه های کامپیوتری حسابرسی

مراحل رسیدگی به سیستم های کامپیوتری

مطالعه و ارزیابی کنترل های حسابداری سیستم های کامپیوتری به طور خیلی خلاصه شامل مراحل زیر است :

۱. مرحله مقدماتی (Preliminary Phase) بررسی - برای شناخت کلی سیستم و کنترل های داخلی
۲. مرحله تکمیل (Completion phase) بررسی - برای مشخص کردن کنترل های اساسی
۳. آزمون رعایت (Compliance test) - برای ارزیابی نحوه اجراء کنترل های پیش بینی شده در سیستم
۴. ارزیابی کنترل ها - برای تعیین میزان اتکاء بر کنترل های موجود

استانداردهای حسابرسی سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری (نشریه ۱۳۰ سازمان حسابرسی)

۱- قرارداد حسابرسی

مسئولیت، اختیار و حسابدگی: مسئولیت اختیار و حسابدگی واحد حسابرسی سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری باید در قرارداد حسابرسی به گونه ای مناسب مستند شود.

۲- استقلال

استقلال حرفه ای: حسابرس سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری باید در همه موارد مربوط به حسابرسی، استقلال رای داشته باشد و نسبت به واحد مورد رسیدگی نیز مستقل به نظر برسد.

روابط سازمانی: واحد حسابرسی سیستمهای اطلاعاتی باید چنان مستقل از قسمت های مورد رسیدگی باشد که بتواند کار حسابرسی را با بی طرفی کامل، اجرا کند.

۳- آیین رفتار حرفه ای

آیین رفتار حرفه ای: حسابرسی سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری باید ضوابط آیین رفتار حرفه ای انجمن حسابرسان سیستمهای اطلاعاتی را رعایت کند.

مراقبت های حرفه ای: حسابرس سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری باید در تمام جنبه های کار حسابرسی، مراقبت های حرفه ای را اعمال و استانداردهای حرفه ای حسابرسی را رعایت کند.

۴- صلاحیت حرفه ای

مهارت و دانش: حسابرس سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری باید دارای صلاحیت حرفه ای باشد و مهارت و دانش لازما برای انجام دادن کار حسابرسی داشته باشد.

آموزش مستمر: حسابرس سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری باید صلاحیت فنی خود را با مشارکت مستمر در آموزش های حرفه ای حفظ کند.

۵- برنامه ریزی

برنامه ریزی حسابرسی: حسابرس سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری باید کار حسابرسی را چنان برنامه ریزی کند که هدفهای حسابرسی را در بر گیرد و در اجرای کار، استانداردهای حرفه ای حسابرسی مورد نیاز آن کار رعایت شود.

۶- اجرای عملیات حسابرسی

سرپرستی و نظارت: کارکنان حسابرسی سیستم های اطلاعاتی کامپیوتری باید به گونه ای مناسب سرپرستی شوند و بر کار آنان چنان نظارت گردد که اذیت های حسابرسی و رعایت استانداردهای حرفه ای حسابرسی، اطمینان حاصل شود.

شواهد: حسابرسی سیستم های اطلاعاتی کامپیوتری در طول کار حسابرسی باید شواهد کافی، قابل اعتماد، مربوط و مفید به گونه ای گردآوری کند که هدفهای حسابرسی، به گونه ای اثر بخش برآورده شود. یافته های حسابرسی نتیجه گیری ها باید بر اساس تجزیه و تحلیل و تفسیر مناسب این شواهد باشد.

۷- گزارشگری

شکل و محتوای گزارش حسابرس: حسابرس سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری در پایان کار حسابرسی باید گزارشی خود را در شکلی مناسبه استفاده کنندگان مورد نظر ارائه کند. گزارش حسابرس باید دامنه، هدفها، دوره مورد رسیدگی و نوع و

حدود کار انجام شده رابه روشنی بیان کند. مشخصات سازمان مورد رسیدگی استفاده کنندگان مورد نظر و هر گونه محدودیت در پخش نسخ گزارش باید در گزارش حسابرس مشخص شود. گزارش حسابرس باید یافته های حسابرسی، نتیجه گیری ها و پیشنهادهای اصلاحی ارائه شده و همچنین، هرگونه ایراد یا شرایط مربوط به حسابرسی رابه روشنی نشان دهد.

۸- اقدامات پیگیرانه

پیگیری: سیستم های اطلاعاتی کامپیوتری برای پیگیری یافته ها، نتیجه گیری ها و پیشنهادهای قبلی خود باید اطلاعات لازم را از سازمان مورد رسیدگی بخواهد و آنها را بهم منظور تعیین انجام شدن اقدامات مناسب و به موقع، ارزیابی کند.

حسابرسی در محیط سیستمهای اطلاعاتی (استاندارهای بین المللی حسابرسی - بخش ۱۰۴)

هدف این استاندارد بین المللی حسابرسی، وضع استاندارد و ارائه رهنمود برای تدوین برنامه حسابرسی در محیط های سیستم های اطلاعاتی است.

حسابرس لازم است چگونگی تاثیر سیستمهای اطلاعاتی بر حسابرسی را مورد نظر قرار دهد. در نتیجه محیط سیستمهای اطلاعاتی ممکن است بر موارد زیر اثر گذارد:

- روشهای حسابرسی مربوط به کسب شناخت کافی از سیستم های حسابداری و کنترلهای داخلی واحد مورد رسیدگی.
- ارزیابی خطر ذاتی و خطر کنترل در جریان ارزیابی خطر حسابرسی.
- طراحی برنامه های حسابرسی و انجام آزمونهای کنترل (رعایت روشها) و محتوا (اثباتی)، متناسب با تامین هدفهای حسابرسی.

حسابرس در صورت مبهم بودن سیستم اطلاعاتی، همچنین باید شناختی از محیط سیستم اطلاعاتی و آثار احتمالی آن بر ارزیابی خطر ذاتی و خطر کنترل به دست آورد. ماهیت خطر و ویژگی های کنترل های داخلی در محیط سیستم های اطلاعاتی شامل موارد زیر است:

- نبودن (زنجیر عطف) حسابرسی معاملات.
- پردازش یکسان معاملات.
- نبودن تفکیک مسئولیتها
- احتمال اشتباه و سوء جریان
- انجام معاملات
- وابستگی سایر کنترلها به پردازش کامپیوتری
- احتمال بالقوه افزایش در نظارت مدیریت
- قابلیت استفاده از روشهای حسابرسی به کمک کامپیوتر

ملاحظات حسابرسی مربوط به واحدهای استفاده کننده از مراکز خدمات کامپیوتری (استانداردهای بین المللی حسابرسی بخش ۱۰۲):

حسابرس باید اهمیت فعالیتهای مرکز خدماتی نسبت به عملیات مورد رسیدگی راتعیین و آثار آن بر حسابرسی را مشخص کند. حسابرس در این راستا باید حسب مورد، موضوع زیر را ارزیابی کند:

- نوع و ماهیت خدماتی که به وسیله مرکز خدماتی تامین می شود.
- شرایط قرارداد و روابط بین واحد مورد رسیدگی و مرکز خدماتی.
- آن بخش از مندرجات صورتهای مالی که از بکارگیری مرکز خدماتی تاثیر می پذیرد.
- خطر ذاتی مرتبط با مندرجات مزبور در صورت های مالی
- دامنه تاثیرپذیری متقابل سیستم های حسابداری و کنترل داخلی واحد مورد رسیدگی و سیستم های مرکز خدماتی از یکدیگر.
- کنترل های داخلی که توسط واحد مورد رسیدگی بر معاملات پردازش شده توسط مرکز خدماتی اعمال می شود.

محیط سیستمهای اطلاعاتی-سیستمهای کامپیوتری پیوسته(ملاحظات خاص در بکار گیری استاندارد های بین المللی حسابرسی-بخش ۱۰۰۲)

سیستم های کامپیوتری پیوسته

سیستمهای کامپیوتری که با استفاده از آنها کاربر میتواند مستقیماً از طریق پایانه ها به اطلاعات و پایانه ها دسترسی پیدا کند، سیستم های کامپیوتری پیوسته نامیده میشود. این سیستم ها میتواند به صورت کامپیوتری بزرگ، متوسط یا ریز کامپیوتر هایی در یک محیط شبکه سازماندهی شده باشد.

سیستمهای پیوسته امکان کار کردن مستقیم بابرنامه های مختلف را برای کاربران فراهم می آورد. عملیات مورد نظر شامل موارد زیر است:

- ورود معاملات

- پاسخگویی به پرسشها

- تهیه گزارش

- به هنگام رسانی پرونده اصلی

در سیستم های کامپیوتری پیوسته، ممکن است انواع گوناگونی از پایانه ها مورد استفاده قرار گیرد. انواع پایانه ها عبارتند از:

الف- پایانه های عمومی، مانند:

- صفحه کلید و صفحه نمایش ساده

- پایانه هوشمند

- ریز کامپیوترها

ب- پایانه های اختصاصی، مانند:

- تجهیزات نقطه فروش

- ماشین های صندوق خودکار (تحویله‌داری)

کنترل های داخلی در سیستمهای کامپیوتری پیوسته :

- ۱- کنترل‌های دسترسی، طراحی روشهای محدودیت دسترسی به برنامه ها و اطلاعات، به ویژه روش های جلوگیری یا کشف موارد زیر:
 - دسترسی غیر مجاز به پایانه ها، برنامه ها و اطلاعات.
 - ورود معاملات غیر مجاز
 - تغییرات غیر مجاز در پرونده های اطلاعات
 - استفاده از برنامه های عملیاتی کامپیوتری توسط افراد غیر مجاز
 - استفاده از برنامه های کامپیوتری غیر مجاز
- ۲- کنترل های ورودی، روش های تعیین و حفاظت از رمزهای ورودی (اسامی رمز) به منظور محدود کردن دسترسی کاربران.
- ۳- کنترل‌های ایجاد و نگاهداشت سیستم ها
- ۴- کنترل های برنامه نویسی، کنترل‌هایی که به منظور جلوگیری یا کشف تغییرات نا درست (غیر مجاز) در برنامه های کامپیوتری قابل دسترسی از طریق پایانه های پیوسته صورت میگیرد.
- ۵- ثبت و ضبط سوابق معاملات.

روش های حسابرسی به کمک کامپیوتر (ملاحظات خاص در بکار گیری استاندارد های بین المللی حسابرسی - بخش ۱۰۰۹) :

تشریح روشهای حسابرسی به کمک کامپیوتر نرم افزار های حسابرسی

نرم افزار های حسابرسی به برنامه های حسابرسی اطلاق می شود که به عنوان بخشی از روش های حسابرسی، به منظور پردازش اطلاعات سیستم حسابداری واحد مورد رسیدگی که از نظر حسابرسی با اهمیت است، توسط حسابرس مورد استفاده قرار میگیرد. این نرم افزار ممکن است از یک مجموعه برنامه های نرم افزاری، برنامه های مخصوص و برنامه های خدماتی تشکیل شده باشد. صرف نظر از منابع این برنامه ها ، قبل از استفاده لازم است اعتبار آنها برای مقاصد حسابرس توسط وی اثبات شود.

برنامه های نرم افزاری برنامه های عمومی است که برای عملیات پردازش اطلاعات شامل خواندن پرونده های کامپیوتری، انتخاب اطلاعات، انجام محاسبات ایجاد پرونده های اطلاعات و چاپ گزارش به صورت مورد نظر حسابرس، طراحی شده است.

برنامه های مخصوص برنامه هایی است که برای انجام وظایف حسابرسی در محیط های خاص طراحی شده است. این برنامه ها میتواند توسط حسابرس واحد اقتصادی یا توسط برنامه نویس منتخب حسابرس در خارج از موسسه حسابرسی تهیه شده باشد.

برنامه های خدماتی برنامه هایی است که برای پردازش های معمول اطلاعات مانند مرتب کردن، ایجاد و چاپ پرونده ها مورد استفاده قرار گیرند. این برنامه ها معمولا برای مقاصد حسابرسی طراحی نشده و بنا بر این ممکن است فاقد برخی قابلیت ها چون شمارش رکورد ها (سوابق) یا جمع های کنترلی باشد.

کاربرد روشهای حسابرسی به کمک کامپیوتر :

-آزمون جزئیات معاملات و مانده حسابها برای مثال استفاده از نرم افزار حسابرسی به منظور آزمون تمام (یا نمونه ای از) معاملات یک پرونده کامپیوتری.

-روشهای بررسی تحلیلی، برای مثال استفاده از نرم افزار حسابرسی به منظور تشخیص نوسان یا اقلام غیر عادی.
-آزمون رعایت کنترلهای عمومی محیط کامپیوتری، برای مثال استفاده از اطلاعات آزمایشی برای آزمون روشهای دسترسی بهبایگانی پرونده ها.

-آزمون رعایت کنترلهای کاربردی محیط کامپیوتری، برای مثال استفاده از اطلاعات آزمایشی به منظور آزمون عملکرد کنترل های پیش بینی شده در برنامه ها.

مستند سازی :

کاربرگ ها باید حاوی مستندسازی کافی برای تشریح کاربرد روش های حسابرسی به کمک کامپیوتر باشد، مانند:

الف-برنامه ریزی

-اهداف استفاده از روش های حسابرسی به کمک کامپیوتر

-نرم افزار حسابرسی خاص مورد استفاده

-کنترل هایی که باید انجام شود

-نیروی انسانی، زمانبندی و هزینه (انجام کار)

ب-اجرا

-آماده سازی روش های حسابرسی به کمک کامپیوتر، روشهای آزمون و کنترلها.

-جزئیات آزمون های انجام شده باروش های حسابرسی به کمک کامپیوتر

-جزئیات ورودی ها پردازش و خروجی ها

-اطلاعات فنی لازم در مورد سیستم حسابداری واحد اقتصادی مانند ساختار پرونده های کامپیوتری.

پ-شواهد حسابرسی

-نتایج حاصل یا خروجی های تامین شده.

-شرح اقدامات حسابرسی انجام شده بر روی خروجی ها (نتایج)

-نتیجه گیری حسابرسی.

ت-سایر

-ارائه پیشنهادها به مدیریت واحد اقتصادی.

همچنین، مستند کردن پیشنهاد های مربوط به کاربرد روش های حسابرسی به کمک کامپیوتر برای سال های آینده نیز میتواند مفید واقع شود.

حسابداری به هنگام

هم اکنون بسیاری از رویدادهای اقتصادی بدون هیچگونه مستندات کاغذی و تنها به صورت الکترونیکی شکل گرفته، شناسایی و اندازه گیری شده و گزارش میگردند. آقای رضایی و همکارانش در سال ۲۰۰۰ این فرآیند حسابداری جدید را حسابداری به هنگام (RTA) نامیدند. حسابداری به هنگام عبارت است از در اختیار قرار دادن به موقع اطلاعات حسابداری قابل اتکاء در جهت فراهم کردن هر چه سریعتر و با کیفیت بالاتر اطلاعات پشتیبان در تصمیم گیری برای طیف گسترده ای از استفاده کنندگان.

حسابداری به هنگام، به هنگام رسانی لحظه ای اطلاعات را ممکن و فراهم می سازد. به عنوان مثال، هنگامی که صورت حساب فروشنده ای دریافت و تأیید میشود، حسابهای پرداختی مربوط به آن فروشنده بستانکار و حسابهای هزینه و مالیات تکلیفی در دفتر کل بدهکار می شود. همچنین در همان زمان، مانده های موجودی، بهای تمام شده فعالیت و حساب تعهدات پروژه به هنگام می شوند.

فرآیند حسابداری جریان تجاری، از خرید جزیی یک مشتری تا سطوح عملیاتی یک شرکت، به سرعت به فرآیندی پیوسته تبدیل شده است. بر این اساس، در یک فروشگاه خرده فروشی پیشرفته، معاملات جزیی مشتریان، مستقیماً مدیریت پیوسته موجودی و فرآیند سفارش مجدد کالاها از فروشندگان را تحت تأثیر قرار میدهد. جنبه های مالی اینگونه معاملات خرده فروشی به طور به هنگام و از طریق صندوقهای الکترونیکی وجه نقد مدیریت میشود. این صندوقها مستقیماً با شبکه کارتهای اعتباری، شرکتهای تأیید اعتبار چکها و سایر مؤسسات و شرکتهای در ارتباط هستند.

با توجه به تغییراتی که در فرآیند حسابداری در حال شکل گرفتن است و تغییر شکلی که در ردّ حسابرس (زنجیره عطف حسابرسی) روی میدهد، انجام حسابرسی مالی نیاز به خلق و ایجاد رویه های حسابرسی جدید را ایجاب می نماید و رویه های حسابرسی نیاز به تغییرات قابل توجهی دارند. رویه های حسابرسی مبتنی بر مستندات کاغذی که هم اکنون توسط اکثر مؤسسات حسابرسی مورد استفاده قرار می گیرد لازم است با رویه های حسابرسی مستمر و الکترونیکی جایگزین شوند.

حسابرسی مستمر : یک مفهوم و رویه جدید

برای اینکه اطلاعات مالی به هنگام (R-T) قابل دریافت از اینترنت دارای ارزش باشد، تصمیم گیرندگان نیازمند اطمینان بخشی (دسترسی به اظهارنظر) به هنگام (R-T) حسابرس درباره ایمنی، قابلیت اتکاء و صحت نسبی این

اطلاعات می باشند. حرفه حسابرسی در راستای هماهنگی و همساز کردن خود با نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان از اطلاعات پیوسته مالی، بسیار آرام حرکت می کند.

در شرایط کنونی، کارگروه های خدمات اعتباربخشی در هر دو ارگان انجمن حسابداران خبره آمریکا و انجمن حسابداران خبره کانادا حسابرسی مستمر را به عنوان خدمتی دانسته اند که بایستی برای کمک به حسابرسان در مواجهه با تغییرات بوجود آمده در تکنولوژی اطلاعات، هم اکنون ارائه شود. حسابرسی مستمر تفاوت عمده ای با حسابرسی سالانه صورتهای مالی دارد. آخرین گزارش تحقیق انجام شده توسط CICA حسابرسی مستمر را به این نحو تعریف نموده است: (روش هایی که حسابرسان مستقل را قادر می سازند تا با استفاده از مجموعه های از گزارشاتی که به طور هم زمان یا در زمان کوتاهی بعد از رخداد یک واقعه با اهمیت به وجود می آورند، اظهارنظر مدونی بر روی یک موضوع با اهمیت ارائه نمایند).

در حسابرسی مستمر، گزارشات حسابرسان طی فاصله زمان کوتاهی منتشر می شوند و یا گاهی حتی بلافاصله قابل دسترسی هستند. در حالت پیشرفته تر، این گزارش میتواند شکل یک گزارش (همیشه سبز) یا (روزآمد شده) را داشته باشد. به طوری که هر زمان که استفاده کننده ای به سایت دسترسی پیدا می کند گزارش حسابرس حاوی آخرین اطلاعات قابل دسترسی باشد. در واقع این گزارش، اطلاعات حسابرسی شده به همراه گزارش حسابرسی تا تاریخ دسترسی استفاده کننده به سایت را دربرخواهد گرفت.

در حالت دیگر، گزارش حسابرسی می تواند «براساس تقاضا» ارائه شود. این نوع گزارش شباهت زیادی به گزارش (همیشه سبز) دارد اما تنها زمانی قابل دسترسی است که اختصاصاً توسط استفاده کننده درخواست شود. برخلاف حسابرسی سنتی صورتهای مالی، حسابرسی مستمر میتواند بر روی هرگونه اطلاعات مرتبط با تصمیم گیری متمرکز شود. حوزه هایی که حسابرسی مستمر تمرکز خود را بر آنها معطوف می دارد عبارتند از: اعتبار، جامعیت و عدم رد (قبول) تراکنشهای تجارت الکترونیک، کارایی مؤثر کنترلهای مربوط به پایگاه های داده قابل دسترس عموم و یا معیارهای متنوع غیرمالی مربوط به عملکرد یک شرکت. براساس رهنمودهای حسابرسی موجود در سایت AICPA حسابرسان هنگامی که حجم بزرگی از اطلاعات تنها به شکل الکترونیک وجود دارند، می توانند از حسابرسی مستمر استفاده کنند.

حسابرسی مستمر در مقایسه با حسابرسی سنتی

وجوه اشتراک

هم حسابرسی مستمر و هم حسابرسی سنتی جزء خدمات اطمینان بخشی محسوب می شوند. خدمات اطمینان بخشی، خدمات حرفهای مستقلی است که معمولاً بر کیفیت محتوای اطلاعاتی مورد استفاده تصمیم گیرندگان می افزاید. خدمات اطمینان بخشی میتواند به دو گروه خدمات اعتباردهی و خدمات غیراعتباردهی تجزیه شود.

حسابرسی مستمر و حسابرسی سنتی هر دو زیرمجموعه خدمات اعتباردهی محسوب می شوند. در این مقوله اعتباردهی، حسابرسان گزارش مکتوبی در مورد میزان مطابقت گزاره‌های مکتوب با معیارهای از پیش تعیین شده ارائه می کنند. هم حسابرسی مستمر و هم حسابرسی سنتی عمدتاً صورتهای مالی اساسی از قبیل ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت تغییرات در حقوق صاحبان سهام و صورت جریان گردش وجه نقد را پوشش می دهند و در هر دو نوع حسابرسی، اصول پذیرفته شده حسابداری به عنوان معیار اساسی مورد استفاده قرار میگیرد.

وجوه افتراق

حسابرسی سنتی در اکثر موارد در سیستمهای اطلاعاتی حسابداری سنتی و مبتنی بر کاغذ انجام می شود. در حالی که حسابرسی مستمر معمولاً در شرایطی که اکثر اطلاعات تنها به شکل الکترونیکی وجود دارند می تواند انجام شود. حسابرسی سنتی معمولاً یکبار در سال انجام میشود، این فرآیند بسیار زمان بر بوده و نیازمند برنامه ریزی بیشتر و همکاران بیشتری می باشد و انجام آن بیش از یکبار در سال بسیار دشوار خواهد بود. حسابرسان به منظور اظهارنظر نسبت به صورتهای مالی یک شرکت، مجبور به انجام هفته ها کار فشرده می باشند. این در حالی است که در حسابرسی مستمر، گزارش حسابرسان تنها در فاصله زمانی کوتاهی منتشر شده، و یا بلافاصله در دسترس خواهد بود. در این دیدگاه حسابرسی، اطلاعات به شکل های الکترونیکی نگهداری میشود. بنابراین، گزارشات حسابرسی آسانتر و به دفعات بیشتر قابل تولید خواهد بود.

مزایای حسابرسی مستمر

حسابرسی مستمر ارزش اطلاعات مالی به هنگام (R-T) را افزایش میدهد، زیرا تصمیم گیرندگان نیازمند اظهارنظرهای به هنگامی میباشد که از سوی یک شخص ثالث و مستقل صادر شده و تأییدی بر جنبه های ایمنی، قابلیت اتکاء و صحت نسبی اطلاعات مالی باشد. برخلاف حسابرسی سنتی، در حسابرسی مستمر گزارشات اطمینان بخشی، درست در هنگامی که استفاده کنندگان به آن اطلاعات نیاز دارند، در اختیار آن استفاده کنندگان قرار میگیرد و به عبارت دیگر گزارشها براساس تقاضای استفاده کنندگان در اختیار آنها قرار میگیرد.

محدودیتهای حسابرسی مستمر

حسابرسی مستمر با موانع تکنیکی اساسی مواجه است. به منظور انجام حسابرسی مستمر، شرایط خاصی باید وجود داشته باشد. به عنوان مثال، حسابرسی مستمر مباحث جدید و اساسی را در مورد استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی برای حسابداران رسمی مطرح میکند. در حال حاضر استانداردهای مختلفی در خصوص تجارت الکترونیک در بین استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی به چشم می خورد اما تاکنون حتی یک نوشته هم در مورد حسابرسی مستمر صادر نشده است.

مدلهای پیش بینی ورشکستگی

تهیه مطالب توسط : صدقی

چکیده :

به دلیل وجود بار اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی با اهمیتی که پدیده ورشکستگی بر گروههای مختلفی از جامعه تحمیل می کند همواره توجه ویژه محققان را به خود جلب کرده است به این منظور تکنیکهای پیش بینی ورشکستگی براساس ماهیت خود در سه دسته تکنیک های آماری، تکنیک های هوش مصنوعی و مدل های نظری طبقه بندی شده اند .

مقدمه :

امروزه پیشرفت سریع فناوری، شتاب فزاینده ای به اقتصاد بخشیده است و رقابت روزافزون موسسه ها، دستیابی به سود را محدود و احتمال ورشکستگی را افزایش داده است. ورشکستگی همواره طیف وسیعی از افراد ، سازمانها و به طور کلی بخش بزرگی از جامعه را درگیر خود کرده است . ارائه شکل دقیق از گروههای ذینفع ورشکستگی کار دشواری است اما می توان گفت مدیران ، سرمایه گذاران ، بستانکاران ، رقبا و نهادهای قانونی بیش از سایرین تحت تاثیر پدیده ورشکستگی قرار می گیرند .

وقوع ورشکستگی های با اهمیت طی دهه ۶۰ میلادی منجر به رشد و علاقه در زمینه مدل های پیش بینی ورشکستگی شده است اقتصاد جهانی به خصوص پس از ورشکستگی سازمانهای عظیمی نظیر وردکام و انرون نسبت به ریسک موجود در ساختار سرمایه شرکتها هوشیار شده است

در ادبیات ورشکستگی روشهای گوناگونی برای مدل سازی پیش بینی ناتوانی تجاری به وجود آمده است هریک از این روشها دارای مفروضات و محدودیتهای خاص خود است اما فرض اساسی اغلب آنها این می باشد که می توان شرکت ها را در دو گروه طبقه بندی کرد .

۱ - شرکتهای دارای سلامت مالی

۲ - شرکتهای دچار پریشانی مالی

به هر حال پیشنهاداتی در رابطه با تعریف بیش از دو گروه (براساس سطح ریسک نیز ارائه شده است) اما به دلیل پذیرش عمومی دو گروه طبقه بندی ، توجه عموم بر روشهای طبقه بندی دو گروهی تمرکز یافته است.

در این مقاله سعی شده مروری جامع بر تکنیک های مورد استفاده در پیش بینی ورشکستگی ارائه شود و ضمن بیان ویژگی ها و محدودیت های مرتبط با این تکنیک ها به اختصار تشریح می گردد .

تکنیک های پیش بینی ورشکستگی

تکنیک های مورد استفاده در ساخت مدل های پیش بینی ورشکستگی در سه گروه طبقه بندی می شوند

۱- تکنیکهای آماری

۲- تکنیک های هوش مصنوعی

۳- تکنیکهای مدل های نظری

۱- تکنیک های آماری :

تکنیکهای آماری از ابتدایی ترین و رایج ترین تکنیک ها جهت مدل سازی پیش بینی ورشکستگی به شمار می روند در این مدل از روشهای مدل سازی استاندارد کلاسیک استفاده شده است و بر نشانه های ناتوانی تجاری تمرکز دارند.

متغیرهای مورد استفاده در ساخت این مدلها عموماً اطلاعات مندرج در صورتهای مالی است . مدلهای آماری خود به دو گروه تقسیم می شوند .

۱- مدلهای آماری تک متغیره

۲- مدلهای آماری چند متغیره

۱ + + مدلهای آماری تک متغیره :

روش های آماری تک متغیره از نخستین تکنیک های مورد استفاده جهت تمایز بین شرکتهای دارای سلامت مالی و شرکتهای دچار پریشانی مالی بوده اند به صورت سنتی این مدلها بر تحلیل نسبت های مالی تمرکز دارند و منطق آنها بر این اساس است که اگر نسبتهای مالی شرکت های ورشکسته دارای تفاوت های با اهمیتی باشند می توان از آنها به عنوان متغیرهای پیش بینی کننده ورشکستگی استفاده کرد . سابقه استفاده از این تکنیک برای پیش بینی ورشکستگی به سال ۱۹۳۲ بر می گردد . از تحقیقات قابل توجه در این زمینه می توان به مطالعه ویلیام بیور (۱۹۶۶) اشاره کرد . بعدها ، روش تک متغیره با وجود قدرت پیش بینی خوب آن به دلیل همبستگی میان نسبتهای مالی و مشکلات مربوط به ارسال علائم متضاد

توسط متغیرهای مختلف ، مورد انتقاد قرار گرفت . به علاوه ، از آنجائی که وضعیت مالی یک شرکت دارای ابعاد مختلفی است ، یک نسبت منفرد به نسبت‌های در بر دارنده کل این اطلاعات نیست . در ذیل مدل تک متغیره ویلیام بیور را مورد بررسی قرار می دهیم .

مدل ویلیام بیور (William . H . Beaver) ۱۹۶۶

این مدل از نوع تحلیل تک متغیره برای ورشکستگی شرکت است. بیور در سال ۱۹۶۶ یک مجموعه شامل ۳۰ نسبت مالی که به نظر او بهترین نسبت ها برای ارزیابی سلامت یک شرکت است را انتخاب کرد. سپس نسبت ها را براساس چگونگی ارزیابی سازمان ها ، در شش گروه طبقه بندی کرد. این شش گروه عبارت بودند از نسبت هایی جریان نقد ، نسبت های در آمد خالص ، نسبت های بدهی به در آمد کل ، نسبت های در آمد نقدی به بدهی موجود و نسبت هایی بازده حاصل از فروش . بیور مدل خود را براساس چهار اصل تنظیم کرد :

- ۱- در آمد نقد خالص یک شرکت ، احتمال ورشکستگی را کاهش دهد.
- ۲- جریان نقدخالص بالا که ناشی از فعالیت شرکت در بازار می باشد نیز احتمال ورشکستگی را پایین می آورد.
- ۳- میزان بدهی بالا برای هر شرکت ، احتمال ورشکستگی آنها را بالا می رود.
- ۴- نرخ بالای در آمد نقد مورد نیاز به هزینه های عملیاتی سرمایه، احتمال ورشکستگی را بالا خواهد برد.

او از این اصول برای سنجش توانایی نسبت ها به پیش بینی ورشکستگی استفاده کرد. بیور برای این کار ۷۹ شرکت ورشکسته و ۷۹ شرکت غیر ورشکسته را انتخاب کرد ، سپس هر یک از ۳۰ نسبت را در این شرکت ها مورد سنجش قرار داد. او در این تحقیقات به این نتیجه رسید که میزان اعتبار پیش بینی هر یک از نسبت ها متفاوت است. همچنین شرکت های ورشکسته نه فقط جریان های نقد کمتری از شرکت های غیر ورشکسته دارند ، بلکه مقدار ذخیره در آمد نقدی کمتری را نیز دارا می باشند. در ضمن وی پی برد که اگر چه شرکت های ورشکسته سرمایه کمتری برای پوشش تعهدات خود دارند ولی تمایل به گرفتن قروض بیشتری را نسبت به شرکت های غیر ورشکسته دارند. بیور در انتهای تحقیقات خود به این نتیجه رسید که ارزش هر نسبت در میزان اعتبار طبقه بندی شرکت ها در گروه های شرکت های ورشکسته و غیر ورشکسته می باشد و میزان خطای طبقه بندی کمتر ، نشان دهنده ارزش بالای هر نسبت می باشد. به نظر بیور نسبت گردش وجوه نقد به کل بدهی بیشترین قدرت پیش بینی را دارد که خطای طبقه بندی آن حدود ۱۳٪ برای یک سال قبل از ورشکستگی بود. همچنین دومین نسبت مهم نسبت در آمد خالص به کل دارایی بود. بیور تغییرات ارزش بازار سهام را به عنوان یک فاکتور پیشگویی کننده در پیش بینی ورشکستگی شرکت مورد بررسی قرار داد. او فهمید که بازار ورشکستگی شرکت را نهایتاً یک سال قبل از رخداد واقعی ورشکستگی پیش بینی می کند.

۱-۲-۱- مدل تشخیصی چند گانه (MDA) :

تحلیل تشخیصی چند گانه روشی است چند متغیره که پدیده ها را بر اساس ویژگی هایشان طبقه بندی می کند. تحلیل تشخیصی چندگانه در تعداد بسیار از مطالعات پیش بینی ورشکستگی به کار رفته است. هدف این روش، فراهم آوردن

ترکیبی خطی از متغیرهای مستقل (نسبت های مالی) است که بتواند شرکت های ورشکسته و غیرورشکسته را به بهترین نحو تفکیک کند. بر اساس، تابعی تشخیصی ایجاد می شود که متشکل از بردار ضرایب $(\alpha_1, \alpha_2, \dots, \alpha_n)$ و مقدار ثابت α_0 است. این تابع برای هر شرکت یک امتیاز Z_i به دست می آورد .

$$Z_i = \alpha_0 + \alpha_1 x_{i1} + \alpha_2 x_{i2} + \dots + \alpha_n x_{in}$$

Z_i امتیاز Z برای شرکت i است و $x_{i1}, x_{i2}, \dots, x_{in}$ متغیر مستقل شرکت i هستند. نقطه تفکیک، بر اساس احتمال های عضویت در هر گروه و جریمه های طبقه بندی ناصحیح محاسبه می شود. بر اساس امتیاز Z و نقطه تفکیک، یک شرکت یکی از گروه های ورشکسته یا غیر ورشکسته طبقه بندی می شود. آلتمن و ایزنبرس توصیف کاملی از MDA و کاربردهای مالی آن فراهم آورده اند.

کاربرد گسترده تحلیل تشخیصی چند گانه باعث شد تا به زودی مشکلات مربوط به این روش آشکار گردد. تحلیل تشخیصی مورد انتقاد بسیاری قرار گرفت. بنابراین محققان وادار به ارائه روش های جدید و مقایسه آنها با تحلیل تشخیصی چندگانه شدند. برخی از مشکلات کاربرد تحلیل تشخیصی چندگانه شدند. برخی از مشکلات کاربرد تحلیل تشخیصی چندگانه عبارتند از (هامر، ۱۹۸۳):

- تخطی از فرض توزیع نرمال
 - استفاده از توابع تشخیصی خطی به جای توابع تشخیصی درجه ۲ در زمانی که توزیع پراکندگی ها نامساوی است؛
 - انتخاب نامناسب احتمال های اولیه / جریمه های طبقه بندی ناصحیح.
- از تحقیقات قابل توجه انجام شده با تکنیک تحلیل تشخیصی چندگانه می توان به آلتمن و همکاران (۱۹۷۷) اشاره کرد که در ذیل به بررسی مدل آلتمن و سیر تکاملی آن می پردازیم .

مدل آلتمن (Altman) - ۱۹۶۸

. نخستین بار، آلتمن (۱۹۶۸) از MDA برای پیش بینی ناتوانی تجاری استفاده کرد. این تحقیق از آن جهت اهمیت داشت که پیش بینی ورشکستگی را با بیش از یک متغیر مدل سازی کرده بود.

آلتمن از طریق تجزیه و تحلیل ممیزی چندگانه و از میان ۲۲ نسبت مالی که به نظر وی بهترین پیش بینی کننده ها برای پیش بینی ورشکستگی بودند، ۵ نسبت را به صورت ترکیبی به عنوان بهترین پیش بینی کننده ورشکستگی انتخاب کرد. ۵ نسبت ترکیبی عبارت بودند از: تسویه (liquidity)، سود آوری (profitability)، اهرمی (leverage)، انعطاف پذیری (solvency) و فعالیت (activity)

مدلی که وی تدوین کرد به شرح زیر است :

$$Z = 0,99 X_5 + 0,6 X_4 + 3,3 X_3 + 1,4 X_2 + 1,3 X_1$$

کل دارایی / سرمایه در گردش: X_1

کل دارایی / سود انباشته: X_2

کل دارایی / در آمد قبل از بهره و مالیات: X_3

ارزش دفتری بدهی / ارزش بازار حقوق صاحبان سهام: X_4

کل دارایی / کل فروش: X_5

در این مدل اگر Z محاسبه شده برای شرکتی کوچکتر از ۱/۸۱ باشد، آن شرکت ورشکسته و اگر بین ۱/۸۱ و ۲/۶۷۵ باشد شرکت در ناحیه ورشکستگی قرار دارد و اگر بزرگتر از ۲/۶۷۵ باشد احتمال ورشکستگی آن خیلی کم است.

آلتمن برای آزمون مدلش ۶۶ شرکت را که شامل ۳۳ شرکت ورشکسته و ۳۳ شرکت عادی بود؛ مورد استفاده قرار داد. میزان موفقیت مدل وی ۹۵٪ بود. نتایج حاصل از آزمون در جدول زیر خلاصه شده است.

شرکت	تعداد	در صد پیش بینی صحیح	در صد پیش بینی غلط
ورشکسته	۳۳	۹۴٪ (۳۱)	۶٪ (۲)
غیر ورشکسته	۳۳	۹۷٪ (۳۲)	۳٪ (۱)

آلتمن در توصیف این جدول به این نتیجه رسید که خطای نوع اول تنها ۶٪ بود در حالی که خطای نوع دوم به مقدار کمتر از آن یعنی ۳٪ می باشد و همچنین مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ کل نمونه بسیار دقیق عمل کرده است. همچنین با ادامه تحقیق برای دو سال قبل از ورشکستگی مدل فوق دقتی حدود ۸۳٪ را به دست آورد.

در پس سال های بعد از ایجاد مدل و استفاده گسترده از آن، یکسری انتقادات برای مدل مطرح شد. تحلیل گران اعتباری، حسابداران و حتی خود شرکت ها معتقد بودند که مدل تنها برای مؤسسات با ماهیت تجارت عمومی قابل استفاده است. آلتمن در سال ۱۹۸۳ یک اصلاحیه روی مدل انجام داد و مدل جدیدی به نام 'Z' ارائه داد. واضح ترین اصلاحیه آلتمن، جانشین کردن ارزش دفتری سهام به جای ارزش بازار آن و سپس تغییر ضرائب و محدوده های ورشکستگی مدل بود.

$$Z = 0,717 X_1 + 0,847 X_2 + 3,107 X_3 + 0,42 X_4 + 0,998 X_5$$

در این مدل اگر مقدار محاسبه شده برای شرکت ها کمتر از ۱/۳۳ باشد، احتمال ورشکستگی شرکت خیلی بالا و اگر بین ۱/۳۳ و ۲/۹ باشد، شرکت در ناحیه ورشکستگی است و احتمال آن وجود دارد و اگر 'Z' محاسبه شده شرکت بزرگتر از ۲/۹

باشد ، احتمال ورشکستگی شرکت خیلی کم می باشد. آلتمن برای آزمون مدل اصلاح شده از نمونه ای شامل ۳۳ شرکت ورشکسته و ۳۳ شرکت فعال استفاده کرد. در این آزمون دقت نوع اول تنها اندکی کم گشته (۹۱٪ مقابل ۹۴٪) ، اما دقت نوع دوم همان ۹۷٪ باقی مانده است.

اصلاح بعدی مدل Z-score به تحلیل مشخصات و دقت مدل ، بدون در نظر گرفتن متغیر نسبت فروش به کل دارایی پرداخته شد. آلتمن در سال ۱۹۹۵ ، این کار را برای به حداقل رساندن تأثیرات بالقوه نوع صنعت انجام داد. وی در اصلاحات خود نسبت فروش به کل دارایی را حذف و سپس تغییراتی در ضرایب مدل به وجود آورد.

در این مدل اگر Z محاسبه شده برای شرکتی کوچکتر از ۱/۱ باشد ، آن شرکت ورشکسته و اگر Z محاسبه شده بین ۱/۱ و ۲/۶ باشد ، احتمال ورشکستگی آن وجود دارد و اگر بزرگتر از ۲/۶ باشد ، احتمال ورشکستگی شرکت خیلی کم می باشد.

آلتمن این مدل را برای پیش بینی ورشکستگی مؤسسات غیر تولیدی و به خصوص برای صنایعی که نوع سرمایه گذاری دارایی های آن در میان شرکت های آن صنعت متفاوت می باشد ، ایجاد نمود . نتایج آزمون این مدل با نمونه ای شامل ۳۳ شرکت ورشکسته و ۳۳ شرکت فعال تقریباً مشابه نتایج آزمون مدل Z به دست آورد با این تفاوت که دقت نوع دوم ۹۴٪ بود.

نوع مدل	کاربرد
Z	پیش بینی ورشکستگی بنگاه های تولیدی همگانی
Z'	پیش بینی ورشکستگی همه بنگاه های تولیدی اعم از همگانی و خصوصی
Z''	پیش بینی ورشکستگی بنگاه های غیر تولیدی و خدماتی

۱-۲-۲- مدل احتمالی خطی (LPM) :

همچنان که احتمال ورشکستگی شیوه های جذاب برای پرداختن به ناتوانی تجاری بود، محققان مدل هایی را ابداع کردند که قادر به تخمین احتمالی ناتوانی بود . مدل احتمالی خطی (LPM) به عنوان جایگزینی برای تحلیل تشخیصی چندگانه پیشنهاد شد . این مدل حالتی خاص از رگرسیون حداقل مربعات عادی (OLS) با متغیر وابسته دو ارزشی صفر و یک است . در LPM فرض می شود که متغیر تصنعی y در معادله (۱) ترکیبی خطی از n ویژگی (نسبت مالی) شرکت است. احتمال (P) اینکه یک شرکت ورشکسته شود توسط معادله زیر تعیین می شود:

$$P_i = a_1 + a_1x_{i1} + a_2x_{i2} + \dots + a_nx_{in}$$

که در آن a_1, a_2, \dots, a_n برآوردهای OLS و $x_{i1}, x_{i2}, \dots, x_{in}$ ، n متغیر مستقل شرکت i هستند. شرح کاملی از این روش توسط گوجاراتی (۲۰۰۳) ارائه شده است. نتایج این روش ها یکسان است، این امر می تواند دلیلی بر عدم اقبال این تکنیک

در تحقیقات پیش بینی ورشکستگی باشد. استون و راسپ (۱۹۹۱) و تودوسیو (۱۹۹۱) از LMP برای پیش بینی ورشکستگی استفاده کرده اند.

۱-۲-۳- مدل های لاجیت (Logit):

بعد ها مدل های احتمال شرطی چند متغیره دیگری برای پیش بینی ناتوانی تجاری معرفی شدند. این مدل ها، بر مبنای یک تابع احتمال تجمعی و با استفاده از نسبت های مالی یک شرکت، احتمال تعلق شرکت به یکی از گروه های از پیش تعیین شده را اندازه گیری می کنند. در روش لاجیت احتمال ورشکستگی شرکت ا توسط معادله زیر معین می شود:

$$F(X_i, \hat{a}) = F(\bar{a} + \hat{a}X_i)$$

$$F(\bar{a} + \hat{a}X_i) = \frac{1}{1 + e^{-(\bar{a} + \hat{a}X_i)}}$$

$F(\bar{a} + \hat{a}X_i)$ تابع لجستیک تجمعی است. در روش لاجیت، احتمال ورشکسته شدن یک شرکت ، $P(X_i, \hat{a})$ و ضرایب مدل با بیشینه کردن لگاریتم به دست می آیند .

تحلیل لاجیت نخستین بار توسط مارتین (۱۹۷۷) برای پیش بینی ورشکستگی بانک ها پیشنهاد شد و توسط اولسن (۱۹۸۰) برای پیش بینی ناتوانی تجاری به کار رفت. اولسن ۱۰۵ شرکت صنعتی ورشکسته در دوره ۱۹۷۶-۱۹۷۰ را انتخاب کرد. سهام کلیه این شرکت ها می بایستی در بورس اوراق بهادار در طی سه سال قبل از ورشکستگی مورد معامله قرار گرفته باشند. شرکت های غیر ورشکسته به صورت تصادفی انتخاب شدند. هدف ساخت سه مدل بود که ناتوانی شرکت را سه پیش از ناتوانی واقعی برآورد نمایند. هر یک از این مدل ها توانستند با دقتی بیش از ۹۳ درصد شرکت ها را طبقه بندی نمایند.

تکنیک های اصلی لاجیت توسط دیگر پژوهشگران برای دستیابی به دقت بالاتر طبقه بندی جستجو و توسعه یافت. در حالی که به نظر می رسیده دلیل محدودیت های تحلیل تشخیصی چندگانه لاجیت برآن ترجیح داده شود، مطالعات مقایسه ای بین دو مدل نتوانست این برتری را اثبات کند (کیسی و مکگوین، ۱۹۹۰). تحلیل لاجیت کاربرد گسترده های در پیش بینی ناتوانی تجاری دارد. با استفاده از این روش، مدل های زیادی در بسیاری از کشورها ساخته شد. پس از ۱۹۸۱ و به دلیل محدودیت های موجود در روشهای تحلیل تشخیصی چندگانه مطالعات نا توانی تجاری اغلب بر استفاده از لاجیت تمرکز یافتند. از دیگر مطالعات معتبر در این زمینه می توان به جونز و هنشر (۲۰۰۲) اشاره کرد.

-مدل زاوگرن (Zavgren) - ۱۹۸۵

مدل تدوین شده توسط خانم کریستین زاوگین که از تحلیل آماری لوجیت استفاده می‌کند، به طور خلاصه به شرح زیر است:

$$Y = 0.23883 - 0.108x_1 - 1.583x_2 - 1078x_3 + 3.074x_4 + 0.486x_5 - 4.35x_6 - 0.11x_7$$

فروش / سود انباشته : x_1

متوسط موجودی ها / متوسط حساب های دریافتی : x_2

کل دارائی ها / موجودی نقد + سرمایه گذاری کوتاه مدت : x_3

بدهی های جاری / دارائی های آنی : x_4

بدهی جاری - کل دارایی / سود عملیاتی : x_5

بدهی جاری - کل دارایی / بدهی بلندمدت : x_6

دارایی های ثابت + خالص سرمایه در گردش / فروش : x_7

$$\text{احتمال ورشکستگی} = 1/(1+e^{-y})$$

کاربرد مدل لوجیت نیازمند ۴ مرحله است:

۱- مجموعه ای از نسبتهای مالی محاسبه می‌شود که در مدل پیش‌بینی زاوگین Y نسبت می‌بایست محاسبه شود.

۲- هر یک از نسبت ها، در ضرایب آنها ضرب می‌شود. ضرایب هر کشور مختص به آن کشور است و برای محاسبه ضرایب آن در هر کشور از تحلیل آماری لوجیت که شبیه به تحلیل رگرسیون است، استفاده می‌شود.

۳- حاصل ضرب نسبت ها در ضرایبشان را با هم جمع کرده و Y را بدست می‌آوریم.

۴- برای محاسبه احتمالی ورشکستگی شرکت، Y را در فرمول (احتمال ورشکستگی) قرار داده و احتمال ورشکستگی هر شرکت را که یک عدد منحصر به فردی است، به دست می‌آوریم.

در مدل مربوطه، متغیرهایی با ضرایب منفی احتمال ورشکستگی را افزایش می‌دهند چون e^{-y} را کاهش می‌دهند. متغیرهایی با ضرایب مثبت نیز احتمال ورشکستگی را کاهش می‌دهند. چرا که e^{-y} را به طرف ۱ سوق می‌دهد.

خروجی مدل که احتمال ورشکستگی شرکت مربوطه است عددی در دامنه بین صفر تا یک است. هرچه این عدد بزرگتر بوده و به یک نزدیکتر باشد، احتمال ورشکستگی شرکت بیشتر است و برعکس هرچه این عدد کوچکتر باشد و به صفر نزدیکتر باشد، احتمال ورشکستگی پایین‌تری را برای شرکت نشان خواهد داد. خانم زاوگین با استفاده از صورت‌های مالی شرکت‌های عادی و ورشکسته، ضرایب متغیرهای مدلش را برای ۵ سال محاسبه کرد. وی شرکت‌های ورشکسته سال ۱۹۸۰ را در نظر گرفته و ضرایب متغیرهای مدلش را برای ۵ سال متوالی ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ حساب کرد. سپس براساس ضرایب مربوطه، احتمال ورشکستگی یک شرکت ورشکسته را برای نمونه بررسی کرد. وی مشاهده کرد که در دوره سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ احتمال ورشکستگی شرکت مذکور روند صعودی داشته است. سپس تغییرات روند احتمال ورشکستگی شرکت مذکور را با روند قیمت سهام آن شرکت در طول آن سال‌ها بررسی کرد و مشاهده کرد که همزمان با روند صعودی احتمال ورشکستگی شرکت، قیمت سهام شرکت تغییرات نزولی داشته و سال به سال همراه با افزایش احتمال ورشکستگی، کاهش یافته است.

مدل زاوگین به دلیل عدم اتکاء به فرض نرمال بودن توزیع جامعه متغیرهای مورد استفاده در مدل پیش‌بینی ورشکستگی، به واقعیت نزدیک می‌باشد، لکن مدل آلتمن به استناد فرضی که براساس آن مدل را تدوین کرده‌اند، قابلیت کاربرد در بسیاری از جوامع با شرایط مختلف را دارد.

با این حال، یکی از ایرادات وارد بر آن این است که در مدل زاوگین به دلیل عدم اتکا به فرض نرمال بودن توزیع متغیرها و نسبت‌هایی مدل و استفاده مستقیم از تحلیل‌های آمار ناپارامتریک و مدل لوجیت برای پیدا کردن ضرایب نسبت‌های و متغیرهای مدل پیش‌بینی، مقایسه با مدل‌های تحلیل ممیزی مثل مدل آلتمن، ضرایب محاسبه شده متغیرها با هم همبستگی کمتری دارند.

۱-۲-۴- مدل‌های پروبیت (Probit):

مدل‌های پروبیت، مشابه با مدل‌های لاجیت می‌باشند. تفاوت اصلی آنها در تابع احتمال ورشکستگی است.

$$P(X_i, \hat{a}) = F(a + \hat{a} X_i)$$

$$F(a + \hat{a} X_i) = \int_{-\infty}^{\hat{a} + \hat{a} X_i} \frac{1}{\sqrt{2\pi}} e^{-\frac{z^2}{2}} dz$$

به هر حال مدل‌های لاجیت نسبت به مدل‌های پروبیت از محبوبیت بیشتری برخوردار است، چراکه تحلیل پروبیت در مقایسه با تحلیل لاجیت به دلیل استفاده از برآوردهای غیرخطی، به محاسبات بیشتری نیاز دارد.

۱-۴-۵- روش‌های مجموع تجمعی (CUSUM):

روش های مجموع تجمعی (CUSUM) از قوی ترین ابزارهای تعیین تغییر وضعیت در یک توزیع به شمار می روند. در مورد پیش بینی ورشکستگی، رفتار سری زمانی متغیره و ویژه هر شرکت ورشکسته و غیر ورشکسته، با استفاده از یک مدل ترتیبی کراندار تخمین زده می شود. کاهیا و تئودوسیو (۱۹۹۹) شرح کاملی از این روش و کاربرد آن در پیش بینی ورشکستگی فراهم آورده اند.

۱-۴-۶ - فرایند های تعدیل ناقص (PAP):

مدل های فرایند ناقص (PAP) بنیان نظری روش مشهور Koyck برای برآورد مدل های توزیع فاصله های زمانی است. کاربرد این روش برای پیش بینی ورشکستگی، می تواند به بهترین شکل توسط رفتار مدیریت وجوه نقد، به هدایت وجه نقد توسط شرکت از جریان های نقدی ورودی تا جریان های نقدی خروجی اشاره دارد.

۲- تکنیک های هوش مصنوعی: (AIT):

تکنیک های هوش مصنوعی، وظایفی مشابه با دانش، هوش و منطق انسان انجام می دهند. در حقیقت تکنیک های هوش مصنوعی سیستمی است که یاد می گیرد و عملکرد حل مسأله خود را با توجه به تجربیات گذشته بهبود می بخشد. مدل های تکنیک های هوش مصنوعی نتیجه پیشرفت های تکنولوژی و توسعه اطلاعاتی بوده و به شدت متکی بر تکنولوژی رایانه ای می باشند. استفاده از هوش مصنوعی در زمینه مالی و به خصوص پیش بینی ورشکستگی، دارای سابقه زیادی نیست؛ اما به دلیل کارایی بالا و همچنین فارغ بودن از مفروضات محدود کننده موجود در روش های آماری، این مدل ها با استقبال زیادی از سوی پژوهشگران مواجه شده اند. در زمینه ورشکستگی این مدل ها اساساً بر نشانه هاس ناتوانی تجاری تمرکز دارند، عموماً چند متغیره بوده و متغیرهای مورد استفاده در آنها از اطلاعات موجود در حساب های شرکت استخراج می شود. تکنیک های هوشمند از شبکه های عصبی، الگوریتم ژنتیک، الگوریتم بازگشتی، مجموعه های سخت، ماشین بردار تکیه گاه، استدلال مبتنی بر افته و منطق فازی تشکیل شده اند.

۲-۱- الگوریتم های طبقه بندی بازگشتی (درخت های تصمیم) (RPA):

این روش با نمونه ای از شرکت ها، ویژگی های مالی آنها، گروه های واقعی احتمال های پیشین و هزینه طبقه بندی ناصحیح آغاز می شود. در این روش یک درخت طبقه بندی دو ارزشی ساخته می شود که در آن به هر گره یک قاعده طبقه بندی اختصاص می یابد. معمولاً، هر قاعده یک نسبت مالی معین است و یک نقطه انقطاع که هزینه طبقه بندی اشتباه را برای شرکت ها حداقل میکند، به آن اختصاص می یابد.

فردیدمن و دیگران (۱۹۸۵) برای نخستین بار الگوریتم طبقه بندی بازگشتی را به عنوان راه حلی برای تحقیق در مورد مسأله ورشکستگی به کار بردند. طبقه بندی بازگشتی، دارای ویژگیهای هر دو روش تک متغیره و روش های چند متغیره است.

۲-۳- استدلال مبتنی بر افته (CBR):

استدلال مبتنی بر افته (CBR) یک مسأله طبقه بندی جدید را به کمک مسائل حل شده قبلی حل می کند. برنامه های استدلال مبتنی بر افته می تواند مستقیماً برای پیش بینی ورشکستگی با کاربرد فرایند چهار مرحله ای خود به کار روند:

- ۱- تشخیص مساله جدید،
- ۲- بازیابی مسائل حل شده از "مخزن مسائل"،
- ۳- تطبیق مسائل حل شده جهت یافتن راه حلی برای مسئله جدید،
- ۴- ارزیابی راه حل پیشنهاد شده و ذخیره در مخزن مسائل برای کاربردهای آتی

می توان به بریانت (۱۹۹۷) و پارک و هان (۲۰۰۲) اشاره کرد. به هر حال، مدل های استدلال مبتنی بر افته در مقایسه با روش های آماری و سایر روش های مبتنی بر هوش مصنوعی نتوانسته اند از نظر دقت پیش بینی به برتری دست یابند.

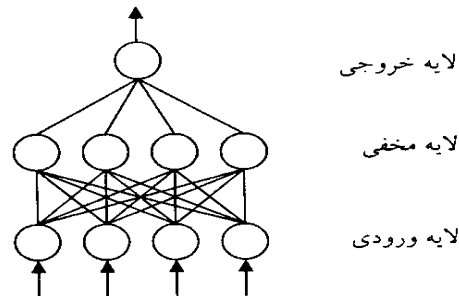
۲-۳- شبکه های عصبی مصنوعی (ANN):

شبکه های عصبی مصنوعی (ANN) ابزار مدل سازی انعطاف پذیر و غیر پارامتریک هستند. آنها می توانند هر تابع پیچیده ای را با دقت مورد نظر اجرا کنند. یک شبکه عصبی مصنوعی، معمولاً از چندین لایه متشکل از تعداد زیادی عناصر محاسبه گر ساخته شده است. این عناصر محاسبه گر را اصطلاحاً گره می نامند. هر گره، یک سیگنال ورودی از دیگر گره ها یا ورودی های خارجی دریافت می کند و پس از پردازش، آنرا به گره دیگر یا نتیجه نهایی ارسال می کند. شبکه های عصبی مصنوعی به واسطه ساختار شبکه ها، تعداد لایه ها، تعداد گره ها در هر لایه و چگونگی اتصال لایه ها، دسته بندی می شوند. یکی از رایج ترین شبکه های عصبی مصنوعی، پرسپرون چند لایه ای (MLP) است که در آن تمام گره ها و لایه ها به صورت پس انتشار مرتب شده اند. نخستین یا پایین تری لایه، لایه ورودی نامیده می شود که در آن اطلاعات خارجی دریافت می گردد. آخرین یا بالاترین لایه، لایه خروجی نامیده می شود، جایی که شبکه مدل (راه حل) را ایجاد می کند. در این بین، یک یا چند لایه مخفی وجود دارد که برای شبکه های عصبی مصنوعی در تشخیص الگو های پیچیده موجود در داده ها ضروری است تمامی گره ها در لایه های هم جوار، با استفاده از کمائی غیرحلقه ای به لایه های بالاتر اتصال داده شده اند. مثال پرسپترون سه لایه ای (یک لایه مخفی و یک گره خروجی) در نمایشگر یک نشان داده شده است. این MLP سه لایه ای از رایج ترین ساختار ANN ها برای مسائل طبقه بندی دو گروهی نظیر پیش بینی ورشکستگی است (لی و دیگران، ۲۰۰۵)

نخستین تلاش در جهت استفاده از ANN ها برای پیش بینی ورشکستگی توسط ادم و شاردا (۱۹۹۰) صورت گرفت. در مطالعه آنها از شبکه های پس از انتشار سه لایه استفاده و نتایج حاصل از آن با تحلیل تشخیصی چند متغیره مقایسه شد. پس از آن، مطالعات بسیاری از شبکه های عصبی برای پیش بینی استفاده کردند. در این زمینه، به خصوص (پیش بینی ورشکستگی) از کاربرد شبکه عصبی، معمولاً نسبت های مالی (ویژگی های مالی) به عنوان متغیر های ورودی و وضعیت شرکت (ورشکسته یا غیر ورشکسته) به عنوان خروجی شبکه در نظر گرفته می شوند و در لایه های مخفی الگوها و روابط موجود بین متغیرهای ورودی و خروجی با توجه به هدف شبکه مشخص می گردد. به این ترتیب، شبکه آموزش می بیند. در

رابطه با یک مشاهده (شرکت) جدید نیز با استفاده از الگوهای مشخص شده در مرحله آموزشی و نسبت های مالی، اقدام به پیش بینی وضعیت آتی شرکت می کند.

تمایزشگر ۱ - شبکه عصبی سه لایه ای پرسپترون



۲-۴- الگوریتم های ژنتیک (GA) :

ایده اساسی الگوریتم ژنتیک، انتقال خصوصیات موروثی توسط ژن هاست. الگوریتم ژنتیک یک روش جستجوی احتمالی است که از شبیه سازی تکامل زیستی و طبیعی استفاده می کند. الگوریتم ژنتیک با به کارگیری اصل بقای بهترین ها، برای تولید تخمین های هر چه بهتر از یک جوراب (کروموزم)، روی جمعیتی جواب های بالقوه عمل می نماید.

۲-۵- مدل مجموعه های سخت (RS) :

برای حل مسائل مربوط به تمایز بین مشاهدات در یک مجموعه، معرفی شد. هدف تئوری مجموعه های سخت، طبقه بندی مشاهدات با استفاده از اطلاعات مبهم است. بنابراین، این تئوری هنگامی مفید است که گروه هایی که مشاهدات در آنها طبقه بندی می شود، نادقیق باشند.

اسلاوینسکی و زاپونیدس (۱۹۹۵) نخستین کسانی هستند که تئوری مجموعه های سخت را در مورد پیش بینی ورشکستگی به کار بردند. پس از آن، تئوری مجموعه های سخت در چندین مطالعه دیگر مانند مک کسی (۲۰۰۰) و بایچ و پیو (۲۰۰۱) برای پیش بینی ورشکستگی به کار رفت.

۲-۶- ماشین بردار تکیه گاه (SVM) :

از یک مدل خطی برای تعیین مرزهای غیرخطی گروه ها استفاده می کند. این مدل. در فضای جدید، یک صفحه جداکننده بهینه تشکیل می گردد. بنابراین ماشین بردار تکیه گاه به عنوان الگوریتمی که نوع خاصی از مدل خطی، صفحه جداکننده تفاوت، را می یابد، شناخته می شود. صفحه جداکننده تفاوت، بیشترین جداسازی بین گروه های تصمیم را ارائه می کند. مین و لی (۲۰۰۵) ماشین بردار تکیه گاه را برای پیش بینی ورشکستگی پیشنهاد کردند.

۳- مدل های نظری:

برخلاف مدل های آماری و تکنیک های هوش مصنوعی که بر نشانه های ناتونی تجاری تمرکز دارند ریال مدل های نظری به دنبال تعیین "دلایل کیفی" ناتوانی تجاری اند. اصولاً این مدل ها از اطلاعاتی استخراج می شوند که بتوانند مباحث نظری مطرح شده در زمینه ناتوانی تجاری شرکت را پاسخ دهند. مدل های نظری، از نظر ماهیت چند متغیره بوده و معمولاً از تکنیک های آماری، برای پشتیبانی کمی مباحث نظری استفاده می شود.

با تأمل در مدل های پیش بینی ورشکستگی، میتوان دریافت که تمامی آنها به نوعی میراث تکنیک های آماری اند؛ برای مثال مدل های تکنیک هوش مصنوعی عموماً از هر دو تکنیک آماری یک متغیره و چند متغیره استفاده می کنند و می توان آنها را به عنوان فرزندان مکانیزه شده تکنیک های آماری در نظر گرفت به طور مشابه، مدل های نظری، اغلب با به کار گیری یک تکنیک آماری مناسب ایجاد شده اند و مستقیماً از اصول نظری نشأت نگرفته اند.

۳-۱- معیارهای تجزیه تراز نامه (BSDM) تئوری بی نظمی:

یک راه تعیین بحران مالی، آزمون تغییرات در ساختار ترازنامه است. بر اساس این تئوری، شرکت ها سعی در حفظ تعادل در ساختار مالی خود داشته و چنانچه صورت های مالی یک شرکت تغییرات با اهمیتی در ترکیب دارایی ها و بدهی ها منعکس کند، احتمال اینکه شرکت قادر به حفظ وضعیت تعادل خود نباشد، می توان بحران مالی در این شرکت را پیش بینی کرد.

۳-۲- تئوری ورشکستگی قمارباز :

در این روش، شرکت می تواند مانند قمار بازی در نظر گرفته شود که مکرراً به طور مستقر با مقداری احتمال زیان بازی می کند و به عملیات خود تا زمانی که خالص ارزش آن به زیر صفر برسد (ورشکسته شود)، ادامه می دهد. با فرض وجود مقادیری وجه نقد در هر دوره مشخص، این خالص احتمال مثبت وجود دارد که جریان وجوه نقد یک شرکت در طی دوره منفی شده و نهایتاً منجر به ورشکستگی شود.

۳-۳ - تئوری مدیریت وجوه نقد:

مدیریت کوتاه مدت وجوه نقد بنگاه، یکی از نگرانی ها اصلی هر شرکتی است. عدم تعادل بین جریان های ورودی و خرجی، می تواند به معنی ناتونی عملکرد مدیریت وجوه نقد شرکت باشد و این عاملی است که احتمال دارد منجر به بحران مالی و در نهایت ورشکستگی شود.

۳-۴ - تئوری های ریسک اعتباری :

ریسک اعتباری خطری است نه هر وام گیرنده به هر دلیلی ناتوان از ادای تعهدات خود شود. این مدل ها و پیش بینی ریسک مربوط به آنها مبتنی بر تئوری های اقتصادی مدیریت مالی بوده و در مجموع به تئوری های ریسک اعتباری اشاره دارند. این مدل ها، شامل اعتبار سنجی مورگان و kmv مودی این مدل ها بر تئوری قیمت گذاری اختیار معامله تکیه دارند، بر اساس این تئوری، ناتوانی پرداخت بدهی ذاتاً مربوط به ساختار سرمایه است و شرکت در صورتی ممکن است از ایفای تعهدات خود ناتوان شود که ارزش های دارایی های آن به پایین تر از سطح بحرانی (توسط مدل های ریسک اعتباری، تعیین می شود) برسد.

۳ ۵ - مدل های اعتبار سنجی مورگان و kmv مودی :

این مدل ها بر تئوری قیمت گذاری اختیار معامله تکیه دارند، بر اساس این تئوری، ناتوانی پرداخت بدهی ذاتاً مربوط به ساختار سرمایه است و شرکت در صورتی ممکن است از ایفای تعهدات خود ناتوان شود که ارزش های دارایی های آن به پایین تر از سطح بحرانی (توسط مدل های ریسک اعتباری تعیین می شود) برسد.

۳ ۶ - تئوری پرتفوی اعتباری مک کینسی :

تئوری پرتفوی اعتباری مک کینسی، برای ارزیابی ریسک ناتوانی تجاری از روش های اقتصاد کلان استفاده می کند. طبق این تئوری، چرخه های اعتباری به شدت از چرخه های تجاری پیروی می کنند. در نتیجه، احتمال ورشکستگی تابعی از متغیرهای نظیر نرخ بیکاری، نرخهای بهره، نرخ رشد اقتصادی، مخارج دولت، نرخ مبادلات خارجی، و پس انداز کل است. بر این اساس کشورهای دارای وضعیت بد اقتصادی شاهد افزایش در میزان نرخ بهره اوراق بهادار و همچنین ناتوانی تجاری می باشند (ویلسون ۱۹۹۸). نیوتن (۱۹۹۸) نیز شرایط اقتصادی را یکی از عوامل تأثیرگذار بیرونی بر پدیده ورشکستگی می داند.

میزان کاربرد، دقت و خطای نوع اول و نوع دوم مدل های پیش بینی ورشکستگی

پس از مروری جامع بر تکنیک های مورد استفاده در ساخت مدل های پیش بینی ورشکستگی، اکنون به بررسی میزان کاربرد و میزان دقت مدل های ساخته شده با استفاده از این روش ها می پردازیم. این بخش، بر اساس تحقیقات دیمیتراس و دیگران (۱۹۹۶) و راوی کومار و راوی (۲۰۰۷) ارائه شده است.

با تعیین اهمیت تکنیک های آماری در پیش بینی ورشکستگی، طبیعی است که مدل های آماری به صورت گستردهای مورد استفاده قرار گیرند. اما تمامی مدل های تحلیل تشخیصی چندگانه لاجیت و پروبیت به شکلی از مفروضات محدود کننده رنج می برند و عملکرد پیش بینی آنها در واقعیت کمی متفاوت است. نقص مفروضات LPM در عمل و فقدان مجموعه داده های مورد نیاز روش های مجموع تجمعی و مدل های تعدیل ناقص باعث شده است تا این مدل ها در عمل دارای ارزش بسیار زیادی نباشند.

مروری بر مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی

نمایشگر ۳- ویژگی‌های مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی

خطای نوع دوم	خطای نوع اول	میزان دقت	میزان کاربرد	تک متغیره
٪۱۵	٪۱۹	٪۸۱	٪۲/۴	MDA
٪۱۲	٪۱۵	٪۸۵	٪۲۷/۳	Logit
٪۱۰	٪۱۵	٪۸۷	٪۱۸/۳	Probit
٪۹	٪۱۳	٪۸۹	٪۲/۲	LPM
٪۰.۰	٪۳	٪۸۰	٪۲/۴	CUSUM
٪۱۶	٪۱۷	٪۸۳	٪۲/۲	PAP
٪۲۲	٪۱۷	٪۸۹	٪۱/۱	کل (آماري)
٪۱۲	٪۱۴	٪۸۳	٪۵۸	CBR
٪۱۵	٪۱۵	٪۸۳	٪۲/۲	RPA
٪۸	٪۱۶	٪۸۷	٪۵/۶	ANN
٪۶	٪۱۷	٪۸۷	٪۹	GA
٪۵	٪۶	٪۸۸	٪۷/۵	RS
٪۵	٪۸	٪۹۱	٪۲/۴	SVM
٪۱۳	٪۱۴	٪۸۵	٪۲	کل (هوش مصنوعي)
٪۹	٪۱۳	٪۸۸	٪۲۵	BSDM
٪۱۵	٪۱۵	٪۸۸	٪۴/۵	Cash
٪۳۵	٪۲۶	٪۶۷	۳/۳	Credit
٪۲	٪۲۳	٪۹۱	۳/۳	کل (نظري)
٪۱۴	٪۲۲	٪۸۵	٪۹۱	

نمایشگر ۳ خصوصیات مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی را نمایش می‌دهد. بر اساس اطلاعات این نمایشگر، در ۵۸ درصد پژوهش‌های پیش‌بینی ورشکستگی، از مدل‌های آماری استفاده شده است. پس از آن، مدل‌های هوش مصنوعی و مدل‌های نظری به ترتیب در ۳۰ و ۱۲ درصد مطالعات استفاده شده‌اند. مقایسه کاربرد انفرادی هر تکنیک نیز نتایج جالبی دربردارد. نتایج نشان می‌دهد که بیش از ۲۷ درصد تحقیقات از مدل‌های تحلیل تشخیصی چندگانه برای پیش‌بینی ورشکستگی استفاده کرده‌اند در حالیکه ۱۸ درصد دیگر از مطالعات مدل‌های لاجیت را بر سایر مدل‌ها ترجیح داده‌اند. یعنی، این معنی است که این دو مدل تشکیل دهنده ۷۹ درصد مطالعاتی هستند که از روش‌های آماری برای پیش‌بینی ورشکستگی استفاده کرده‌اند. در گروه مدل‌های هوش مصنوعی، شبکه‌های عصبی، شبکه‌های عصبی با ۹ درصد و به دنبال آن الگوریتم ژنتیک دارای رتبه‌های اول و دوم هستند. تئوری آنتروپی در میان مدل‌های نظری رایج‌ترین مدل است، اما با این وجود تنها تشکیل دهنده ۴/۵ درصد کل مطالعات انجام شده در زمینه پیش‌بینی ورشکستگی است.

به هر حال، با بررسی روند مطالعات مشخص می‌شود که امروزه استفاده از مدل‌های آماری در این زمینه کاهش یافته است و مطالعات اخیر بیشتر تمایل به استفاده از مدل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی دارند. کاهش استفاده از مدل‌های آماری در مورد مدل‌های تحلیل تشخیصی چندگانه در مقابل با دیگر مدل‌های آماری نظیر لاجیت و پروبیت؛ مشهودتر است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، تخطی این مدل‌ها از مفروضات آماری است. به هر حال، اتکا بر مفروضات محدود کننده در مورد روش‌های آماری، موجب اقبال مدل‌های هوش مصنوعی از سوی پژوهشگران شده است زیرا این مدل‌ها اغلب ناپارامتریک بوده و در به‌کارگیری آنها نیاز چندانی به مفروضات اولیه و یا اطلاعات مربوط به چگونگی توزیع ویژگی‌های مالی در میان گروه‌های شرکت‌های ورشکسته و غیر ورشکسته نیست.

دقت پیش بینی مدل ها نیز می تواند مارا ر ارزیابی آنها یاری کند. ستون سوم نمایشگر ۳، قدرت پیش بینی مدل ها را دوره یکساله قبل از ورشکستگی نشان می دهد. به صورت کلی، مدل های مبتنی بر هوش مصنوعی از قدرت بالاتری در زمینه پیش بینی ورشکستگی برخوردار دارند که این خود می تواند دلیلی بر توجه محققان بر استفاده از این مدل ها باشد. بررسی عملکرد مدل های نشان می دهد که مدل های مجموعه های سخت و مدل های اعتباری با ۹۱ درصد دقت، دارای بهترین پیش بینی ها می باشند. چنانچه دقت مدل ها بر اساس تعداد تحقیقات به کار رفته تعدیل شود، آنگاه عملکرد مدل های تحلیل تشخیصی چندگانه و لاجیت (با کمترین انحراف معیار تعدیل شده) نسبت به عملکرد سایر مدل ها در وضعیت بهتری قرار می گیرند. در این رده بندی BSDM که یک مدل نظری است در رتبه سوم و پس از آن روش های مجموع تجمعی و NN در رده های بعدی قرار دارند. نکته ای که باید در اینجا متذکر شد آن است که افق پیش بینی یک سال قبل از ورشکستگی، طولانی نیست و به نظر می رسد دقت مدل ها با افزایش دوره زمانی به شدت کاهش یابد.

در ارزیابی قدرت پیش بینی، نکته دیگری که دارای اهمیت فوق العاده ای است؛ میزان خطای نوع اول (تعداد شرکت های ورشکسته ای که به عنوان شرکت های غیر ورشکسته طبقه بندی شده اند) هر مدل است. در ستون های چهارم و پنجم نمایشگر ۳ میانگین خطای نوع اول و نوع دوم هر مدل، اراده شده است. هر چند پایین ترین خطای نوع اول در مورد LPM مشاهده شده، اما این مدل از نظر دقت پیش بینی دارای رتبه ۱۱ است که این خود باعث کاهش مطلوبیت این مدل می شود. در مورد الگوریتم ژنتیک، این امر رضایت بخش تر است؛ زیرا علاوه بر قدرت پیش بینی با لای خود دارای خطای نوع اول و دوم این مدل ها در مقایسه با مدل هایی نظیر الگوریتم ژنتیک بالا است. اما مدل مبتنی بر تئوری وجوه نقد علاوه بر اینکه دارای دقت پیش بینی ضعیفی است؛ در مورد خطاهای نوع اول و دوم نیز وضعیت مشابهی دارد که این امر، از مطلوبیت این مدل به شدت می کاهد.

نتیجه گیری

ورشکستگی یکی از مهم ترین مسائل با اهمیت در سطح جهان است که اقتصاد همه کشورها را تحت تأثیر خود قرار می دهد. هزینه ای اجتماعی و اقتصادی سنگینی که شرکت های ورشکسته بر سهامداران خود تحمیل می کنند. موجب انگیزش پژوهشگران در ارائه روش شناسی های متنوعی برای پیش بینی ورشکستگی شده است. در این مقاله با بررسی ادبیات تحقیق، فهرست به نسبت کاملی از تکنیک های مورد استفاده در پیش بینی ورشکستگی ارائه شده است. این تکنیک ها بر اساس ماهیت، خود در سه گروه تکنیک های آماری (سنتی)، تکنیک های هوش مصنوعی، و مدل های نظری طبقه بندی شده اند. بر اساس تحقیقات به عمل آمده در ۵۸ درصد پژوهش های پیش بینی ورشکستگی، از مدل های آماری استفاده شده است. پس از آن، مدل های هوش مصنوعی و مدل های نظری به ترتیب در ۳۰ و ۱۲ درصد مطالعات استفاده شده اند مقایسه کاربرد انفرادی هر تکنیک نشان می دهد که بیش از ۲۷ درصد تحقیقات از مدل های تحلیل تشخیصی چندگانه و ۱۸ درصد دیگر از مطالعات مدل های لاجیت و شبکه های عصبی با ۹ درصد برای پیش بینی ورشکستگی استفاده کرده اند. لذا گزینش یک تکنیک والگو به ویژه برای استفاده کنندگان اطلاعات مالی و متناسب با نیازهای آنها و شرایط محیطی امری پیچیده است همچنین، شرح مختصری در رابطه با هر تکنیک و ویژگی ها و محدودیت های اصلی مرتبط با آن نیز ارائه گردیده است.

استاندارد های اجرای عملیات حسابرسی

تهیه مطالب توسط : اسلامی

برنامه ریزی کار و سرپرستی کارکنان

هدف : هدف برنامه ریزی انجام به موقع واثربخش حسابرسی است.

مزایای اصلی برنامه ریزی مناسب کار برای حسابرسی صورتهای مالی به شرح زیر است:

- کمک به حسابرس برای توجه مناسب به جنبه های مهم حسابرسی.
- کمک به حسابرس برای تشخیص و حل و فصل به موقع مشکلات بالقوه.
- کمک به حسابرس در سازماندهی و مدیریت مناسب کار حسابرسی برای انجام اثربخش و کارآمد آن.
- کمک به انتخاب اعضای تیم حسابرسی در رده های مختلف به نحوی که دارای توانمندیها و صلاحیتهای لازم برای برخورد با خطرهای مورد انتظار حسابرسی باشند و تقسیم مناسب کار بین آنها.
- تسهیل هدایت و سرپرستی اعضای تیم حسابرسی و بررسی کار آنها.
- کمک به هماهنگی کار انجام شده توسط حسابرسان بخشها و کارشناسان، در صورت لزوم.

نقش و زمان بندی برنامه ریزی

۱. برنامه ریزی مرحله ای مجزا از یک کار حسابرسی نیست، بلکه فرایندی مستمر و پویاست که غالباً پس از قبول کار حسابرسی (یا همزمان با آن) آغاز می شود و تا زمان تکمیل کار حسابرسی جاری، ادامه می یابد

۲. در برنامه ریزی به این موضوع توجه می شود که برخی از فعالیتها و روشهای حسابرسی باید قبل از اجرای روشهای حسابرسی دیگر تکمیل شود. برای مثال، در برنامه ریزی، قبل از تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت، موضوعاتی از قبیل موارد زیر تکمیل می شود:

- بکارگیری روشهای تحلیلی برای ارزیابی خطر.
- کسب شناخت کلی از چارچوب قانونی و مقرراتی حاکم بر واحد تجاری و چگونگی رعایت آن توسط واحد تجاری.

- تعیین سطح اهمیت.
- استفاده از کارشناسان.
- اجرای سایر روشهای ارزیابی خطر.

مشارکت اعضای اصلی تیم حسابرسی مشارکت مدیرمسئول کار و سایر اعضای اصلی تیم حسابرسی در برنامه‌ریزی حسابرسی، از طریق بکارگیری تجربه و دیدگاه آنها، موجب افزایش اثربخشی و کارایی فرآیند برنامه‌ریزی می‌شود.

فعالیت‌های برنامه‌ریزی

۱. حسابرس باید طرح کلی حسابرسی را تدوین کند. این طرح باید دامنه رسیدگی، زمان‌بندی اجرا و مسیر حسابرسی را مشخص و رهنمودهای لازم را برای تدوین برنامه حسابرسی ارائه نماید.

۲. حسابرس برای تدوین طرح کلی حسابرسی باید:

الف. ویژگیهای کار حسابرسی که دامنه رسیدگی را معین می‌کند، مشخص نماید.
 ب. اهداف گزارشگری کار حسابرسی را به منظور زمان‌بندی اجرای کار و تعیین ماهیت اطلاع رسانی و ارتباطات مورد لزوم، مشخص کند.

پ. عواملی را که به قضاوت حرفه‌ای وی برای هدایت کار تیم حسابرسی، مهم هستند مدنظر داشته باشد.

ت. نتایج فعالیت‌های مقدماتی کار حسابرسی، و حسب مورد، مربوط بودن شناخت کسب شده از سایر کارهای انجام شده توسط مدیرمسئول کار برای واحد تجاری را مورد توجه قرار دهد.

ث. ماهیت، زمانبندی اجرا و میزان منابع مورد نیاز برای اجرای کار حسابرسی را تعیین کند.

۳. حسابرس باید برنامه حسابرسی را به‌گونه‌ای تدوین کند که دربرگیرنده موارد زیر باشد:

الف. ماهیت، زمان‌بندی اجرا و میزان روشهای ارزیابی خطر.

ب. ماهیت، زمان‌بندی اجرا و میزان روشهای حسابرسی لازم در سطح ادعاها.

پ. سایر روشهای حسابرسی که برای انجام کار طبق استانداردهای حسابرسی ضروری است.

۴. حسابرس باید در جریان انجام کار، حسب ضرورت طرح کلی حسابرسی و برنامه حسابرسی را به روز کند و تغییرات لازم را در آنها اعمال نماید.

۵. حسابرس باید در مرحله برنامه‌ریزی، ماهیت، زمانبندی اجرا و میزان هدایت و سرپرستی اعضای تیم حسابرسی و بررسی کار آنها را مشخص کند.

مستندسازی حسابرس باید موارد زیر را مستند کند:

الف. طرح کلی حسابرسی،

ب. برنامه حسابرسی، و

پ. هرگونه تغییر بااهمیت در طرح کلی حسابرسی یا برنامه حسابرسی در جریان انجام کار و دلایل

انجام این تغییرات.

طرح کلی حسابرسی

تدوین طرح کلی حسابرسی، به شرط تکمیل روشهای ارزیابی ریسک حسابرسی، در تعیین مواردی از قبیل موضوعات زیر به حسابرس کمک می‌کند:

- منابع لازم برای حوزه‌های خاص حسابرسی مانند استفاده از اعضای با تجربه تیم حسابرسی در حوزه‌های پرخطر یا استفاده از کارشناسان در موضوعات پیچیده و تخصصی،
- میزان منابع لازم برای حوزه‌های خاص حسابرسی مانند تخصیص تعداد اعضای تیم حسابرسی برای نظارت بر شمارش موجودیهای مهم، میزان بررسی کار سایر حسابرسان در حسابرسی گروه یا تخصیص بودجه زمانی مناسب برای حوزه‌های پرخطر،
- زمان بکارگیری این منابع، برای مثال بکارگیری آنها در طول کار حسابرسی در مقاطع زمانی مهم.
- چگونگی مدیریت، هدایت و سرپرستی منابع تخصیص یافته، به‌عنوان مثال زمان پیش‌بینی شده برای برگزاری جلسات توجیهی اولیه تیم حسابرسی و جلسات بعدی، تیم حسابرسی چگونگی انجام بررسیهای مدیرمسئول کار و مدیر بررسی‌کننده کار (برای مثال انجام بررسیها در محل واحد تجاری یا در مؤسسه حسابرسی) و بررسیهای مربوط به کنترل کیفیت کار حسابرسی.

پس از تدوین طرح کلی حسابرسی، برنامه حسابرسی می‌تواند با در نظر گرفتن موضوعات گوناگون مشخص شده در طرح کلی حسابرسی و باتوجه به ضرورت دستیابی به اهداف حسابرس از طریق استفاده بهینه از منابع حسابرسی، تنظیم شود. تدوین طرح کلی حسابرسی و برنامه تفصیلی حسابرسی لزوماً دو اقدام مجزا یا متوالی نیستند بلکه وابسته به هم می‌باشند زیرا تغییر در یکی از آنها ممکن است موجب تغییر در دیگری شود.

برنامه حسابرسی

برنامه حسابرسی تفصیلی‌تر از طرح کلی حسابرسی است زیرا دربرگیرنده ماهیت، زمان‌بندی اجرا و میزان روشهای حسابرسی است که توسط اعضای تیم حسابرسی اجرا خواهد شد. برنامه‌ریزی روشهای حسابرسی مزبور در جریان انجام حسابرسی به عنوان بخشی از برنامه حسابرسی صورت می‌گیرد. برای مثال، برنامه‌ریزی روشهای ارزیابی خطر در ابتدای

فرآیند حسابرسی انجام می‌شود. با این حال، تعیین ماهیت، زمان‌بندی اجرا و میزان روشهای حسابرسی لازم، به نتایج حاصل از اجرای روشهای ارزیابی خطر، بستگی دارد.

ماهیت، زمانبندی و میزان منابع

• انتخاب اعضای تیم حسابرسی و تقسیم کار بین اعضای تیم، شامل واگذاری حوزه‌های با خطر تحریف با اهمیت بالا به اعضای با تجربه تیم.

• بودجه‌بندی کار حسابرسی، شامل تخصیص زمان مناسب به حسابرسی حوزه‌هایی که ممکن است خطر تحریف با اهمیت آنها بالاتر باشد.

استاندارد دوم اجرای عملیات: کسب شناخت کافی از ساختار کنترل‌های داخلی

حسابرس باید از کنترل‌های داخلی مرتبط با حسابرسی شناخت کسب کند.

حسابرساز شناخت کنترل‌های داخلی، برایشناسایی انواع تحریف‌های بالقوه، ارزیابی عوامل مؤثر بر خطرهای تحریف با اهمیت و طراحی ماهیت، زمانبندی اجرا و میزان روشهای حسابرسی لازم استفاده می‌کند.

معمولاً کنترل‌هایی به حسابرسی مربوط می‌شود که با هدف واحد مورد رسیدگی از تهیه صورتهای مالی با مقاصد عمومی، منطبق با استانداردهای حسابداری، و مدیریت خطر مرتبط با آن صورتهای مربوط باشد. این که یک کنترل، چه به تنهایی و چه همراه با دیگر کنترلها، به برآورد خطرهای تحریف با اهمیت و طراحی و اجرای دیگر روشهای حسابرسی در برخورد با خطرهای برآوردی مربوط می‌شود یا خیر، مستلزم قضاوت حرفه‌ای حسابرس در پرتو الزامات این قسمت است. حسابرس برای این قضاوت، شرایط، اجزای مورد استفاده و عواملی چون موارد زیر را در نظر می‌گیرد:

- قضاوت حسابرس درباره اهمیت.
- اندازه واحد مورد رسیدگی.
- ماهیت فعالیت تجاری واحد مورد رسیدگی، شامل سازمان و ویژگیهای مالکیتی آن.
- تنوع و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی.
- الزامات قانونی و مقرراتی مربوط.
- ماهیت و پیچیدگی سیستمهایی که بخشی از کنترل‌های داخلی واحد مورد رسیدگی، شامل استفاده از سازمانهای خدمات رایانه‌ای، است.

کنترل‌های مربوط به کامل بودن و صحت اطلاعات تهیه شده بوسیله واحد مورد رسیدگی نیز در صورتی ممکن است به حسابرسی مربوط شود که حسابرس بخواهد از آن اطلاعات در طراحی و اجرای روشهای بیشتر استفاده کند. تجربه قبلی

حسابرس از واحد مورد رسیدگی و اطلاعات کسب شده در مرحله شناخت واحد مورد رسیدگی و محیط آن و سایر مراحل حسابرسی، حسابرس را در شناخت کنترل‌های مرتبط با حسابرسی یاری می‌کند. افزون بر این، اگر چه کنترل‌های داخلی به کل واحد مورد رسیدگی یاهریک از واحدهای عملیاتی یا فرایندهای تجاری آن مربوط می‌باشد، اما، شناخت کنترل‌های داخلی مربوط به هریک از واحدهای عملیاتی و فرایندهای تجاری واحد مورد رسیدگی ممکن است به حسابرسی مربوط نباشد.

شناخت و ارزیابی مقدماتی واحد حسابرسی داخلی

وجود یک واحد حسابرسی داخلی موثر معمولا سبب تعدیل نوع و ماهیت و زمان‌بندی اجرای روشهای حسابرسی و کاهش حدود روشهای مورد اجرای حسابرس مستقل می‌شود، اما هرگز نمی‌تواند به طور کامل جایگزین آنها شود. گاه، حسابرس مستقل پس از ارزیابی واحد حسابرسی داخلی به این نتیجه می‌رسد که وجود آن، هیچ تاثیری بر روشهای حسابرسی مستقل ندارد.

روشهای کسب شواهد حسابرسی

حسابرس با اجرای روشهای حسابرسی در موارد زیر، شواهد حسابرسی لازم را برای نتیجه‌گیریهای معقولی که مبنای اظهار نظر حسابرسی قرار می‌گیرد، بدست می‌آورد:

الف - کسب شناخت از واحد مورد رسیدگی و محیط آن، از جمله کنترل‌های داخلی آن

ب - آزمون اثربخشی کارکرد کنترلها در پیشگیری یا کشف و اصلاح تحریفهای بااهمیت در سطح ادعاها، در صورت ضرورت یا به تشخیص حسابرس.

پ - کشف تحریفهای با اهمیت در سطح ادعاها (آزمونهای محتوا: که این آزمونها شامل آزمون جزئیات گروههای معاملات، مانده حسابها و موارد افشا و نیز روشهای تحلیلی می‌باشد).

اجرای مجموعه‌ای مشخص از روشهای حسابرسی ممکن است شواهد حسابرسی مربوط به برخی ادعاها و نه همه ادعاها را فراهم کند. برای مثال، واریس سوابق و مستندات مربوط به وصول حسابهای دریافتی پس از پایان دوره، اگر چه می‌تواند شواهد حسابرسی مربوط به ادعاهای وجود و ارزشیابی را فراهم کند، اما لزوما این شواهد در مورد مناسب بودن انقطاع زمانی در پایان دوره، جوابگو نخواهد بود. از سوی دیگر، حسابرس اغلب شواهدی را از منابع مختلف و یا با ماهیتهای متفاوت درباره یک ادعا کسب می‌کند. برای مثال، حسابرس ممکن است با تحلیل جدول سنی حسابهای دریافتی و پیگیری وصول آنها در دوره مالی بعد، شواهدی را درباره تعیین میزان ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول کسب کند. افزون بر این، کسب شواهد حسابرسی مرتبط با یک ادعای خاص، مثلا وجود عینی موجودی مواد و کالا، نمی‌تواند جایگزین کسب شواهد حسابرسی مربوط به ادعای دیگری، چون ارزشیابی موجودی مواد و کالا باشد

بررسی عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی

تهیه مطالب توسط : مروج

حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه حسابرسی شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه ی خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس یا موسسه ی حسابرسی پرداخت می شود . یکی از مناقشات اصلی حرفه ی حسابداری در حال حاضر تعیین حداقل نرخ حق الزحمه ی حسابرسی است . در واقع بهای هر خدمت یا کالا قیمتی است که مصرف کننده برای استفاده از آن حاضر به پرداخت است . اما در عمل این فرمول در کشورهایی که فاقد اقتصاد رقابتی هستند کارایی نداشته و قیمت را یا انحصارات یا حداقل مزد معیشتی تعیین می کند . شورای اقتصاد همه ساله به پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و دارایی ، حق الزحمه ی سازمان حسابرسی را برای خدمات حسابرسی تعیین می کند .

حق الزحمه ساعتی کارکنان حسابرسی ایران (به ریال)

درصد افزایش	حق الزحمه حسابرسی ساعتی – ریال		رده حسابرسی
	سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۷	
۱۰	۹۱۵۰۰	۸۳۰۰۰	مدیر حسابرسی
۱۰	۸۷۰۰۰	۷۹۰۰۰	سرپرست
۱۱	۷۷۰۰۰	۷۰۰۰۰	حسابدار ارشد
۲۰	۶۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	حسابرس
۲۱	۱۹۵۰۰	۱۶۰۰۰	کمک حسابرس

حق الزحمه ی ساعتی کارکنان حسابرسی امریکا (به دلار امریکا)

۲۰۰۸	۲۰۰۶	رده حسابرسی
------	------	-------------

بزرگترین	کوچکترین	متوسط	بزرگترین	کوچکترین	متوسط	
۲۴۰	۱۱۱	۱۷۶	۲۲۰	۱۱۷	۱۶۸	شریک
۱۹۳	۱۲۰	۱۵۶	۱۷۰	۱۲۵	۱۳۴	مدیر
۱۵۶	...	۱۲۴	۱۴۱	۶۶	۱۱۸	مدیر حسابرسی
۱۲۱	...	۱۰۷	۱۱۱	۷۸	۹۹	حسابرس ارشد
۹۵	...	۸۵	۸۹	۶۰	۸۰	حسابرس

مقایسه بین دو نگاره بالا گویای تفاوت بین قیمت خدمات حسابرسی در ایران و آمریکا است. همانطور که ملاحظه می شود حق الزحمه در کشورهای مذکور قابل مقایسه نمی باشد.

نگاهی به درآمد موسسه ی حسابرسی دیلویت به عنوان دومین موسسه ی حسابرسی بزرگ جهان در سال ۲۰۰۸ در کشور های مختلف بیانگر افزایش درآمد این موسسه به رغم سقوط بازارهای مالی است. این امر بدان جهت است که اتفاقاً در دوران سقوط اقتصادی و رکود، محدوده فعالیت حسابرسی دارای ریسک بیشتری بوده، بنابراین حق الزحمه ی بیشتری بابت ریسک پذیری بیشتر تعلق گرفته است. در حالی که متأسفانه در ایران چنین تصور می شود که در شرکتهای زیان ده یا در دوره ای که رکود و سقوط اقتصادی حاکم است، حسابرسی اهمیت کمتری داشته و حق الزحمه ان نیز باید کاهش یابد. بخش قابل توجهی از حق الزحمه ی حسابرسان ناشی از تخصیص هزینه ریسک است و باید به این نکته توجه کرد که در اوضاع اقتصادی نابسامان، ضریب ریسک بالاتر خواهد رفت.

دولت از یک سو آیین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تعریف حسابرسی را در راستای قانون ماده واحده استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی تصویب می کند و از سوی دیگر با لحاظ کردن حق الزحمه ساعتی حرفه ی حسابرسی، شان و منزلت این حرفه را پایین می آورد. این تناقض در عملکرد نه تنها حرفه ی حسابرسی را ارتقا نمی بخشد، بلکه آن را وارد یک چرخه مصیبت بار فرار از مسئولیت به دلیل نامتناسب بودن ح ق الزحمه با مسئولیت می کند. چون سازمان حسابرسی بخشی از حرفه ی حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی به شمار می رود، هرگونه تصمیم گیری بابت حق الزحمه آن آثار زیانباری روی فعالیت موسسات حسابرسی خصوصی نیز دارید. زیرا در چنین شرایطی عملاً نرخ رقابتی معنی نخواهد داشت به همین علت شاهد آن هستیم که سایر موسسات حسابرسی بخش خصوصی هم به حق الزحمه های ناچیز روی آورده اند.

پایین بودن حق الزحمه ی حسابرسی باعث می شود که:

- ۱- موسسات حسابرسی ناچارند کیفیت کار را از طریق کاهش زمان رسیدگی کاهش دهند.
- ۲- موسسات حسابرسی ناچارند بابت آموزش و توسعه و ارتقای کیفیت اقدامی به عمل نیاورند. نتیجه آنکه با چنین هزینه هایی، روی آوری به فعالیت حسابرسی شاغلان انفرادی بیشتر خواهد شد، زیرا حسابداران رسمی انفرادی بدون لحاظ هزینه سربار و با کمترین تعداد نفرات می توانند با قبول حق الزحمه به مراتب کمتر، گزارشاتی صادر کنند که چشم هر نابینایی را روشن کند!! و عواقب این عمل نیز متوجه کل حرفه ی حسابرسی خواهد شد.

متاسفانه در ایران به دلایل محدودیت اقتصادی و اساسنامه ای قادر به ایفای نقش موثر در حرفه ی حسابرسی نیستیم . به همین علت استفاده کنندگان از صورت های مالی و گزارشات حسابرسی هم چیزی جز چندین بند تکراری سنواتی که فاقد فایده اجتماعی است ، مشاهده نمیکنند . در حالی که چنانچه استفاده کنندگان گزارشات حسابرسی بخواهند به انتظارات واقعی خود از این گزارشات دست یابند راهکاری جز تقبل هزینه آن که همانا « حق الزحمه واقعی حسابرسی » است ندارند . تجربه جهانی نشان داده است که موسسات بزرگ حسابرسی راه پر فراز و نشیبی را پیموده اند تا جایگاه فعلی را کسب کنند . موسسات وطنی نیز باید اگر چه نه لزوما همه آن ، اما کم و بیش مسیری مشابه را طی کنند با بتوانند همانند آن موسسات حسابرسی ، دارای وجهه و اعتبار ممتاز شوند و در راستای مسئولیت های اجتماعی خود موفق شوند .

عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی

در این تحقیق تاثیر عوامل زیر بر حق الزحمه حسابرسی سنجیده می شود :

- ۱- کیفیت حسابرسی
- ۲- اندازه موسسه حسابرسی
- ۳- تخصص صنعتی موسسه ی حسابرسی
- ۴- شهرت موسسه ی حسابرسی
- ۵- اندازه صاحبکار
- ۶- ریسک حسابرسی
- ۷- بودجه زمانی
- ۸- شهرت و اعتبار شرکت صاحبکار
- ۹- نوع مالکیت موسسه حسابرسی
- ۱۰- تحصیلات و تجربه کادر حسابداری صاحبکار
- ۱۱- پایان سال مالی

(۱) کیفیت حسابرسی :

کیفیت حسابرسی پدیده ای چند بعدی و ذاتا غیر قابل مشاهده بوده و دارای ویژگی مجردی نیست که بتوان با اندازه گیری آن عنوان کرد که حسابرسی انجام گرفته دارای کیفیت است . انجمن گزارش مالی انگلستان (۲۰۰۸) چهار عامل اصلی که دربردارنده کیفیت حسابرسی است را شامل موارد زیر بیان کرده است : ۱- فرهنگ موسسه حسابرسی ۲- توانایی های کارکنان و کادر حسابرسی ۳- اثربخشی فرایند حسابرسی ۴- معتبر و مفید بودن گزارش حسابرسی .

از کیفیت حسابرسی تعریف های گوناگونی کرده اند . در ادبیات حرفه ای اغلب کیفیت حسابرسی در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوطه تعریف می شود . عمومی ترین تعریف ها از کیفیت حسابرسی عناصر زیر را در بر می گیرد :

- احتمال وجود اشتباهات عمده در صورت های مالی که حسابرس بتواند آنها را کشف و گزارش کند ،
 - احتمال اینکه حسابرس برای صورت های مالی حاوی اشتباهات با اهمیت گزارش مشروط صادر نکند ،
 - دقت اطلاعاتی که حسابرس درباره آن گزارش صادر کرده است ،
 - سنجه ای برای توان حسابرسی در کاهش اشتباهات و تحریفات جانبدارانه و بهبود کیفیت داده های حسابداری.
- کیفیت حسابرسی را قابلیت حسابرسان در کشف نواقص و تحریفات صورت گرفته در حسابداری و نیز کشف دستکاری انجام شده در سود خالص می دانند ، به عبارتی کیفیت حسابرسی را اثربخشی و کارایی فرایند حسابرسی می دانند .
- کیفیت حسابرسی تابعی از دو عامل مرتبط با عملکرد حسابرسی تعریف شده است که عبارتند از :

۱- شایستگی (توانایی های حسابرسی - شامل دانش ، تجربه ، قدرت تطبیق و کارایی فنی)

۲- عملکرد حرفه ای (اجرای حرفه - شامل استقلال ، عینیت ،مراقبت حرفه ای ، تضاد منافع و قضاوت)

نتیجه تحقیقات نشان میدهد که کیفیت گزارش حسابرسی بر حق الزحمه ی حسابرسی مستقل تاثیر دارد . میزان حق الزحمه حسابرسان می تواند کیفیت حسابرسی را به دو شیوه تحت تاثیر قرار دهد . نخست حق الزحمه مناسب سعی و کوشش حسابرسان را افزایش داده ، دوم حسابرسان ممکن است از لحاظ اقتصادی وابسته صاحبکار شوند و چنین وابستگی موجب شود که برای جلوگیری از از دست دادن سود قابل ملاحظه خود مکانیسم های دقیقی در فرایند حسابرسی به کار گیرند .

شاید بتوان تحقیقات دی آنجلو را اولین تحقیق در زمینه کیفیت حسابرسی دانست . دی آنجلو در تحقیق خود به این نتیجه رسید که موسسه های حسابرسی بزرگتر ، انگیزه قوی تری برای ارائه حسابرسی با کیفیت بالاتر دارند . زیرا علاقه مند هستند که شهرت بیشتری در بازار به دست آورند و از آنجا که تعداد صاحب کارانشان زیاد است نگران از دست دادن آنها نمی باشند . تصور بر این است که چنین موسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون های مختلف ، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می کنند .

همچنین تحقیقات نشان داده که شرکت هایی که توسط حسابرسان با کیفیت تر حسابرسی می شوند پیش بینی های سود صحیح تری دارند .

۲) اندازه موسسه حسابرسی

موسسات بزرگ حسابرسی به دلیل شهرت بالا از حسابرسان متبحر و آموزش دیده و کنترل کیفی قوی تری برخوردارند . تحقیقات نشان داده است که هرچه موسسه ی حسابرسی از شهرت و بزرگی بیشتری برخوردار باشد ، حق الزحمه ی بیشتری را از آن خود خواهد کرد . برخی از پژوهش ها به این موضوع پرداخته اند که حق الزحمه ای که به یک موسسه ی حسابرسی بزرگ پرداخته می شود بیشتر از حق الزحمه ای است که به موسسات حسابرسی کوچک پرداخت می شود . و سه دلیل عمده زیر را برای آن ذکر کرده اند :

۱- موسسات حسابرسی بزرگ کار با کیفیت بالایی را در مقایسه با موسسات حسابسی کوچک ارائه می دهند .

۲- صاحبکاران بزرگ دارایامکانات و ثروت بالایی هستند و در هنگام ورشکستگی احتمال دارد بر علیه موسسه ی حسابرسی اقامه دعوی کنند . چنین ریسک بالایی سبب می شود که موسسه های بزرگ حسابرسی برای خنثی کردن اثر مخاطرات بالا ، حق الزحمه ی حسابرسی بیشتری را مطالبه کنند .

۳- در بازار حسابرسی ، موسسه ی حسابرسی بزرگ رقابت کمتری را در مقایسه با موسسات کوچک احساس میکنند . بنابراین در چنین بازاری ، آنها قادر هستند تا حق الزحمه بالایی را در حسابرسی از آن خود کنند .
نتیجه تحقیقات :

اندازه ی موسسه حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد . در اکثر تحقیقات تعداد شرکای موسسه ، تعداد پرسنل و مبلغ درآمد موسسه به عنوان شاخص هایی برای سنجش اندازه ی موسسه ی حسابرسی در نظر گرفته شده اند . یافته ها حاکی از آن است که تعداد شرکای موسسه ی حسابرسی بر حق الزحمه آنان تاثیر دارد . لیکن تعداد پرسنل موسسه ی حسابرسی و درآمد موسسه ی حسابرسی بر حق الزحمه ی حسابرسی تاثیر ندارد . همچنین اندازه حسابرس تاثیر در صحت پیش بینی سود ندارد .

۳) تخصص صنعتی موسسه ی حسابرسی

بر اساس تعریف ذکر شده در برخی از مقالات تخصص صنعتی موسسه ی حسابرسی عبارت است از :

«جذر مجموع ارزش دفتری دارایی های مشتریان موسسه حسابرسی در آن صنعت تقسیم بر جذر مجموع ارزش دفتری دارایی های تمام مشتریان آن موسسه حسابرسی.»

منظور از تخصص صنعتی موسسه حسابرسی تعداد صناعی است که آن موسسه در آن تبحر و مهارت دارد .

نتایج تحقیقات :

حسابرسان متخصص معمولاً دانش موثق و معتبری در مورد یک تخصص خاص دارند . که آنها را در ارزشیابی بهتر ریسک و بررسی خطاهای مفهومی یاری می رساند .

نتیجه تحقیقاتی که در کشور چین صورت گرفته نشان دهنده آن است که چهار موسسه بزرگ حسابرسی که دارای تخصص صنعتی هستند ، حق الزحمه ی بالاتری در مقایسه با حسابرسان غیر متخصص دریافت می کنند .

تخصص صنعتی حسابرس موجب کیفیت بالای حسابرسی شده و در نهایت حق الزحمه بالایی را در پی خواهد داشت .

۴) شهرت موسسه حسابرسی

بر اساس تعریف ذکر شده در برخی از مقالات منظور از شهرت موسسه ی حسابرسی ، تعداد شرکتهای بورسی که هر موسسه حسابرسی مسئولیت حسابرسی آن را دارد و نیز سابقه موسسه ی حسابرسی است .

نتایج تحقیقات :

نتایج حاکی از آن است که تعداد شرکت های بورسی موسسه حسابرسی تأثیری بر حق الزحمه حسابرسی ندارد . و تنها سابقه موسسات حسابرسی به عنوان مولفه ای از شهرت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار است .

در نتیجه شهرت موسسه حسابرسی بر حق الزحمه موسسه ی حسابرسی تأثیر دارد .

محققان بر این باورند که حسابرسان مشهورتر و معتبر تر قادر به دریافت حق لزحمه های حسابرسی بالاتری بوده و برای حفظ این مزیت از شهرت خود حفاظت می کنند .

پژوهشگران براساس شواهدی که از زلاندنو به دست آورده اند ، ادعا کرده اند که تنها نام موسسه ی حسابرسی به هشت موسسه بزرگ حسابرسی کفایت که حق الزحمه بالایی را نصیب موسسه ی حسابرسی مورد نظر کند . از طرف دیگر موسساتی که خود را ملزم به انجام حسابرسی با کیفیت می دانند به مرور زمان به شهرت و اعتبار مناسبی دست خواهند یافت .

۵) اندازه صاحبکار

منظور از اندازه صاحبکار در برخی از مقالات ، تعداد کارکنان شرکت ، مبلغ ترانزنامه و جمع دارایی های شرکت است .

در مورد اندازه ی شرکت ، موسسه تحقیقاتی ایران اسکالیف می گوید : « اندازه ی شرکت یک شمشیر دولبه است . شرکت های بزرگ دارای کار حسابرسی پیچیده ولی حق الزحمه بالا برای حسابرسان هستند . » از طرف دیگر شرکت های کوچک حق الزحمه کم می پردازند ولی کارشان هم ساده تر است .

نتایج تحقیقات :

به طور کلی ادبیات مربوط به حق الزحمه ی حسابرسی پر است از شواهدی که نشان می دهد حق الزحمه ی حسابرسی زمانی افزایش پیدا می کند که اندازه ی مشتری افزایش پیدا می کند .

تحقیقات حاکی از آن است که مبلغ ترانزنامه و جمع دارایی های شرکت بر حق الزحمه ی حسابرسی اثر گذار است . ولی تعداد کارکنان شرکت با حق الزحمه ی حسابرسی رابطه معناداری ندارد .

پس در نتیجه اندازه صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است .

۶) ریسک حسابرسی

یکی از عوامل مهم و مرتبط با حق الزحمه حسابرسی که تقریباً از سوی تمامی محققان به آن اشاره شده است ، ریسک حسابرسی است . بر اساس دستور العمل حسابرسی ، ریسک حسابرسی از سه جزء ریسک ذاتی ، ریسک کنترل و ریسک عدم کشف تشکیل شده است . ریسک عدم کشف که در واقع همان ریسک حسابرس است ، ارتباط معکوسی با حق الزحمه حسابرس دارد ، یعنی هرچه ریسک عدم کشف کمتر تعیین گردد گردآوری شواهد حسابرسی بیشتری ضرورت می یابد که پیامد آن افزایش حجم کار و حق الزحمه حسابرسی است .

نتایج تحقیقات :

نتایج تحقیقات حاکی از آن است که ریسک حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر گذار است .

۷) بودجه زمانی

بودجه زمانی عبارت است از حاصل جمع زمان برآورد شده برای هر مرحله از فرایند حسابرسی . برخی از مزایای کاربردی بودجه زمانی به شرح زیر است :

- تامین مبنایی برای برآورد حق الزحمه .

- سنجش میزان کارایی کارکنان حسابرسی .

- تعیین میزان پیشرفت هریک از مراحل رسیدگی برای سرپرستان حسابرسی .

حق الزحمه ی کارکنان حسابرسی نیز بر مبنای ساعات کاری است که هر نفر روی یک پروژه خاص صرف می کنند . مجموع تعداد ساعات کاری که کارکنان موسسه ی حسابرسی روی یک پروژه حسابرسی صرف کرده اند مبنای محاسبه صورتحساب برای یک شرکت است .

نتایج تحقیقات :

نتایج حاکی از آن است که بودجه زمانی صرف شده برای فرایند حسابرسی تاثیر مثبت و معناداری بر حق الزحمه دریافتی دارد .

در سازمان های بزرگ تبادلات مالی گسترده صورت می گیرد که متعاقبا حسابرسی آن نیز زمان زیادی را طلب خواهد کرد . حسابرسان باید بین مقدار ، ماهیت و زمان لازم برای انجام فرایند حسابرسی تعادل ایجاد کنند . عدم چنین امری ممکن است حسابرسان را در موقعیتی قرار دهد که قادر به انجام فعالیت های مورد انتظار نبوده و افت کیفیت حسابرسی را به همراه داشته باشد .

۸) شهرت و اعتبار شرکت صاحبکار

حسن شهرت حرفه ای یعنی ارزش دارایی های محسوس مانند محل ، شهرت شرکت ، فهرست مشتریان ، فرانشیز ها ، کیفیت پرسنل و ... ، حسن شهرت حرفه ای را می توان عامل متمایز کننده یک شرکت جا افتاده و موفق را با شرکتی دانست که قرار است جا بیافتد و موفق شود .

نتایج تحقیقات :

با بررسی تاثیر شهرت صاحبکار بر فرایند شرکت های مشهور در یک صنعت به این نتیجه رسیدند که حسابرسی آنها مستلزم صرف هزینه زمانی و مالی و کسب حق الزحمه بیشتر است . حسابرسی این شرکت ها اعتبار زیادی را نیز برای موسسه حسابرسی به همراه خواهد داشت .

برای سنجش میزان شهرت صاحبکار از حجم فروش شرکت استفاده شده است و نتایج حاکی از آن است که شهرت صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر دارد .

۹) نوع مالکیت موسسه حسابرسی

نوع مالکیت موسسه حسابرسی موید نقش بخش دولتی و عمومی بر حق الزحمه ی حسابرسی است .

نتایج تحقیقات :

بر اساس نتایج بدست آمده ، هنگامی که حسابرس از بخش خصوصی انتخاب نشده (حسابرس سازمان حسابرسی یا موسسه حسابرسی مفید راهبر بوده است)، حق الزحمه ها افزایش یافته است . این نتیجه در ایران مطابق تحقیقات انجام گرفته در کشور های پیشرفته است . و این پدیده موید آن است که بازار انحصاری این دو موسسه یا کیفیت بالای حسابرسی آنها موجب ایجاد تفاوت حق الزحمه آنها نسبت به بخش خصوصی شده است .

در نتیجه مالکیت موسسه حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر گذار است .

۱۰) تحصیلات و تجربه کادر حسابداری صاحبکار

نتایج تحقیقات :

نتایج تحقیقات حاکی از آن است که تحصیلات و تجربه کادر حسابداری صاحبکار نقشی در افزایش و کاهش حق الزحمه حسابرسی ندارد . به نظر می رسد به دلیل فرهنگ خاص کشور ما و ضعف های رایج بسیار در سیستم کنترل داخلی شرکت ها ، حسابرسان به تجربه دریافته اند که اتکا بر کار کادر حسابداری شرکت صاحبکار نمی تواند جوابگوی مسئولیت آنان در قبال سهامدار و یا شخص درخواست کننده حسابرسی باشد .

۱۱) پایان سال مالی

کار حسابرسی به واسطه مطابقت سال مالی بسیاری از شرکت ها با سال خورشیدی به صورتی در آمده است که تراکم فعالیت حسابرسان در مقطعی از زمان ، یعنی چهار ماه اول سال خورشیدی بسیار زیاد می باشد . بنابراین انتظار می رود حسابرسان جهت کاهش این تراکم کاری تمایل زیادی به انجام حسابرسی شرکت هایی داشته باشند که پایان سال مالی آنها مطابق با سال خورشیدی نباشد و برای این منظور حق الزحمه کمتری را دریافت نمایند .

نتایج تحقیقات :

متغیر پایان سال مالی با حق الزحمه ی حسابرسی رابطه مستقیم دارد . بنابر این حسابرسان از شرکت هایی که پایان سال مالی آنها مطابق با پایان سال خورشیدی نباشد ، حق الزحمه ی کمتری دریافت می نمایند .

نتیجه گیری :

بر اساس موارد ذکر شده در این مقاله به طور کلی می توان عوامل موثر و غیر موثر بر حق الزحمه حسابرسی را برشمرد .

عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی عبارتند از :

۱- کیفیت حسابرسی ۲- تعداد شرکای موسسه حسابرسی ۳- تخصص صنعتی موسسه حسابرسی ۴- سابقه موسسه ی حسابرسی

۵- مبلغ ترازنامه ۶- جمع دارایی های شرکت ۷- ریسک حسابرسی ۸- بودجه زمانی ۹- شهرت صاحبکار(حجم فروش) ۱۰- نوع مالکیت شرکت حسابرسی ۱۱- پایان سال مالی

عوامل غیر موثر بر حق الزحمه حسابرسی عبارتند از :

۱- تعداد پرسنل موسسه حسابرسی ۲- درآمد موسسه ی حسابرسی ۳- تعداد شرکت های بوری موسسه حسابرسی ۴- تعداد پرسنل شرکت صاحبکار ۵- تحصیلات و تجربه کادر حسابداری صاحبکار

پیشنهادات :

نتایج این تحقیق نشان داد که کیفیت گزارش حسابرسی بر حق الزحمه ی حسابرسی تاثیر دارد . بنابر این کیفیت یکی از عوامل اثر گذار بر حق الزحمه ی حسابرسی است . پیشنهاد می شود جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار تهران با ابزارها و منابع قویتر ، برای ارزیابی کیفیت حسابرسی اقدام و پس از ارزیابی به عمل آمده راهکارها و سیاستهایی برای ارتقاء روزافزون کیفیت حسابرسی ارائه شود.

کیفیت حسابرسی موسسه هایی که دارای تخصص صنعتی هستند بیشتر از سایر موسسه های حسابرسی است . پیشنهاد می شود که موسسه های حسابرسی بر اساس ملاک های علمی از لحاظ تخصص صنعتی دسته بندی شوند و هر موسسه ی حسابرسی در صنعت تخصصی خود فعالیت کند . در این صورت با ارائه ی اطلاعات دقیق تر و مفیدتر جریان حسابرسی به فعالیتی کارا و اثربخش تر تبدیل خواهد شد .

موضوع :

قانع کننده بودن شواهد حسابرسی

تهیه مطالب توسط: رحیمیان

در سومین استانداردهای اجرای عملیات حسابرسی آمده است:

«شواهد کافی و قابل اطمینان باید از راه بازرسی، مشاهده، پرس و جو و دریافت تأییدیه کسب شود تا مبنایی معقول برای اظهارنظر نسبت به صورتهای مالی مورد رسیدگی به دست آید»

تصمیم حسابرس در مورد جمع‌آوری شواهد به چهار گروه تقسیم می‌شود:

۱- از چه روشهای حسابرسی استفاده شود؟

۲- برای هر روش حسابرسی اندازه نمونه انتخاب شده چه میزان باشد؟

۳- چه اقلام خاصی از جامعه مورد رسیدگی انتخاب شود؟

۴- روشهای حسابرسی در چه زمانی انجام شود؟

قانع کننده بودن شواهد

حسابرس باید قانع شود که شواهدی که جمع‌آوری کرده است مبنای معقول برای اظهارنظر وی را فراهم کرده است.

عوامل موثر در قانع کننده بودن شواهد عبارتند از:

۱- کافی بودن

۲- قابل اطمینان بودن

۳- بموقع بودن

۱- کافی بودن

کفایت به کمیت شواهدی مربوط می‌شود که حسابرس باید آنها را به دست آورد. تعیین مقدار شواهد بسته به قضاوت حرفه‌ای حسابرس است.

عوامل مؤثر در کافی بودن شواهد به شرح زیر است:

۱- میزان شواهد با درجه اطمینانبخشی آنها نسبت عکس دارد. هرچه شواهد مطمئنتر باشد مقدار کمتری از آن برای توجیه اظهارنظر حسابرس لازم است.

۲- نیاز به شواهد با مفهوم اهمیت اقلام مورد رسیدگی رابطه مستقیم دارد. هرچه اهمیت یک قلم در صورتهای مالی بیشتر باشد شواهد بیشتری برای اثبات آن لازم است. برعکس برای تایید اقلام کم‌اهمیت شواهد کمتری لازم است.

۳- میزان شواهد با احتمال خطر عدم کشف رابطه معکوس دارد:

احتمال خطر عدم کشف با توجه به مدل ریسک در حسابرسی ($AR = IR \times CR \times DR$) به شرح زیر محاسبه می‌شود :

در شرایطی که برآورد حسابرسی از احتمال خطر ذاتی (IR) و احتمال خطر کنترل (CR) بالا باشد.

سطح پایینی از احتمال خطر عدم کشف (CR) مطرح می‌شود. در این شرایط حسابرس اطمینان ندارد که می‌تواند با شواهد جمع‌آوری شده خطا یا تحریف با اهمیت را کشف کند و بنابراین شواهد بیشتری را جمع‌آوری می‌کند. کاهش در احتمال خطر ذاتی یا احتمال خطر کنترل، حسابرس را به پذیرش احتمال خطر عدم کشف بالاتری رهنمون می‌سازد؛ و در این شرایط می‌توان شواهد کمتری را جمع‌آوری کرد.

۲- قابل اطمینان بودن

قابل اطمینان بودن به کیفیت یا اتکاپذیر بودن شواهد مربوط می‌شود و میزان قابلیت اتکا و ارزش شواهد را نشان می‌دهد.

قابل اطمینان بودن شواهد به روشهای حسابرسی انتخاب شده بستگی دارد و با افزایش تعداد نمونه‌های مورد رسیدگی بهبود نمی‌یابد. ویژگیهای قابل اطمینان بودن شواهد عبارتند از:

الف) مربوط بودن :

شواهد باید مربوط به هدفی باشد که حسابرس در پی دستیابی به آن است. فرض کنید حسابرسی در نظر دارد از صدور صورتحساب فروش برای کالاهای ارسالی اطمینان حاصل کند. در صورتی که وی نمونه خود را از صورتحسابهای فروش

انتخاب کند و آنها را با حواله‌های انبار مطابقت دهد، شواهد جمع‌آوری شده با هدف رسیدگی که حصول اطمینان از کامل بودن فروش باشد ارتباطی ندارد.

(ب) مستقل بودن ارائه‌کننده شواهد:

شواهد به دست آمده از منابع خارج از شرکت از شواهد به دست آمده از منابع داخل اطمینانبخش تر است.

(ج) مؤثر بودن ساختار کنترل داخلی صاحبکار:

شواهد به دست آمده از واحدی که دارای ساختار کنترل داخلی مناسب است قابل اطمینان‌تر از واحدی است که فاقد چنین ساختاری باشد.

(ی) دانش مستقیم حسابرس:

شواهد ی نظیر مشاهده عینی، و محاسباتی که مستقیماً به وسیله حسابرس انجام می‌شود اطمینانبخش تر از شواهدی است که به‌طور غیرمستقیم به دست می‌آید.

(د) صلاحیت ارائه‌کنندگان شواهد:

شواهدی که به وسیله افراد غیرمتخصص ارائه می‌شود حتی در صورتی که این افراد مستقل از واحد مورد رسیدگی باشند قابل اطمینان نیست و بنابراین ضروری است که در موارد تخصصی از نظر کارشناسان استفاده شود.

(ه) عینی بودن:

شواهد عینی مطمئنتر از شواهدی است که تشخیص صحت آنها نیاز به قضاوت داشته باشد. دریافت تاییدیه از بانکها و مشتریان و شمارش موجودیهای نقد از جمله شواهد عینی و نظرخواهی از مدیر اعتبارات در مورد قابلیت وصول مطالبات، نمونه‌ای از شواهد ذهنی است.

۳- بموقع بودن

بموقع بودن شواهد مربوط به زمان جمع‌آوری شواهد، و یا دروهای است که حسابرسی در آن دوره انجام می‌شود. زمان جمع‌آوری شواهد در مورد اقلام ترازنامه باید در تاریخی نزدیک به تاریخ ترازنامه و در مورد سود و زیان نمونه‌ای از کل دوره مورد رسیدگی باشد.

شناخت از ساختار کنترل داخلی

کسب شناخت از واحد مورد رسیدگی و محیط آن، از جمله کنترل داخلی آن، برای برآورد خطر های تحریف با اهمیت در سطح صورتهای مالی و در سطح ادعا ها.

آزمون کنترل: به آزمونهای که برای ارزیابی رعایت شدن یا نشدن یک روش کنترلی و مؤثر بودن طراحی کنترلها به کار می رود.

آزمون محتوا: روش هایی که برای اثبات مطلوبیت ارائه تک تک اقلام صورتهای مالی طراحی می شود. مانند تأییدیه حسابهای دریافتی، نظارت بر شمارش موجودی صاحبکار

روشهای تحلیلی: ارزیابی اطلاعات مالی از طریق تحلیل روابط احتمالی بین داده های مالی و غیر مالی

روشهای تحلیلی، ارزیابی نتایج حاصل از مقایسه اطلاعات مالی واحد مورد رسیدگی با اطلاعاتی همچون:

- ۱) مقایسه اطلاعات مالی با اطلاعات قابل مقایسه دوره های قبل
- ۲) مقایسه اطلاعات مالی با نتایج پیش بینی شده (مثل، بودجه ها و پیش بینی ها)
- ۳) مقایسه اطلاعات مالی با اطلاعات مشابه میانگین های صنعت، نتایج رقبا
- ۴) تجزیه و تحلیل روند اطلاعات. مانند بررسی نسبت سود ناخالص در چند سال گذشته
- ۵) مطالعه روابط بین اطلاعات مالی و اطلاعات غیر مالی مربوط (مثل، هزینه حقوق و دستمزد به تعداد کارکنان)

هزینه آزمونها:

آزمونها از نظر هزینه جمع آوری شواهد به ترتیب افزایش هزینه عبارتند از:

۱- روشهای تحلیلی

۲- روشهای شناخت ساختار کنترل داخلی و آزمون کنترلها

۳- آزمون محتوای معاملات

۴- آزمون مانده حسابها

نظر به اینکه استفاده از روشهای تحلیلی نسبتاً ساده است بنابراین کم هزینه هم هست. اطلاعات بسیاری در مورد تحریفها، اشتباهات بالقوه از طریق محاسبه و مقایسه چند رقم به دست می آید.

آزمون کنترلها هم نسبتا کم هزینه است چرا که حسابرس در این مورد از صاحبکار پرس و جو می کند، و مواردی نظیر امضاها را رسیدگی کرده و نحوه انجام بعضی کنترلها را مشاهده می کند.

بسیاری از این کنترلها ظرف چند دقیقه انجام می شود.

آزمون محتوای معاملات نیاز به محاسبه مجدد توسط صاحبکار و ردیابی مدارک و اسناد و دفاتر دارد. بنابراین نسبت به آزمون کنترلها پر هزینه تر است.

آزمون مانده حسابها نظیر شمارش موجودیها و دریافت تأییدیهها و غیره از سایر آزمونها پر هزینه تر است.

در نتیجه حسابرسان تمایل دارند حسابرسی خود را چنان طراحی کنند که آزمون مانده حسابها را به حد اقل برسانند.

طرح حسابرسی:

عبارت است از اهداف کلی از کار حسابرسی که رؤس مطالب مربوط به نوع و ویژگی های عملیات صاحبکار را مشخص میکند و شکل و محتوای آن به عواملی چون اندازه واحد مورد رسیدگی، پیچیدگی کار، روشها و تکنولوژی خاص حسابرس بستگی دارد. حسابرس باید طرح حسابرسی را تدوین و به گونه ای مستند کند که دامنه رسیدگی مورد نظر و نحوه انجام کار را تو صیف نماید.

یک طرح حسابرسی معمولاً شامل موارد زیر است:

- (۱) شناخت از واحد مورد رسیدگی و تعیین هدف حسابرسی
- (۲) شناخت سیستمهای حسابداری و کنترل داخلی
- (۳) برآورد اولیه از سطوح اهمیت و خطر حسابرسی
- (۴) نوع و ماهیت، زمان بندی اجرا و حدود روشهای حسابرسی
- (۵) کارهایی که قرار است توسط کارکنان صاحبکار انجام شود.
- (۶) تعیین تاریخ تکمیل رسیدگی و تسلیم گزارش حسابرسی

طرح حسابرسی شماره ۱-۱ این طرح مربوط به وضعیت شرکتی بزرگ با کنترلهای داخلی پیچیده است. حسابرس، بنابراین، آزمونهای کنترل را به طور گسترده انجام می دهد و بر ساختار کنترلهای داخلی صاحبکار اتکای زیادی می کند. بنابراین آزمونهای محتوای معاملات و مانده حسابها کمتر انجام می شود تا از میزان انجام آزمونهای محتوا کاسته شود. از آنجا که این طرح بر آزمون کنترلها و روشهای تحلیلی تأکید دارد کم هزینه است.

طرح حسابرسی شماره ۲. این طرح مربوط به شرکتی متوسط است که دارای برخی از کنترل‌های داخلی است. بنابراین حسابرس کلیه آزمون‌ها را، به استثنای روش‌های تحلیلی که به‌طور گسترده انجام می‌شود به میزان متوسط انجام می‌دهد.

طرح حسابرسی شماره ۳-۱ این طرح مربوط به شرکتی متوسط است که کنترل‌های داخلی مؤثری ندارد. بنابراین آزمون کنترل‌ها در این مورد انجام نمی‌شود. در این طرح تأکید بر آزمون ماندهء حسابهاست لیکن روش‌های تحلیلی و آزمون محتوای معاملات نیز تا حدودی انجام می‌شود. هزینه انجام این حسابرسی به علت تأکید بر آزمون‌های محتوا زیاد است.

طرح حسابرسی شماره ۴- طرح اصلی در این حالت مشابه حالت اول است. لیکن حسابرس در حین رسیدگی با انحرافات زیادی در مورد آزمون کنترل‌ها مواجه شده و اشتباهات زیادی را با استفاده از آزمون محتوای معاملات و روش‌های تحلیلی کشف کرده است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که کنترل‌های داخلی مؤثر نیستند و آزمون‌های ماندهء حسابها به‌طور گسترده انجام می‌شود. هزینه این حسابرسی به علت انجام آزمون‌های کنترل و محتوای معاملات که انجام شده‌اند ولی در کاهش آزمون مانده‌ها بدون تأثیر بوده‌اند، زیاد است.

AR = احتمال خطر حسابرسی. آن است که حسابرس نادانسته نظر خود را درباره صورتهای مالی حاوی خطا یا تحریفی با اهمیت، به‌طور مناسبی تعدیل نکند.

IR = احتمال خطر ذاتی، احتمال رخ دادن خطا یا تحریفی با اهمیت در یک حساب، با فرض آنکه برای آن کنترل داخلی وجود نداشته باشد.

CR = احتمال خطر کنترل، احتمال رخ دادن (به تصویر صفحه مراجعه شود) خطا یا تحریفی با اهمیت در یک حساب و عدم کشف بموقع آن توسط سیستم کنترل داخلی است.

DR = احتمال خطر عدم کشف، این است که روش‌های رسیدگی حسابسان سبب شود به این نتیجه برسند که خطا یا تحریف با اهمیتی در حساب مورد رسیدگی وجود ندارد، در حالی که حساب مزبور در واقع دارای خطای (تحریف) با اهمیتی است.

موضوع :

تأییدیه مدیران

تهیه مطالب توسط :الطافی

تعاریف :

اظهارات مدیران : پاسخ های مدیریت به پرس و جوهای حسابرس و نیز ادعاهای مدیریت که به صورت تلویحی یا صریح در صورتهای مالی انعکاس می یابد.

تأییدیه مدیران : نامه ای که روی سربرگ صاحبکارتهیه و برای حسابرس ارسال می شود یا نامه ای که روی سربرگ حسابرس تهیه و به منظور تایید و بازگرداندن آن برای حسابرس ، به مدیریت واحد مورد رسیدگی ارائه می شود .

مقدمه : نقش تأییدیه مدیران در فرآیند حسابرسی صورتهای مالی بسیار گسترده می باشد . تأییدیه مدیران بطور مستقیم یا غیرمستقیم یکی از ارکان تعدادی از استانداردهای حسابداری و حسابرسی است که می توان به استانداردهای شواهد حسابرسی ، مسولیت قانونی حسابرسان یا نحوه ارائه صورتهای مالی اشاره کرد . لذا تحلیلی بر دیدگاه موجود بعنوان کارکرد های تأییدیه مدیران از نظر شواهدی بر مسولیت حسابرسان مفید بنظر می رسد.

اهداف تأییدیه مدیران:

تأییدیه مدیران به عنوان اعلام قبول مسؤلیت صورتهای مالی

*حسابرس باید شواهدی را گردآوری کند که نشان دهد مدیران، مسؤلیت ارائه صحیح صورتهای مالی را در انطباق با استانداردهای حسابداری، پذیرفته و صورتهای مالی را تایید کرده اند . حسابرس می تواند شواهد مربوط به پذیرش چنین مسؤلیت و تاییدی را از طریق تأییدیه مدیران (که تاکید مجددی است بر صحت ادعاهای مدیریت درباره مندرجات صورتهای مالی) و نسخه امضا شده صورتهای مالی بدست آورد .

تأییدیه مدیران به عنوان یکی از شواهد حسابرسی

*. مدیریت واحد مورد رسیدگی در جریان حسابرسی، مطالبی را به صورت صریح یا ضمنی در صورتهای مالی و در پاسخ به پرس و جوهای حسابرس اظهار می کند. این اظهارات را می توان به عنوان شواهد حسابرسی مورد استفاده قرارداد

کسب شواهدی حاکی از تصویب صورتهای مالی توسط مدیریت

*تاییدیه مدرکی است که نشان دهنده تصویب صورتهای مالی توسط مدیریت می باشد

طبقات اظهارات مدیران:

طبق بخش ۵۸ استانداردهای حسابرسی اظهارات مدیران را می توان در سه دسته زیر طبقه بندی کرد:

دسته اول: تاییدیه مدیران به عنوان قبول مسئولیت صورتهای مالی.

دسته دوم: تاییدیه مدیران به عنوان یکی از شواهد حسابرسی، در مواردی که شواهد دیگری وجود ندارد.

دسته سوم: تاییدیه مدیران به عنوان شواهد حسابرسی مکمل، در مواردی که شواهد حسابرسی دیگری وجود دارد.

تاییدیه مدیران به عنوان قبول مسئولیت صورتهای مالی (دسته اول)

هدف استاندارد حسابداری شماره یک تحت عنوان نحوه ی ارائه ی صورتهای مالی تجویز مبنایی برای ارائه ی صورتهای مالی با مقاصد عمومی یک واحد تجاری به منظور حصول اطمینان از قابلیت مقایسه با صورتهای مالی دوره های قبل آن واحد و دیگر واحدهای تجاری است.

بدین منظور استاندارد مزبور ملاحظات کلی در خصوص نحوه ی ارائه ی صورتهای مالی، رهنمودهایی درباره ی ساختار آنها و حد اقل الزامات مربوط به محتوای صورتهای مالی را ارائه می کند.

اما صورتهای مالی زمانی می تواند رابطه ی خود را با واحد تجاری برقرار کند که به تایید مقامات مسئول واحد تجاری برسد. بر این اساس بند ۷ استاندارد حسابداری شماره ی یک در مورد مسئولیت صورتهای مالی مقرر می کند که **"مسئولیت تهیه و ارائه ی صورتهای مالی با هیأت مدیره یا سایر ارکان اداره کننده ی واحد تجاری است"** همان گونه که در بند ۵ مقدمه ای بر استانداردهای حسابداری به وظیفه ی مدیریت واحد تجاری به تهیه و ارائه ی صورتهای مالی اشاره شده است. به عبارت دیگر صورتهای مالی تأیید شده توسط مدیریت نشانگر ادعاهای مدیریت در مورد وضعیت مالی و نتایج عملکرد طی دوره ی مورد گزارش، مبتنی بر سوابق حسابداری است. ادعاهایی که شناسایی، اندازه گیری، ارائه و افشای عناصر مختلف صورتهای مالی و موارد افشای مربوط را ابراز می کنند.

استانداردهای حسابرسی نیز به موضوع مسئولیت صورتهای مالی واحد مورد رسیدگی و ترتیبات تأیید آن توسط مدیریت توجه ویژه می کند و در بخش های مختلفی احکام و راهنمایی هایی را مقرر و اعلام می کند. بند ۵ بخش ۷۰ استانداردهای

حسابرسی اجزای اصلی گزارش حسابرس را تعیین و طی جزء پ به لزوم تفکیک بند مقدمه و مسئولیت مدیریت و حسابرس اشاره می‌کند. بر این اساس بند ۹ بخش فوق حکم می‌کند که در "در گزارش حسابرس باید بیان شود که مسئولیت صورت‌های مالی با مدیریت واحد مورد رسیدگی است و مسئولیت حسابرس، اظهار نظر درباره‌ی صورت‌های مالی براساس حسابرسی انجام شده است". بنابراین صورت‌های مالی ادعاهای اظهار شده‌ی مدیریت است که با امضای آن مسئولیت ادعاها را به عهده می‌گیرد و نسبت به آن پاسخگو است.

به موجب بند ۳ بخش ۵۸ استانداردهای حسابرسی تحت عنوان تأییدیه‌ی مدیران که "اعلام قبول مسئولیت صورت‌های مالی" عنوان بندی شده است، "حسابرس باید شواهدی را گردآوری کند که نشان دهد مدیران، مسئولیت ارائه‌ی صورت‌های مالی را تأیید کرده‌اند" و در ادامه توجه می‌دهد که حسابرس می‌تواند شواهد مربوط به پذیرش چنین مسئولیت و تأییدی را از طریق تأییدیه (که تأکید مجددی است بر صحت ادعاهای مدیریت درباره‌ی مندرجات صورت‌های مالی) و نسخه‌ی امضا شده‌ی صورت‌های مالی به دست آورد. مبتنی بر همین روش بند ۱۴ به صورت اجرایی‌تر اشاره می‌کند "در صورتی که تأییدیه‌ی مدیران در جلسه هیأت مدیره تصویب شده باشد، امضای آن توسط نمایندگان از هیأت مدیره مناسب است. در غیر این صورت تأییدیه‌ی مدیران توسط اکثریت هیأت مدیره" امضا می‌شود وفق احکام استاندارد اشاره شده‌ی بند ۲۳ بخش ۷۰ استانداردهای حسابرسی نمونه‌ی گزارش حسابرس مستقل را ارائه می‌کند. نمونه‌ی بند مقدمه پس از عبارتی حاوی نام واحد مورد رسیدگی، عناوین صورت‌های مالی حسابرسی شده و تاریخ و دوره‌ی صورت‌های مالی، موضوع مسئولیت را با این موسسه، اظهار نظر نسبت به صورت‌های مالی مزبور براساس حسابرسی انجام شده است عنوان می‌دارد.

در همین راستا استانداردهای حسابرسی بین المللی مصوب فدراسیون بین المللی حسابداران (IFAC) گزارش حسابرس مستقل را مورد تجدید نظر اساسی قرار داده است و صورت بندی متفاوتی را ارائه نموده است. به موجب استاندارد بین المللی ۷۰۰ در بند مقدمه‌ی گزارش حسابرس، مسئولیت مدیریت و حسابرس باید با عناوینی جداگانه تصریح و تفکیک شود. به ترتیبی که عنوان "مسئولیت مدیریت در قبال صورت‌های مالی" را مطرح می‌کند. بنا بر چارچوب فوق در گزارش حسابرسی نمونه این جمله پیشنهاد می‌شود که "مدیریت، مسئول تهیه و ارائه‌ی منصفانه‌ی این صورت‌ها در انطباق با استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی، و مسئول کنترل‌های داخلی است که به تشخیص آن ضروری است تا صورت‌های مالی عاری از تحریف با اهمیت، اعم از تقلب یا اشتباه، تهیه شوند." لازم به توضیح است که در بندهای ۲۴ تا ۲۷ استاندارد ۷۰۰ اشاره می‌شود که در ارجاع مسئولیت به مدیریت، استفاده از عنوان "مدیریت" الزامی نیست بلکه باید از اصطلاحاتی استفاده کرد که در متن چارچوب قانونی، مقرراتی و احیانا نظام حاکمیت شرکتی برای رکن اداره کننده‌ی شرکت در نظر گرفته شده است.

با مروری که نسبت به اصول و ضوابط حرفه‌ای صورت گرفت "مدیریت" و به عبارتی دیگر "ارکان اداره کننده‌ی" واحد تجاری مسئولیت تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی را دارند. پذیرش چنین مسئولیتی از طریق امضای صورت‌های مالی توسط رکن مزبور یا نمایندگان تعیین شده توسط آن نمود عینی می‌یابد و بار حقوقی دارد؛ چنانچه ماده‌ی ۱۳۰۱ قانون مدنی می‌گوید امضایی که روی نوشته یا سندی باشد دلیل بر ضرر امضاکننده است.

تاییدیه مدیران به عنوان یکی از شواهد حسابرسی، در مواردی که شواهد دیگری وجود نداشته باشد (دسته دوم)

حسابرس در مواردی هم که منطقی انتظار نمی‌رود شواهد کافی و قابل قبول دیگری وجود داشته باشد باید تاییدیه مدیران را درباره موضوعات با اهمیت صورتهای مالی، دریافت کند. اگر اظهارات شفاهی مدیران مکتوب شود، احتمال بروز سوء تفاهم بین حسابرس و مدیریت، کاهش می‌یابد. موضوعاتی که می‌تواند در تاییدیه مدیران مورد تایید قرار گیرد، در نمونه پیوست این مقاله ارائه شده است.

* تاییدیه درخواستی از مدیران می‌تواند به موضوعاتی (شامل رعایت الزامات قانونی) محدود شود که به تنهایی یا در مجموع، از نظر حسابرس با اهمیت است. حسابرس ممکن است برداشت خود را از اهمیت برخی موضوعات به آگاهی مدیران برساند.

* مدیریت واحد مورد رسیدگی، در جریان حسابرسی و در پاسخ به پرسشهای مشخص حسابرس و غیر آن، مطالبی را به حسابرس اظهار می‌کند. در مواردی که چنین مطالبی درباره موضوعاتی اظهار می‌شود که نسبت به صورتهای مالی دارای اهمیت است، حسابرس باید اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) مدارک مثبت مربوطه را از منابع داخل یا خارج از واحد مورد رسیدگی بدست آورد.

ب) منطقی بودن موارد ارائه شده و تطابق آن را با سایر شواهد حسابرسی بدست آمده، شامل سایر اظهارات مدیریت، ارزیابی کند.

پ) میزان آگاهی و تسلط شخص ارائه کننده آن اظهارات را با توجه به موقعیت و رده سازمانی وی، ارزیابی کند.

* تاییدیه مدیران نمی‌تواند و نباید جایگزین سایر شواهدی محسوب شود که حسابرس منطقی می‌تواند انتظار بدست آوردن آنها را داشته باشد؛ برای مثال، تاییدیه مدیران در مورد بهای تمام شده یک دارایی نمی‌تواند جایگزین مدارک تحصیل آن دارایی باشد که حسابرس بطور معمول انتظار دستیابی به آنها را دارد. اگر حسابرس نتواند شواهد کافی و قابل قبولی را درباره موضوعی بدست آورد که اثر با اهمیتی بر صورتهای مالی دارد، یا ممکن است داشته باشد، و چنین شواهدی قاعدتا باید وجود داشته باشد، این امر موجب محدودیت در دامنه رسیدگی می‌شود، حتی اگر تاییدیه‌ای درباره آن نیز از مدیریت دریافت شده باشد.

* گاه تاییدیه مدیران ممکن است تنها شواهدی باشد که منطقی می‌توان انتظار بدست آوردن آن را داشت؛ برای مثال، حسابرس قاعدتا انتظار ندارد که شواهد حسابرسی دیگری جز تاییدیه مدیران را درباره قصد مدیریت از نگهداری یک سرمایه‌گذاری برای افزایش ارزش آن در بلندمدت، بدست آورد.

* اگر یکی از اظهارات مدیریت با سایر شواهد حسابرسی مغایر باشد، حسابرس باید دلایل آن را بررسی و در صورت لزوم، قابلیت اعتماد سایر اظهارات مدیریت را دوباره ارزیابی کند.

تاییدیه مدیران به عنوان شواهد حسابرسی مکمل، در مواردی که شواهد حسابرسی دیگری وجود دارد (دسته سوم)

* حسابرس به منظور تکمیل سایر شواهد حسابرسی، می تواند تاییدیه مکتوب یا شفاهی دیگری دریافت کند .

همچنین باید ضرورت استفاده از تاییدخواهی برون سازمانی را برای کسب شواهد حسابرسی مناسب و کافی به منظور پشتیبانی از برخی ادعاهای مندرج در صورتهای مالی، تعیین کند. حسابرس برای انجام این کار باید اهمیت، سطح برآوردی خطرهای ذاتی و کنترل، و میزان تاثیر شواهد حاصل از سایر روشهای حسابرسی برنامه ریزی شده را در کاهش خطر حسابرسی مربوط به آن ادعاها، به سطح پایین قابل قبول، مورد توجه قرار دهد.

بخش ۵۰ "شواهد حسابرسی" مقرر می دارد که میزان قابلیت اعتماد شواهد حسابرسی به منبع و ماهیت آن بستگی دارد. طبق آن بخش، عموماً شواهد حسابرسی بدست آمده از منابع برون سازمانی، قابل اعتمادتر از شواهد حسابرسی درون سازمانی و شواهد حسابرسی کتبی، قابل اعتمادتر از شواهد حسابرسی شفاهی است. از این رو، در نظر گرفتن پاسخهای کتبی به درخواستهای تاییدیه که حسابرس به صورت مستقیم از اشخاص ثالث غیروابسته به واحد مورد رسیدگی دریافت می کند، به تنهایی یا همراه با شواهد حسابرسی گردآوری شده از سایر روشها، ممکن است به کاهش خطر حسابرسی مربوط به ادعاهای مرتبط، به سطح پایین قابل قبولی، کمک کند.

این تاییدیه ها در جریان حسابرسی درباره شماری از موضوعات با اهمیت دریافت میشود تا از آن به عنوان مکمل سایر شواهد حسابرسی مربوط به آن موضوعات استفاده شود.

این دسته از اظهارات مدیران نمی تواند به عنوان جایگزین سایر شواهد حسابرسی بکار رود؛ این اظهارات تنها مکمل سایر شواهد حسابرسی است، نه جایگزین آن.

حسابرسی مبتنی بر ریسک

تهیه مطالب توسط : محسنی

حسابرسی بانگرش به مدیریت خطر حسابرسی

حرفه حسابرسی مستقل از بدو پیدایش، همزمان با تغییر شرایط محیطی و پیشرفت دانش بشری برای ارائه خدمات مفید به جامعه و کارایی و ارائه خدمات بهتر، می بایست ابزار جدیدی بکار گیرد.

حسابرسان تا سه دهه پیش تلاش می کردند با انجام آزمونهای محتوای گسترده (سندرسی و سایر روش های حسابرسی) خطر حسابرسی را کاهش دهند، اما توسعه شرکت ها و افزایش روزافزون حجم عملیات آن ها، حسابرسان را با مشکل روبرو نمود. از سوی دیگر پیشرفت فن آوری اطلاعات و ابزارهای آن (مانند رایانه) و بهره گیری از علوم

ریاضی و آمار، حسابرسان را در وضعیتی قرار داد که بتوانند روش علمی و قابل استفاده برای خود بدست آورند و با استفاده از مدل خطر حسابرسی و محاسبات ریاضی، مقدار خطر حسابرسی و عناصر تشکیل دهنده آن (خطر ذاتی، خطر کنترل و خطر عدم کشف) را از پیش برآورد و تعیین کنند. حسابرسان با تعیین خطر عدم کشف می

توانند نوع و ماهیت، زمانبندی اجرا و حدود آزمون های محتوای لازم را برای تامین پوشش کافی در برابر خطر حسابرسی، مشخص کنند.

هدف از بکارگیری حسابرسی مبتنی بر ریسک، افزایش کارایی و اثربخشی حسابرسی است، زیرا با تعیین نوع و ماهیت، زمان بندی اجرا و حدود آزمون های محتوا به گونه ای معقول و همراه با قابلیت پاسخگویی کامل، رسیدگی ها به میزان مناسبی انجام گردیده و در نتیجه زمان صرف شده به سطح منطقی تری تغییر می یابد. در طرح کلی حسابرسی در صورت اتکا بر سیستم کنترل داخلی، آزمون های محتوا محدود و در صورت عدم اتکا بر سیستم کنترل داخلی، آزمون های محتوا گسترده تر پیش بینی و انجام میگیرند.

در حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرسی پس از کسب شناخت اولیه از سیستم های حسابداری و کنترل داخلی (ثبت سیستم با استفاده از شرح نوشته، پرسش نامه کنترل های داخلی و نمودگر یا تلفیقی از آنها و انجام دادن آزمون شناخت سیستم)، خطرهای ذاتی و کنترل را برآورد می کند. برآورد اولیه از خطرهای ذاتی و کنترل، حسابرس را در تشخیص قابل اتکا بودن سیستم کنترل داخلی، کمک می کند. در صورت قابل اتکا بودن سیستم کنترل داخلی، حسابرس به آزمون کنترل

هایی می پردازد که می خواهد بر آن اتکا کند. پس از اجرای آن، و کسب نتایج حاصل از اجرای آن می تواند برآورد اولیه از خطرهای ذاتی و کنترل را تعدیل نموده و نهایی کند.

تعریف حسابرسی مبتنی بر ریسک:

حسابرسی مبتنی بر ریسک را می توان به عنوان فرایند شناسایی و گزارش ریسک تحریفات با اهمیت در صورتهای مالی دانست. از این رو اولاً حسابرسی نیازمند شناسایی حوزه هایی است که دارای ریسک بالایی از تحریفات با اهمیت اند؛ ریسک های مذکور محدوده هایی هستند که مستلزم کاربرد روش های گسترده تری خواهند بود. ثانیاً حسابرسی باید تعیین کند که چقدر و چگونه روش های خود را برای حوزه های کم ریسک کاهش می دهد. همچنین جهت شناسایی ریسک تحریفات با اهمیت باید موارد زیر تجزیه و تحلیل شود:

الف) ریسک واحد تجاری (ریسکی که یک رویداد بر تحقق اهداف شرکت اثر منفی می گذارد)

ب) چگونگی برخورد مدیریت با ریسک های مذکور.

ج) تعیین محدوده ریسک هایی که مدیریت به آنها توجهی نکرده است.

در حسابرسی صورت های مالی، قضاوت نقش بسیار مهمی دارد. به همین دلیل به جهت دستیابی به قضاوتی قابل دفاع استفاده از دستورالعمل حسابرسی پیشنهاد میگردد. بابکار گیری این دستورالعمل افزایش کارایی و اثر بخشی حسابرسی انجام شده در زمینه های زیر تحقق می یابد:

الف) ارتباط عینی و مستند بین نتایج حاصل از ارزیابی کنترل داخلی و حجم آزمون محتوا، با بررسی سیستم کنترل داخلی ارزیابی اولیه سیستم

ب) ارتباط عینی و مستند بین میزان شواهدی که باید گردآوری شود با

اهمیت و خطر حسابرسی

ج) کمی کردن سطح اهمیت و مستند کردن آن

د) کمی کردن خطر حسابرسی و اجزای آن

ه) تبیین نقش قضاوت آگاهانه حسابرس، براساس معیار تعریف شده و افزایش قابلیت دفاع از طریق فراهم نمودن مستندات مورد نیاز

و) تبیین نقش بررسی تحلیلی در مراحل مختلف حسابرسی

ی) لزوم تعیین برخی معیارهای لازم جهت انجام حسابرسی

اهمیت و ریسک حسابرسی:

در مورد مفهوم اهمیت، محافل حرفه ای در سطح جهان اغلب رهنمودها یا استانداردهایی انتشار داده اند. و از جمله ارتباط "اهمیت" و "ریسک حسابرسی" را تشریح کرده اند. با توجه به حیاتی بودن درک صحیح این ارتباط در حسابرسی مبتنی بر ریسک، این بخش به موضوع «اهمیت و ریسک حسابرسی» اختصاص یافته است. اصولاً اهمیت در ارتباط با کاربرد اطلاعات توسط استفاده کننده صورتهای مالی مفهوم پیدا می کند. براین اساس، اطلاعاتی دارای اهمیت شناخته می شود که حذف یا ارایه آن به شکل نادرست بتواند بر تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان از صورتهای مالی تاثیر بگذارد. به تبع این تعریف، در حسابرسی نیز اهمیت یک موضوع به قضاوت حسابرس در مورد نیازهای یک فرد منطقی که بر صورتهای مالی اتکامی کند، بستگی دارد. این قضاوت شامل ارزیابی مبالغ یا ماهیت و کیفیت حذف یا ارایه نادرست اطلاعات است. رهنمودهای حسابرسی صادر شده از سوی محافل حرفه ای بین المللی در ارتباط با «اهمیت» بر موارد زیر اتفاق نظر دارد

الف) برنامه ریزی و اجرای عملیات حسابرسی باید به گونه ای انجام شود که انتظار معقولی جهت کشف تحریفهای با اهمیت وجود داشته باشد. قضاوت حسابرسی در مورد اهمیت، معطوف به جنبه های کمی و کیفی اطلاعات است.

ب) حسابرس باید در ارزیابی جنبه کیفی و ماهیت یک موضوع دقت کافی به خرج دهد زیرا گاه، اشتباهات کوچک از لحاظ مقداری، اثری با اهمیت بر اطلاعات مالی دارد.

ج) حسابرس باید در موارد زیر مفهوم اهمیت را مدنظر قرار دهد:

(۱) در تعیین ماهیت، زمان و میزان آزمونهای حسابرسی

(۲) ارزیابی اثر تحریف بر اندازه گیری و طبقه بندی حساب ها همراه با تعیین کفایت ارایه و افشای اطلاعات مالی.

با توجه به مراتب فوق می توان نتیجه گرفت که:

اولاً- اهمیت را اثر اطلاعات بر استفاده تعیین می کند. آستانه یا نقطه آغاز اهمیت، نقطه ای است که یک قلم اطلاعات برای قضاوت یا تصمیم گیری یک فرد منطقی مهم تلقی شود.

ثانیاً- یکی از هدف های حسابرسی این است که حسابرس در مقام فردی منطقی، حسابها را مورد رسیدگی قرار دهد و از قضاوت خود جهت تعیین اهمیت موضوعات استفاده کند. بدین ترتیب، قضاوت های مربوط به اهمیت، بخشی از مجموعه قضاوت هایی است که حسابرس در مورد درست و منصفانه بودن تصویر صورتهای مالی انجام می دهد.

ثالثاً- قضاوت های مربوط به اهمیت، هم کمی و هم کیفی است جنبه کیفی اهمیت، مشکل ترین جنبه ی آن از لحاظ قضاوت است.

رابعاً- قضاوتهای مربوط به اهمیت را باید هم در مرحله برنامه ریزی و هم در مرحله ارزیابی نهایی فرایند حسابرسی انجام داد. در عمل نمی توان همه موارد تحریف را که از لحاظ کیفی مهم هستند، کشف نمود زیرا رهنمودهای عملی در مورد برنامه ریزی بیشتر معطوف به تحریفهای کمی است. با این حال، حسابرس باید قضاوت خویش را در شناخت زمینه های مهم تحریف کیفی احتمالی به کار گیرد تا شواهدی در مورد احتمال وجود چنین تحریفهایی گرد آورد.

استفاده از اهمیت توسط حسابرس:

هر یک از حسابرسان به دلایل خاصی از این مفهوم استفاده می کنند. جدول زیر راههای استفاده از اهمیت به وسیله حسابرس را نشان می دهد:

راههای استفاده از اهمیت توسط حسابرس

در نشانه گیری تلاش حسابرسی به جنبه های مهم

در تصمیم گیری نسبت به ماهیت و میزان کار حسابرسی

در طراحی نمونه های آماری

در تصمیم گیری نسبت به میزان اتکا بر حسابرسان داخلی

در ارزیابی نیاز به استفاده از خدمات سایر متخصصان در جریان عملیات حسابرسی

در ارزیابی اشتباهات کشف شده در جریان عملیات حسابرسی

در صدور گزارشهای غیرمقبول

رابطه اهمیت و ریسک حسابرسی:

بین ریسک حسابرسی و اهمیت رابطه ای معکوس وجود دارد. اگر آستانه اهمیت افزایش یابد ریسک حسابرسی کاهش پیدا می کند و بر عکس. برای روشن شدن مطلب، ریسک پذیرش نادرست را (یعنی ریسک ارایه گزارش مقبول در مواردی که حسابها تصویری درست و منصفانه نشان نمی دهند) در نظر می گیریم. اگر سطح اهمیت را بالا ببریم، احتمال کمتری وجود دارد که اظهار نظر حسابرس نامناسب باشد.

فرض کنید که حسابرس ابتدا آستانه اهمیت را در سطح یک میلیون ریالی قرار دهد. و ریسک حسابرسی را در سطح ۵٪ می پذیرد. به عبارت دیگر وی به دنبال ۹۵٪ اطمینان است که همه تحریفهای یک میلیون ریالی و بالاتر کشف شود. حسابرس کارش را بر این مبنا انجام می دهد ولی در پی آن نتیجه می گیرد که آستانه اهمیت می توانست ۱/۲ میلیون ریال باشد. در نتیجه وی اکنون اطمینان بیشتری (یعنی ریسک کمتری) نسبت به آنچه قبلاً ضروری بود دارد چراکه با اطمینان بیشتری تحریفهای ۱/۲ میلیون ریالی و بالاتر از آن را می تواند کشف کند. بدین ترتیب رابطه معکوسی بین ریسک حسابرسی و اهمیت وجود دارد.

تفاوت های حسابرسی مبتنی بر ریسک با حسابرسی سنتی:

الف) نوع ریسک هایی که مورد ارزیابی قرار می گیرند.

ب) چگونگی ارزیابی ریسک های مذکور.

به طور کلی رویکرد حسابرسی سنتی تنها بر ریسک های حسابرسی تمرکز دارد. در برنامه ریزی یک حسابرسی، حسابرس (الف) نگران آن است که کنترل های داخلی کافی وجود داشته باشد و در عمل نیز به نحو مناسب اجرا شود (ریسک کنترل). (ب) روش های حسابرسی مورد عمل بتوانند تحریف ها را کشف نمایند (ریسک کشف). (ج) همچنین حسابرس نگران ریسکهای ذاتی است یعنی عواملی که بر ثروت مالی سازمان اثری می گذارند اما مدیریت و کنترل آنها دشوار است.

حسابرسی مبتنی بر ریسک نسبت به حسابرسی سنتی یک گام به جلو می گذارد و نه تنها بر ریسک حسابرسی تمرکز می نماید بلکه بر ریسک تجاری مشتری نیز تاکید می کند زیرا این ریسک میتواند بر سود آوری یک شرکت اثر بگذارد و به نوعی کلید حیات شرکت است. برای تجزیه و تحلیل این ریسک حسابرس در پیچه ای به عملیات شرکت حفر می نماید تا دریابد ساز و کارهای عملیات شرکت چگونه است از این رو شرکت با چه ریسک های تجاری کوتاه مدت و بلندمدتی روبرو است. به این طریق حسابرس می تواند با ارزیابی مستقل تمامی عوامل موثر بر تجارت و کسب و کار مشتری به مدیریت در کارآمد کردن عملیات یاری رساند.

شاید بتوان تفاوت های حسابرسی سنتی و حسابرسی مبتنی بر ریسک را این گونه توصیف کرد: در یک حسابرسی سنتی برای بررسی ارزیابی صورتهای مالی حسابرسی و مدیریت شرکت مانند بازیکنان شطرنج در دو طرف یک میز یعنی مقابل هم می نشینند و از این رو هر کدام زمینه بازی (تجارت مشتری) را از منظر خود می نگرند. اما در حسابرسی مبتنی بر ریسک حسابرس و مشتری هر دو در یک طرف می نشینند. در این وضعیت مشتری (مدیریت) دارای یک دوست یا شریک است زیرا هر دو واحد تجاری و تجارت آن را از منظری یکسان می نگرند.

محدودیت های رویکرد سنتی:

برای تشریح موضوع یک شرکت پیمانکاری را در نظر بگیرید. در حسابرسی سنتی حسابرسان قالب تصمیمات خود را بر مبنای اهمیت شکل می دهند که در این جا قاعده‌تاً درصد (یا کسری) از حجم عملیات پیمانکار است. از آنجا که در این نوع حسابرسی تمرکز بر اثبات ارقام درج شده در صورت های مالی است کنترل های داخلی شرکت به طور وسیع به منظور حسابرسی کارا مورد ارزیابی قرار نمی گیرند. در پایان حسابرسی هم حسابرس چیزی را اثبات می کند که شرکت قبلاً می دانست یعنی شرکت روی برخی کارها سود می کند و روی برخی دیگر زیان می دهد. سپس شرکت صورت حسابی را از حسابرس دریافت و فرایند مذکور در سال بعد مجدداً تکرار می گردد.

به دلیل اینکه محیط کنترلی تعدادی از شرکت های ایرانی ضعیف است شاید رویکرد فوق رویکردی باشد که حسابرسان می توانند اتخاذ نمایند. اما توجه داشته باشیم که یک محیط کنترل داخلی ضعیف ریسک فوق العاده ای دارد و حتماً باید در کانون توجه مدیریت شرکت قرار گیرد. در این حالت حسابرسی مبتنی بر ریسک برعکس حسابرسی سنتی اقدام به شناسایی نقاط ضعف مذکور می نماید و از این رو به مدیریت کمک می نماید تا گام های مناسبی را برای تقویت کنترل های داخلی بردارد.

مزایای رویکرد مبتنی بر ریسک:

حسابرسی مبتنی بر ریسک علاوه بر تمرکز ارقام صورت های مالی توجه خود را به شناخت فعالیت تجاری شرکت معطوف می نماید زیرا ارقام مذکور حاصل فعالیت های مزبور است. شناخت حسابرس شامل شناخت از افراد کلیدی و رهبران شرکت و نحوه ی تصمیم سازی و تصمیم گیری آنها می شود. در زیر به برخی مسایلی پرداخت می شود که نوعاً در حسابرسی مبتنی بر ریسک به آنها توجه می شود.

۱) ساختار واحد خاص تجاری چگونه از رقابیش متمایز می شود و حاشیه رقابتی واحد تجاری چیست؟

۲) مسایل عملیاتی روزمره ای که مدیریت کلیدی شرکت با آن مواجه است چیست؟

۳) مدیریت با مسایل و مشکلات عملیاتی چگونه برخورد می کند؟

۴) برای حصول اطمینان از اجرای مفاد قراردادها و قوانین و مقررات چه کنترل های عملیاتی به اجرا درمی آید؟

۵) برای حصول اطمینان از اینکه عملیات گزارشگری و حسابداری سال بدون خطا و تقلب باشد چه کنترل های داخلی مشخصی اجرا می گردد؟

۶) مدیریت چگونه از صحت اطلاعات مالی مورد استفاده در تصمیمات مهم اطمینان یابد؟

۷) کارکنان بی تجربه در چه کارهایی گمارده شده اند؟

به عبارت دیگری، در یک حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرس مسئول شناخت تمامی ویژگیهای ساختاری تجاری شرکت تحت حسابرسی است.

ابزارهای مورد استفاده در حسابرسی، در جهت انجام شدن کار به گونه ای آسان و یکنواخت است که چنانچه این کار با فکر نیز همراه باشد، بهبود کار را نیز در پی خواهد داشت.

Audit :Risk (AR) (ریسک حسابرسی)

درمورد خطر حسابرسی رابطه زیر برقرار است:

$$AR=IR*CR*DR$$

AR
:
Audit Risk

IR: Inherent Risk

CR
:
Control Risk

DR
:
Detection Risk

خطر عدم کشف نیز از دو خطر قابل تفکیک تشکیل میشود:

DR:APR*TDDR

APR:Analytical Procedures Risk

TDDR:Test of Details Detection Risk

با توجه به مراتب بالا، خطر حسابرسی میتواند به صورت زیر تعریف گردد:

AR=IR*CR*APR*TDDR

از آنجایی که هدف نهایی، برآورد خطر عدم کشف است، میتوان آن را به صورت زیر اباستفاده از هر دو رابطه و تعیین خطر قابل پذیرش حسابرسی تعیین کرد:

$$\begin{array}{ccc} \text{AAR} & & \text{AAR} \\ \text{DR} = \frac{\text{AAR}}{\text{IR} \cdot \text{C}} & \text{یا} & \frac{\text{TD}}{\text{DR}} = \frac{\text{AAR}}{\text{IR} \cdot \text{CR} \cdot \text{APR}} \end{array}$$

در ادامه با طرح یک نمونه مثال به نحوی تعیین هر یک از اقلام تعیین خطر حسابرسی می پردازیم:

اولین جزء خطر حسابرسی خطر ذاتی می باشد که با توجه به عوامل ذیل برآورد میگردد:

خصوصیات مدیریت

مدیریت با گزارشگری مالی، مناسب نیست.

تغییر مدیریت (کارکنان ارشد مالی) زیاد اتفاق می افتد.

مدیریت واحد تجاری بیش از اندازه نسبت به دستیابی به پیش بینی های مربوط به کسب درآمد پافشاری می کند.

مدیریت واحد مورد رسیدگی، در محفل تجاری حسن شهرتی ندارند.

ویژگیهای عملیات

سودآوری واحد تجاری در مقایسه با سایر واحدهای صنعت، کافی نیست یا ثابتی ندارد.

نتایج عملیات واحد تجاری در برابر عوامل اقتصادی (مانند تورم، نرخهای بهره، بیکاری) بسیار حساس و شکننده است.

سرعت تغییرات در این رشته فعالیت بسیار زیاد است.

صنعتی که واحد تجاری در آن فعالیت می کند به دلیل ورشکستگی تعداد زیادی از واحدهای شاغل در آن، رو به زوال است.

واحد تجاری بطور غیرمتمرکز و بدون نظارت کافی اداره می شود.

عوامل در داخل یا خارج واحد تجاری وجود دارد که تداوم فعالیت آنرا مورد تردید قرار می دهد.

خطر ذاتی در ۲ بخش برآورد میشود:

۱- در سطح صورت های مالی (باتوجه به عوامل فوق)

۲- در سطح هر مانده حساب (باتوجه به نسبت نقد شونگی هر حساب)

نحوه برآورد خطر کنترل:

بازریابی اولیه خطر کنترل که شامل بررسی و پرس و جو و مقایسه سیستم ثبت شده با سیستم استاندارد مربوطه خطر کنترل اولیه برآورد میشود اگر خطر برآوردی کمتر از ۴۰٪ باشد جهت اطمینان بیشتر از اجرای کنترل داخلی آزمون رعایت مربوطه اجرا میشود و در غیر این صورت از اجرای آزمون رعایت صرف نظر میگردد و به نحوی سیستم کنترل داخلی قابلیت اتکا ندارد.

APR: خطر عدم کشف مقدماتی

جهت بررسی خطر تحلیلی حسابرس اقدام به بررسی تحلیلی نسبت های مهم مالی (نسبت جاری، نسبت آئی، دوره وصول مطالبات، دوره گردش موجودی ها، نسبت های بازدهی، نسبت های سودآوری و...) می نماید و نتایج بدست آمده را با سال مالی قبل مقایسه مینماید و با توجه به تغییرات بدست آمده و نوسانات مربوطه درصد خطر ناشی از بررسی تحلیلی را تعیین می نماید.

ARR: خطر عدم کشف مقدماتی

خطر قابل پذیرش حسابرسی با توجه به میزان شناخت حسابرس از واحد مورد رسیدگی و قضاوت حرفه ای حسابرس بین ۵٪ تا ۸٪ تعیین میگردد.

خطر قابل پذیرش مبین میزان سطح خطری که حسابرس حاضر به پذیرفتن آن است .

اهمیت و نحوه محاسبه آن:

طبق استانداردهای حسابرسی، اطلاعاتی با اهمیت است که عدم ارائه یا ارائه نادرست آن بتواند قضاوت و تصمیم گیری یک استفاده کننده منطقی از صورت های مالی را تغییر دهد یا اثر گذار باشد.

اهمیت به نوعی، حداکثر اشتباهات و تحریفاتی است که میتواند در صورت های مالی وجود داشته باشد و حسابرس بر این باور باشد که اشتباهات و تحریفات بر قضاوت و تصمیم گیری یک استفاده کننده منطقی اثر گذار نباشد.

برآورد اهمیت یکی از مهمترین تصمیمات حسابرسان میباشد چراکه رابطه معکوس با خطر حسابرسی دارد و حدود آزمون های محتوا را تعیین میکند و بنابراین عاملی تهیه کننده در بوجه حسابرسی می باشد و در شرایط عادی طبق جدول زیر محاسبه میگردد:

سطح اهمیت	متوسط جمع دارایی ها و فروش / درآمد
۳%	تا ۱ میلیارد ریال
نسبت به مازاد ۲.۵%	تا ۱۰ میلیارد ریال
نسبت به مازاد ۲%	تا ۱۰۰ میلیارد ریال
نسبت به مازاد ۱.۵%	تا ۱۰۰۰ میلیارد ریال
نسبت به مازاد ۱%	بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریال

تخصیص اهمیت به حسابها با هدف تعیین اشتباه قابل تحمل در هر یک از حسابها انجام میشود. مجموعه اهمیت تخصیص یافته به حسابها معادل سه برابر اهمیت محاسبه شده در سطح تراز آزمایشی می باشد. ضمناً اهمیت تخصیص یافته به هر یک از حسابها نباید از ۶۰٪ اهمیت محاسبه شده در سطح جدول فوق بیشتر باشد.

با محاسبه اهمیت تخصیص یافته به هر حساب و موارد اجزا خطر حسابرسی طی جداول پیوست اقدام به تعیین تعداد نمونه می نماییم.

هزینه یابی کیفیت

تهیه مطالب توسط : اعظم داداشی

چکیده

اهمیت مباحث کیفیت امروزه بر کسی پوشیده نیست. به همین خاطر است که تمام موسسات موفق اقدامات کیفی را سر لوحه فعالیت‌های خود در سرتاسر سازمان (از تامین کنندگان تا مشتریان) قرار داده اند. بر کسی پوشیده نیست که انجام این فعالیتها در جهت بهبود کیفیت اگر چه برای موسسات منافع بسیاری دارد، ولی برای بنگاههای تجاری هزینه هایی را هم سبب می شود. در این مقاله سیر تحولات مدل‌های هزینه یابی کیفیت را از شروع تا کنون مورد بررسی قرار داده ایم. در همین راستا ابتدا مدل‌های نخستین هزینه یابی کیفیت که امروزه با نام مدل‌های سنتی شناخته می‌شوند، ارائه شده است. سپس به بیان مدل‌های جدید تر پرداخته ایم و ضمن ارائه مقایسه‌هایی که بین این روشها صورت گرفته است، اقدام به ارائه یک مدل جدید کرده ایم که بر اساس روش Benchmarking یا بهبود تطبیقی ارائه شده است. سپس نتیجه به دست آمده از این رویکرد را با نتایج دیگر روشهای پیشین سنجیده و به بیان مزایا و معایب روش ارائه شده پرداخته و نتایج استفاده از این رویکرد را بیان کرده ایم.

مقدمه

پیروزی در بازارهای رقابتی امروز مستلزم عوامل متعددی است. یکی از مهمترین این عوامل بهبود مستمر در امر کیفیت است. در عین حال مطالعات عملی و پژوهشی انجام گرفته در گذشته [ROSS-۱۹۷۷] نشان می‌دهد که افزایش سطح کیفیت به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مشتریان باشد. عامل مکمل افزایش کیفیت برای پاسخگویی به نیازهای مشتریان کاهش سطح هزینه ها و قیمت تمام شده کالای ساخته یا فروخته شده است. یکی از مواردی که باعث کاهش هزینه‌های محصول می شود، کاهش هزینه‌های کیفیت است. بنابر این شناخت، دسته بندی و بهبود در هزینه های کیفیت همواره یکی از مهمترین مسئولیتهای بخشهای کیفیت موسسات بوده است.

از زمان پیدایش مفاهیم هزینه های کیفیت در دهه ۱۹۵۰ تا به حال توسط افراد مختلف، تعاریف و مدل‌های گوناگونی از هزینه های کیفیت ارائه شده است.

از جمله مهمترین آنها می توان به مدل (P-A-F) که توسط پرفسور جوران در سال ۱۹۵۱ مطرح شد، اشاره کرد. مدل بعدی که در این مقاله به بررسی آن خواهیم پرداخت، مدل انطباق و عدم انطباق «کرازبی» است که در سال ۱۹۷۹ مطرح شده است. همچنین در ادامه سیر تکامل مدل های هزینه یابی کیفیت ، مدل‌های امروزی همه در جهت بهبود و شناسایی هر چه بیشتر هزینه های کیفیت گام برداشته اند. در حقیقت هیچ مدلی ناقص مدل‌های قبلی نیست. در همین راستا هدف اصلی در این مقاله بررسی مدل‌های پیشین و ارائه جدید ترین مدل هزینه یابی کیفیت (روش بهبود تطبیقی) خواهد بود.

سیر تکاملی هزینه یابی کیفیت

مدل PAF

همانطور که در مقدمه اشاره شد، اگر چه مدل‌های ارائه شده درباره هزینه یابی کیفیت تاکنون دستخوش تغییراتی شده اند، اما مطالعات انجام شده در مورد آنها نمایانگر ماهیت همسانی است که همه آنها در ارزیابی هزینه های کیفیت دارند. اگرچه این بدین معنا نیست که روشهای موجود ارائه شده همگی در اجرا، نتایج یکسانی داشته اند. به هر حال اولین روشی که در هزینه یابی کیفیت ارائه شده است همان روش جوران است که امروزه به روش سنتی معروف شده است. در این روش هزینه های کیفیت به چهار بخش که به اختصار در زیر آورده شده است، تقسیم می‌شوند:

الف - هزینه های شکست داخلی: هزینه هایی که برای ارزیابی، تصحیح و یا جایگزینی محصول قبل از اینکه محصول به دست مشتری برسد را شامل می‌شود. این هزینه ها شامل ایرادهایی است که در مراحل مختلف پیش از تحویل محصول به مشتری بروز می‌کنند و سازمان به روش‌های مختلف از قبیل بازرسی و آزمایش توسط کارکنان واحد کنترل کیفیت خود یا بازرسان خارجی به این عیوب پی می‌برد و به حذف آنها اقدام می‌کند. زیر گروه‌های تشکیل دهنده این گروه عبارتند از: ۱- هزینه های دورریز یا اسقاطی: محصولات و اقلامی که به علت عدم انطباق با مشخصه‌های مهندسی تعریف شده، قابلیت ارائه به مشتریان و یا استفاده در کاربردهای دیگر را نداشته باشند، به عنوان دورریز یا اسقاط در نظر گرفته می‌شوند. مانند تغییر شکل ورق‌های فولادی به علت بالا بودن دمای کوره های لعاب. ۲- هزینه های تعمیر و دوباره کاری محصولات تولیدی شرکت: محصولاتی که در داخل شرکت ساخته می‌شوند و به دلیل مطابقت نداشتن با مشخصه های مورد نیاز، قابل استفاده نیستند، در برخی موارد با تکرار برخی فعالیت‌های اصلاحی یا انجام فعالیت‌های تعمیراتی قابل استفاده می‌شوند که هزینه این گونه فعالیت‌ها باید از فعالیت‌های تولیدی تفکیک و در سرفصل هزینه های کیفیت منظور شود. اصلاح سوختگی رنگ بدنه خودروها، رگلاژ کردن درهای خودرو و \hat{E} مثال‌های این نوع هزینه ها هستند. ۳- هزینه های تحلیل شکست: هزینه های مربوط به بررسی و تحلیل کارشناسی علل بروز ایراد در محصول و چاره اندیشی در خصوص راه حل‌های رفع و جلوگیری از تکرار آنها در این زیر گروه قرار می‌گیرند. کلیه هزینه های مربوط به گروه های مهندسی، R&D و مشاوران و جلسات متعددی که با حضور مدیران و کارشناسان ارشد به منظور رفع علت وقوع ضایعات تشکیل می‌شود، در این گروه از هزینه ها جای می‌گیرند. ۴- تعمیر و اصلاح اقلام معیوب دریافتی: شامل هزینه های مربوط به آماده سازی اقلام دریافتی از تامین‌کنندگان مواد مورد استفاده که به علت عدم رعایت مشخصه‌های درخواستی از طرف تامین‌کننده، به شکل فعلی قابلیت به کارگیری و استفاده را ندارند و باید تعمیر یا اصلاح شوند. (قطعات دریافتی از شرکت‌های طراحی و مهندسی و یا دیگر ساپلایرها). ۵- هزینه های ناشی از نگهداری نامناسب مواد اولیه: هزینه های ناشی از مناسب نبودن نحوه انبارش که به صدمه دیدن اقلام مصرفی منجر می‌شود، در این گروه قرار می‌گیرند. مثال‌هایی از این دست عبارتند از: \hat{E} فاسد شدن لاستیک در زیر نور آفتاب \hat{E} فاسد شدن رنگ و مواد شیمیایی به دلیل گرمای محل نگهداری \hat{E} زنگ زدگی فولاد در مجاورت رطوبت و یا ریزش باران \hat{E} افت کیفی روغن‌ها به دلیل نفوذ آب و یا اتمام تاریخ مصرف \hat{E} از بین رفتن محصولات کشاورزی در کارخانه های مواد غذایی کلیه مواردی که شرایط محیطی و جوی بر کیفیت آنها تاثیر می‌گذارد، در این سرفصل گنجانده می‌شود. ۶- هزینه های آزمایش مجدد اقلام اصلاح شده: در صورتی که محصولی تعمیر و اصلاح شود یا دوباره کاری روی آن صورت گیرد، نیازمند بازرسی و آزمایش به منظور کسب اطمینان

از قرار گرفتن در حدود تolerانس قابل قبول است. هزینه های آزمایش های مربوط باید از بازرسی و آزمایش هایی که در شرایط عادی تولید انجام می شوند، تفکیک و به طور جداگانه محاسبه شود، مانند رنگ بدنه خودروهایی که پس از پولیش کردن دوباره تست می شوند. ۷- هزینه درجه بندی کیفیت محصولات زیر سطح قابل قبول : هزینه ناشی از فروش محصولات با قیمتی پایین تر، به دلیل مطابقت نداشتن مشخصه های آنها با محصولات استاندارد در این زیرگروه قرار می گیرد. اگر به هر دلیل محصولات تولید شده در سطوح کیفیت درجه دو یا پایین تر ارزیابی شوند، با قیمت کمتر به فروش خواهند رسید که این کاهش درآمد را نیز می توان به عنوان هزینه های کیفیت محاسبه کرد

ب - هزینه شکست خارجی: هزینه ای است که برای ارزیابی، تصحیح و یا جایگزینی بعد از اینکه محصول به دست مشتری رسید، صورت می گیرد. این گروه، هزینه هایی را دربرمی گیرد که پس از دریافت محصول توسط مشتری ایجاد می شوند و تا پیش از به کارگیری محصول توسط مشتری، مشخص و کشف نشده اند. عناصر این گروه از هزینه ها عبارتند از: ۱- هزینه های ضمانت: این زیرگروه دربرگیرنده هزینه های گارانتی شامل هزینه های تعویض، تعمیر و یا جایگزینی محصولات، حمل و نقل و نصب مجدد است. ۲- هزینه های برگشت محصول توسط مشتری و شکایات مشتریان: هزینه های فعالیت هایی که برای پاسخگویی به مشتریان شاکی و جلب رضایت آنها از سوی شرکت تقبل می شود، شامل هزینه های تماس هاس تلفنی، نفر - ساعت مورد نیاز برای تکمیل فرم های نظرخواهی از مشتریان و پروژه های صدای مشتری و در بعضی موارد پرداخت خسارت به مشتریان. ۳- هزینه های اصلاح محصولات در دست مشتریان: هزینه های تعویض، تعمیر و یا جایگزینی محصولات معیوبی که شرکت برای رفع ایرادهایشان به تعویض و اصلاح اقدام می کند. در سال های اخیر بسیاری از کارخانه های خودروساز نقص فنی موجود در خودروهای فروخته شده خود را به اطلاع خریداران محصول مورد نظر می رسانند و به تعویض و اصلاح نقص فنی به صورت رایگان اقدام می کنند. چنین عملیاتی هزینه های نیروی انسانی، قطعات جایگزین و $\hat{\epsilon}$ را در بر خواهد داشت .

پ - هزینه ارزیابی: هزینه مربوط به سنجش یا ممیزی محصولات یا خدمات به منظور اطمینان از استانداردهای کیفی در این دسته می گنجد. این هزینه ها برای تعیین مطابقت یا عدم مطابقت مشخصه های محصول با ویژگی های کیفی مورد نظر صرف می شوند. برخی از زیر گروه های این گروه عبارتند از: ۱- هزینه های ارزیابی پیمانکاران فرعی : پیمانکاران فرعی تامین کنندگان مواد و قطعات، خدمات و محصولات مورد استفاده شرکت باید پیش از خرید مورد ارزیابی قرار گیرند و از توانایی و قابلیت آنها در برآورده کردن نیازهای شرکت اطمینان حاصل شود. همچنین هنگام ارائه محصول مورد نظر و در حین مصرف نیز باید هزینه های بررسی کارشناسی شرکت عرضه کننده و سیستم های آن، جمع آوری اطلاعات بازخورد مجموعه های مصرفی و تحلیل آنها در این زیر گروه محاسبه شود. ۲- هزینه بازرسی و آزمایش ورودی ها : این زیرگروه شامل هزینه های مربوط به بازرسی و آزمایش مواد اولیه خریداری شده در هنگام ورود به شرکت، اعزام کارشناس به محل تامین کنندگان کالاها و مواد یا استفاده از خدمات بازرسی شرکت های شخص ثالث بازرسی کننده در محل تامین کنندگان کالا است. کلیه هزینه های نیروی کار، تجهیزات، مواد مصرف شده برای آزمایش و تست های مخرب به منظور کنترل اقلام ورودی به شرکت در این گروه دسته بندی می شود. ۳- بازرسی و آزمایش حین فرایند : شامل هزینه فعالیت های بازرسی و آزمایش مجموعه ها و قطعات حین فرایند برای کسب اطمینان از صحت و دقت فرایندهای انجام شده بر روی آنهاست. این هزینه ها شامل هزینه نیروی کار کنترل کیفیت، تجهیزات و مواد مورد نیاز برای آزمایش و همچنین هزینه های خدمات مشاوره ای برای بازرسی و آزمایش اقلام حین تولید می شود. ۴- بازرسی و آزمایش محصول نهایی : هزینه بازرسی و

آزمایش که بر روی محصول نهایی و به منظور تعیین پذیرش یا عدم پذیرش کالای نهایی تولید شده و مشخص کردن قابلیت ارائه محصول به مشتری انجام می‌شود، شامل هزینه های نیروی کار، تجهیزات و مواد است. در صورتی که کالای آماده شده برای ارسال به مشتری، بیش از حد قابل قبول اقلام معیوب داشته باشد باید مورد بازرسی صد در صد قرار گیرد و اقلام معیوب آن تا رسیدن به حد قابل قبول جداسازی شود. هزینه این بازرسی اضافه باید مشخص و در حساب‌ها تفکیک شود. هزینه های بازرسی محصول نهایی به ندرت صفر می‌شوند زیرا به منظور جلوگیری از هزینه های بیشتر باید که محصولات نهایی مورد بازرسی قرار گیرند اما افزایش میزان اشکالات باعث می‌شود عمق بازرسی‌ها بیشتر شود و هزینه های بازرسی محصول روند صعودی پیدا کند. ۵- هزینه های ایجاد و ممیزی سیستم‌های کیفیت : شامل هزینه های فعالیت‌های ممیزی در مورد محصول که به منظور کسب اطمینان از صحت بازرسی و آزمون‌ها و کنترل انجام صحیح فرایند و مطابقت و یا ردیابی مشخصه های محصول توسط بازرسان داخلی شرکت یا بازرسان خارجی انجام می‌شود. این ممیزی‌ها می‌تواند در مورد محصولات ورودی، نیمه ساخته یا محصول نهایی صورت گیرد. (ممیزی ISO ، اندازه گیری شاخص های NPMS ، ممیزی EFQM و ممیزی دیگر سیستم‌های کیفیت) ۶- هزینه های کنترل تجهیزات بازرسی و اندازه گیری: این گروه از هزینه ها شامل هزینه های مربوط به کنترل تجهیزات بازرسی و اندازه‌گیری و حفظ آنها در شرایط مطلوب است؛ به گونه ای که بتوان به مقادیر اندازه گیری شده توسط این دستگاه‌ها اعتماد کرد. عمده این هزینه ها دربرگیرنده تدارک تجهیزات مناسب و کالیبراسیون آنهاست. ۷- بررسی کیفیت موجودی انبارها : در صورتی که اقلام سالم خریداری شده مدت زمان طولانی و یا در شرایط نامناسب

در انبارها نگهداری شوند، ممکن است کیفیت مواد افت کند؛ بنابراین موجودی انبارها در دوره‌های مختلف احتمالاً مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در حقیقت هزینه های مربوط به بررسی کیفیت موجودی‌هایی که در انبار شرکت نگهداری می‌شوند، به منظور کسب اطمینان از حفظ کیفیت مورد نیاز برای استفاده از آنها در تولید محصولات یا انجام بازرسی و آزمون‌هاست. هزینه انبارگردانی برای حسابرسی شرکت نباید در این سرفصل لحاظ شود .

ت - هزینه های پیشگیری: هزینه ای است که برای پیشگیری از وقوع ضایعات کالاها و یا جلوگیری از تولید محصولات با کیفیت بد باید پرداخت شود. هزینه های طرح ریزی، پشتیبانی و پیگیری کیفیت شامل هزینه فعالیت‌هایی که برای جلوگیری از بروز ایرادها و خرابی‌ها در محصولات صرف می‌شوند. صرف این هزینه ها باعث کاهش خرابی و ایراد در محصول تولیدی در مراحل مختلف - از ورود محصولات به شرکت تا تحویل محصول نهایی - می‌شود. اصلی‌ترین زیرگروه‌های موجود در این گروه عبارتند از: ۱- هزینه های طرح ریزی کیفیت: شامل هزینه فعالیت‌هایی که به منظور تهیه طرح‌های کیفیت برای تولید محصولات مختلف، تهیه طرح‌های جامع کیفیت در شرکت، سیستم اطلاعاتی کیفیت، تست قابلیت برآورده کردن نیازها و اطمینان صورت می‌گیرد. همچنین هزینه های تهیه، تکثیر و توزیع دستورالعمل‌ها، رویه ها و جزوه‌ها و مستندات مربوط به نحوه پیاده کردن طرح‌های تهیه شده نیز در همین گروه لحاظ می‌شود. ۲- هزینه های آموزش : هزینه های جمع آوری نیازهای آموزشی، برنامه ریزی، آماده سازی و اجرای دوره‌های آموزشی مورد نیاز به منظور حفظ یا ارتقای سطح کیفیت محصولات تولیدی شرکت در این زیر گروه قرار می‌گیرند. این آموزش‌ها می‌تواند آموزش‌های تخصصی چگونگی انجام کار یا آموزش‌های مرتبط با مفاهیم عمومی کیفیت باشند. همچنین هزینه های خرید کتب و نشریات تخصصی، تهیه و تکثیر جزوه های آموزشی، شرکت در سمینارها، ایاب و ذهاب و اقامت کارشناسان در داخل و خارج از کشور و کلیه هزینه های آموزش در این سر فصل قابل دسته بندی هستند. زیرا آموزش به منظور جلوگیری از

حوادث در حین کار، کاهش خرابی‌ها، دوباره کاری‌ها و بهبود کیفیت در شرکت صورت می‌پذیرد. ۳- هزینه های طراحی و کنترل فرایند: هزینه فعالیت‌های مرتبط با بررسی قابلیت‌ها و توانایی‌های فرایند و بازرسی‌هایی که در خط تولید شکل می‌گیرند و همچنین فعالیت‌هایی که به منظور کسب اطمینان از صحت انجام کارها در فرایند تولید انجام می‌شوند، در این گروه قرار دارند. این فعالیت‌ها به منظور پاسخگویی به چنین پرسش‌هایی صورت می‌گیرند: وجود کدام یک از ایستگاه‌های کنترل کیفی منطقی است؟ آیا تعداد ایستگاه‌های کنترل کیفی کافی است؟ روش‌های مناسبتری برای کنترل کیفی وجود ندارد؟ استفاده از ابزارها و تجهیزات جدید توجیه کافی دارد؟ آیا استفاده از حسگرها (سنسورها) می‌تواند به کاهش هزینه های کیفیت کمک کند و یا کیفیت را افزایش دهد؟ ۴- هزینه های گزارش‌دهی: گزارش‌دهی کیفیت، وضعیت کیفی محصول و نمرات منفی محصولات، گزارش مربوط به نتایج نظرسنجی از مشتریان، گزارش‌های فعالیت‌های بازرسی و آزمایش و دیگر گزارش‌های مورد نیاز مدیران میانی و ارشد شرکت، در بر گیرنده هزینه‌هایی است که باید در این زیر گروه قرار گیرند. در این زمینه جدای هزینه نفر ساعت، باید هزینه های اداری مربوط را نیز در نظر گرفت. نکته قابل توجه در مورد گروه بندی فوق و زیر گروه‌های مربوط، آن است که بسیاری از این زیرگروه‌ها در حالت عادی در سر فصل حسابداری یا اصلا دیده نشده اند یا به صورت مستقل وجود ندارند که تشخیص این حساب‌ها یکی از اهداف اصلی سیستم حسابداری کیفیت است. به عنوان مثال، زیر گروه بازرسی و آزمون مجدد که از اجزای گروه هزینه های شکست داخلی است، معمولا در سر فصل‌های حسابداری وجود ندارد و حسابداران به بازرسی و آزمون‌های مجدد مانند بازرسی و آزمون اولیه نگاه می‌کنند و تفاوتی بین این دو قائل نیستند. این موضوع نیاز به تغییر در سیستم حسابداری شرکت‌ها را برای تطبیق با تعاریف هزینه های کیفیت و فراهم آمدن امکان جمع آوری اطلاعات هزینه های کیفیت گوشزد می‌کند.

تطبیق هزینه های کیفیت با سیستم حسابداری شرکت:

با توجه به سر فصل‌های هزینه یابی کیفیت و شرایط موجود در شرکت، هزینه های کیفیت را به سه روش زیر محاسبه می‌کنیم: ۱- بعضی از هزینه های کیفیت در سر فصل‌های حسابداری شرکت وجود دارند که مبلغ مانده این حساب‌ها جزو هزینه های کیفیت لحاظ می‌شود. ۲- آن دسته از هزینه های کیفیت که در صورت حساب کل شرکت دیده نمی‌شوند اما می‌توان آنها را در حساب‌های معین یا تفصیلی شرکت مشاهده کرد. ۳- هزینه‌هایی که در سرفصل حساب‌های کل، معین و تفصیلی دیده نمی‌شوند و یا با عنوان دیگری محاسبه می‌شوند که برای محاسبه هزینه های کیفیت باید این سر فصل‌ها به وجود آیند.

ترازنامه هزینه یابی کیفیت:

ترازنامه کیفیت نشانگر محاسبه هزینه های کیفیت به صورت ریالی است و ارتباط بین هزینه های کیفیت را آشکار می‌کند. با مقایسه ترازنامه کیفیت برای چند سال می‌توان موثر بودن سیستم هزینه یابی کیفیت در شرکت را استدلال کرد. افزایش هزینه های ارزیابی و پیشگیری، کاهش هزینه های شکست درونی و برونی را به همراه خواهد داشت و عکس این قضیه نیز صادق است. بر این اساس، هزینه های شکست درونی و برونی در سمت راست ترازنامه کیفیت و هزینه های ارزیابی و پیشگیری در سمت چپ محاسبه می‌شود. با توجه به بالا بودن هزینه های شکست درونی و برونی نسبت به هزینه های ارزیابی و پیشگیری، برای تراز کردن ترازنامه باید تفاوت مبلغ هزینه های شکست درونی و برونی و هزینه های ارزیابی و پیشگیری را با عنوان هزینه های کیفی قابل کنترل به وقوع پیوسته نشان داد که کاهش این هزینه ها در بلند مدت را باید

اثر بخش بودن سیستم هزینه یابی کیفیت تلقی کرد. پس از تهیه ترازنامه کیفیت، مبلغ ریالی هزینه شکست برونی بسیار حائز اهمیت است. مشکلاتی که پس از تحویل محصول بروز می‌کند، تا حدود قابل توجهی بیانگر ناکارآمد بودن و ضعف روش‌های کنترل کیفیت است که این عامل را می‌توان از طریق پیگیری و افزایش بودجه هزینه پیشگیری طرح‌ریزی کیفیت، و هزینه طراحی و کنترل فرایند بازرسی و هزینه گزارش‌دهی بهبود بخشید. توجه به دلایل شکست برونی می‌تواند بیانگر مواردی باشد که احتمالاً از دید کارشناسان شرکت دور مانده است؛ از این رو می‌توان از گزارش‌های مربوط به منظور بهبود فرایند طراحی کیفیت استفاده کرد. آنچه مسلم است، هزینه کردن در سطح پیشگیری همواره مقرون به صرفه تر از سطح ارزیابی و شکست خواهد بود. مدل جوران بر این نکته مهم تاکید دارد که هزینه های کیفیت برای محصولات در دست مشتریان بسیار زیاد و غیر قابل مقایسه با هزینه های کیفیت در سطوح بالاتر است.

مدل هزینه یابی فرایندی

این مدل در سال ۱۹۷۹ توسط کرازبی پیشنهاد شد. این مدل در حقیقت هزینه‌های کیفیت را ناشی از فعالیتهای کیفی می‌داند. منظور از فعالیتهای کیفی تمام فعالیتهایی است که در جهت بهبود کیفیت محصولات، خدمات و فرآیند ها انجام می‌شود.

کرازبی فعالیتهای کیفی را به دو دسته تقسیم بندی کرد:

۱- فعالیتهایی که برای بار اول انجام می‌شوند تا سطح کیفی محصولات، خدمات و فرایندها به سطح کیفیت مورد نظر برسد.

۲- کرازبی دسته دوم را فعالیتهایی می‌داند که در جهت رفع نقصها، دوباره کاریها و بعد از حصول سطح کیفیت ضعیف و در جهت بهبود انجام می‌شود.

کرازبی هزینه‌های ناشی از اقدامات دسته اول را $Cost\ Of\ Conformance\ (COC)$ یا هزینه‌های انطباق می‌خواند

و هزینه‌های ناشی از اقدامات دسته دوم را $Cost\ of\ Non\ Conformance\ (CNC)$ یا هزینه های عدم انطباق نامگذاری کرده است.

شایان ذکر است در مطالعات بعدی که در سال ۲۰۰۶ توسط آندرا شیفائروا محقق کیفیت انجام شد، ارتباطی معنا دار بین دو مدل کرازبی و جوران نمایش داده شده است.

مدل کوه یخ

مدل کوه یخی توسط «پلانکت» و «دیل» در سال ۱۹۹۵ ارائه شد. این مدل در حقیقت هزینه های کیفیت را مانند یک کوه یخی در نظر می‌گیرد که بیننده در نگاه اول فقط بخش کوچکی یا به عبارت دیگر فقط قله کوه را می‌بیند، غافل از این نکته که بخش اعظمی از کوه یخ در زیر اقیانوس قرار گرفته است. طبق مدل ارائه شده مهندسان کیفیت هزینه های گارانتی، هزینه های ساعات اضافی کار ناشی از ضعف کیفیت و هزینه دوباره کاریها را به طور مستقیم مشاهده می‌کنند، در صورتی که بخش اصلی هزینه ها به صورت نامشهود از جمله هزینه های مشتریان، هزینه‌های بهبود برنامه های کیفی،

کنترل فرایند، وفاداری مشتری، ارزیابی کیفیت و.... از دید کارشناسان کیفیت مخفی است. این مدل بر این نکته اساسی تاکید می‌کند که: اصولاً آنچه در مقوله هزینه یابی کیفیت اهمیت دارد، فراموش نکردن هزینه‌های پنهان است.

روش BSC

روش (BALANCED SCORE CARD= BSC) پیشنهاد می‌کند که مدیران اطلاعاتی در خصوص عوامل هزینه‌زا در امر کیفیت را از چهار منظر، را به طور هماهنگ در یک کارت یادداشت کنند و به تحلیل آنها بپردازند. این چهار منظر عبارتند از:

۱- منظر مشتری

۲- منظر فرایندهای داخلی کسب و کار

۳- منظر رشد، نوآوری و یادگیری سازمانی

۴- منظر مالی.

کارت‌های امتیاز دهی متوازن ماهیتاً برای توصیف و ارزیابی عملکرد گذشته و در جهت عملی ساختن استراتژی و ماموریت‌های سازمان به وجود آمده است، ولی به خاطر ماهیت و نقش کنترلی که در تعیین عملکردها ایفا کرده است. بعضاً در مواردی برای هزینه یابی کیفیت نیز به کار گرفته شده است

فرایند هزینه یابی کیفیت توسط کارت‌های امتیاز دهی متوازن یک فرایند کیفی است، بدین گونه که از نظرات ذی نفعان سازمان برای اندازه گیری میزان و نوع تاثیر گذاری هزینه های عدم مرغوبیت استفاده می شود. یعنی از دیدگاه مالی سهامداران باید پاسخ دهند کدام یک از هزینه های عدم مرغوبیت بار مالی بیشتری به سازمان وارد می کند. همچنین مشتریان باید از دیدگاه خود هزینه های کیفی را که بیشترین تاثیر را در کاربرد محصول دارند، مشخص کنند. در ادامه از منظر فرایند کسب و کار باید ارتباط بین هزینه های کیفیت و مزیت رقابتی مشخص شود و نیز معلوم شود که صرف این هزینه‌های کیفی چه ارتباطی با یادگیری و رشد در سازمان خواهد داشت.

بعد از جمع آوری این اطلاعات با قرار دادن آنها در کنار هم و ارزیابی و بررسی اطلاعات گردآوری شده بر اساس چهار منظر ذکر شده، علاوه بر اینکه تخمینی از عملکرد صرف هزینه های کیفی به دست می آید، می توان میزان این هزینه ها را نیز تا حد زیادی معین کرد.

همانطور که اشاره شد استفاده از روش اخیر در هزینه یابی کیفیت بسته به نوع صنعت و دیدگاه مدیریت کیفیت است اگرچه مطالعات انجام شده نشان دهنده استفاده بسیار ناچیز از این روش بوده است.

مطالعات عملی در متن صنعت به محققان اثبات کرده است که این کیفیت نیست که عامل هزینه است، بلکه ضعف کیفیت است که همواره موجب ایجاد بار مالی شده است.

بنابراین آنچه که ما آن را هزینه کیفیت می خوانیم، در حقیقت همان هزینه ضعف کیفیت است. چرا که محققان به این نتیجه رسیده اند که هر آنچه برای کیفیت هزینه شود در حقیقت افزودن به دارایی هاست، تا جایی که برخی محققان برای

کیفیت ترازنامه را در نظر گرفته اند و هزینه های تطابق را در سمت راست ترازنامه در نظر گرفته اند. (یعنی آنها را از جنس دارایی دانسته اند.) اگرچه رویکردهای حسابداری صنعتی به مقوله هزینه های کیفیت به خاطر وجود جنبه های پنهان بسیار (وجود نداشتن سرفصل حسابها به صورت آشکار) هرگز نتوانسته اند به خودی خود روشی مستقل در ارزیابی هزینه های کیفیت محسوب شوند.

از آنجا که کاهش هزینه های کیفیت یک امر نسبی است و هرگز در هیچ موسسه ای دیده نشده است که این هزینه ها به صفر برسد، محققان به این نتیجه رسیده اند که بهتر است با این مسئله با رویکردی مقایسه ای برخورد و از روشهای Benchmarking استفاده کنند.

مقایسه و ارزیابی روشهای هزینه یابی کیفیت

پیش از این مهمترین روشهای هزینه یابی کیفیت را بیان کردیم. پاسخ به این سوال که هر یک از این روشها تا چه میزانی هزینه های کیفیت را کاهش داده و برای چه نوع موسساتی و با چه میزانی از سطوح کیفیت مناسب هستند، مطلبی است که بسیاری از مدیران و صاحبان صنایع به دنبال آن هستند.

بدین منظور مورد کاوی که توسط محققان دانشگاه مک گیل انجام شده است رامی توان پاسخی به این سوال دانست که در ادامه به طور کامل شرح داده شده است

به منظور مقایسه و ارزیابی روشهای هزینه یابی کیفیت از چهار شرکت مختلف در صنایع متفاوت دعوت شده است تا در این مورد کاوی شرکت کنند.

شرکت A که در زمینه ارتباطات فعالیت می کند به خاطر تولید محصولات الکترونیک همواره رسیدن به سطح کیفی Zero Defect (نقص صفر) را سر لوحه کار خود قرار داده و هزینه های کیفی را در دو قالب هزینه های تطابق و هزینه های عدم تطابق در محاسبات رسمی شرکت دخیل کرده است و برای ارائه رسمی این هزینه ها از مدل P-A-F استفاده می کند.

شرکت B نیز یک شرکت الکترونیک است که فلسفه «نقص صفر» را سرلوحه اقدامات خود قرار داده، اگر چه برنامه های آموزشی گسترده ای در جهت کیفیت در سطح سازمان پیاده کرده است، ولی از مدلی به عنوان یک مدل رسمی برای محاسبات استفاده نمی کند و بیشتر به کاهش هزینه های انطباق توجه دارد

شرکت C محصولاتی در زمینه صنایع هوایی تولید می کند. به خاطر حساسیت بالای تجهیزات تولیدی احتیاج به سطح کیفیت نقص صفر دارد و برای کاهش هزینه های کیفیت از اقدامات سازمانی و روش بهبود مستمر استفاده می کند. این شرکت نیز مدل رسمی برای هزینه های کیفیت اتخاذ نکرده است و برنامه های هزینه یابی کیفی خود را معطوف به ارزیابی هزینه های عدم انطباق کرده است.

شرکت D یک شرکت تولید لوازم خانگی است که با سطح مشخصی از معیوبی فعالیت می کند. این شرکت مدل رسمی برای محاسبه هزینه های کیفیت ارائه نداده، ولی راهکار ارائه شده توسط مدیران، کاهش هزینه های شکست به صورت مستقیم است.

نتایج مورد کاوی بالا نشان می دهد هر چه موسسات، بیشتر در جهت شناسایی هزینه های ناآشکار کیفیت بکوشند و با استفاده از مدل های رسمی سعی در مشخص کردن و به حساب آوردن این هزینه ها در قالب هزینه های رسمی و با سر فصل مشخص بکنند، همواره کاهش هزینه های کیفی بسیار چشمگیر تر بوده است.

هر چند نباید از نقش موثر رویکرد کیفی موسسه (در این مثال نقص صفر) به آسانی گذشت. چرا که شرکتهای D, C, B هیچیک از مدلی به طور رسمی استفاده نکرده اند، ولی شرکت D از آنجا که رویکردی متفاوت با استراتژی Zero Defect اتخاذ کرده است، از نظر کاهش هزینه های کیفی هرگز نتوانسته است به جایگاه دو شرکت دیگر دست یابد.

استفاده از Benchmarking در تخمین هزینه های بدی کیفیت

در این روش سعی بر این است که هزینه های کیفیت هر چه بیشتر از حالت کیفی به حالت کمی و مقداری بدل شود. کمی شدن این هزینه علاوه بر اینکه باعث می شود هزینه های پنهان کیفیت راحت تر شناخته شود، شاخص بسیار محکمی است جهت مقایسه و بهبود. در راستای کمی شدن هر چه بیشتر تمامی هزینه ها محققان دانشگاه «آربوس» دانمارک دسته بندی جدیدی از هزینه های کیفیت ارائه کرده اند. تحقیقات نشان داده است، در صورتی که کلیه هزینه های کیفی سازمان بر اساس این مدل گرد آوری شود (جدول ۲) همه موارد ضعف کیفی پوشش داده شده است.

بیان روش

اگر سود شرکت J در زمان t را (PjT)، تعداد پرسنل شرکت J را (Nj) و سود سرانه شرکت J را Pjt/Nj فرض کنیم در صنعت همسان یا در یک بازار مشترک، m شرکت به صورت رقابتی حضور دارند به طوری که سود سرانه آنها به صورت زیر است:

$$(P_1t/N_1) \dots (P_mt/N_m) \dots (P_jt/N_j) \dots (P_{jt}/N_j) \dots$$

بر اساس پارامترهای ارائه شده اگر فرض کنیم که شرکت m بیشترین سود آوری را داراست (یعنی شرکت m را به عنوان معیار در نظر بگیریم) آنگاه حد پایین هزینه های بدی کیفیت شرکت J در زمان t به صورت زیر خواهد بود:

$$C_{jt} = [(P_{mt}/N_m) - (P_{jt}/N_j)] * N_j$$

همانطور که در فرمول فوق مشاهده می شود، تفاضل سود سرانه شرکتی که بیشترین سود آوری را در بازار دارد، از شرکت J، ضرب در تعداد پرسنل شرکت J، حد پایین است. رویکرد فوق در حقیقت کل فاصله ای که شرکت از نظر سود آوری با موفقترین شرکت (معیار) دارد را ناشی از کیفیت ضعیف محصولات، خدمات و فرایندها می داند و بر این اساس شاخصی ارائه می کند که مقایسه را امکان پذیر می نماید. در یک بررسی کلی ممکن است چنین به نظر برسد که تفاوت ما بین سود آوری شرکتهای ممکن است معلول بسیاری از عوامل باشد که البته طرز فکر کاملاً درستی است، ولی در صورتی که مدیران شرکت فعالیتهای هزینه دار کیفی سازمان خود را در چهار چوب دسته بندی جدول ۲ تعریف کنند، استفاده از شاخص، کاملاً در جهت بهبود خواهد بود و موقعیت سازمان را بخوبی نمایش می دهد. مزیت اصلی این روش آن است که به سبب سهولت به دست آمدن شاخص، شرکت به طور خودبه خود مجبور به مقایسه خود با دیگر رقبا می شود و طی یک چرخه بهبود همواره موقعیتش را از نظر سطوح هزینه های کیفیت با رقبا می سنجد.

نتیجه گیری

همانطور که مشاهده شد مطالعات بسیاری از دهه ۵۰ میلادی تاکنون روی مبحث هزینه های کیفیت انجام شده، این مطالعات نشان داده است که هر کجا و در هر موسسه ای که توجه و علاقه کارشناسان به Coc و Conc همواره به یک نسبت معطوف بوده و مدل‌های رسمی جهت کمی سازی هر چه بیشتر هزینه های کیفی استفاده شده است، موسسات و شرکتهای مورد مطالعه، عملکرد کیفی موفقتری با صرف هزینه های کمتری داشته اند. مطمئناً در آینده با گسترش روشهای مقایسه ای می توان هزینه های کیفیت را بهتر شناخت و بر اهمیت اثر کاهش آنها بر کاهش کل هزینه های تولیدی، خدماتی و فرایندی تاکید بیشتری داشت.

نقش حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک یکپارچه

جمع آوری مطالب توسط : ثامنی

مقدمه

گسترش و پیچیدگی روزافزون و شتاب آمیز واحدهای اقتصادی در جهان پیشرفته امروز، فشارهای ناشی از کمبود منابع، افزایش رقابت، افزایش ریسک و وجود انواع مخاطرات در زمینه های مالی، اداری و تجاری که اهداف و سیاستهای سازمانی را از درون و بیرون به شدت تهدید می کنند و همچنین ضرورت مشتری مداری سبب شده است تا کنترل مستقیم و انفرادی این واحدها ناممکن شود به همین دلیل نیاز به استقرار یک سیستم کنترل داخلی اثربخش به عنوان جزئی لاینفک از سیستم مدیریت کارآمد مورد توجه جدی قرار گرفته است و حسابرسی داخلی جایگاهی والا در سیستم کنترل داخلی دارد. تحولات و تغییرات اواخر قرن بیستم باعث گردید تا در چشم انداز و ماموریت های این حرفه تجدید نظر شود. وظایف گذشته حسابرسی داخلی محدود به ایجاد اطمینان نسبت به قابلیت اتکای اطلاعات مالی و محافظت از دارایی های شرکت و بررسی کفایت کنترلهای داخلی بود اخیراً حسابرسی داخلی به نحوی توسعه یافته که حسابرسی عملیاتی، ارزیابی ریسک، خدمات اطمینان بخشی، فناوری اطلاعات و غیره را در بر می گیرد این نقش توسعه یافته باعث افزایش اهمیت حسابرسی داخلی به عنوان بخشی از سیستم مدیریت ریسک سازمان شده است.

تعریف حسابرسی داخلی

انجمن حسابرسان داخلی (IIA) حسابرسی داخلی را به شرح زیر تعریف نموده است: "حسابرسی داخلی، یک فعالیت اطمینان بخش، مشاوره ای، مستقل و بی طرف است که با هدف ارزش افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می شود. حسابرسی داخلی با به کار گیری شیوه ای اصولی و نظام مند برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرآیند های حاکمیت شرکتی، کنترل و مدیریت ریسک، سازمان را در دستیابی به اهداف آن یاری می کند."

نکات مهم این تعریف عبارتند از:

(۱) کارکرد اطمینان بخشی و مشاوره ای

اطمینان بخشی (Assurance): فعالیت یا خدمات اطمینان بخش، یعنی رسیدگی بی طرفانه شواهد و مدارک با هدف ارائه یک ارزیابی مستقل در مورد فرایندهای حاکمیت، مدیریت ریسک و کنترل در یک سازمان. مانند رعایت امنیت سیستم، قراردادهای نیازمند دقت، رعایت قوانین و مقررات

مشاوره ای (Consulting): یعنی خدمات حسابرسی داخلی که ماهیت و حیطة آنها با صاحبکار مورد توافق قرار گرفته و بنا به درخواست صاحبکار انجام می شود و ماهیت توصیه ای و مشورتی دارد. هدف از انجام آن خلق ارزش، بهبود فرایندهای کنترل، مدیریت ریسک و حاکمیت است بدون اینکه حسابرسی داخلی مسئولیت مدیریتی تقبل کرده باشد برخی از این خدمات عبارتند از: ارائه مشاوره، هماهنگی، آموزش

۲) استقلال و بی طرفی

استقلال (Independence): به عنوان وسیله رهایی از فشارها و سایر عواملی که توان حسابرسی برای تصمیم گیری بیغرضانه را از بین می برد. از دو جنبه می باشد هم استقلال واقعی از لحاظ فکری و هم از دید جامعه و اشخاص ثالث. مدیریت باید جایگاه حسابرسی داخلی را در سازمان به گونه ای تعریف کند که حسابرسی داخلی بتواند استقلال خود را حفظ کند.

بی طرفی (Objectivity): برخورد منصفانه، درست کارانه و به دور از منفعت شخصی

۳) ارزش آفرینی و بهبود عملیات

۴) بکارگیری شیوه اصولی و نظام مند

۵) ارزیابی اثربخشی فرایندهای حاکمیت، کنترل و مدیریت ریسک

۶) یاری نمودن سازمان در دستیابی به اهداف

انتظارات از واحد حسابرسی داخلی و حسابرسان داخلی و یا ویژگی ها و اختصاصات حسابرسی ارزش آفرین

فلسفه وجودی و هدف غایی هر واحد اقتصادی خلق و افزودن ارزش برای ذی نفعانش (شامل سهامداران و مشتریان، کارکنان و جامعه) است. کلیه واحدها در دستیابی به این هدف عمده با ابهاماتی مواجه اند ابهام متشکل از دو مقوله اصلی ریسک و فرصت است به این معنی که ریسک و فرصت می تواند به طور بالقوه موجب خلق و افزودن ارزش و یا از بین رفتن آن شود. رویدادهای با آثار منفی ریسک نامیده می شود که می تواند از خلق ارزش جلوگیری کرده یا ارزش موجود را از بین ببرد، رویدادهای با آثار مثبت فرصت نامیده می شود که آثار مثبتی در دستیابی به اهداف داشته و حاوی خلق ارزش یا حفاظت از آن است.

دانش عمیق حسابرسان داخلی از سازمان به خصوص آشنایی با خلق ارزش باعث می شود آنان مشاوران ایده آلی جهت بهبود فرآیندهای سازمان باشند بهبود فرایندهای سازمان تاثیر مثبتی بر عرضه کنندگان و مشتریان خواهد داشت تاثیراتی مثل کاهش هزینه، کاهش زمان های تولید، بهبود کیفیت محصولات

۱) پاسخگویی به ذینفعان: حسابرسان داخلی باید نیازهای ذینفعان و استفاده کنندگان از گزارشهای خود را دریابند و به تناسب آن به تهیه و ارائه محصولات خود بپردازند.

۲) شناخت صنعت و سازمان: حسابرسان داخلی باید با ویژگی های صنعت و رشته کسب و کاری که شرکت در آن قرار دارد آشنا باشند.

۳) استراتژی مداری: حسابرسان داخلی باید برای انجام وظایف و مسئولیتهای خود، چشم انداز، مأموریت و استراتژی داشته باشند محور اساسی استراتژی حسابرسی داخلی باید ارزش آفرینی برای ذینفعان و استفاده کنندگان از گزارشهای حسابرسی باشد.

۴) بهبود مستمر: بهبود مستمر حسابرسی داخلی از طریق مثل تنوع بخشیدن به محصولات در جهت پاسخگویی به نیازهای جدید به دست می آید بنابراین حسابرسان داخلی باید خود را به انواع دانشها تجهیز کنند و آموزش مستمر را به صورت جدی دنبال کنند.

۵) همکاری با سایر واحدها: از جمله حوزه های مختلف شرکت مانند بازار یابی، منابع انسانی و مالی، این رویکرد موجب می شود بسیاری از تضادهای بین حسابرسی داخلی و سایر واحدهای سازمانی به صورت منطقی و تفاهم آمیز مرتفع شود.

۶) استقلال رای: دانش و تجربه حسابرسان برای عملکرد موفقیت آمیز آنان کافی نیست. دو ویژگی مهم و اثرگذار بر کار حسابرسان داخلی عبارت است از استقلال رای و رعایت اخلاق حرفه ای که بدون آنها حسابرسان از اعتبار لازم برخوردار نخواهند بود و حاصل کار آنها ارزش افزا نیست.

۷) اقتصادی بودن کار: یعنی استفاده مناسب و مطلوب از منابع که موضوع مدیریت هزینه را به صورت وسیع در سازمانها مطرح کرده است. مدیریت هزینه یعنی متناسب بودن هزینه ها با منافع و اطمینان یافتن از فزونی منافع نسبت به هزینه ها، یکی از وظایف حسابرسان داخلی اطمینان یافتن نسبت به اعمال مدیریت هزینه است.

چگونه حسابرسی داخلی می تواند ایجاد ارزش نماید: (وظایف)

- ۱) حصول اطمینان از تحقق استراتژی ها
 - ۲) شناسایی و مدیریت ریسک های بنگاه
 - ۳) کمک به بهبود فرایندها
 - ۴) حصول اطمینان از اثربخشی و کارایی کارایی: استفاده بهینه از منابع یا حداکثر بازده با کم ترین منابع
 - اثربخشی: رسیدن به هدفهای از پیش تعیین شده مثل بهبود کیفیت محصولات، رضایت مندی مشتری، کاهش هزینه ها، افزایش سهم بازار، کاهش زمانهای تولید
 - ۵) ارزیابی و تحکیم کنترلهای داخلی
 - ۶) کمک به کشف تقلب / پیشگیری از بروز تقلب
 - ۷) پشتیبانی / کمک به حسابرسان مستقل
 - ۸) مشاوره به مدیریت در شناسایی فرصتها و ارائه راهکار در حل مسائل سازمانی
- چگونه حسابرسی داخلی می تواند ایجاد ارزش نماید: (رویکردها)**

- ۱) هم راستایی با انتظارات ذینفع ها
- ۲) تدوین استراتژی حسابرسی داخلی
- ۳) تنظیم برنامه جامع حسابرسی
- ۴) رعایت استانداردها

- (۵) استفاده از رویکرد مناسب
- (۶) نوآوری و بهبود مستمر فرایند کار حسابرسی
- (۷) بهره برداری مطلوب از تکنولوژی اطلاعات
- (۸) به کارگیری نیروهای کارآمد
- (۹) آموزش و یادگیری مستمر
- (۱۰) ارائه محصولات به صورت اقتصادی
- (۱۱) حفظ استقلال و پایبندی به اخلاق حرفه ای

مدیریت ریسک

ریسک را می توان به عنوان انواع وقایع (رویدادها) یا شرایطی که ممکن است سازمان را از رسیدن به اهدافش باز دارد تعریف کرد. سازمان استاندارد های بین المللی، ریسک را به عنوان ترکیبی از احتمال یک رویداد و اثرات آن تعریف می کند. مدیریت ریسک سازمان را می توان به عنوان فرآیندی پیوسته و سازمان یافته در کل سازمان (در کلیه سطوح و واحدها) برای تعیین، ارزیابی، تصمیم گیری و گزارشات درباره فرصت ها و خطراتی تعریف کرد که دستیابی به اهداف را تحت تاثیر قرار می دهد از نظر تکنیکی ریسک ها هم می توانند فرصت باشند و هم خطر.

مدیریت سازمان مسئولیت تعیین ریسک های درونی و بیرونی و اطمینان یافتن از مدیریت ریسکها را برعهده دارد در عمل اختیار اداره عملیات چارچوب مدیریت ریسک را به گروه مدیریتی خود که مسئولیت تکمیل فعالیتهای زیر مجموعه را دارند واگذار می کند. حسابرسان داخلی در تعیین ریسک های بالقوه، ارزیابی ریسک ها و تعیین نقاط ریسک پذیر سازمان به مدیریت کمک می کنند همچنین در زمینه اینکه آیا ریسک های سازمان به حد قابل قبول کاهش یافته اند یا خیر اظهار نظر بی طرفانه و مستقل می کنند. حسابرسان فاقد جایگاهی برای تهیه فهرست ریسک ها هستند چنین فهرستهایی تنها باید برای کنترل اینکه ریسکی از قلم نیفتاده باشد در پایان مرحله تعیین ریسک ها مورد استفاده حسابرسان قرار گیرد.

روشهای مدیریت ریسک

(۱) اجتناب از ریسک ها: یعنی انجام ندادن فعالیتی که باعث ریسک می شود. مثل عدم اقدام برای فروش محصولات جدید. به معنی زیان دهی در مورد سود آوری های بالقوه ایست که امکان دارد به واسطه پذیرش آن ریسک حاصل شود.

(۲) انتقال ریسک ها: یعنی سازمان یا بخش دیگری ریسک را قبول کند. مثال بیمه کردن

(۳) تحمل یا پذیرش ریسک ها همراه با انجام برنامه ریزی برای مواجهه احتمالی با آنها در صورت وقوع: مثل خراب شدن کارخانه به سبب طوفان

(۴) ایجاد روش هایی برای کاهش اثر یا احتمال ریسک: این روشها معمولا کنترل نامیده شده و باعث کاهش شدت زیان می شود مثل کپسول های آتش نشانی برای فرو نشاندن آتش

هر روشی که ریسک را به یکی از شیوه های یاد شده مدیریت کند به عنوان کنترل تعریف می شود. کنترل داخلی روشی است که ریسک را مدیریت می کند به عبارت دیگر کنترل ها پاسخ یا واکنشی به ریسک ها است.

حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک یکپارچه (Enterprise-wide Risk Management)

اهمیت وجود حاکمیت قوی سازمانی در مدیریت ریسک روز به روز در حال افزایش است سازمانها پیوسته برای شناسایی تمام ریسک هایی که در کسب و کارشان با آنها روبه رو می شوند اعم از اجتماعی، محیطی، مالی و عملیاتی و چگونگی

مدیریت آنها در یک سطح پذیرفتنی به شدت تحت فشار هستند و حسابرسی داخلی در هر دو نقش اطمینان بخشی و مشاوره ای در ابعاد مختلفی در خدمت مدیریت ریسک می باشد.

"مدیریت ریسک یکپارچه یک فرایند منظم، سازگار، با ساختار منسجم و مستمر در سرتاسر سازمان به منظور شناسایی، ارزیابی، تعیین واکنش های مناسب و گزارش دهی فرصت ها و تهدید هایی است که دستیابی به اهداف را تحت تاثیر قرار می دهند."

عبارت یکپارچه موکد حذف موانع سنتی، بخشی و فرهنگی است بنابراین رویکردی کل گراست. مدیریت ریسک یکپارچه رویکردی بالا به پایین، حمایت کننده و بر اساس استراتژی سازمان است که بر شیوه های جدید برای مدیریت ریسک ها تمرکز می کند.

یک فرایند مدیریت ریسک نمی تواند محیط فعالیتی فاقد ریسک ایجاد نماید بلکه مدیر را قادر می سازد تا در محیط متاثر از ریسک های مختلف به گونه ای موثر عمل کند.

ERM به وسیله کمیته سازمانهای حامی وابسته به کمیسیون (Tread way) Committee of sponsoring or

ganization of tread way commitee) در سال ۲۰۰۴ به صورت زیر تعریف شده است:

"فرآیندی که بر روی اعضای هیات مدیره، مدیریت و پرسنل دیگر تاثیر گذار بوده و کاربرد آن در یک مجموعه استراتژی مرتبط با شرکت و به منظور مشخص نمودن رخدادهای بالقوه ای که ممکن است بر روی این مجموعه تاثیر گذار باشد و در آن ریسک ها به گونه ای مدیریت می شوند تا در یک محدوده قابل کنترل باقی مانده و بعلاوه این فرآیند قابلیت فراهم آوردن اطمینان منطقی در ارتباط با حصول اهداف مجموعه را نیز خواهد داشت."

اهداف مدیریت ریسک واحد اقتصادی:

- ۱) اهداف استراتژیک: به اهداف بلندمدت، هم راستا و حمایت کننده از رسالت سازمان اطلاق می شود.
- ۲) اهداف عملیاتی: به استفاده اثربخش و کارا از منابع گفته می شود.
- ۳) اهداف گزارشگری: به قابلیت اتکای گزارشگری اطلاق می شود.
- ۴) اهداف رعایتی: به رعایت قوانین و مقررات گفته می شود.

مزایای مدیریت ریسک یکپارچه (ERM):

- ۱) افزایش احتمال دستیابی به اهداف
- ۲) درک بهتر ریسک های مهم و عواقب آن
- ۳) تمرکز بیشتر مدیریت ارشد بر مسائل بسیار مهم
- ۴) کاهش بحرانها و موارد غافلگیر کننده
- ۷) تمرکز بیشتر بر کارایی و اثر بخشی
- ۶) افزایش احتمال موفقیت کارهای ابتکاری

فعالیت های موجود در ERM:

- ۱) بیان واضح هدفهای سازمان
- ۲) تعیین حداکثر میزان ریسک قابل قبول سازمان (تعیین سطح پذیرش ریسک)

ریسک قابل قبول (Risk Appetite): سطح ریسک پذیرفتی برای هیئت مدیره یا مدیریت سازمان است. این پذیرش ممکن است در سطح کل سازمان، برای گروه‌های متفاوتی از ریسک‌ها یا در سطح یک جداگانه باشد.

(۳) استقرار یک محیط مناسب داخلی شامل چارچوب مدیریت ریسک

چارچوب مدیریت ریسک (Risk management frameworks): تمام ساختارها، روشها و تعریف‌هایی است که یک سازمان انتخاب کرده است تا برای استقرار و پیاده‌سازی فرایندهای مدیریت ریسک مورد استفاده قرار گیرد.

(۴) شناسایی تهدیدها و موانع بالقوه دستیابی به اهداف

(۵) ارزیابی ریسک (شدت و احتمال و اثر بروز تهدیدها و تجزیه و تحلیل آنها)

(۶) احتمال و اجرای شیوه‌های واکنش به ریسک

واکنش به ریسک (Risk Responses): روشهایی است که به وسیله آنها سازمان، مدیریت ریسک‌های جداگانه را انتخاب می‌کند. طبقات اصلی واکنش به ریسک شامل تحمل آن، رفتار به گونه‌ای که اثر یا احتمال آن کاسته شود، انتقال آن به یک سازمان دیگر، یا اتمام فعالیت پدید آورنده آن است.

(۷) پذیرش مسئولیت واکنش‌ها و کنترل‌های به کار گرفته شده

(۸) اطلاع‌رسانی مربوط به ریسک‌ها به طور منظم به کلیه سطوح سازمان

(۹) نظارت و هماهنگی فرایندهای مدیریت ریسک و نتایج مربوطه

فرایندهای مدیریت ریسک (Risk Management processes): فرایندهایی برای شناسایی، ارزیابی، مدیریت و کنترل رویدادها یا وضعیت‌های بالقوه به منظور فراهم‌آوری اطمینان لازم در رابطه با دستیابی به هدفهای سازمان است.

(۱۰) ایجاد اطمینان نسبت به اثربخشی مدیریت ریسک‌ها

اثر بخشی مدیریت ریسک‌ها به نتیجه قضاوت در این مورد بستگی دارد که هشت جزء زیر به گونه‌ای موثر عمل می‌کند یا خیر.

اجزای مدیریت ریسک واحد اقتصادی:

(۱) **محیط داخلی:** جو عمومی سازمان را در بر می‌گیرد و مبنای در مورد نحوه نگرش افراد مختلف سازمان به ریسک‌ها، فلسفه مدیریت ریسک، میزان ریسک قابل پذیرش، درستکاری و ارزش‌های اخلاقی و محیطی که واحد در آن عمل می‌کند ارائه می‌دهد.

(۲) **هدف‌گذاری:** قبل از اینکه مدیریت، رویدادهای بالقوه موثر بر دستیابی به اهداف را شناسایی کند، مزبور باید مشخص شود.

(۳) **شناسایی رویدادها:** رویدادهای داخلی و خارجی موثر بر دستیابی به اهداف واحد اقتصادی باید شناسایی شوند و تفاوت بین آنها به لحاظ ریسک‌ها و فرصت‌ها مشخص شوند.

(۴) **ارزیابی ریسک:** ریسک‌ها باید تجزیه و تحلیل و احتمال و آثار آن به عنوان مبنایی برای چگونگی مدیریتشان تعیین شود.

(۵) **واکنش به ریسک:** مدیریت میزان واکنش به ریسک‌ها، اجتناب، پذیرش، کاهش یا تقسیم ریسک را حسب مورد انتخاب کرده و مجموعه‌ای از اقدامات لازم را تدوین می‌کند.

۶) فعالیتهای کنترلی: مدیریت سیاستها و روشها جهت اطمینان از اینکه واکنشها یا پاسخهای مناسب در مقابل ریسک به طور موثر انجام و در سازمان مستقر می شود.

۷) اطلاعات و ارتباطات: اطلاعات باید شناسایی، جمع آوری و در شکل و چارچوب زمانی مناسب انتقال یابد به گونه ای که مدیریت قادر به انجام مسئولیت هایش باشد.

۸) نظارت: مدیریت ریسک واحد اقتصادی باید به طور کامل مورد نظارت قرار گرفته و تعدیلات لازم در آن اعمال شود. این فرایند دقیقاً پشت سر هم نیست که یک جزء به تنهایی بر دیگری اثرگذارد بلکه فرایندی است که در آن تقریباً هر جزء می تواند بر اجزای دیگر اثر گذار باشد.

نقش حسابرسی داخلی در ERM :

یکی از مهم ترین الزامات هیات مدیره این است که نسبت به فرایندهای مدیریت ریسک و کارکرد موثر آنها و همچنین مدیریت مناسب ریسکها در سطوح قابل قبول اطمینان حاصل نماید، حصول اطمینان باید با بی طرفی همراه باشد به همین دلیل نقش نهاد حسابرسی داخلی بسیار پراهمیت می شود منابع دیگر عبارتند از حسابرسان مستقل و ارزیابان مستقل تخصصی .

کار حسابرسان داخلی معمولاً اطمینان بخشی در سه حوزه زیر می باشد:

- ۱) فرایندهای مدیریت ریسک، هم در عرصه طراحی و هم در زمینه عملکرد
 - ۲) مدیریت ریسک های مهم شامل اثربخشی کنترلها و سایر شیوه های برخورد با آنها
 - ۳) ارزیابی مناسب و قابل اتکا ریسکها و گزارشگری ریسک و کنترلها
- "مهم ترین نقش حسابرسی داخلی در ارتباط با ERM ارایه یک اطمینان بی طرف به هیات مدیره از اثربخشی مدیریت ریسک می باشد."

دو مورد از مهم ترین روشهایی که حسابرسی داخلی می تواند به ارزش افزایی در زمینه مدیریت ریسک یکپارچه در سازمان پردازد عبارتند از:

- ۱) ارایه اطمینان بی طرف نسبت به وجود مدیریت صحیح ریسک های مهم
 - ۲) ایجاد اطمینان نسبت به کارکرد موثر چارچوب کنترل های داخلی و مدیریت ریسک
- مهم ترین سوالاتی که هنگام تعیین بایدها و نبایدهای ایفای نقش حسابرسی داخلی در ERM مطرح می شود آن است که آیا ایفای این نقش تهدیدی برای استقلال و بی طرفی حسابرسی داخلی محسوب می شود و اینکه آیا موجب بهبود فرایندهای مدیریت ریسک، کنترل و حاکمیت سازمانی می شود یا خیر.

نقش های محوری (اطمینان بخشی)

این وظایف بخشی از هدف کلی کسب اطمینان از مدیریت ریسک را تشکیل می دهند. میزان ایفای این نقشها بستگی به عواملی چون وجود منابع کافی داخلی و یا بیرونی در اختیار هیات مدیره و همچنین بلوغ ریسک (بلوغ ریسک Risk maturity: حدی است که بر اساس طرح ریزی مدیریت برای رویکرد قوی مدیریت ریسک در سراسر سازمان اقتباس شده و به کار گرفته می شود تا تهدیدها و فرصتهایی که بر دستیابی به هدفهای سازمان تاثیر می گذارند شناسایی، ارزیابی، واکنش و گزارش شوند) در سازمان دارد و در زمانهای مختلف یکسان نمی باشد. تخصص حسابرسی داخلی در منظور کردن ریسک و درک پیوندهای میان ریسکها و غیره به معنی این است که دارای صلاحیت خوبی به عنوان حامی و حتی

مدیر پروژه مدیریت ریسک در عرصه سازمان به ویژه در مراحل اولیه است. همگام با افزایش بلوغ ریسک و زمانی که دیگر مدیریت ریسک در بطن عملیات سازمان نهادینه می شود، همچنین وقتی سازمان بخش تخصصی مدیریت ریسک را راه اندازی می کند یا از کارشناسان مدیریت ریسک استفاده می کند نقش حسابرسی داخلی در دفاع و حمایت از ERM کاهش می یابد حسابرسی داخلی بیشتر با اجرای وظیفه اطمینان بخشی به ارزش افزایی می پردازد.

(۱) اطمینان بخشی در مورد وجود فرایندهای مدیریت ریسک

(۲) اطمینان بخشی در مورد ارزیابی درست ریسکها

(۳) ارزیابی فرایندهای مدیریت ریسک

(۴) ارزیابی گزارشگری ریسک های مهم

(۵) بازبینی و بررسی مدیریت ریسک های مهم

نقش های احتیاطی حسابرسی (مشاوره ای)

(۱) تسهیل شناسایی و ارزیابی ریسک ها

تسهیل یا هماهنگی (Facilitation): یعنی همکاری با یک گروه یا فرد برای تسریع در دستیابی به اهداف مورد نظر آنها و عبارت است از شنیدن، به چالش کشیدن، بررسی، پرسیدن و پشتیبانی از گروه و اعضای آن، این فرایند انجام کار و یا تصمیم گیری را شامل نمی شود.

(۲) یاری نمودن و هدایت مدیریت در واکنش به ریسک ها

(۳) هماهنگ نمودن فعالیتهای مربوط به ERM

(۴) حمایت و توسعه چارچوب ERM

(۵) دفاع از ایجاد و استقرار ERM

دفاع (Champion): منظور از مدافع یا حامی مدیریت ریسک در اینجا کسی است که از منافع مدیریت ریسک دفاع کرده و کارکنان و مدیریت سازمان را در اجرای وظایف لازم برای اجرای مدیریت ریسک آموزش داده و در عمل نیز آنها را حمایت و تشویق می نماید.

(۶) تدوین استراتژی مدیریت ریسک به منظور تصویب از سوی هیات مدیره

نمونه ای از وظایف مشاوره ای که حسابرس داخلی می تواند ایفا نماید:

(۱) قرار دادن ابزارها و روشهای مدیریتی مورد استفاده به وسیله حسابرس داخلی برای تجزیه و تحلیل ریسک ها و کنترل ها

(۲) پشتیبانی و دفاع از معرفی ERM در سازمان و تقویت تخصص لازم مربوط به کنترل و مدیریت ریسک و شناخت کلی از سازمان

(۳) ارائه مشاوره، حمایت و تسهیل برگزاری کارگاه های آموزشی، آموزش مفاهیم ریسک و کنترل

(۴) پشتیبانی از مدیریت در شناسایی بهترین روشهای کاهش ریسک

مهم ترین عامل برای اطمینان از سازگاری خدمات مشاوره ای با نقش اطمینان بخشی این است که ببینیم آیا حسابرس داخلی مسئولیت مدیریتی تقبل کرده است یا خیر. در ارتباط با ERM، حسابرس داخلی می تواند به ارائه خدمات

مشاوره ای بپردازد اما تا زمانی که واقعا هیچ نقشی در مدیریت ریسک ها ندارد و مدیریت ارشد به طور فعال از ERM حمایت می نماید.

هرچه که حسابرس داخلی از نقشهای اطمینان بخشی به سمت نقش های مشاوره ای و نقشهایی که نباید بپذیرد بیاید تضمین بیشتری برای اطمینان یافتن از حفظ استقلال و بی طرفی آن مورد نیاز است.

نقش هایی که حسابرسی داخلی نباید بپذیرد:

(۱) تعیین سطوح تحمل ریسک (میزان تمایل سازمان به ریسک)

(۲) ایجاد فرایندهای مدیریت ریسک

(۳) تصمیم گیری در مورد روشهای مقابله با ریسک

(۴) اجرای روشهای مقابله با ریسک به نیابت از مدیریت

(۵) پاسخگویی در قبال مدیریت ریسک

ممکن است نقش حسابرسی داخلی در ERM افزایش یابد اما مشروط به اینکه:

(۱) باید این موضوع روشن شود که مسئولیت مدیریت ریسک برعهده مدیریت است.

(۲) مسئولیتهای حسابرسی داخلی باید در منشور حسابرسی داخلی بیان شده و از سوی کمیته حسابرسی به تصویب رسیده باشد.

(۳) حسابرسی داخلی نباید وظیفه مدیریت هیچ یک از ریسکها را بر عهده بگیرد.

(۴) در مواقعی که حسابرسی داخلی مسئولیتی در فرایند ERM بر عهده دارد از ارایه وظیفه اطمینان بخشی بی طرف خودداری نماید.

(۵) حسابرسی داخلی باید از اتخاذ تصمیمات مدیریت ریسک اجتناب ورزیده و نقش توصیه ای و حمایتی رادر این گونه تصمیمات ایفا نماید.

مهارتها و دانش حرفه ای مورد نیاز

حسابرسان داخلی و مدیران ریسک، تخصص، مهارتها و ارزش های مشترکی دارند. مثلا هر دو الزامات حاکمیت شرکتی را می دانند از مهارتهای مدیریت پروژه، تجزیه و تحلیل امور برخوردارند و همچنین از تعادل درستی در برخورد با ریسک برخوردارند یعنی در نگرش به ریسک نه ریسک پذیر افراطی هستند نه ریسک گریز. از طرفی مدیران ریسک فقط در خدمت مدیریت سازمان بوده و ملزم به ارایه خدمات اطمینان بخشی مستقل و بی طرف به کمیته حسابرسی نمی باشند. هر حسابرس داخلی که مهارتها و دانش لازم را ندارد نباید کارهای مربوط به حوزه ریسک را تقبل نماید.

موارد اختلاف بین دستوالعمل‌های و قوانین حسابرسی مالیاتی و استانداردهای حسابداری

تهیه مطالب توسط : معظمی

حسابداری یک سیستم اطلاعاتی است که اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان برای تصمیم‌گیری را فراهم می‌نماید. بخش عمده‌ی اطلاعات مالی تهیه شده توسط سیستم حسابداری را صورتهای مالی اساسی تشکیل می‌دهد. یکی از گروههای استفاده کننده از این اطلاعات، دولت است که به مقاصد مالیاتی عملاً این اطلاعات را بکار می‌گیرد. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه رکن رکین تصمیم‌گیری مالیاتی است. این اطلاعات بایستی از منابع مختلف و قابل اعتماد استخراج و از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. برطبق ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم، صاحبان مشاغل مکلفند اسناد و مدارک مثبت کافی را برای تشخیص سود مشمول مالیات نگهداری کنند و همچنین آن دسته از صاحبان مشاغل که بموجب قانون مکلف به ثبت فعالیت‌های شغلی خود در دفاتر روزنامه وکل موضوع قانون تجارت می‌باشند، باید دفاتر و اسناد و مدارک مربوط را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری نگهداری کنند.

برطبق قانون مالیاتهای مستقیم صورتهای مالی بایستی براساس استانداردهای پذیرفته شده حسابداری که ضوابط شناسایی و اندازه‌گیری را مشخص می‌کند، تهیه و تنظیم گردند. از طرف دیگر به دلیل استخراج اطلاعات مالی عناصر حسابداری مبنای محاسبه، مالیات، از دفاتر قانونی و صورتهای مالی تدوین شده برطبق استانداردهای حسابداری، مؤدیان مالیاتی انتظار دارند که سود حسابداری محاسبه شده با درآمد مشمول مالیات مطابقت داشته باشد. اما به دلایلی، سود حسابداری ابزاری توسط مؤدی مالیاتی با درآمد مشمول مالیات تشخیص شده توسط سازمان مالیاتی مغایرت دارد. این مغایرت ممکن است دوطرفه باشد یعنی با تعدیلات انجام شده گاهی سود مشمول بیش از سود حسابداری و گاهی سود مشمول مالیات

کمتر از سود حسابداری باشد. به همین دلیل مؤدیان یا حسابداران و ماموران مالیاتی از سالها قبل هم عقیده شده‌اند که قوانین مالیاتی با استانداردهای حسابداری هماهنگ نمی باشند

حسابرسی مالیاتی بموجب ماده ۲۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم و آیین نامه های بعدی مقرر شد است . و وظیفه آن انجام امور بررسی و رسیدگی به اسناد مالی شرکت به منظور تعیین درآمد مشمول مالیات و محاسبه مالیات مقرر و اطمینان از انجام تکالیف مالیاتی شرکت یا واحد تجاری رسیدگی شونده بموجب دستور العمل تعیین شده توسط سازمان امور مالیاتی است.

استانداردهای حسابداری بر مبنای مفاهیم نظری گزارشگری مالی تدوین گردیده است. مفاهیم نظری مزبور توسط کمیته تدوین استانداردهای حسابداری با هدف تدوین استانداردهای حسابداری هماهنگ تهیه شده است.

در این مقاله سعی شده است موارد مغایر بین دستورالعملهای حسابرسی مالیاتی و استاندارد های حسابداری مورد توجه قرار بگیرد.

طبق ماده ۲۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم موسسات و شرکت هایی که سقف دارایی های آنها به ۱۶ میلیارد ریال و یا فروش و درآمدهای آنها به ۸ میلیارد ریال رسیده باشد مکلف به انتخاب حسابرس و بازرس قانونی از بین حسابداران رسمی هستند که موظف به تهیه گزارش حسابرسی مالی و اعلام نظر نسبت به صورتهای مالی هستند .

ولی حسابرسی مالیاتی در صورتی ضروری است که همان واحد تجاری ، انجام حسابرسی مالیاتی را از حسابرس خود بخواهند در غیر این صورت این حسابرسی الزامی نیست و پرونده مالیاتی توسط ممیزی دارایی رسیدگی می شود.

در صورت درخواست واحد تجاری برای انجام حسابرسی مالیاتی ، حسابداران رسمی یا موسسه حسابرسی مکلفند است گزارش حسابرسی مالیاتی را طبق نمونه‌ای که از طرف سازمان امور مالیاتی تهیه می‌شود، تنظیم کنند و به منظور تسلیم به اداره امور مالیاتی مربوط، در اختیار مودی قرار دهند.

یه موضوعی که به نظر من جالب است که در همین ابتدای مقاله به آن اشاره شود این است که شرکت ها در صورتی که حسابرسی مالیاتی خود را به موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران یا حسابدارن رسمی واگذار نمایند اداره مالیاتی به موجب تبصره ۱ ماده ۲۷۲ اداره امور مالیاتی گزارش حسابرسی مالیاتی را بدون رسیدگی قبول و مطابق مقررات برگ تشخیص مالیات را صادر نماید.

اما متأسفانه در سال‌های گذشته ضوابط فوق مورد عنایت سازمان امور مالیاتی قرار نگرفته و گزارشات حسابرسی مالیاتی برخلاف تبصره قانونی یاد شده، قبل از صدور برگ تشخیص مورد رسیدگی می‌گیرند. این موضوع به نظر بسیار جنجالی تر از اختلاف بین دستورالعملهای حسابرسی مالیاتی و استاندارد های حسابداری بوده است .

موارد مورد اختلاف بین دستورالعمل‌های حسابرسی مالیاتی و استاندارد های حسابداری به تفکیک مطرح و برای هر کدام توضیحاتی مختصر بیان گردیده است.

۱- استهلاک ها

استهلاک اموال و ماشین آلات در حسابرسی مالیاتی باید بر اساس جدول استهلاک ها در مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم موضوع ماده ۱۵۱ محاسبه گردد در این جدول روش استهلاک دارایی و نیز نرخ و سال مورد نیاز برای استهلاک دارایی نوشته شده است.

عدم رعایت دستورالعمل روش و نرخ استهلاک کردن دارایی ها به شرط کمتر هزینه کردن مورد قبول می شود اما در صورت اضافه و بالا گرفتن نرخ استهلاک جزء هزینه های غیر قابل قبول خواهد بود.

در صورتی که طبق استاندارد شماره ۱۱ (حسابداری دارایی ثابت) بند ۵۴ مطرح گردیده است که برآورد عمر مفید یک قلم دارایی ثابت مشهود موضوعی قضاوتی است که عمدتاً بر تجربه واحد تجاری در مورد دارایی های مشابه مبتنی است. روشهای قابل قبول این استاندارد خطمستقیم، نزولی و تعداد تولید یا کارکرد است.

اشکالات موجود در ماده ۱۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم :

با وجود اینکه سازمان امور مالیاتی از وضع ماده ۱۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم بدنبال ایجاد یکنواختی در صنایع مشابه جهت تشخیص درآمد مشمول مالیات می باشد اما بر این ماده نیز اشکالاتی را می توان ایراد نمود که عبارتند از :

عوامل موثر بر استهلاک :

در استانداردهای حسابداری استعمال ، گذشت زمان و سایر عوامل (دمه شدن ، نابابی ناشی از تغییر در تقاضا و ...) دلیل اصلی استهلاک شناخته شده است ولی در جدول استهلاکات موضوع ماده ۱۵۱ گذشت زمان بعنوان تنها عامل استهلاک شناخته شده است و عوامل دیگر مد نظر قرار نگرفته است . لذا مفهوم استهلاک از دیدگاه قانون مالیاتهای مستقیم با استانداردهای حسابداری متناقض می باشد .

معیار یا مبنای استهلاک :

در قانون مالیاتهای مستقیم جهت ایجاد یکنواختی بین واحدهای تجاری در نحوه محاسبه استهلاک مبنای (نرخ و مدت) یکسانی برای هر دارایی مقرر شده و برآورد این معیارها با طبقه بندی گروهی داراییهای مشابه انجام گرفته لذا برخی عوامل از جمله نوع و چگونگی استفاده از دارایی توسط واحدهای تجاری نادیده گرفته شده است بنابراین معیار یا مبنای محاسبه استهلاک طبق جدول استهلاکات (ماده ۱۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم) در برخی واحدهای تجاری بیانگر واقعیت نمی باشد

روشهای محاسبه استهلاک طبق قانون مالیاتهای مستقیم (تبصره ۳ جدول استهلاکات)

طبق قانون مالیاتهای مستقیم دو روش از روشهای مختلف استهلاك در قانون مجاز شناخته شده است با این توضیح که اگر برای دارایی طبق قانون مالیاتهای مستقیم نرخ تعیین شده باشد از روش نزولی و در مواردی که مدت تعیین شده باشد روش خط مستقیم بکار می رود به بیان دیگر مدت و نرخ ملاک تمییز بین دو روش است.

طبق استانداردهای حسابداری انتخاب روش سر شکن کردن مبلغ قابل استهلاك امری قضاوتی است در صورت استفاده از قوانین مالیاتی در راستای اهداف حسابداری ، انتخاب روش استهلاك ، از اختیار مدیران خارج شده و شاید محدودیتی برای افشاء خط مشی و عملکرد واقعی مدیران واحدهای تجاری یا اهم رویه های حسابداری نیز باشد .

ارزش اسقاط و مأخذ استهلاك :

در جدول ماده ۱۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم مأخذ استهلاك قیمت تمام شده دارایی می باشد . ومنظور از قیمت تمام شده بهای تحصیل دارایی و مخارج مربوط به تعمیرات اساسی آن می باشد . با این فرض ، ارزش اسقاطی که طبق استانداردهای حسابداری یکی از اقلام موثر در محاسبه استهلاك شناخته شده و قابل مستهلک شدن نمی باشد در جدول استهلاكات نادیده گرفته شده است

طرز محاسبه استهلاك کسری سال :

از نظر قانون مالیاتهای مستقیم (طبق بند ۳ ماده ۱۴۹) در صورتی که دارایی قابل استهلاك در خلال ماه (آنچه که از کلمه خلال در قانون استفاده می شود این است که باستثنای روز اول ماه ، روزهای دیگر ، همه خلال ماه هستند) در اختیار واحدهای تجاری قرار گیرد استهلاك آن از ماه بعد محاسبه خواهد شد . در نتیجه اگر مبلغ استهلاك طبق ماه مذکور با توجه به میزان کارکرد آن در همان ماه با اهمیت باشد نادیده گرفته می شود بعنوان مثال در صنایع کشتیرانی و هواپیمایی مقرون به صرفه نمی باشد .

استفاده نکردن موقت از داراییهای ثابت :

به موجب قانون مالیاتهای مستقیم لازمه شروع استهلاك احراز دو شرط است . یکی آنکه دارایی در اختیار موسسه قرار گرفته باشد و دیگر آنکه آماده بهره برداری باشد اعم از آنکه عملاً بهره برداری بشود یا نشود .

در مواقعی که یک قلم یا اقلامی از دارایی ثابت بعد از آماده بهره برداری بنا به دلایلی بطور موقت مورد استفاده واقع نگردد از لحاظ نظری این مسأله مطرح است که آیا استهلاك باید محاسبه شود یا خیر ؟

طبق تبصره ۶ ماده ۱۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم در مواردی که دارایی قابل استهلاك پس از آمدگی برای بهره برداری به علت تعطیل کار موسسه یا علل دیگری برای مدتی مورد استفاده قرار نگیرد ، میزان استهلاك آن در مدتی که مورد استفاده واقع نشده معادل ۳۰٪ نرخ استهلاكی خواهد بود که در جدول استهلاك بر آن دارایی تعیین گردیده است . با اشاره بر این

موضوع که در استانداردهای حسابداری و منابع حسابداری حکم قاطعی نسبت به توقف یا استمرار استهلاک در زمان عدم استفاده موقت وجود ندارد.

۲- تجدید ارزیابی

فزونی قیمت تعیین شده در تجدید ارزیابی بر ارزش ثبت شده یک دارایی، مازاد تجدید ارزیابی نامیده می شود. این مازاد نه عایدی است نه درآمد و نه چیز دیگری از این قبیل، زیرا، تجدید ارزیابی فقط انتساب ارزشهای جدید است به داراییهای موجود و واقعهای که درآمد یا عایدی ایجاد کند رخ نمی دهد. انتساب ارزشهای بالاتر به داراییهای موجود، طرف دارایی را در معادله حسابداری افزایش می دهد؛ برای ایجاد تعادل، حسابی به نام مازاد تجدید ارزیابی ایجاد و معادل مبلغ افزایش داراییها، به این حساب بستانکار می شود و مانده حساب مزبور بطور جداگانه در بخش حقوق صاحبان سرمایه انعکاس می یابد.

موضوع تجدید ارزیابی داراییهای ثابت مشهودی که به بهای تمام شده تاریخی در صورتهای مالی منعکس می گردد برای واحدهای تجاری غیر دولتی، اضافه ارزش ناشی از تجدید ارزیابی داراییهای ثابت، طبق ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم مشمول مالیات به نرخ ۲۵٪ بوده و افزایش بهای داراییهای موسسه ناشی از تجدید ارزیابی طبق تبصره ۱۰ ماده ۱۵۱ قانون مالیاتهای مستقیم قابل استهلاک نخواهد بود.

ایراد وارده:

به طوری که گفته شد، تجدید ارزیابی، عایدی یا منبع دیگری را برای شرکت تجدید ارزیابی شده فراهم نمی آورد که مشمول مالیات شود و وضعیت مالی واقعی شرکت تجدید ارزیابی شده، قبل و بعد از تجدید ارزیابی یکسان است. به نظر می رسد که هدف از برقراری این مالیات، جبران کاهش مالیات بر درآمد ناشی از افزایش هزینه استهلاک داراییهای استهلاکپذیر شرکتها به قیمتهای جاری باشد. اگر چنین است، معلوم نیست که چرا به صراحت و با صداقت، تمام یا بخشی از مابهالتفاوت هزینه استهلاک به قیمتهای ارزیابی بهعنوان هزینه غیرقابل قبول از لحاظ مالیاتی محسوب نشده است. علاوه بر این، این حکم اشکالاتی را در مورد اخذ مالیات از شرکتهای زیانده پدیده می آورد. برای مثال، در شرکتی که زیان قابل توجهی دارد اگر مابه تفاوت هزینه استهلاک به عنوان هزینه غیرقابل قبول قلمداد شود باز هم زیان خواهد داشت و مشمول مالیات بر درآمد نخواهد بود. حال آنکه طبق مقررات این ماده باید مالیاتی مازاد تجدید ارزیابی داراییهای استهلاکپذیر بپردازد.

از طرفی دیگر(عنوان مقاله)

از آنجایی که کشورمان در شرایط آشفستگی اقتصادی قرار دارد می توان این موضوع را بررسی کرد که هدف اصلی از تجدید ارزیابی داراییها مواردی همچون بهبود کیفیت اطلاعات مالی برای تصمیمگیری آگاهانهتر است یا هدفهایی چون افزایش سرمایه، پوشانیدن زیان انباشته، افزایش بهای تولیدات، فروش سهام شرکتها به قیمتی بالاتر را مد نظر قرار می دهد.

۳- کاهش ارزش سرمایه گذارها

زیان (هزینه) کاهش ارزش سرمایه گذارینها در هر صورت به علت عدم پیش‌بینی آن به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی به شرح مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم و با عنایت به مفاد ماده ۱۴۳ قانون یاد شده به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی نمی‌گردد.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور علی اکبر عرب مازار در مورد کاهش ارزش سرمایه گذارینها مطلب فوق را ذکر کرده است. (مجله اقتصاد)

اما در استاندارد شماره ۱۵ حسابداری ایران این هزینه قابل شناسایی و طبق بند ۵۳ این استاندارد باید در صورت سود و زیان شرکت نیز انعکاس یابد.

۴- ذخیره مطالبات مشکوک الوصول

پذیرش ذخیره مطالبات مشکوک الوصول در قوانین مالیاتی مشروط به رعایت موارد مندرج در بند ۱۱ ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم می باشد.

بر اساس مفاد آئین نامه اجرائی موضوع بند (۱۱) ماده ۱۴۸ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، هزینه مطالبات مشکوک الوصول و منظور نمودن ذخیره آن در صورت رعایت شرایط زیر در حساب مالیاتی قابل قبول خواهد بود:

۱- هزینه منظور شده برای مطالبات مشکوک الوصول منحصراً باید در ارتباط با فعالیت موسسه باشد قابل تفکیک برای هر مشتری را داشته باشد، مدارک مبنی بر عدم وصول قانع کننده باشد.

۲- هزینه مطالباتی که مربوط به طلب از کارمندان، مدیران، سهامداران یا شرکاء و شرکتهای تابعه می باشد قابل قبول نخواهد بود.

همان گونه که مشخص است ذخیره مطالبات مشکوک الوصول منوط به شروط فوق است در صورتی که استاندارد های حسابداری شناسایی ذخیره مطالبات مشکوک الوصول را الزامی می داند.

۵- هزینه های شرکت های قبل از بهره برداری

بر طبق مقررات مالیاتی هزینه های تاسیس و هزینه های زائد بر درآمد دوره قبل از بهره برداری از تاریخ بهره برداری به مدت ۱۰ سال به طور مساوی قابل استهلاک است در حالی که طبق استاندارد موسسه می تواند در همان سال اول بهره برداری کل هزینه تاسیس را به حساب سود و زیان منظور نماید.

۶- معاوضه دارایی با دارایی

از نظر حسابداری:

برابر اصول و استانداردهای حسابداری معاوضه داراییهای در صورتیکه موارد زیر احراض گردد سود یا زیان شناسایی می شود:

الف- معاوضه دارایی محتوای تجاری باشد. (بین خالص جریانهای نقدی دارایی مبادله شده تفاوت با اهمیتی وجود داشته باشد)

ب- ارزش منصفانه دارایی های مبادله شده به گونه ای قابل اتکا قابل اندازه گیری باشد.

تنها در صورت احراض هر دو معیار فوق سود یا زیان شناسایی می شود در غیر این صورت باید این معاوضه بر پایه ارزش دفتری دارایی واگذار شده اندازه گیری شود.

از نظر مالیاتی:

برابر مقررات مالیاتی در معاوضه دارایی با دارایی دیگر (فروش یا صلح)، در مورد املاک، مالیات نقل و انتقال از طرفین وصول می گردد و در مورد معاوضه سایر داراییها، طرفی که منتفع شده است نسبت به مازاد مشمول مالیات است.

۷- زیان بر آوردی قراردادهای بلند مدت

قرار داد های بلند مدت اگر حتی قبل از شروع کار با برآوردها زیان نمایش بدهند و و عدم قبول کار نیز متضمن پرداخت جریمه باشد باید زیان بر آورد و شناسایی گردد.

طبق بند ۲۴ استاندارد شماره ۹ هرگاه انتظار رود که پیمان منجر به زیان گردد (کل مخارج پیمان از کل درآمد پیمان تجاوز کند)، باید زیان مربوط، فوراً به عنوان هزینه دوره شناسایی شود.

از نظر قوانین امور مالیاتی این هزینه غیر قابل قبول است و دلیلش این است که هنوز شرکت هزینه ای را متحمل نشده است.

۸- کاهش ارزش سرمایه گذاری های جاری و سرمایه گذاریهای بلند مدت

بنا براسناددار شماره ۱۵ کليه سرمايه گذاري ها با ۶ روش تعيين شده شناسايي ، اندازه گيري و نگهداري مي گردند اما زيان (هزينه) کاهش ارزش سرمايه گذاريها در هر صورت به علت عدم پيش بيني آن به عنوان هزينه هاي قابل قبول مالياتي به شرح مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مالياتهاي مستقيم و با عنايت به مفاد ماده ۱۴۳ قانون ياد شده به عنوان هزينه قابل قبول مالياتي تلقى نمى گردد.

۹- ضايعات غير عادي

ضايعاتي که به دلایلي چون فقدان مهارت کافي کارگران و يا به صورت غيرعادي در توليد ايجاد مي شود را به عنوان ضايعات غيرعادي شناسايي مي کنند.

طبق بند ۲۵ ماده ۱۴۸ قانون مالياتهاي مستقيم است که بيان مي کند که ضايعات متعارف توليد جزو هزينه هاي قابل قبول مي باشد.

بنظر مي رسد منظور قانونگذار از متعارف ، مبهم نبودن ، و منطقي بودن ميزان و نحوه محاسبه ضايعات است که بايد مستدل و با مدارک مثبت باشد.

طبق تعريف موارد غير عادي مثل عدم مهارت کافي کارگران با بند ۲۵ ماده ۱۴۸ قانون مالياتهاي مستقيم همخواني ندارد.

از نظر استناددار ها قابل قبول است اما از نظر اداره مالياتي غير قابل قبول است.

۱۰- زيان (هزينه) کاهش ارزش موجوديها:

زيان (هزينه) کاهش ارزش موجوديها در هر صورت به علت عدم پيش بيني آن به عنوان هزينه هاي قابل قبول مالياتي به شرح مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون مالياتهاي مستقيم به عنوان هزينه قابل قبول مالياتي تلقى نخواهد شد.

۱۱- پرداختهاي انجام شده طبق قوانين بودجه سالانه کشور:

در مواردی که به موجب قوانين مصوب اشخاص مکلف به پرداخت وجوهی در وجه خزانه یا سایر مراجعی که قانونگذار ذکر نماید، باشند چنانچه طبق قانون مذکور یا سایر قوانين به عنوان هزينه قابل قبول اعلام شود و يا از ماخذ درآمد مشمول ماليات قابل وصول باشد، در اين صورت بر اساس قسمت اخير ماده ۱۴۷ قانون مالياتهاي مستقيم وجوه پرداختی مذکور به عنوان هزينه قابل قبول سال پرداخت تلقی و يا به استناد تبصره ۵ ماده ۱۰۵ از درآمد مشمول ماليات اشخاص قابل کسر خواهد بود در غير اين صورت به عنوان هزينه قابل قبول تلقی نخواهد شد.

موارد زیر نیز جزئی از موارد اختلافات است که در صورت صلاح دید استاد محترم پی گیری می گردد

۱۰- تغییر در برآوردها که منجر به افزایش هزینه گردد

۱۱- زیان حاصل از دوره توقف عملیات

۱۲- زیان کاهش ارزش داراییهای نامشهود در زمان فروش یا واگذاری قابل شناسایی

۱۳- زیان ناشی از کناره گذاری داراییهای غیر قابل استفاده یا اسقاط فاقد ارزش

نتیجه مقاله

حسابرسی که خود با درج بندهای حسابرسی در پیش نویس گزارش حسابرسی صاحبکار را ملزم به رعایت استانداردهای حسابداری کند در حالی که رعایت همان استاندارد متضمن پذیرش بار مالی سنگینی خواهد شد (نظیر موارد فوق) پس چه باید کرد؟

وظیفه کارگروه موضوع بند ۷/۲ علاوه بر رسیدگی به اختلافهای بین حسابداران رسمی بطور اعم از اعضای جامعه حسابداران و سازمان حسابرسی و سازمان امور مالیاتی، رفع اختلافها از طریق ارائه راهکارهای عملی است که متأسفانه تاکنون جز یک بخشنامه بلند بالا که در آن نیز عمده نظریات سازمان امور مالیاتی اعمال شد شاهد کاهش اختلافات نیستیم.

مغایرت بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی و به تبع آن سود حسابداری و سود مشمول مالیات طبیعی بوده و هر گونه تلاش برای رفع این مغایرتها هرچند تا حدودی نتیجه بخش بوده اما رفع کامل آن و تهیه استانداردهای حسابداری کاملاً "منطبق با قوانین مالیاتی و یا بالعکس امکان پذیر نمی باشد. همچنین اگر صورتهای مالی با مقاصد مالیاتی تهیه و تنظیم او و سود حسابداری به ازای اختلافات دائمی تعدیل و به ازای اختلافات موقت، تخصیص بین دوره ای مالیات صورت گیرد، بسیاری از مشکلات کنونی میان سازمان مالیاتی و مؤدیان مالیاتی و حسابداران رسمی مرتفع خواهد شد.